

نسخه ۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانستنی های حجاب

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کهگیلویه و بویر

احمد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۱۴ | دانشتیبهای حجاب |
| ۱۴ | مشخصات کتاب |
| ۱۵ | مقدمه |
| ۱۶ | حجاب در قرآن |
| ۲۲ | حجاب در روایات |
| ۲۳ | نگاه به نامحرم |
| ۲۵ | رابطه زن و مرد از دیدگاه چند روایت |
| ۲۶ | عذاب زنان بدکردار |
| ۲۸ | تفسیر آیات حجاب در قرآن |
| ۲۸ | مقدمه |
| ۳۷ | پی نوشتها |
| ۳۷ | فلسفه پوشش در اسلام |
| ۳۷ | واژه «حجاب» |
| ۴۲ | سیمای حقیقی مساله حجاب |
| ۴۲ | مقدمه |
| ۴۳ | ۱. آرامش روانی |
| ۴۸ | ۲. استحکام پیوند خانوادگی |
| ۵۱ | ۳. استواری اجتماع |
| ۵۴ | ۴. ارزش و احترام زن |
| ۵۴ | پی نوشتها |
| ۵۴ | حجاب شرعی |
| ۵۵ | آزار برای مردان |
| ۵۸ | رداء، بالا پوش برای مردان |

| | |
|-----|---------------------------------|
| ۵۹ | ازار. دامن برای بانوان |
| ۶۱ | خمار. شنل برای بانوان |
| ۶۸ | سادات و بانوان شوهردار |
| ۶۸ | در سوره احزاب آیه ۵۹ |
| ۷۲ | پاورقی ها |
| ۷۴ | پوشش بانوان در برابر مردان مخرم |
| ۷۴ | نویسنده |
| ۷۵ | کتاب |
| ۷۹ | روایات |
| ۸۵ | بررسی |
| ۸۸ | اجماع |
| ۹۰ | بررسی |
| ۱۰۳ | در روایت دیگر آمده |
| ۱۰۶ | در دو قسم آخر، اختلاف است |
| ۱۱۱ | تاکنون، روشن شد که |
| ۱۲۰ | پی نوشتها |
| ۱۲۳ | حجاب از دیدگاه فقهای متاخر |
| ۱۲۳ | نویسنده |
| ۱۲۳ | پیشگفتار |
| ۱۲۹ | ستر در نماز |
| ۱۳۱ | پرسش و پاسخ |
| ۱۳۲ | ستر مرد |
| ۱۳۳ | پرسش و پاسخ |
| ۱۳۳ | ستر زن از نامحرم |
| ۱۳۳ | ستر زن از بچه |
| ۱۳۴ | پرسش و پاسخ |

- انواع لباسهای زینتی ۱۳۶
- الف زنان ۱۳۶
- پرسش و پاسخ ۱۳۷
- ب مردان ۱۳۹
- ۱- طلا ۱۳۹
- ۲- حریر ۱۴۰
- ۳- ابریشم ۱۴۱
- پی نوشتها ۱۴۳
- نگاهی کوتاه به تاریخچه حجاب ۱۴۸
- کتاب ۱۴۸
- نویسنده ۱۴۹
- اطلاع من از جنبه تاریخی کامل نیست ۱۴۹
- پی نوشت ۱۵۵
- جنبه روانی حجاب ۱۵۵
- کتاب ۱۵۵
- نویسنده ۱۵۵
- نبودن حریم میان زن و مرد ۱۵۵
- حدود پوشش زن در اسلام ۱۶۰
- کتاب ۱۶۰
- نویسنده ۱۶۰
- بررسی ۱۶۰
- چهره و دو دست (وجه و کفین) ۱۶۲
- ادله موافق ۱۶۵
- الف. در مورد حرمت نظر به خواهر زن ۱۶۹
- ب. در مورد پسر بچه ۱۶۹
- ج. در مورد مملوک ۱۷۰

| | |
|-----|---|
| ۱۷۲ | ه. در مورد زنان بیابان نشین |
| ۱۷۸ | دله مخالف |
| ۱۷۸ | ۱. سیره مسلمین |
| ۱۸۲ | ۲. ملاک |
| ۱۸۸ | ۳. روایت |
| ۱۸۹ | ۴. خواستگاری |
| ۱۹۲ | ۵. آیه «جلباب» |
| ۱۹۲ | پی نوشت ها |
| ۱۹۵ | داستانهای حجاب |
| ۱۹۵ | مقدمه |
| ۱۹۸ | حجاب فرمان خداست |
| ۱۹۸ | حجاب در کتاب آسمانی |
| ۲۰۱ | حجاب در قرآن |
| ۲۰۲ | حجاب و عفت |
| ۲۰۴ | حجاب از نظر پیغمبر (ص) |
| ۲۰۶ | حجاب از نظر علی (ع) |
| ۲۰۸ | حجاب از نظر ائمه |
| ۲۰۸ | عذاب زنان |
| ۲۱۱ | مسیحی که مسلمان شد |
| ۲۱۴ | حجاب حضرت زهرا (علیها السلام) |
| ۲۱۶ | سؤال پیغمبر (ص) |
| ۲۱۷ | دختر شجاع |
| ۲۱۷ | مفاسد بی حجایی یا بدحجایی |
| ۲۲۰ | بی حجایی یا بدحجاب وبای اجتماع |
| ۲۲۲ | حجاب و آرامش |
| ۲۲۳ | بی حجایی یا بد حجایی یعنی بدبختی و نکبت و گرفتاری |

- بی حجابی یا بد حجابی باعث سقط جنین ۲۲۴
- آزیرهای خطر ۲۲۶
- بدحجابی و قتل ۲۲۷
- بدحجابی و کشتار ۲۲۸
- تمثیلات حجاب ۲۲۸
- رمز زیبایی ۲۲۸
- سیم خاردار ۲۲۹
- حجاب و سلامتی ۲۲۹
- حجاب عامل استحکام خانواده ها ۲۲۹
- حجاب همچون سدی آهنین ۲۳۲
- بی حجابی یا بدحجابی باعث فشارهای روانی ۲۳۴
- بی حجابی یا بدحجابی یعنی کمبود شخصیت ۲۳۶
- آمار فساد ۲۳۷
- زن با حجاب مانند گوهر در صدف ۲۳۸
- عصمتیان را به مقام جلال ۲۴۰
- حجاب یعنی شکوفایی استعدادها ۲۴۱
- ایرادهای مخالفان حجاب ۲۴۲
- پاسخ به اشکالات ۲۴۳
- آنجا که عیان است ۲۴۵
- دخترک مسیحی در رشت ۲۴۷
- خاطره ای از آیت الله مروارید ۲۴۷
- خاطره حجاب زنی از کشمیر ۲۴۸
- طاغوتی ها از حجاب می ترسند ۲۴۸
- حجاب زن آلمانی ۲۵۰
- بهترین خدمت به نسل جوان ۲۵۱
- خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب ۲۵۲

| | |
|-----|--|
| ۲۵۲ | نصایح خانم مجتهده امین |
| ۲۵۴ | سخنی از حجه الاسلام قرائتی در مورد حجاب |
| ۲۵۴ | مقابله با بی حجابی |
| ۲۵۵ | چادر نورانی |
| ۲۵۶ | حجاب در اجتماع |
| ۲۵۷ | حجاب و نماز |
| ۲۵۷ | الگوی زنان |
| ۲۵۸ | زن در اجتماع |
| ۲۵۹ | اعتراض شدید زینب (س) به یزید |
| ۲۶۰ | مبارزه با بی حجابی |
| ۲۶۱ | چند فراز از گفتار شهید مطهری پیرامون حجاب |
| ۲۶۲ | عوامل بی حجابی یا بدحجابی |
| ۲۶۳ | رضاخان مامور کشف حجاب |
| ۲۶۵ | زن بی حجاب |
| ۲۶۸ | حقیقت زن |
| ۲۶۹ | هتاک و خشونت برای مبارزه حجاب |
| ۲۷۲ | چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد |
| ۲۷۲ | انهدام خانواده |
| ۲۷۲ | جنایتهای خاندان پهلوی |
| ۲۷۵ | پر طاووس |
| ۲۷۵ | ارزش چادر |
| ۲۷۷ | بخشنامه ضد حجاب |
| ۲۷۸ | ارزشهای گرانقدر حجاب |
| ۲۸۲ | توصیه چارلی چاپلین به دخترش |
| ۲۸۲ | نتیجه |
| ۲۸۴ | فساد و سقوط اجتماع |

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۲۸۴ | شکست مسلمانان و زوال اسلام در اندلس |
| ۲۸۶ | گفته ها |
| ۲۸۷ | حجاب پیام عاشورا |
| ۲۸۸ | تاریخچه، اهداف و شیوه |
| ۲۸۹ | تاریخچه بی حجایی |
| ۲۹۳ | اهداف استعمار از کشف حجاب |
| ۲۹۵ | شیوه های استعمار در انتشار فساد |
| ۲۹۷ | بحران روسری نشانه وحشت غرب |
| ۲۹۹ | رعایت حجاب |
| ۲۹۹ | بی حجایی و فساد |
| ۳۰۱ | آیا فاطمه را شناخته ایم |
| ۳۰۱ | امام خمینی و رعایت حجاب در خانواده |
| ۳۰۲ | چهل سال او را ندیده |
| ۳۰۲ | کیفیت پوشش اسلامی یا حد حجاب |
| ۳۰۳ | چند تذکر |
| ۳۰۴ | لباس زنان |
| ۳۰۵ | حجاب از دیدگاه احادیث |
| ۳۰۷ | اختلاط زن و مرد |
| ۳۰۷ | دست دادن (مصافحه) با نامحرم |
| ۳۰۷ | خلوت با نامحرم |
| ۳۰۷ | شوخی با نامحرم |
| ۳۰۸ | تشبیه زن به مرد و بالعکس |
| ۳۰۸ | ترفندهای استعمار |
| ۳۰۹ | فروش زن |
| ۳۰۹ | شوهر عاشق |
| ۳۱۰ | حجاب گل باز نشده |

- ۳۱۰ زنی شوهر را داغ کرد
- ۳۱۰ قتل در خواب
- ۳۱۳ چینیه‌ها
- ۳۱۳ لباسهای جلف
- ۳۱۴ مثل این باشید
- ۳۱۵ پند
- ۳۱۵ نتیجه بدحجابی
- ۳۱۷ حجاب و عفت در کربلا
- ۳۱۸ پدر حجاب
- ۳۱۸ چادر نیمه
- ۳۱۸ شهید راه ولایت و حجاب
- ۳۲۰ الگوی تقوی
- ۳۲۰ ظاهر سازی
- ۳۲۱ ملاک برتری
- ۳۲۴ مسئله
- ۳۲۴ ناپاکی، شکست جامعه
- ۳۲۵ زنا و زنان
- ۳۲۸ محرم و نامحرم
- ۳۳۱ بقیه مسئله
- ۳۳۲ هشدار
- ۳۳۳ موعظه
- ۳۳۴ اثر کتابهای دینی
- ۳۳۵ انواع بدحجابها
- ۳۳۵ یکی از علماء می فرمودند
- ۳۳۸ خانم ن، ق، ز دانشجو تهران
- ۳۴۰ خانم ب، الف خانه دار تبریز

- ۳۴۲ خانم ر، ح معلّمه تهران
- ۳۴۲ خانم م بانوی تازه مسلمان انگلیسی الاصل خانه دار مشهد
- ۳۴۴ خانم ب، ث متخصص مامایی از آمریکا دانشگاه مشهد
- ۳۴۵ خانم الف، ب متخصص بیولوژی از آمریکا دانشگاه مشهد
- ۳۴۵ خانم س، الف مدرّس دانشگاه تهران
- ۳۴۶ خانم ل، ق معلّمه تهران
- ۳۴۸ خانم ز، ف معلّمه تهران
- ۳۴۹ خانم ن، خ دبیر دینی تهران
- ۳۵۱ خانم م، ز دانشجو تهران
- ۳۵۲ درباره مرکز

سرشناسه: همایش کشوری عفاف و حجاب (۱۳۸۹): یاسوج

عنوان و نام پدیدآور: عفاف و حجاب: گزیده مقالات همایش کشوری عفاف و حجاب ۳۱ فروردین ماه لغایت ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ / گردآورندگان حسن عیدی ... [و دیگران]؛ ویراستاری حسن عیدی، محمد ذوالعدل، محبوبه یزدان پناه؛ برگزار کنندگان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز هم اندیشی اساتید و نخبگان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

مشخصات نشر: یاسوج: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کهگیلویه و بویر احمد، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۵۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۵۳۴۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: گردآورندگان حسن عیدی، محمد ذوالعدل، حافظ ثابت، حسام الدین نبوی زاده، سامر مرادیان.

موضوع: حجاب - کنگره ها

شناسه افزوده: عیدی، حسن، ۱۳۵۷، ویراستار

شناسه افزوده: ذوالعدل، محمد، ۱۳۴۷، ویراستار

شناسه افزوده: یزدان پناه، محبوبه، ۱۳۳۸، ویراستار

شناسه افزوده: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان کهگیلویه و بویر احمد

شناسه افزوده: ایران. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. مرکز هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷ □ ۸۴ الف ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶

مقدمه

حجاب و پوشش صحیح زنان یکی از عوامل بسیار مؤثر در حفظ خانواده است. زنی که خودسرانه جلوه گری کند، آتش هوس مردان را می افروزد و چشم و دل سبکسران را بی اختیار به دنبال خود روان می کند.

هزاران پرونده جنایی و ناموسی، فحشا و روابط نامشروع بی شمار از عواقب تلخ بلای بی حجابی و بدحجابی است که گریبان دنیای امروز را گرفته است.

حجاب، حصار و حریم عفت زن و سنگر محکمی است که راه ورود فساد و هرزگی ها را سد می کند و به زن شخصیت و احترام می بخشد

تا ملعبه شهوات و بازیچه بوالهوسی ها قرار نگیرد. در جامعه ای که زنانش با حجاب صحیح و پوشش کامل رفت و آمد کنند، جوانان هم با خاطری آرام به کار خود مشغول می شوند و دور از هر گونه تحریک بی جا و خیال خام، در زمان مناسب، با رضایت و خرسندی به تشکیل خانواده علاقمند می گردند و ازدواج می کنند.

در دین مقدس اسلام به حجاب اهمیت خاصی داده شده است که به مواردی از آن اشاره می شود

حجاب در قرآن

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد.

یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است:

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساءالمومنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفورا رحیما»

(ای پیامبر، به زنان و دختران و نیز به زنان مومنین بگو خود را بیوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده مهربان است.)

جلاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد.

در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلا در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو

بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً- اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند.

هدف و فلسفه حجاب

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله ی تزکیه ی نفس و تقوا به دست می آید

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

(حجرات؛ ۱۳)

بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛

اوست خدایی که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد

و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه ی جهالت و گمراهی بودند.

از قرآن کریم استفاده می شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم چون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛

ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

حجاب چشم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

(نور؛ ۳۰)

ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

(نور؛ ۳۱)

ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند.

حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ

(احزاب؛ ۳۲)

پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ

(نور؛ ۳۱)

و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه

رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه ی لغوی عفت نیز وجود دارد؛

حجاب و عفت

دو واژه ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می گردد.

حجاب زنان سالمند

قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می گوید اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس هایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است.

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ

بِزِينِهِ وَأَنْ يَسْعَفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

(نور؛ ۶۰)

علاوه بر رابطه ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه ای از مرحله ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

آیا حجاب مانع همه بزهکاری های اجتماعی است؟

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می دهند آشکار می گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم ترین و اساسی ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله ی سنگ بنای دیگر حجاب ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده ی رفتارهای اوست.

البته، همان گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت ها و نشانه های عفاف

است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.

بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعبیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.

همچنین ببینید

حجاب نزد فاطمه زهرا

منابع

کتب تفسیر

حجاب در روایات

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«زنان در خانه به جایی که بر کوچه و بازار اشراف داشته باشند نروند، چرا که نگاه مردان به آنها خیره می‌شود. به آنان سوره نور را بیاموزید چون در این سوره از تحریم و عقوبت زنا و نیز از اجتناب نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.»

(۲) امیرالمومنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می‌دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز می‌داری، چرا که حجاب برای آنها ثبات بیشتری به ارمغان می‌آورد. از خروج بی حساب و بی رویه زنان جلوگیری کن، زیرا مفاسدی دارد؛ و اگر می‌توانی، کاری کن که همسرانت غیر از تو را نشناسند و با مردان رفت و آمد نداشته باشند...»

(۳) ام سلمه

می گوید

روزی من و میمونه خدمت رسول خدا بودیم که ابن مکتوم نابینا آمد. پیامبر به ما دو نفر فرمود چادر به سر کنیم و خود را بپوشانیم. ما گفتیم «یا رسول الله، ابن مکتوم که نابیناست و ما را نمی بیند.»

پیامبر فرمود:

«آیا شما هم کورید و او را نمی بینید؟!»

۴) امام رضا علیه السلام در نامه ای به یکی از یاران خود نوشت «نگاه به موی زنان حرام است، چون موجب تحریک و فساد است.»

منابع

بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب ۶۱ و ۶۲.

بحار الانوار، ج ۱۰۴، باب ۹۱.

مراجعه شود به

حجاب

نگاه به نامحرم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس به نامحرم نگاه کند، خداوند چشم او را روز قیامت از آتش پر می کند؛ مگر اینکه در دنیا توبه کند.»

و نیز فرمود:

«همه چشم ها در روز قیامت گریانند مگر چشمی که در دنیا از ترس خدا بگرید و چشمی که به نامحرم نگاه نکند و چشمی که در راه خدا شب را تا به صبح بیدار باشد.»

و نیز فرمود:

«نگاه نامحرمان تیری است مسموم از تیرهای ابلیس. هر کس از ترس خداوند چشم خود را از نگاه حرام باز دارد، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در قلبش حس کند.»

و نیز فرمود:

«زنا برای همه اعضای انسان وجود دارد زنای چشم، نگاه به نامحرمان است، زنای زبان، سخن گفتن با نامحرمان به قصد لذت طلبی، زنای گوش، شنیدن سخن نامحرمان و زنای دست، لمس بدن نامحرمان است.»

و نیز فرمود:

«خداوند بر زنی که شوهر دارد و به نامحرمان نگاه می کند خشم می گیرد.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس نامحرمی را دید و چشم خود را به طرف آسمان بلند کرد یا

بست، خداوند در بهشت، حورالعین بهشتی را به عقدش درمی آورد.»

منابع

بحار الانوار، ج ۱۰۴، باب ۹۱، ص ۳۱ تا ۴۲.

مراجعه شود به

حجاب

رابطه زن و مرد از دیدگاه چند روایت

رابطه آزادانه بین مرد و زن موجب برافروخته شدن احساسات و تحریکات جنسی است و غالباً به گناه کشیده می شود. لذا دین مقدس اسلام تا حد ممکن از ارتباطات غیر ضروری بین زن و مرد می کاهد. در این زمینه به چند روایت اشاره می شود

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اگر زن بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون برود تمام فرشتگان آسمان او را لعنت می کنند تا وقتی به خانه اش برگردد.»

و نیز فرمود:

«اگر زنی آرایش کند و عطر بزند و شوهرش به چنین وضعیتی برای همسرش راضی باشد، برای هر قدمی که زن بردارد، برای شوهرش خانه ای در آتش ساخته می شود؛ آن زن نیز مورد لعن خداوند است تا زمانی که به خانه بازگردد.»

و نیز فرمود:

«جایز نیست زنی با غیر شوهر یا غیر محرم خود بیش از پنج کلمه، آن هم در موارد ضروری، سخن بگوید.»

امیرالمومنین علیه السلام تمایل نداشت به زنان جوان سلام کند و می فرمود:

«نگرانم که گناه احتمالی آن بیش از ثوابش باشد.»

امام باقر علیه السلام فرمود:

«زنان نباید با صدای بلند، اذان و اقامه بگویند، و نیز شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه و تشییع جنازه برای زنان ضروری نیست. زنان نباید در حج صدای خود را به لبیک بلند کنند و نیز نباید در قضاوت وارد شوند.»

منابع

بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب ۶۱ و ۶۲ از ص ۲۴۰ تا ۲۶۳.

بحار الانوار، ج ۱۰۴، باب ۹۱ از ص ۳۱ تا ۴۲.

مراجعه شود به

حجاب

عذاب زنان بدکردار

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود

روزی من و فاطمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم. پیامبر سخت می گریست. من گفتم «پدر و مادرم فدای شما باد؛ چرا

گریه می کنید؟!»

رسول خدا فرمود:

«در شب معراج زن هایی از امت خود را دیدم که در عذاب شدیدی بودند. از دیدن وضع آنها بسیار اندوهگین شده ام.»

فاطمه علیهاالسلام عرض کرد «پدر جان، عمل آن زنان چه بود که به عذاب مبتلا شده بودند؟»

رسول خدا فرمود:

«زنی را به موهایش آویخته بود و مغز سرش در آتش می جوشید. او در دنیا موی خود را از مردان نمی پوشانده.

زنی را به زبانش آویخته بودند و آب جوش در حلقش می ریختند. او در دنیا شوهرش را اذیت می کرده. زنی را با پا در تنوری از آتش آویخته بودند چرا که بدون اجازه شوهر از خانه اش بیرون می رفته. زنی گوشت خودش را می خورد و در زیر پایش آتش برافروخته بودند. او در دنیا خود را برای مردان زینت می داده است.

دست های زنی را به پاهایش بسته بودند و مارها و عقرب ها بر او مسلط بودند. او در دنیا طهارت را مراعات نمی کرده و نماز را خوار می شمرده است.

زنی کور و کر و لال در تابوتی از آتش بود و مغز سرش از بینی اش خارج می شد و بدنش از جزام و برص پاره پاره شده بود. او از زنا بیچهار شده و بیچه را به شوهرش نسبت می داده است.

زنی گوشت تن خود را با قیچی پاره پاره می کرد. او در دنیا خود را در اختیار مردان قرار می داده است.

زنی صورت و بدنش در آتش بود و روده های خود را می خورد. او در دنیا برای زنا وساطت می کرده.

زنی سرش چون خوک و بدنش چون خر بود و هزاران هزار از انواع عذاب بر او می بارید. او زنی بوده سخن چین و دروغ پرداز.

زنی به صورت سگ

بود و آتش از دهانش خارج می شد و ملائکه با گرزهای آتشین بر سرش می کوفتند. او در دنیا زنی بوده آوازه خوان و حسود.»

آن گاه رسول خدا فرمود:

«وای بر آن زنی که شوهرش از او خشمگین باشد و خوشا به حال آن زنی که شوهرش از او راضی باشد.»

منابع

بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵، ح ۲۴.

مراجعه شود به

وظایف مشترک زن و شوهر

تفسیر آیات حجاب در قرآن

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

... اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن و لا يبدين زينتهن الا ماظهر منها و ليضربن بخمرهن على جيوبهن و لا يبدين زينتهن الا لبعولتهن او ابائهن او ابناء بعولتهن او ابنائهن او ابنائهن او اخوانهن او بنى اخوانهن او بنى اخواتهن او نسائهن او ما ملكت ايمانهن او التابعين غير اولى الاربه من الرجال او الطفل الذين لم يظهروا على عورات النساء و لا يضربن بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن و توبوا الى الله جميعا ايها المؤمنون لعلكم تفلحون (۱).

این آیه و آیه قبل هر دو درباره وظیفه زن و مرد در برخورد با یکدیگر و به علاوه مساله ستر عورت است. در آیه اول که مربوط به مرد است و در جلسه قبل تلاوت شد، دو فرمان به مردها داده شده بود نهی از چشم چرانی کردن و دیگر امر به ستر عورت و یا به تعبیر بالا-تر امر به خودداری از زنا، یعنی حفظ کردن دامن هم از نگاه که معنایش ستر عورت است و هم از فحشا. پس مردان موظفند هم چشمهای خودشان را از چشم چرانی نگهداری کنند و هم دامن خودشان را از فحشا نگهداری کنند. آیه ای که درباره مردهاست کوتاهتر

[از آیه مربوط به زنها] است و همین مقدار بیشتر نیست جز آن که بعد توصیه می کند اینکه ما می گوئیم چشمها را از نگاه کردنها نگهداری کنید و دامنها را از فحشا، خیال نکنید یک کاری است که ما بد شما را می خواهیم نه، پاکی شما را می خواهیم و خدای شما بهتر می داند و بهتر به کار شما آگاه است.

در آیه دوم که مربوط به زنهاست، عین همین دو دستور آمده است با همان تعبیر، با این تفاوت که ضمائر، مؤنث است. می فرماید به زنها هم بگوئید که چشمها را از چشم چرانی و از نگاه به آنچه نباید نگاه کرد حفظ کنند و دامنههای خودشان را، هم از نگاه کردن دیگران و هم از فحشا حفظ کنند، یعنی همان دستور و همان عبارتی که در مورد مردان آمد.

اینجا دو مطلب باید عرض کنم. این دو مطلب در مورد خانمها، با اینکه هیچ فرقی با آنچه در مورد مردهاست نمی کند، تا اندازه ای کوچک شمرده می شود یکی اینکه برخی زنها شاید این جور خیال کنند که فقط مردها مجاز نیستند که به زنها نگاه کنند (حال مطلقا نمی توانند یا از روی ریه و تلذذ نمی توانند، بعد بحث می کنیم)، فکر می کنند اگر ممنوع است، فقط مردها از نگاه کردن یا نگاه کردن با تلذذ و ریه ممنوعند و دیگر زن چنین ممنوعیتی نسبت به مرد ندارد و حال آنکه هیچ فرق نمی کند، اگر جایز نیست برای هر دو جایز نیست و اگر جایز است برای هر دو جایز است، یعنی در همان حد که مرد ممنوع است زن هم در همان حد ممنوع است. ولی معمولا خیال

می کنند که نه، فقط مرد است که نباید چشمش به زن بیفتد یا از روی تلذذ نباید نگاه کند ولی زن اگر چشمش به مرد افتاد یا هر جور ورنه انداز کرد اشکالی ندارد زیرا او زن است که به مرد نگاه می کند!

اینطور نیست، قرآن هیچ فرقی در مساله نگاه میان زن و مرد قائل نیست. البته بعضی از خانمها به این مساله توجه دارند ولی شاید خیلی از آنان به آن بی توجهند.

مطلب دوم که این را البته بیشتر توجه دارند و شاید قلیلی توجه نداشته باشند این است که خیال می کنند زن به زن مطلقا محرم است یعنی حتی به عورت زن هم محرم است، فقط مرد است که نسبت به عورت مرد دیگر نامحرم است ولی زن نسبت به تمام بدن هر زن حتی نسبت به عورت او، محرم است. البته این را همان طور که عرض کردم غالبا می دانند که چنین نیست ولی یک اقلیتی خیال می کنند که زن به زن مطلقا محرم است. اینطور نیست، در مورد عورت، زن هم به زن محرم نیست، حتی مادر هم به دختر خودش محرم نیست، دختر هم به مادر محرم نیست، خواهر هم به خواهر محرم نیست.

راجع به این دو مطلب، قرآن دستوری که به مرد می دهد مشابه آن را به زن هم می دهد و دستوری که به زن می دهد مشابهش را به مرد هم می دهد، ولی برای زنان یک وظیفه دیگری قائل شده است که این وظیفه، دیگر برای مرد نیست و آن اینکه زن را مکلف کرده است که باید خودش را بپوشاند ولی مرد را مکلف نکرده است، یعنی این تکلیف متوجه زن

است نه متوجه مرد. تعبیر قرآن این است «زنان زینت خودشان را نباید آشکار کنند». البته زینت و لو جدا هم باشد-مثل یک النگو که در کناری افتاده-مقصود نیست بلکه زینت درحالی که در بدن است مقصود است چون [آشکار کردن آن] مساوی است با دیدن خود زن. زنان نباید زینت خودشان را ظاهر کنند، اعم از اینکه از نوع زینتی باشد که بشود از بدن جدا کرد مثل النگو و یا انگشتر، یا زینتی که چسبیده به بدن است مثل چیزهایی که به بدن می مالند مانند «گل گونه» به اصطلاح قدیم.

زن زینت خود را نباید ظاهر کند مگر [در دو مورد]. دو استثنا در اینجا وجود دارد یک استثنا در مورد خود زینت است، یعنی مگر بعضی از زینتها و به تعبیر قرآن زینت ظاهر (۲)، و استثنای دوم در مورد افراد است و مگر برای بعضی از طبقات که در برابر آن طبقات که غیر شوهر او هستند (در مورد شوهر که محرز است)

زن می تواند حتی زینت غیر ظاهر را آشکار کند، و آنها پدران، پسران، برادرزادگان، خواهر زادگان، فرزندان شوهر [و چند طبقه دیگر هستند] که استثناها را بعد عرض می کنیم.

قبل از اینکه من این آیه را تفسیر کنم دو مطلب را باید توضیح دهم تا مطلب درست روشن بشود. یک مطلب این است که چرا زن مکلف شده است که خود را بپوشاند و مرد مکلف نشده است؟

پوشش به عنوان وظیفه زن ذکر شده است نه به عنوان وظیفه مرد؟

سر این امر واضح و روشن است و آن اینکه زن و مرد نسبت به یکدیگر احساسات مشابه ندارند و از نظر

وضع خلقت هم وضع غیر مشابهی دارند، یعنی این زن است که مورد تهاجم چشم و اعضا و جوارح و دست و همه بدن مرد است نه مرد مورد تهاجم زن. به طور کلی جنس نر و ماده در عالم این طورند، اختصاص به زن و مرد انسان ندارد، جنس نر در خلقت، «گیرنده» خلق شده است و جنس ماده به عنوان موجودی که مورد تهاجم جنس نر قرار می گیرد. در هر حیوانی هم که شما نگاه کنید آنکه به سراغ جنس دیگر می رود همیشه جنس نر است، در کیوتر و مرغ و اسب و الاغ و گنجشک و شیر و گوسفند [و غیره] اینطور است. در هر حیوانی آنکه وظیفه اش تهاجم است و غریزه تهاجم به او داده شده جنس نر است، جنس ماده در عین اینکه طالب جنس نر است ولی به این صورت نیست که او به سراغ جنس نر برود، و به همین دلیل است که در انسان هم جنس نر است که باید برود و خطبه کند و دختر را خواستگاری کند و این پسر است که به خواستگاری دختر می رود. خواستگاری کردن پسر از دختر یک امر بسیار عادی و یک امر بسیار طبیعی و فطری است. این اواخر، کسانی که ندانسته، یا بگویم تحمیق شده، دم از تساوی حقوق زن و مرد می زنند-و تساوی را با تشابه اشتباه می کنند و خیال می کنند تفاوت جنس مرد و زن فقط و فقط در آلائت تناسلی آنهاست و هیچ تفاوت دیگری در کار نیست-می نویسند این عجب عادت بدی شده! چرا پسرها باید به خواستگاری دخترها بروند؟

نه، بعد از این رسم این

جور باشد که دخترها هم به خواستگاری پسرها بروند!

اولا این، مبارزه با قانون خلقت است. اگر قانون خلقت را- آنجا که دو جنسی است- در همه جاندارها عوض کردید، اینجا هم می توانید عوض کنید. ثانیا این خودش یک امری است که به این وسیله ارزش جنس ماده بالا- رفته است، یعنی جنس نر جوری خلق شده است که طالب است و باید رضایت او را به دست بیاورد و به همین دلیل جنس نر همیشه خود را در خدمت جنس ماده قرار می دهد. در بسیاری از حیوانات و از آن جمله انسان نفقه جنس ماده بر عهده جنس نر است (در حیوانات لااقل در مدت بارداری یا در مدتی که جنس ماده روی تخم می خوابد اینطور است). احساسات جنس نر، جوری آفریده شده است که همین قدر که جنس ماده به همسری او رضایت دهد جنس نر حاضر است خود را در خدمت او قرار دهد، و اینها بر اساس حکمتهای بسیار بزرگی در عالم است.

«مهر» هم از همین قبیل است. اینکه گفته اند مرد یک چیزی را به عنوان «صداق» قرار بدهد، بر اساس همین اصل و ناموس (۳) است، یعنی زن باید در مقامی خودش را معرفی کند که بگوید این تو هستی که به من نیاز داری و نه من به تو، و جنس مرد باید در شکلی ظاهر شود که اوست که باید چیزی به زن نثار کند تا زن در مقابل او «آری» بگوید. مرد باید به او هدیه ببخشد. قرآن هم صداق را به عنوان «نحله» یعنی یک تعارف بیان می کند. اشتباه می کنند کسانی که می گویند «مهر» یعنی ثمن، یعنی بها، یعنی پول

برای خرید. نه، قرآن می گوید این نحله و هدیه است [همان طور که] وقتی شما می خواهید کسی را راضی کنید به شکلی که نیاز شما را رفع کند، شما به او هدیه می دهید نه او به شما.

تعبیر دیگر قرآن «صداق» است. صداق یعنی چیزی به علامت اینکه علاقه من علاقه راستین است، صادقانه است، دروغین نیست، برای شهوترانی نیست، برای همسری است، برای فریب دادن نیست، از روی حقیقت است.

اساساً وضع زن با مرد در اصل خلقت متفاوت است و به همین دلیل این زن است که خود آرای می کند برای جلب مرد. مرد هرگز با خود آرای نمی تواند نظر زن را به خود جلب کند. زن و زیور، زن و آرایش دو موجود توأم با یکدیگرند. زن موجودی است ظریف و لطیف. در هر جنسی-حتی در غیر انسان هم-جنس ماده همیشه ظریف تر و مظهر جمال و زیبایی و آرایش است، و وقتی می خواهند فتنه ایجاد نشود، به آنکه مظهر جمال است باید بگویند خودت را نشان نده نه به آنکه مظهر خشونت و قوت است، آن که جلب نظری ندارد، به به آنکه جلب نظر می کند می گویند اسباب غوایت و گمراهی فراهم نکن.

در دنیای امروز [به کار دیگری روی آورده اند] و البته این یک چیزی است که من به طور قطع و یقین می گویم امری نیست که دوام داشته باشد و آخر سرشان به سنگ خواهد خورد و به ناموس خلقت بر می گردند. اینکه زنها کوشش می کنند برای مردنمایی، و بر عکس، پسرها و مردها کوشش می کنند در جهت زن نمایی و دخترنمایی، یکی از آن هوسهای کودکانه زودگذر بشر است و بیشتر هم در ناحیه

پسرها دیده می شود. این دیگر یک پدیده مخصوص زمان ماست و از نظر من یک پدیده زودگذر است. خوششان می آید که مثل دخترها لباس بپوشند و ژستهای آنها را بگیرند، مثل آنها آرایش کنند به طوری که انسان وقتی برخورد می کند نمی فهمد این پسر است یا دختر، و به قول بعضی «مطالعات عمیق تری لازم است تا آدم بفهمد این پسر است یا دختر!». این یک امری است بر خلاف خلقت و اصول فطرت. بشر از این جور هوسهای احمقانه و کودکانه زیاد دارد ولی دوام پیدا نخواهد کرد.

پس یک مساله این است که حال که امر دائر بوده است که مرد و زن در معاشرت با یکدیگر آنچه را که «آزادی مطلق»

نامیده می شود نداشته باشند، یعنی به هر شکل با یکدیگر تماس نداشته باشند، چرا زن مکلف به پوشیدن شده نه مرد؟ رازش همین بود که عرض کردم.

مساله دیگر این است که اصل مطلب برای چیست؟

چه لزوم و ضرورتی دارد؟

چرا باید مساله محرم و نامحرم مطرح باشد؟

چرا باید زن خودش را از غیر محارم خودش بپوشاند؟

رمز و سر این مطلب چیست و چه فایده ای دارد؟

اولین خاصیتش خاصیت روانی است، یعنی آرامش روانی.

در هر جامعه ای که روابط زن و مرد بر اساس عفاف بود-عفاف در همین حدود اسلامی که عرض می کنم-یعنی زنان در خارج دایره ازدواج، خود آرا و خودنما نبودند و وسیله تهییج مردان را فراهم نکردند و مردان هم در خارج از دایره ازدواج دنبال لذت جویی و کامجویی به وسیله چشم، دست، لامسه و غیر لامسه نبودند قلبها و روحها آرام و سالم است، و در هر جامعه ای که بر عکس [این حالت] است اولین

ناراحتی اجتماعی، ناراحتیهای روانی است.

گروهی از فرنگیها گفتند خیر، وقتی زن و مرد از یکدیگر دور باشند ناراحتیهای روانی و عقده های روانی به وجود می آید. ولی تجربه همین یک قرن گذشته و کمتر از یک قرن گذشته کاملا ثابت کرد که مساله برعکس است، به هر اندازه که آزادی در مسائل جنسی بیشتر است التهاب در افراد زیادتر و بیشتر است چون غریزه جنسی انسان (مانند چند غریزه دیگر مثل غریزه جاه طلبی، غریزه علم طلبی و غریزه عبادت) صرفا ظرفیت جسمانی ندارد، ظرفیت روحی هم دارد.

غرائزی که صرفا ظرفیت جسمانی دارند مثل خوردن، دارای یک ظرفیت محدودی هستند. انسان یک مقدار محدود می تواند غذا بخورد، از آن بیشتر نمی تواند، اگر بگویند باز هم می خواهی، برایش مجازات است. ولی مالکیت چطور؟

مالکیت هم مثل خوردن است؟

آیا ظرفیت مالکیت برای انسان یک ظرفیت محدود است، یعنی اگر انسان مالک صد هزار تومان شد دیگر روحش هم از مالکیت [سیر می شود؟] نه، وقتی صد هزار تومان را دارا شد می خواهد دویست هزار تومان داشته باشد، وقتی دویست هزار تومان دارا شد تشنه تر است برای پانصد هزار تومان، میلیونر که شد تشنه تر می شود برای میلیارد شدن، و آنکه از همه مردم دنیا ثروتمندتر است از همه مردم دنیا برای ثروت تشنه تر است.

جاه طلبی چطور؟

آن هم همین طور است. یک آدمی که هیچ چیز ندارد، برای اینکه رئیس یک انجمن بشود دلش [لک] می زند ولی آیا رئیس انجمن که شد دیگر ظرفیتش پر می شود و می گوید همین کافی است؟

نه، بعد دلش می خواهد توسعه بیشتری پیدا کند، شهردار یک منطقه یا یک شهر کوچک بشود، بعد، از آن بالاتر [را

می خواهد]. اگر به یک نفر تمام دنیا را بدهند و بگویند تو سلطان جمیع عالم هستی، باز دغدغه بیشتری دارد که آیا می شود یک کره دیگری را هم تصاحب کنیم و بر آن کره هم حکومت کنیم؟

غریزه جنسی انسان هم همین طور است ... (۳)

پی نوشتها

۱. نور/۳۱.

۲. حال اینکه مقصود از «زینت ظاهر» چیست بعد عرض می کنیم.

۳. [به معنی قانون].

۴. [نوار بقیه بیانات استاد شهید متاسفانه در دست نیست].

آشنایی با قرآن جلد ۴ صفحه ۸۷ استاد شهید مرتضی مطهری

فلسفه پوشش در اسلام

شهید مطهری

فلسفه هایی که قبلا برای پوشش ذکر کردیم غالبا توجیهاتی بود که مخالفین پوشش تراشیده اند و خواسته اند آن را حتی در صورت اسلامی اش امری غیر منطقی و نامعقول معرفی کنند. روشن است که اگر انسان مساله ای را از اول خرافه فرض کند، توجیهی هم که برای آن ذکر می کند متناسب با خرافه خواهد بود. اگر بحث کنندگان، مساله را با بی طرفی مورد کاوش قرار می دادند در می یافتند که فلسفه پوشش و حجاب اسلامی هیچ یک از سخنان پوچ و بی اساس آنها نیست.

ما برای پوشش زن از نظر اسلام فلسفه خاصی قائل هستیم که نظر عقلی آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست.

واژه «حجاب»

پیش از اینکه استنباط خود را در این باره ذکر کنیم لازم است یک نکته را یادآوری کنیم. آن نکته این است که معنای لغوی «حجاب» که در عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است چیست؟

کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش «حجاب» نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان

غروب خورشید را این طور توصیف می کند حتی توارت بالحجاب (۱) یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. پرده حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» می نامند.

در دستوری که امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر نوشته

است می فرماید:

«فلا تطولن احتجابك عن رعيتك» (۲)

یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه خود از مردم پنهان کن؛ حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار بده تا ضعیفان و بیچارگان بتوانند نیازمندیها و شکایات خود را به گوش تو برسانند و تو نیز از جریان امور بی اطلاع نمانی.

ابن خلدون در مقدمه خویش فصلی دارد تحت عنوان «فصل فی الحجاب کیف یقع فی الدول و انه یعظم عند الهرم». در این فصل بیان می کند که حکومتها در بدو تشکیل میان خود و مردم حائل و فاصله ای قرار نمی دهند ولی تدریجا حائل و پرده میان حاکم و مردم ضخیم تر می شود تا بالاخره عواقب ناگواری به وجود می آورد. ابن خلدون کلمه «حجاب» را به معنی پرده و حائل (نه پوشش) به کار برده است.

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتا جدید است. در قدیم و مخصوصا در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است.

فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه «ستر» را به کار برده اند نه کلمه «حجاب» را.

بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می بردیم، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس

باشد و بیرون نرود.

وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند چنین چیزهایی وجود داشته است ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است و ما حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت ذکر خواهیم کرد. در آیات مربوطه لغت «حجاب» به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماسهای زن و مرد را ذکر کرده است بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد. آیه ای که در آن کلمه «حجاب» به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام.

می دانیم که در قرآن کریم درباره زنان پیغمبر دستورهایی خاصی وارد شده است. اولین آیه خطاب به زنان پیغمبر با این جمله آغاز می شود یا نساء النبی لستن کاحد من النساء یعنی شما با سایر زنان فرق دارید. اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه های خود بمانند، و در این جهت بیشتر منظورهایی اجتماعی و سیاسی در کار بوده است. قرآن کریم صریحاً به زنان پیغمبر می گوید و قرن فی بیوتکن یعنی در خانه های خود بمانید. اسلام می خواسته

است «امهات المؤمنین» که خواه ناخواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند از احترام خود سوء استفاده نکنند و احیاناً ابزار عناصر خودخواه و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند. و چنانکه می دانیم یکی از امهات المؤمنین (عایشه) که از این دستور تخلف کرد ماجراهای سیاسی ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد. خود او همیشه اظهار تاسف می کرد و می گفت دوست داشتم فرزندان زیادی از پیغمبر می داشتم و می مردند اما به چنین ماجرای دست نمی زدم.

سر اینکه زنان پیغمبر ممنوع شدند از اینکه بعد از آن حضرت با شخص دیگری ازدواج کنند به نظر من همین است؛ یعنی شوهر بعدی از شهرت و احترام زنش سوء استفاده می کرد و ماجراها می آفرید. بنابراین اگر درباره زنان پیغمبر دستور اکیدتر و شدیدتری وجود داشته باشد بدین جهت است.

به هر حال آیه ای که در آن آیه کلمه «حجاب» به کار رفته آیه ۵۳ از سوره احزاب است که می فرماید و اذا سالتموهن متاعا فاسالوهن من وراء حجاب یعنی اگر از آنها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می کنید از پشت پرده از آنها بخواهید. در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی هر جا نام «آیه حجاب» آمده است مثلاً گفته شده قبل از نزول آیه حجاب چنان بود و بعد از نزول آیه حجاب چنین شد، مقصود این آیه است که مربوط به زنان پیغمبر است (۳)، نه آیات سوره نور که می فرماید:

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ... الی آخر قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن.

یا آیه سوره احزاب که می فرماید:

یدنین علیهن من جلابیهن ... الی آخر.

اما اینکه چطور در عصر اخیر به جای اصطلاح رایج فقها یعنی ستر و پوشش کلمه

حجاب و پرده و پردگی شایع شده است برای من مجهول است، و شاید از ناحیه اشتباه کردن حجاب اسلامی به حجابهایی که در سایر ملل مرسوم بوده است باشد. مادر این باره بعداً توضیح بیشتری خواهیم داد.

سیمای حقیقی مساله حجاب

مقدمه

حقیقت امر این است که در مساله پوشش-و به اصطلاح عصر اخیر حجاب سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟

روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟

آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثنای زنا ببرد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند.

درست است که صورت ظاهر مساله این است که زن چه بکند؟

پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟

یعنی آن کس که مساله به نام او عنوان می شود زن است و احیاناً مساله با لحن دلسوزانه ای طرح می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟

اما روح مساله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟

یعنی آن که در این مساله ذی نفع است مرد

است نه زن، و لااقل مرد از زن در این مساله ذی نفع تر است. به قول ویل دورانت

«دامنهای کوتاه برای همه جهانیان به جز خیاطان نعمتی است.»

پس روح مساله، محدودیت کامیابیها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابیها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

حجاب در اسلام از یک مساله کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد و آن این است که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصر را برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذتجویی های جنسی به هم می آمیزد اسلام می خواهد این دو محیط را کاملا از یکدیگر تفکیک کند.

اکنون به شرح چهار قسمت فوق می پردازیم

۱. آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی بند و بار هیجانها و التهاهای جنسی

را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد. غریزه جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هر چه بیشتر طاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله ورت تر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت

۱. تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند حریصتر می شده اند، همچنین از آزمندانی در زمینه مسائل جنسی یاد می کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف و تملک زیبارویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند چنین بوده اند.

کریستن سن نویسنده کتاب ایران در زمان ساسانیان در فصل نهم کتاب خویش می نویسد

«در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می بینیم. این شهریان هیچ گاه از این میل سیر نمی شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می دادند به حرم خود می آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می کرد نامه ای چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می کرد. پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می دیدند به خدمت می بردند.»

از این گونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست، به شکل دیگر است، با این تفاوت که در جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و

هارون الرشید امکانات داشته باشد. در جدید به برکت تجدد فرنگی، برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند.

۲. هیچ فکر کرده اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟

قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می کند، به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند»، از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟

چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟

آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرای می کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرای کرده است؟

چرا هر کسی از شعرو غزل دیگری خوشش می آید؟

چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟

آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سرپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟

چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیت‌های بشر عامل اقتصاد است!!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنانکه برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری

است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشقها و غزلها عشق و غزل هایی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی درمی آید و یا به صورت عشق و غزل. ما بعدا در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرایطی حالت حرص و آز جنسی تقویت می شود و در چه شرایطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم... قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاههای مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از

مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد.

همان طور که بشر-اعم از مرد و زن-در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است.

هیچ مردی از تصاحب زیارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود.

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می گردد.

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟

علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه ها انجام می شود.

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خود آرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خود آرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه

ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

ما درباره طغیان پذیری غریزه جنسی و اینکه بر خلاف ادعای افرادی مانند راسل غریزه جنسی با آزاد گذاشتن کامل و خصوصا با فراهم کردن وسائل تحریک هرگز سیر نمی شود و اشباع نمی گردد و همچنین درباره انحراف «چشم چرانی» در مردان و انحراف «تبرج» در زنان، باز هم بحث خواهیم کرد.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود.

فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

علت اینکه جوانان

امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا- زود است، ما هنوز بیجه ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می کنند همین است؛ و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن اینهمه ارزان و فراوان گردد «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می دانستند، ولی امروز کامجوییهای جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد.

معاشرتهای آزاد و بی بند و بار پسران و دختران ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیانا چنانکه برخی از جراید پیشنهاد می کنند- با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز

زند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می نهد اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احیانا برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند، و ثانياً پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بدانند بر عکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببینند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را «زندانبان» بنامند.

وقتی پسر یا دختری می خواهد بگوید ازدواج کرده ام، می گوید برای خودم زندانبان گرفته ام. این تعبیر برای چیست؟

برای اینکه قبل از ازدواج آزاد بود هر کجا بخواهد برود، با هر کسی بخواهد برقصد، بلاسد، هیچ کس نبود که بگوید بالای چشمت ابروست. ولی پس از ازدواج این آزادیها محدود شده است، اگر یک شب دیر به خانه بیاید مورد مؤاخذه همسرش قرار می گیرد که کجا بودی؟

و اگر در محفلی با التهاب با دختری برقصد همسرش به او اعتراض می کند. واضح است که روابط خانواده در چنین سیستمی تا چه اندازه سرد و سست و غیر قابل اطمینان است.

بعضیها مانند برتراند راسل پنداشته اند که جلوگیری از معاشرتهای آزاد صرفاً به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است؛ برای حل اشکال، استفاده از وسائل ضد آبستنی را پیشنهاد کرده اند؛ در صورتی که مساله، تنها پاکی نسل نیست؛ مساله مهم دیگر ایجاد پاکترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تامین این

هدف وقتی ممکن است که زوجین از هر گونه استمتاع از غیر همسر یا همسران قانونی چشم‌پوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

به علاوه، زنی که تا اینجا پیش رفته است که به پیروی از امثال راسل و تقلید از صاحبان مکتب «اخلاق نوین جنسی» با داشتن همسر قانونی عشق خود را در جای دیگر جستجو می‌کند و با مرد مورد عشق و علاقه خود همبستر می‌شود، چه اطمینانی هست که به خاطر همسر قانونی که چندان مورد علاقه اش نیست وسائل ضد آبستنی به کار برد و از مرد مورد عشق و علاقه خود آبستن نشود و فرزند را به ریش همسر قانونی نبندد؟

قطعا چنین زنی مایل است که فرزندى که به دنیا می‌آورد از مرد مورد علاقه اش باشد نه از مردى که فقط به حکم قانون همسر اوست و الزاما به حکم قانون نباید از غیر او آبستن شود. همچنان مرد نیز طبعاً علاقه مند است که از زن مورد عشق و علاقه اش فرزند داشته باشد نه از زنی که با زور قانون به او پیوند کرده اند. دنیای اروپا عملاً نشان داده است که با وجود وسائل ضد آبستنی آمار فرزندان غیر مشروع وحشت آور است.

۳. استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. بر عکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده اند و گفته اند «حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی‌حجابی

و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است- و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند.

اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بیعار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذتجوییهای شهوانی است.

آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می کنند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک وجب بالای زانو نشسته باشد؟

آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟

اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیطها کار می کنند بپرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد از این نوع

آمیزشها جلوگیری می کند.

اگر باور ندارید تحقیق کنید.

حقیقت این است که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افتمیم از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی ها و شهوترانیهای سرمایه داران غرب است، بلکه یکی از طرق و وسائلی است که آنها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و درآوردن آنها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می برند.

«اطلاعات» ۵/۹/۴۷ گزارشی از اداره کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی نقل کرده است. درباره لوازم آرایش چنین می نویسد

«تنها در ظرف یک سال ۲۱۰ هزار کیلو مواد و لوازم آرایش از قبیل ماتیک، سرخاب، کرم، پودر، سایه چشم برای مصرف خانمها وارد شده است. از این مقدار ۱۸۱ هزار کیلوگرم آن انواع کرم بوده است. در این مدت به ۱۶۵۰ قوطی و ۲۵۰۰ دو جین پودر صورت و ۴۶۰۴ عدد روژ لب، ۲۲۸۰ عدد صابون لاغری، ۲۲۸۰ آمپول آرایشی اجازه ورود داده شده است. البته باید ۳۱۰۰ عدد سایه چشم و ۲۴۰۰ خط چشم را نیز به آن اضافه کرد.»

آری باید زن ایرانی به بهانه «تجدد» و «تقدم» و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت با وسائلی که در دنیای سرمایه داری تهیه می شود خود را در معرض نمایش بگذارد تا بتواند چنین مصرف کننده لایقی برای کارخانه های اروپایی باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و ماموریت دیگرش را

که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.

در جامعه های غیر سرمایه داری با همه احساسات ضد مذهبی که در آنجا وجود دارد کمتر شنیده می شود که چنین رسوایی ها به نام آزادی زن وجود داشته باشد.

۴. ارزش و احترام زن

قبلا گفتیم که مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر مغز و فکر نیز تفوق مرد لااقل قابل بحث است. زن در این دو جبهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است.

اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصا تاکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و باوقارتر و عقیقتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

بعدا در تفسیر آیات سوره احزاب خواهیم دید که قرآن کریم پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است و در نتیجه دور باش و حشمت آنها مانع مزاحمت افراد سبکسر می گردد.

پی نوشتها

۱- ص / ۳۲.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- رجوع شود به صحیح مسلم، ج ۴ / ص ۱۴۸-۱۵۱.

حجاب شرعی

محمدباقر بهبودی

در بیست و چهارمین سوره قرآن قسمتی از آداب اجتماعی اسلام، مطرح شده است. این سوره، به نام سوره [نور] خوانده می شود. در آغاز این سوره می خوانیم

ما این سوره قرآن را نازل کردیم و اجرای آن را بر همگان حتم و لازم نمودیم. در این سوره، آیات روشنی نازل کردیم، باشد که شما خود، احکام آن را دریابید.

از جمله این احکام، مساله حجاب است در آیه ۳۰، حجاب مردان و در آیه ۳۱، حجاب بانوان، مشخص شده است.

ازار برای مردان

آیه سی ام، که حجاب مردان را مشخص می کند، از این قرار است

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم، ذلک از کی الهم ان الله خبیر خبیر بما یصنعون.

ای رسول ما! به مردان مومن، بگو چشم خود را فرو بخوانند و از چاک دامن خود نیز مراقبت به عمل آورند. این شیوه، به پاکی جان آنان نزدیکتر است. به یقین، خداوند به کارهایی که صورت می دهید، آگاه و با خبر است.

در این آیه و آیه بعدی، دو نوبت، کلمه [فرج] به کار رفته است.

در همه موارد [فرج] را به معنای [چاک دامن] ترجمه کردیم.

در لغت اصیل عرب غیر از مفهوم چاک و شکاف، معنای دیگری برای این کلمه یاد نشده است. در معاجم، لغت و فرهنگنامه ها و نوشته اند که [فروج] به معنای قبای چاکدار است.

امام ابو عبدالله صادق [ع] می گوید

[اگر کسی شلوار نپوشد و تنها یک پیراهن ضخیم بپود و یا قبائی بپوشد که فرج آن کوتاه باشد، (یعنی چاک آن تا کمر نرسد) می تواند نماز بخواند] (۱)

علت آن که قرآن مجید می فرماید:

مراقب چاک لباس خود باشید.

آن است که در عهد نزول قرآن، مردم خصوصا مردم جزیره العرب، دو -

سه متر پارچه نادوخته را مانند لنگ حمام به کمر می بستند تا عورت خود را ستر کنند. نام این قطعه لباس، در زبان عرب [ازار] (بر وزن کتاب) است. در زبان عامیانه فارسی به آن [بستن] می گویند و در زبان آن بر روی هم قرار خواهد گرفت و مانند دامن زمانه، ساتر خواهد بود، ولی به هنگام راه رفتن و نشستن و برخاستن و خم و راست شدن، چاک آن باز می شود و احياناً، عورت آدمی مکشوف می گردد از این روی قرآن مجید می فرماید:

[مراقب چاک دامن خود باشید که باز نماند و اگر چاک دامن دیگران باز بود، از نظر دوختن به عورت آنان خودداری کنید و چشم خود را فرو بخوابانید (۲)].

در این قسمت آیه، صنعت ادبی [احتباك] به کار رفته است.

احتباك، یعنی قرینه بندی متقابل که صدر و ذیل سخن، یکدیگر را در آغوش بگیرند و کامل کننده هم باشند. این شیوه از ابداعات قرآن مجید است و در آیات فراوانی به کار رفته است. از جمله در سوره مومن آیه ۶۱ که می گوید

جعل لكم الليل لتسكنوا فيه و النهار و مبصرا.

خداوند، شب را آفرید تا آرامش بیابید و روز را روشن آفرید.

چنانکه ملاحظه می شود، ظاهراً، صدر و ذیل آلام ناتمام است، ولی با توجه به قرینه بندی متقابل، عبارت به این صورت تکمیل می گردد

[خداوند، شب را تاریک آفرید تا آرامش بگیرید و روز را روشن آفرید تا برای تلاش معاش برخیزید].

آیه مورد بحث هم به این صورت کامل می شود

[ای پیامدار حق!]

به مردان مومن بگو چشم خود را از چاک دامن دیگران، فرو بخوابانند و مراقب چاک دامن خود نیز باشند که از

معرض دید دیگران محفوظ نگه دارند].

امام ابو عبدالله صادق، علیه السلام، در ذیل این آیه به صراحت اعلام کرده است که

[در قرآن مجید، هر جا سخن از حفظ [فرج] به میان آمده باشد، منظور خداوند، عفت و پاکدامنی و ترک فحشاء است. به جز آیه مزبور که منظور الهی رعایت حجاب و دامن از نظاره دیگران می باشد لذا هیچ مرد مومنی روا نیست که در چاک دامن مومن دیگر، نظر بدوزد و بر هیچ بانوی مومنی روا نیست که در چاک دامن یک بانوی مومن نظر بدوزد و عورت او را دید بزند]. (۳)

از مفسرین صدر اول، ابن زید و ابو العالیه نیز، آیه را به همین صورت، تفسیر کرده اند. (۴)

در قرآن مجید، دو آیه دیگر وجود دارد که سخن از حفظ فرج به میان آورده است و منظور آیه، عفت و پاکدامنی است. متن آیه به این صورت، در دو سوره تکرار شده است

والذین هم لفروجهم حافظون الاعلی ازواجهم او ماملکت ایمانهم (۵).

آنان که نگهبان چاک دامن خود باشند، جز در برابر همسران خود یا کنیزان خود، نکوهشی بر آنان نخواهد بود.

در این دو آیه، نام بردن و همسران و کنیزان، قرینه است بر این که موضوع آیه، عفت و پاکدامنی است اگر چه، ضمناً، مساله حجاب را هم مطرح کرده است و ایجاب می کند جز در برابر همسران و کنیزان شخصی، نباید دامن خود را فرو هشت.

باید توجه داشت که از عهد نزول قرآن، کلمه [فرج] در معنای عورت و آلات تناسلی شهرت یافته است ولی چون در ریشه لغت عرب، به معنای چاک و شکاف است، قهراً، در معنای عرفی آن، که عورت باشد، به صورت

کنایه و مجاز استعمال شده است زیرا باز شدن چاک دامن، باعث می شود که عورت، مکشوف شود و حفظ دامن، باعث می شود که عورت مستور بماند.

این کنایه و مجاز، بعد از نزول آیات مزبور و دستور حفظ فرج (خواه به معنای عفت و پاکدامنی و خواهد به معنای ستر عورت) رفته رفته شهرت یافته است لذا آیات مزبور، به معنای اصلی کلمه حمل می شود، نه به معنای جدید الولاده ای که از خود قرآن نشأت گرفته است.

در هر حال، حجاب ضروری مردان، با همین یک قطعه لباس ساده، به نام فوطه و ازار کامل می شود لذا باید گفت که مومنان، باید از ناف تا زانو را مستور بدارند، جز این که سنت رسول الله، که براساس تقوای دینی تاسیس شده است، دستور می دهد که دامن فوطه را تا نیمه ساق پا، بلند بگیرند تا در هنگام خم و راست شدن، قسمت بالای ران، مکشوف نگردد.

ضمناً، باید متذکر شوم که این حکم ویژه مومنان است و گرنه قرآن مجید، درباره بنی آدم، فقط ایجاب می کند که شرمگاه خود را نهان بدارند. (توضیح این مطلب، به صورت خلاصه، در بحث بعدی خواهد آمد).

رداء. بالا پوشی برای مردان

قرآن مجید، در سوره اعراف، آیه ۲۶ خطاب به فرزندان آدم می فرماید:

یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یوارى سوء اتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر.

ای فرزندان آدم! به یقین ما برای اندام شما، جامعه ای نازل کردیم که شرمگاهتان را پنهان سازد و جامعه دیگری تا پر و بالی باشد برای بازوها و شانه های عریانتان. این دو جامعه، تن و اندام شما را می پوشاند و جامعه تقوا، بهتر است که شما را از

پلیدیهای فحشاء محفوظ نگه می دارد.

جامه اول، همان آزاراست که به کمر می بندند و حداقل شرمگاه خود را پنهان می کنند و اگر جامعه ای عریض باشد، از ناف تا زانو و یا از ناف تا ساق را می پوشاند.

جامعه دوم، رداء و بالا- پوش نامیده می شود که مانند پر و بال پرندگان، زینت شانه ها و بازوهای عریان آدمی است و اگر عریض تر باشد، پهلوها و شکمها را نیز خواهد پوشاند.

در این آیه، چنانکه ملاحظه شد، خطاب به فرزندان آدم است

[ای فرزندان آدم! گر چه شما به قرآن ما و رسالت رسول ما، ایمان نیاورده باشید، شایسته آن است که توصیه ما را از نظر انسانی بپذیرید. مبادا لخت و عور، در برابر اجنبی ظاهر شوید که این کردار شما، فاحشه، یعنی رسواترین رسوائی است و حتی المقدور جامعه دیگری بردوش خود حمایل کنید که دست و بال شما، همچون پر و بال پرندگان، زینت بگیرد].

بیش از این، بحث رداء را دنبال نمی کنیم. فقط خاطر نشان می سازیم که با الهام از همین آیات و بالاخص، الهام از آیه ۳۱ از همین سوره نور که بحث آن را نیاوردیم، رسول خدا به دو قطعه لباس ساده نادوخته اکتفا می کرد

کان علیه (ص) ازار و رداء.

قطعه اول، ازار که مانند لنگ حمام، از ناف تا نیمه ساق را می پوشاند.

قطعه دوم، رداء که بر دوشها حمایل نموده، دو طرف آن را بر دوش چپ مستقر می نمود.

این لباس رسمی اسلام و قرآن است که توصیه می شود این همان سنت رسول الله است که پیروی آن در مراسم حج و عمره، ضروری است نه یک قطعه بیشتر و نه یک قطعه کمتر.

ازار. دامن برای بانوان

آیه ۳۱ سوره

نور، که حجاب بانوان را مورد بحث قرار می دهد، می فرماید:

قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن.

ای رسول! به بانوان مومن بگو چشم خود را فرو بخوانند و از چاک دامن خود، مراقبت نمایند.

این قسمت از آیه ۳۱ سوره نور، درست همانند آیه ۳۰ از سوره نور، همان تکلیفی را متوجه بانوان می سازد که متوجه مردان شده بود. صنعت [احتبائك] و قرینه بندی متقابل هم در این جا برقرار است و صورت کامل آیه چنین خواهد بود

ای رسول! به بانوان مومن بگو چشم خود را از چاک دامن دیگران، فرو بخوابانند و از چاک دامن خود، مراقبت کنند که از دیگران، مستور بمانند.

البته، مراقبت بانوان از چاک [آزار] خود، با حساسیتی که نسبت به آن وجود دارد، موجب شده است که چاک آزار خود را بدوزند و به صورت دامن، بر تن بیارایند و سالهاست که از این جهت، مشکلی ندارد. به خاطر همین حساسیت است که قرآن مجید، تبصره ای به حکم مزبور، اضافه کرده و می فرماید:

و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها

زینتی را که در زیر دامن نهان می شود، آشکار نسازند، جز آن که در حال راه رفتن و خم و راست شدن، به خودی خود، ظاهر شود.

زینتی که در زیر دامن و یا آزار خانمها، نهان می شود و امکان آشکار شدن آن وجود دارد، ساق پاهاست که عنوان عورت ندارد تا کشف آن، حرام باشد ولی چون زینت خانمها محسوب می شود، در برابر اجنبی، باید مستور بماند. از این روی، خانمها، باید در کوچه و بازار، دامن خود را تا روی پا بلند بگیرند و براساس استثنائی که دارد، اگر در حال

راه رفتن و یا خم و راست شدن، قسمتی از ساق پا، مکشوف شود، اشکالی نخواهد داشت. (در این زمینه، باز هم ملاحظاتی به عرض خوانندگان خواهد رسید.)

خمار. شنل برای بانوان

قرآن مجید، در ادامه بحث خود راجع به حجاب بانوان می فرماید:

و لیضربن بخرهن علی جیوبهن.

بانوان، باید خمار خود را زیر گلو گره بزنند.

خمار هم مانند ازار و رداء، یک قطعه جامعه نادرخته است که در صدر اسلام، پوشیدن آن، متداول بوده است ازار، برای زن و مرد. رداء برای مردان که بردوش و پهلو، بپیچند. خمار برای زن که بر سر بیندازد و سر و سینه و پهلو را پوشاند و تنها دست و صورت او مکشوف بماند.

چنانکه ملاحظه می شود، باز هم قرآن مجید، طرح نوی برای ستر بدن ارائه نمی دهد و دستور دوخت و برش، صادر نمی کند، بلکه تنها ملاحظاتی بر آن می افزاید تا آرمان خود را توصیه و تامین کند.

قرآن مجید، فرمان می دهد که خانمها خمار خود را بر سر و بر خود نپیچند که هنگام راه رفتن و حرکت دادن دستها، بلغزد و باز شود، بلکه مانند شنل، بر سر بیندازند و زیر گلو، گره بزنند، یا کوک بزنند و یا سنجاق بزنند تا در هنگام حرکت دستها، خمارشان روی شانه ها نلغزد و سر و بر آنان مکشوف نگردد.

با پوشیدن خمار و یا شنل، که تا روی دامن بیاید، طبیعی است که دستها تا نیمه ساعد از زیر آن خارج خواهد ماند و فقط قسمت بالای ساعد که گوشتین است، مانند ساق پا، مستور می شود ولی همان تقوایی که در باب ازار و دامن ایجاب می کرد تا آن را بلندتر تهیه نمایند که در

حال خم و راست شدن، بالا نجهد و ساق گوشته زن، عریان نشود، در این جا هم ایجاب می کند که خمار و شنل، چندان بلند و عریض باشد که در حال خم و راست شدن، فاصله شنل با دامن، مکشوف نگردد و بالای ناف و به موازت آن، پهلو و پشت، عریان نشود که در این صورت، ساعد دستها، تا حدود میچ نیز، در زیر خمار و شنل، مستور خواهد گشت. باز براساس استثنائی که دارد، اگر در حال حرکت دستها قدری بالا برود و تا نیمه ساعد عریان شود، اشکال نخواهد داشت.

ضمناً، همانطور که در باب ازار و رداء (لباس رسمی مردان) گفتیم، این دو قطعه لباس هم، که ازار و خمار باشد، لباس رسمی بانوان است که قرآن توصیه می کند و پوشیدن آن در مهمانی رسمی حج و عمره، ضرور خواهد بود نه یک قطعه بیشتر و نه یک قطعه کمتر. از این روی، زنان از پوشیدن ساتر دیگری، چون دستکش و آویختن نقاب، در حال احرام، منع شده اند.

سعید بن جبیر می گوید

[قرآن مجید که می فرماید [بانوان باید خمار خود را زیر گلو، گره بزنند] برای آن است که سینه آنان آشکار نشود]. (۶)

ساعه بن مهران می گوید

[به ابو عبدالله امام صادق، علیه السلام، گفتم خانمها می توانند بر چهره خود نقابی بزنند و نماز بخوانند؟

ابو عبدالله گفت اگر پیشانی را باز بگذارند، مانعی نیست ولی اگر تمام چهره خود را بگشایند بهتر است]. (۷)

قتاده می گوید از رسول خدا حدیث آمده است که فرمود

هیچ خانمی که خدا و روز جزا را باور کرده است، حق ندارد دست خود را از زیر خمار خود بیرون بیاورد، مگر تا این جا.

با دست خود نیمه ساعد اشاره کرد. (۸)

امام صادق [ع] فرمود

[بانوئی که لباس احرام می پوشد از هر نوع پارچه ای می تواند استفاده کند، جز حریر خالص که نباید از آن و خمار او ابریشمی باشد و غیر از دستکش که نباید بر دست کنند].

ابوعبدالله صادق از پوشیدن نقاب هم که بر روی صورت بیاویزند، اظهار کراهت کرد و فرمود

[خانمها، فقط می توانند پارچه ای بر روی پیشانی بیاویزند که تا روی چشمها بیاید]. (۹)

امام ابوعبدالله صادق، علیه السلام، نقل کرد که

[پدرم ابوجعفر باقر، علیه السلام، از پوشیدن نقاب و دستکش برای خانمهایی که در حال احرام باشند، کراهت داشت]. (۱۰)

البته در حال عادی پوشیدن این لباس رسمی ضرورت ندارد.

در زمان رسول خدا و در عهد امامان نیز، بانوان اسلامی از لباسهای دوخته استفاده می کرده اند و پیراهن و بلوز و دامن و شنل می پوشیدند و گاهی شنل را روی دوشها می انداخته اند و سر خود را با مقنعه می پوشیده اند.

باری، بحث حجاب ضروری بانوان در این جا خاتمه می یابد، ولی همانطور که قرآن مجید در قسمت [آزار] بانوان، تبصره ای بر آن افزود، در باب خمار هم تبصره ای دارد که تکلیف بانوان را در برابر محارم و غیرمحارم روشن می سازد. تبصره به این صورت است

ولا- یبیدین زینتهن الا- لبعولتهن او آبائهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ماملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه من الرجال او الطفل الذین لم یظهروا و اعلى عورات النساء (۱۱).

خانمها که خمار خود را زیر گلو، گروه می زنند، حق ندارند ساعد خود را و یا زلف و گیسوی خود را، که زینت خدایی آنان به شمار می آید،

از زیر خمار آشکار نمایند، جز در برابر شوهران خود، یا پدران خود، یا پدران شوهران خود، یا پسران خود، یا پسران شوهران خود، یا برادران خود، یا پسران برادر خود، یا پسران خواهر خود، یا خانمهای فامیل خودشان، یا غلامان زرخریدشان، یا ملازمانی که شهوت مردی ندارند و یا آن کودکانی که از مسائل جنسی بی خبرند.

در این تبصره، دوازده طبقه استثناء شده اند که خانمها می توانند در برابر آنان، سر و ساعد خود را عریان نمایند و تنها با یک پیراهن دامن بلند و یا بلوز و دامن و یا شل و دامن (بدون روسری و یا کلاه) ظاهر شوند.

قهری است که استثناء باید در همین دوازده طبقه منحصر باشد زیرا متن آیه شریفه با استقصای کامل، همه جوانب استثناء را در نظر گرفته و جایی برای استثنای عرفی باقی نگذاشته است. اگر استثنای عرفی، ماخذ و ملاک می بود، آیه مزبور، شوهران و زنان فامیل و کودکان و خواجگان را نام نمی برد و به نظر عرف و اجتماع، حواله می کرد.

بنابراین، نوکر، راننده، همکلاس، همدرس، برادر شوهر، شوهر خواهر و امثال آنان، جدا بیگانه و اجنبی، محسوب می شوند و پوشیدن موی سر در برابر آنان، ضرور و واجب خواهد بود.

نکته شایان تذکر آن است که پوشیدن موی سر، با هر وسیله که باشد، به عفت جنسی ربطی ندارد، بلکه یک تشریف اسلامی است تا خانمهای آزاده مومن از زنان یهود و نصاری و مجوس، ممتاز باشند و لذا می بینیم که حتی کنیزان مسلمان از پوشیدن موی سر، معاف، بلکه ممنوع بوده اند.

اسحاق بن عمار می گوید

[به ابوالحسن امام کاظم، علیه السلام، گفتم غلام زرخرید خانم، حق دارد به

گیسوی خانم خود نگاه کند؟

ابوالحسن گفت آری و به ساق پایش هم می تواند نگاه کند. [۱۲].

عبدالرحمن بن ابی عبدالله می گوید

[از امام صادق، علیه السلام، پرسیدم

غلام زر خریدی که متعلق به خانم باشد، می تواند به گیسوی خانم خود و ساق پاهایش بنگرد؟

ابوعبدالله گفت اشکالی ندارد] [۱۳].

محمد بن اسماعیل بن بزیع می گوید

[از ابوالحسن الرضا، علیه السلام، پرسیدم

خانمهای آزاده، گیسوی خود را باید در برابر خواجهگان، که شهوت مردی ندارند، بپوشند؟

ابوالحسن گفت خواجهگان، به حیاط اندرونی پدرم آمد و شد می کردند و خواهرانم، مقنعه بر سر نمی کردند.

گفتم خواجه آزاد بودند یا برده؟

ابوالحسن گفت نه، برده زر خرید بودند.

گفتم اگر زر خرید نباشند و استخدام شده باشند، خانمها باید در برابر آنان مقنعه بر سر کنند؟

ابوالحسن گفت نه] [۱۴].

امام ابو جعفر باقر [ع] گفت

[بانوی مسلمان، می توان عوض خمار، با یک بلوز و یک مقنعه نماز بخواند، موقعی که بلوز او ضخیم باشد]. [۱۵].

امام ابو جعفر باقر [ع] گفت

کنیزان زر خرید، لازم نیست که مقنعه بر سر کنند [۱۶].

در این زمینه، نصوص شرعی فراوان است. در همه موارد، سوال و جواب از زینتهای طبیعی بانوان است که ساق پا و ساعد دست و زلف و گیسو باشد، نه خلخال و گردنبند و گوشواره و امثال آن و یا سرخاب و سورمه و سفیدآب و نظائر آن که سایر مفسرین متعرض شده اند. علاوه براین، در فرهنگ قرآن مجید، همواره، کلمه [زینت] در مورد زینتهای طبیعی به کار رفته است

و از زیور آلات زنانه در قرآن مجید، به نام [حلیه] یاد می شود که مانند لباس، جنبه عاریتی دارد. بنابراین در آیه حجاب هم که سه نوبت کلمه [زینت] بانوان مطرح شده است، به تایید احادیث اهل بیت، همان

زینتهای طبیعی خدائی است که در ترجمه و تفسیر آن متذکر شدیم و آن دسته از مفسرین اسلامی، که پای زیورآلات عاریتی را در ترجمه و تفسیر آیه به میان آورده اند، در اثر همین غفلت، مشکلات ادبی لا ینحلی به جا گذارده اند. حتی کسانی که گفته اند

[به حکم آیه شریفه، آشکار ساختن آن اندامی حرام است که با زیورآلات زنانه تزئین می شوند نه خود زیورآلات].

دچار مشکلات دیگری شده اند که اینک جای بحث آن نیست.

در هر حال، قرآن مجید در مورد [ازار] بانوان، تبصره ای داشت، بدین شرح

۱. باید زینت ساق و پا و مستور بماند، جز در موقع راه رفتن.

۲. درباره خمار بانوان بود که تکلیف ساعت و زلف و گیسو را در برابر اجانب و محارم روشن کرد.

و در آخرین فصل آیه، تبصره دیگری دارد که درباره خمار، و ازار، هر دو، صادر شده است و احتیاط بیشتر را ایجاب می کند.

و لا یضر بن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن.

مبادا بانوان، پای خود را محکم به زمین بکوبند تا زینت پنهان شده را آشکار نمایند.

زینتی که در تبصره اول، پنهان کردن آن لازم شد، ساق پا بود و زینتی که در تبصره دوم، پنهان کردن آن لازم شد، ساعد و زلف و گیسو بود. تبصره سوم، دستور می دهد که خانمها نباید با دویدن و ورزش کردن و پایکوبی، ساق پا را که در حال عادی زیر دامن پنهان است، آشکار نمایند و یا در اثر جست و خیز، ساعد خود را تا آرنج از زیر شنل و خمار بیرون کنند و یا زلف و گیسوی خود را از زیر مقنعه و کلاه و کناره صورت

برملا نمایند، مگر آن که با پوشیدن جوراب و شلوار و کلاه، احتیاط لازم را به عمل آوردن و سپس به ورزش بپردازند

نگارنده این سطور که در همه جا، زینت بانوان را زینت طبیعی می داند، [یعلم] را در متن آیه، فعل مجهول، از باب افعال می داند که معنای [اعلال و افشاء و بر ملا کردن] می دهد. کسانی که زینت را به زیورآلات زنانه تفسیر کرده اند، کلمه [یعلم] را فعل مجهول ثلاثی گرفته اند از این روی در ترجمه و تفسیر آیه می نویسند

[بانوان، پای خود را بر زمین نکوبند که معلوم شود حلقه و خلخال به پا دارند]!

گویا اگر معلوم شود که خانم، حلقه و خلخال به پا دارد (گرچه از راه پایکوبی خانم نباشد، بلکه مردم با چشم خود، آن را ببینند) گناهی اتفاق افتاده است.

در خاتمه این فصل، متذکر می شوم که براساس این ترجمه و تفسیری که بیان کردیم، پوشیدن تمام بدن از بالای قفسه سینه تا نیمه ساق پا، بر بانوان لازم است، حتی در برابر پدر و برابر تا چه رسد به سایرین.

خانمها فقط می توانند در برابر شوهران خود، [آزار] و [خمار] خود را بردارند و استثنای آن، در آیه ۱۸۷ سوره بقره، عنوان صریح دارد که می فرماید:

هن لباس لکم و انتم لباس لهن.

و در آیه ۵ سوره مومنون و یه ۳۰ سوره معارج که توضیح و ترجمه آن گذشت.

سادات و بانوان شوهردار

در سوره احزاب آیه ۵۹

، دستور ویژه ای هم برای خانمها سادات و بانوان شوهردار، صادر شده است

یا ایها النبى قل لازواجک و بناتک و نساءالمومنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین.

ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و خانمهای مومنین، بگو جامه عریضی بر

تن بیاریند.

این جامه، بهترین وسیله ای است که می تواند مایه امتیاز و شناخت آنان باشد که مورد آزار و تعرض قرار نگیرد.

کلمه نساء در این آیه، به معنی خانمهای شوهردارست.

جلباب، پارچه ای است که از نظر طول و عرض، به ملافه و شمد، شباهت دارد.

بر اثر جمود و پافشاری برخی در اجرای همین حکم، چادر شب لحاف را بر تن خانمها کرده اند!

حکم این آیه شریفه، سه دسته از خانمها را شامل شده است

۱. همسران رسول خدا که اینک وجود خارجی ندارند.

۲. دختران پیامبر که همه خانمهای سادات را فرا می گیرد.

۳. بانوان شوهردار.

این سه گروه باید با پوشیدن یک جامه گشاد و بلند، شخصیت والای خود را به جامعه اعلام کنند، تا مبادا بی خردان، با آنان تماس بگیرند و بگویند که [آرزوی همسری دارند].

این مساله، در مورد زنان شوهردار، واضح و روشن است. فقط در مورد خانمهای سادات، در صورتی که شوهر نداشته باشند، نیاز به توضیح دارد. گرچه در زمان حاضر، دنبال کردن بحث آن، موضوعیت ندارد.

موضوع حکم از این قرار است که با نزول آیه ۶ از سوره احزاب که گفت

النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم و ازواجه امهاتهم و اولوالا رحام بعضهم اولى ببعض في كتاب الله من المومنين و المهاجرين ... كان ذلك في الكتاب مسطورا.

رسول خدا، از خود مومنان، واپیستر است و همسران رسول خدا، مادران مومنانند و خویشان رسول خدا، با هم موالات ویژه ای دارند و نسبت به هم واپیسترند از مومنان و مهاجران ... این حکمی است که در کتاب خدا ثبت است.

در نتیجه، بعد از امامان، معمول و متداول شد که برای سادات، نقیبه معین شود تا مولا و سرپرست همه

آنان باشد و از جمله هیچ کس از سادات، چه زن و چه مرد، بی اجازه او، ازدواج نکند از این روی، تماس گرفتن با دختران و زنان بیوه سادات، مجاز و مشروع نخواهد بود، جز با اجازه نقیب آنان. لذا باید شعار خانمهای شوهردار و مومن را بر تن بیارند تا با شناخت آنان، کسی به منظور آشنایی بیشتر و انتخاب همسر، تماس شخصی برقرار نسازد.

در هر حال، بدیهی و روشن است و لفظ آیه کریمه نیز، صراحت دارد که این لباس، جنبه تشریفاتی دارد، نه حجاب شرعی لذا مانعی نخواهد داشت که در تابستان، از تور نازک و یا حریر و ابریشم انتخاب شود و روی شانه ها قرار بگیرد تا ایجاد گرما نکند و در زمستان، از فاستونی و بَرک و مخمل تهیه شود تا هم دافع سرما باشد و هم مایه شوکت و جلال. اگر این پارچه را به صورت شتل، متداول کنند و یا مانند رومیها و هندیها بر دوش خود حمایل کنند، با تکلیف شرعی آن منافاتی نخواهد داشت.

با توجه به همین نکته پوشید لباس، جنبه تشریفاتی دارد و به منظور دور داشتن اجنبی از تماس با آنان، صادر شده است، قرآن مجید، در سوره نور آیه ۶۰ که می فرماید:

و القواعد من النساء لا یرجعون نکاحا فلیس جناح ان یضعن ثابهن غیر متبرجات بزینة و ان یتتعفن خیر لهن.

خانمهایی که از نظر جنسی باز نشسته اند و امیدواری ندارند که مورد توجه قرار بگیرند، مجازند که این جامه زائد را فرو نهند، در صورتی که با هیچ زینتی خود را مزین نکرده باشند. در عین حال، اگر عفت اختیار کنند و با

جامه جلباب و شل گشاد در انظار عمومی، ظاهر شوند، شایسته تر خواهد بود.

در این آیه، گرچه کلمه [ثیابهن] جمع است، ولی از نظر ادبی، در حکم مفرد است. یعنی هر خانمی از خانمهای شوهردار، می تواند یک جامه خود را کم کند و آن جامه ای که می تواند کم کند و بر زمین بگذارد، همین جامه جلباب است که به عنوان شعار بر تن می کرده است نه ازاری که عورت او را می پوشاند و نه خماری که سر و بر او را می پوشاند.

ابوعبدالله صادق، علیه السلام، در ذیل این آیه کریمه که فرمود

[خانمهایی که از شوهر کردن ناامید شده اند، مانعی ندارد که یک جامه خود را بر زمین بگذارند].

گفت منظور آیه کریمه آن است که جلبات خود را بر تن نکشد (۱۷).

محمد بن مسلم می گوید از ابی جعفر باقر [ع] پرسیدم

[خانمهایی که حق دارند یک جامه خود را کم کنند، کدام جامه را می توانند بر زمین بگذارند؟

ابوجعفر گفت همان جلباب و شل گشاد] (۱۸).

یک نفر از یاران حضرت رضا [ع] به آن سرور نوشت

[خانمهایی که از نظر جنسی متقاعد شده اند و هرگاه به من برسند، می توانند سرو ساعد خود را آشکار و عریان نمایند، چه کسانی هستند؟

آن سرور، در پاسخ او نوشت یعنی آن خانمهایی که امیدی به شوهر ندارند] (۱۹).

در خاتمه مقاله، به عرض خوانندگان می رسانم که در میان متکلمین و مفسرین، آیه ۵۳ از سوره احزاب، به نام آیه حجاب، شهرت یافته است. این آیه ربطی به حجاب خانمها ندارد زیرا ویژه همسران رسول خداست و به منظور خاص و ویژه ای نازل شده است.

إذا سألتموهن متاعاً فاسئلهن من وراء حجاب. ذلکم اظهر لقلوبکم و قلوبهن.

هرگاه

از خانمهای رسول خدا، کالایی و متاعی به عاریت بخواهید، از پشت پرده با آنان تماس بگیرند. این شیوه، بیشتر به پاکی دل‌های شما و دل‌های آنان کمک خواهد کرد.

بعد از نزول این آیه، همسران پیامبر [ص]، بر در خانه‌های خود پرده‌ای آویختند که اگر در را بر روی کسی باز کنند، باز هم حجابی در میان باشد. به خاطر کلمه [حجاب]، که در این آیه صریحا ذکر شده است، نام آیه را حجاب نهاده‌اند، ولی ربطی به سایر بانوان ندارد.

امه سلمه، همسر رسول خدا، می‌گوید

[من خدمت رسول خدا، صلوات الله علیه، بودم. میمونه، زوجه دیگر رسول خدا، هم حاضر بود. من ابن ام مکتوم، دائی زاده حضرت خدیجه، وارد شد.

رسول خدا، فرمود بروید و پشت پرده بنشینید.

ما گفتیم یا رسول الله! مگر این مرد نابینا نیست؟

رسول خدا گفت او نابیناست، ولی شما که نابینا نیستید [۲۰].

در حدیث که رسول خدا به همسران خود می‌فرماید:

[پشت پرده قرار بگیرد].

علت آن است که آیه کریمه، وجود پرده را لازم می‌داند. پس این پرده باید میان طرفین، حایل باشد و هر دو را از دید هم دور نگه دارد. اگر کوری آن مرد، برای خودش پرده و حایل محسوب شود، برای بانوان رسول خدا، پرده و حایل محسوب نخواهد شد از این روی، رسول خدا به آنان فرمود [پشت پرده و حاجب قرار بگیرند، تا چشم آنان، به اندازه و قواره نامحرم نیفتد].

ناگفته نماند که برخی این حدیث را درباره همسر بانوان اسلامی، عمومیت می‌دهند، در حالی که اشتباه محض است و این حکم تشریفی، مخصوص بانوان رسول خدا، خواهد بود.

پاورقی‌ها

۱. کافی، ج ۱۱۸. ۱ صحیح الکافی،

تحقيق محمد باقر بهبودى، ج ٣. ٣٩٣.

٢. سوره نور، آيه ٣٠.

٣. كافي، ج ٢. ٣٣.

بحار الانوار، ج ٣٣. ١٠٤.

فقيه من لا يحضره الفقيه، ج ١١٤. ١.

وسائل الشيعه، ج ١. ٢١١.

٤. مجمع البيان، طبرسى، ج ١٣٨. ٨.

الدر المنثور، سيوطى، ج ٥. ٤٠.

٥. سوره مومن، آيه ٥ سوره معارج، آيه ٣٠.

٦. الدر المنثور، ذيل آيه.

٧. تهذيب، شيخ طوسى، ج ٢٣. ٢.

صحيح تهذيب، حديث ١٠٣٥.

٨. تفسير طبرسى،

الدر المنثور، ذيل آيه.

٩. صحيح الكافي، حديث ١٩٥١.

١٠. صحيح من لا يحضره الفقيه.

تحقيق محمد باقر بهبودى، حديث ٥٦٣.

١١.

١٢. فقيه من لا يحضره الفقيه، ج ٣. ٤٦٩. صحيح من لا يحضره الفقيه حديث ١٣٠٥.

١٣. صحيح الكافي، حديث ٣١٧٥.

۱۴. همان مدرک، حدیث ۳۱۷۹ عیون اخبار الرضا، ج ۱۹. ۲ تهذیب، طوسی، ج ۴۸۰. ۷ صحیح تهذیب، حدیث ۳۳۳۸.

۱۵. صحیح الکافی، حدیث ۱۱۸۲.

۱۶. همان مدرک، حدیث ۳۱۶۹ و ۱۱۸۲.

۱۷. همان مدرک، حدیث ۳۱۶۵.

۱۸. همان مدرک، حدیث ۳۱۶۶.

۱۹. صحیح تهذیب، حدیث ۳۳۲۷.

۲۰. صحیح ترمذی، ج ۴. ۱۹۱، ط

مدینه مسند ابن حنبل، ج ۶. ۲۹۶

سنن ابن داود، کتاب لباس، ۳۴.

کافی، ج ۵. ۵۳۴.

وسائل الشیعه، ج ۱۴. ۱۷۲.

حوزه ۴۲

پوشش بانوان در برابر مردان مَحْرَم

نویسنده

احمد عابدینی

از مقوله های مهم و سزاوار بحث و دقت نظر، نگاهی همه سویه، به پوشش بانوان در برابر مَحْرَمان است. بحث در این است که آیا بانوان، می باید در برابر مَحْرَمان نسبی، بسان پدر، برادر، عمو، دایی، فرزندان برادر و خواهر، و مَحْرَمان سببی، مانند پدر شوهر، شوهر دختر و ... تمامی بدن را، به جز سر، گردن، دستها، تا کمی بالاتر از میچ، و پاها تا میچ، بپوشانند، یا چنین پوششی واجب نیست و تنها پوشاندن شرمگاه، که در برابر همگان، به جز زن و شوهر، واجب بود، رواست؟

اصل نخستین درباره بانوان،

پوشش است، تنها جاهایی که واجب نیست، از این قاعده جداست. این نکته، در مقاله پیشین (سیری در آیات حجاب) در خلاصه نکته ۱۴، در ذیل آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور، بررسی شد.

پس اگر از آیات قرآن، یا دیگر حجتها، برای ما روشن نشد که بانوان می توانند قسمتهایی از بدن خود را در برابر مَحْرَمَان نپوشانند، اصل اولی، واجب بودن پوشاندن بدن است و نگاه نکردن مَحْرَمَان به بدن آنان. اکنون یکان یکان دلیلهای فقهی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) را به بوته بررسی می نهیم.

کتاب

در قرآن مجید، دو آیه، جاهایی را که پوشش آنها بر بانوان در برابر مَحْرَمَان واجب نیست، بیان می کند

الف:

(لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا ابْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ... ۱)

بحث از این آیه شریفه، در مقاله پیشین، در گاه سخن از مرحله دوم نازل شدن حکم حجاب گذشت. در آن جا یادآور شدیم پس از آن که آیه حجاب ۲، درباره همسران پیامبر (ص) نازل شد، بر همگان واجب شد که از پس پرده با همسران پیامبر (ص) سخن بگویند.

در این هنگام، پدران آنان گفتند آیا ما نیز باید از پس پرده با آنان سخن بگوییم؟

که آیه شریفه نازل شد و پنج دسته از خویشاوندان نسبی را جدا کرد.

اما، این که چه جاهایی از بدن همسران پیامبر (ص) را می توانستند ببینند، یا به دیگر سخن، زنان پیامبر، چه جاهایی از بدن خود را لازم نبود، بپوشانند، از آیه شریفه، قاعده و قانونی به دست نمی آید.

شاید بتوان گفت، همان وظیفه پیش از نازل شدن آیه شریفه را دارند. بدین معنی

که پیش از نازل شدن آیه، همسران پیامبر (ص) چه جاهایی از بدن خود را می پوشانده و چه جاهایی را نمی پوشانده اند، اکنون باید بر همان اساس رفتار کنند.

از این روی، آگاهی از چگونگی پوشش زنان پیامبر (ص) پیش از نازل شدن آیه حجاب، برای بحث ما، کارساز است و بدون این آگاهی، در بحث به نتیجه خوشایند دست نمی یابیم.

ب:

(قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهنّ ... و لا يبدین زینتهنّ الا ما ظهر منها و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ و لا یبدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ او آبائهنّ، او آباء بعولتهنّ، او ابنائهنّ او ابناء بعولتهنّ، او اخوانهنّ، او بنی اخوانهنّ، او بنی اخواتهنّ، او نسائهنّ ... و لا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ ۴۰۰۰)

بحث از این آیه شریفه در چهارمین مرحله از نازل شدن حکم حجاب انجام پذیرفت؛ از این روی در این جا، آن بخشی را که درباره پوشش بانوان در برابر محرمان است، در چند نکته، در کانون بحث و توجه خویش قرار می دهیم.

۱. خویشانِ جداشده از قاعده و حکم کلی، در آیه شریفه، هشت دسته اند که نخستین دسته آنها که شوهران باشند، حق دارند هرگونه نگاه لذت جویانه به همسران خود داشته باشند. این اباحه، از دلیلهای بسیار قرآنی، روایی و ... به دست می آید.

به هر حال این آیه، تنها دلالت می کند بر این که زن، لازم نیست، زینت خود را از شوهرش بپوشاند و بر مطلب دیگری در این باره دلالت ندارد.

۲. دسته دوم، چهارم، ششم، هفتم و هشتم، همان خویشان نسبی اند که در آیه ۵۵ از سوره احزاب، مطرح شده بود.

نتیجه همان گونه که زنان پیامبر (ص) لازم نیست زینت خود را از

خویشان نسبی بیوشانند، زنان مؤمن نیز، لازم نیست زینت خود را از خویشان نسبی بیوشانند.

۳. زنان مؤمن، در برابر دسته سوم و پنجم هم، وظیفه ای در پوشش ندارند. این دو دسته، در آیه ۵۵ سوره احزاب، که درباره همسران پیامبر (ص) بود، وجود ندارد؛ زیرا پیامبر (ص) نه پدرش زنده بود و نه فرزند پسری داشت. به ویژه در گاه نازل شدن آیه شریفه، پسرانی که پیامبر از خدیجه داشت، رخت از جهان بر بسته و ابراهیم، فرزند ماریه هم، چشم به جهان نگشوده بود.

۴. خداوند در هر دو آیه، تکلیف را متوجه بانوان کرده است، نه آقایان. در آیه ۵۵ سوره احزاب فرمود (لا- جناح علیهنّ فی ... یعنی در برابر دیگران، پوشش نداشتن گناه است. در این آیه (نور ۳۱) فرمود (لا یبدین زینتهنّ الاّ لبعولتهنّ او ...) یعنی بانوان، وظیفه دارند که خود را از مردان بیوشانند، مگر از چند دسته ای که در آیه ذکر شده است.

اما این گروههای یاد شده، تا چه اندازه و با چه انگیزه ای می توانند به بانوانی که بر آنان محرم هستند، نگاه کنند، یا حرف بزنند، در آیات سخنی در این باب به میان نیامده است.

۵. از ظاهر آیه شریفه بر می آید، زن در برابر خویشاوندان هفت گانه، بلکه در برابر تمامی گروههای دوازده گانه، جدا شده، همان حالت پیشین خود را دارد. یعنی باید آنچه را پیش از فرو فرستاده شدن آیه حجاب می پوشانده، بیوشاند و آنچه را نمایان می ساخته، می تواند اکنون نیز نمایان سازد.

اما چه جاهایی از بدن را می پوشانده و چه اندازه، از همین آیه و شأن نزولها و روایات ذیل آن، روشن می شود.

خداوند به زنان مؤمن دستور می دهد

(ولیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ)

باید روسریهای خود را بر گریبان خود گره زنند.

از این فراز به دست می آید که زنان، پیش از آیه حجاب، یا روسری نداشتند و یا داشته آن را جای دیگر گره می زده اند. همان گونه که در مقاله پیشین در بحث از آیه شریفه، در ضمن نکته های پنجم و ششم، با استفاده از روایت صحیح کافی ۵، شرح داده شد آنان روسری داشته و آن را از بالای گوش به پشت سر می برده اند.

در نتیجه، روشن می شود که آنان، به طور حتم، سینه، کمر، شکم و ... را می پوشانده اند و گرنه قبیح است شارع دستور دهد گردن و گریبان و گوشها را بپوشانید؛ ولی از جاهای دیگری که شهوت انگیزترند، سخنی به میان نیاورد و امر به پوشاندن آنها نکند.

۶. از فراز زیر که می فرماید:

(ولا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ.)

پاهای خود را به زمین نکوبند، تا آنچه پنهان می دارند، آشکار شود.

روشن می شود که بانوان در آن عصر، در پای خود زینتی داشته اند، پنهان و به دور از چشمها، که با زدن پا بر زمین آشکار می شده است.

از آن جا که این آیه، این زینت را، زینت پنهان می دانسته (لیعلم ما یخفین) به دست می آید بانوان در عصر نزول آیه، لباسها، یا شلوارهای بلندی بر تن می کرده اند که به طور کامل، روی خلخال را می پوشانده است.

۷. از آنچه گفته شد به دست می آید سینه، شکم، پاها تا میچ و مقداری از سر را، بانوان، پیش از نزول آیه، می پوشانده اند. اما در چهارمین مرحله از حکم حجاب، همه سر و گردن، افزون بر گریبان، بر محدوده حجاب، افزوده شد. این قسمت،

تنها در برابر مردان بیگانه واجب است و در برابر گروههای دوازده گانه، همان محدوده پیش واجب است که پوشیده باشد.

در نتیجه، پوشش واجب بر بانوان در برابر محرمان سببی و نسبی، همه بدن از گردن، تا مچ پا، به جز قسمتهایی از سر و صورت و گریبان و دستهاست.

۸. از آیه شریفه، مطلبی درباره پوشش دستهای زنان، پیش از نازل شدن آیه به دست نمی آید که چگونه بوده است. بله، از (لا- یبدین زینتهنّ الاّ ما ظهر منها) روشن می شود که پس از نازل شدن آیه، باید دستها را تا مچ بپوشانند. با توجه به دیگر بخشهای آیه، روشن می شود که دستهای زنان برهنه کامل نبوده است، بلکه به احتمال زیاد دستها را تا آرنج می پوشانده اند.

این مطلب، از روایات به خوبی فهمیده می شود.

گیریم که از آیه و روایات و سازواری حکم و موضوع، پوششی برای دستهای بانوان، پیش از نازل شدن آیه، روشن نشود، باز باید بانوان دستهای خود را تا آرنج، از محرمان خود بپوشانند؛ زیرا، در نکته نخست گذشت که اصل پوشش است و آنچه که از این اصل و وظیفه کلی و عام جدا شده، امری است فرعی و استثنایی. هر جا دلیلی بر استثنا پیدا نکردیم، همان وظیفه عام وجود دارد. دست بالا، نکته ای را که می توان گفت شاید دستها را تا آرنج، نزد خویشاوندان خود، برهنه می گذاشته اند.

روایات

این بحث، از بحثهای مهم فقهی است، به گونه ای که فقیهان بزرگی چون سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی و دیگران، بر این باورند که قطع و سیره پیاپی، حکایت از آن دارد که:

(بانوان می توانند همه بدن خود را، به جز

شرمگاه، در برابر مردان مَحْرَم بر خود، برهنه کنند و محرمان می توانند به تمامی بدن آنان، به جز شرمگاه بنگرند.)

اما از آیه فهمیده شد که همه بدن زن در برابر مردان مَحْرَم، به جز سر و گردن، گریبان، پایین تر از میچ پاها و قسمتی از دستها، باید پوشیده باشد.

حال دو نگاه به طور کامل ناسازگار با هم، در مسأله وجود دارد، بر ماست همه دلایلها، از جمله روایتهای باب را از کتابهای شیعه و سنی بیرون بکشیم و تک تک آنها را وا رسیم، تا ببینیم، ادعای قطع و سیره ای که بزرگان کرده اند، دلیلی دارد، یا خیر؟

الف. (سکونی عن جعفر، عن محمد عن ابیه (ع) قال لا بأس ان ينظر الرجل الى شعر امه، او اخته، او ابنته. ۶)

اشکالی ندارد که مرد، به موی مادر، یا خواهر، یا دختر خود بنگرد.

یه یادآوری بین روا بودن نگاه، با واجب نبودن پوشش ملازمه است. یعنی هر جا، به مرد اجازه نگاه داده شده، بر زن پوشاندن آن جا واجب نیست.

اما عکس این ملازمه، درست نیست. یعنی چه بسا جاهایی باشد که پوشاندن آنها بر بانوان، واجب نباشد، با این حال، نگاه کردن مردان به آن جاها، روا نباشد، یا دست کم، اشکال داشته باشد که در این باره باز سخن خواهیم گفت

ب. (عن ابی جعفر (ع) فی قوله (ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها). فهی الثیاب و الکحل و الخاتم و خضاب الکف و السوار.

و الزینه ثلاث زینه للناس و زینه للمحرم و زینه للزوج.

فاما زینه الناس، فقد ذکرناه. و اما زینه المحرم فموضع القلاده، فما فوقها و الدمج و مادونه و الخخال و ما اسفل

امام باقر (ع) درباره قول خداوند زینتهای خود را نمایانید، مگر آنچه به خودی خود، نمایان است) فرمود

(زینتهای آشکار عبارتند از لباس، سورمه، انگشتر، حنای دست و النگو.

و زینت، بر سه قسم است زینت برای مردم و برای مَحْرَم و برای شوهر.

زینت برای مردم را یادآور شدیم [لباس، سورمه و ...] زینت برای مَحْرَم، جای گردنبد و بالاتر از آن و جای بازوبند و پایین تر از آن و جای خلخال و پایین تر از آن و زینت شوهر تمامی بدن است.

آنچه در این روایت به عنوان زینت برای خویشاوندان ذکر شده، همان چیزی است که پیش از این از آیه قرآن، فهمیده شد.

در معنای (دملج) اختلاف است بازوبند و دست بند. هر دو معنی را گفته اند.

اگر مراد، دستبند باشد که بانوان آن را بر میچ دست می بندند، در نتیجه جایی که رواست دیدن آن، برای مَحْرَم و نامَحْرَم یکی می شود که بی گمان این معنی مراد نیست. زیرا روایت بر آن است که محدوده زینت برای مَحْرَم را نسبت به محدوده زینت برای نامَحْرَم، بگسترانند. پس همان معنای نخست مراد است که بازوبند باشد. بانوان می توانند، بازوبند و جای آن را تا به سرانگشتان، از مردانِ مَحْرَم نپوشانند.

آنچه از آیه فهمیده شد، با آنچه از روایت به دست می آید، هماهنگی دارد؛ ولی روایت درباره دست، بیان روشنی دارد و نشان می دهد، بانوان، دست را تا بازو باید بپوشانند.

یادآوری از سند روایت، سخن نگفتیم و از بیان کاستیهای سندی آن خودداری ورزیدیم؛ زیرا بر آن نبودیم که سخن جدید فقهی برابر روایت در اندازیم. بلکه آنچه از آن استفاده

شد، همان چیزی بود که آیه قرآن بر آن به خوبی دلالت داشت. بله، تنها محدوده مجاز از دست، سخن جدیدی بود که آن هم شاید با روایت ناسازگار باشد و غیر در خور عمل.

ج. (فضیل بن یسار قال سألت ابا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه، أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی (ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن).؟

قال نعم و مادون الخمار من الزینه و ما دون السوارین. ۸

فضیل بن یسار می گوید از امام صادق (ع) درباره ساعدهای زن پرسیدم که آیا آنها از زینتی است که خداوند می فرماید (زینت خود را آشکار نسازند، مگر از برای شوهرانشان)؟

فرمود بله و پایین تر از روسری، از زینت است.

گویا فضیل بن یسار، می دانسته که زنان می باید کتفها و دستان خود را تا بازو از مَحْرَمَان بپوشانند، ولی نمی دانسته افزون بر آن ساعدها را نیز باید بپوشاند و نهی یا نفی (لایبیدین)، ساعدها را نیز در بر می گیرد، یا خیر؟

امام، در جواب می فرماید بله ساعدها باید از محرمان پوشانده شود. این جواب، جواب اجمالی است و تمامی ساعد، تا مچ دست را در بر می گیرد. سپس امام، شرح می دهد آنچه زیر النگوست؛ یعنی مچ، (بالا تر از کف دست به مقدار تقریبی یک قبضه) از زینت است. این جاها از زینتی است که در برابر محرمان پوشش آنها لازم نیست. بنابراین امام با واژه (نعم) جواب پرسش گر را سربسته داد و تمامی ساعد را از زینتی قرار داد که پوشش آن از مَحْرَمَان لازم نیست.

سپس در شرح کلام خود (نعم) فرمود به اندازه جای النگو، حدود یک قبضه از ساعد، پوشاندنش از مَحْرَمَان واجب نیست.

این روایت، صحیحه

است و بر روایت ابی الجارود، مقدم. زن وظیفه دارد در برابر مَحْرَمان، دست خویش را تا نزدیک مچ، بیوشاند. بر فرض ناسازگاری و روایت، عموم (لایبیدین) حاکم بود و در موارد شک، واجب بودن پوشش را ثابت می کرد که در مقاله پیشین، نکته چهاردهم، بحث آن گذشت.

روایتهای دیگری وجود دارد، البته بیش تر آنها با سندهای غیر صحیح، که آنچه از آیه، صحیح و معتبره سکونی، دریافتیم، تأیید می کنند.

د. ابن عباس در ذیل این بخش از آیه شریفه (و لا یبیدین زینتهنّ الاّ لبعولتهنّ) گفته است

(و الزینه الّتی تبدیها لهولاء قرطاهها و قلاذتها و سوارها فاماّ خلخالها و معضدها و نحرها و شعرها فانّھا لاتبدیه الاّ لزوجها).^۹

زینتی که بر مَحْرَمان نمایان می سازد، عبارتند از گوشواره ها، گردنبند و انگو. اماّ خلخال و بازوبند و گودی سینه و موها را تنها برای شوهران خویش آشکار می سازد.

ه. سعید بن جبیر می گوید

(لا- یبیدین زینتهنّ؛ یعنی و لایضعن الجلباب و هو القناع من فوق الخمر الاّ لبعولتهنّ، او آبائهنّ ... فهو محرم و كذلك العم و الخال). (۱۰)

زینت خود را نمایان نسازد؛ یعنی جلباب بر زمین ننهد (و آن، پوششی است که روی روسری افکنده می شده است. چادر) مگر برای شوهران، یا پدران و ... که مَحْرَم هستند و همچنین در برابر عم و دایی.

سخن ابن عباس و ابن جبیر، ممکن است روایت نباشد؛ زیرا به رسول خدا، اسناد نداده اند، ولی دست کم، فهم خود را از آیه بیان کرده اند. و چون از مسلمانان صدر اسلام هستند، به دست می آید که این قول، در آن زمان پذیرفته بوده و کسی هم به مخالفت با آنان سخن نگفته است.

زیرا در کتابهای شیعه و یا در کتابهای اهل سنت، روایت و یا گفته ای در مخالفت با آنان دیده نشده است.

و. در بحارالانوار از کتاب نوادر رواندی چند حدیث نقل می کند از جمله

۱. (قال علی:

یا رسول الله! امی استأذن علیها؟

قال نعم.

قال و لِمَ یا رسول الله؟

قال أیسرک ان تراها عریانه؟

قال لا.

قال فأستأذن. (۱۱)

علی گفت یا رسول خدا! آیا برای ورود بر مادرم، از ایشان اجازه بگیرم؟

پیامبر فرمود بله.

علی گفت برای چه؟

پیامبر فرمود آیا شاد می شوی که مادرت را عریان ببینی؟

علی گفت نه.

پیامبر فرمود پس اجازه بگیر.

۲. (قال علی (ع) قال رجل لرسول الله، یا رسول الله اختی تکشف شعرها بین یدی؟

قال لا. انی اخاف اذا ابدت شیئاً من محاسنها و من شعرها و معصمها ان توقعها. (۱۲)

علی گفت مردی به رسول خدا گفت یا رسول خدا! آیا خواهرم می تواند موهایش را پیش من آشکار کند؟

رسول خدا فرمود خیر. می ترسم اگر مقداری از زیباییها و موها و زیورهای خود را آشکار سازد، به آمیزش بینجامد!

۳. از رسول خدا روایت شده که فرمود

(اذا قَبِلَ احِدُكُمْ ذَاتَ مَحْرَمٍ قَدْ حَاضَتْ اَخْتَهُ، اَوْ عَمَّتَهُ، اَوْ خَالَتَهُ فَلْيَتَقَبَّلْ بَيْنَ عَيْنَيْهَا وَرَاسِهَا وَ لِيَكْفِ عَن خَدَّهَا وَ فِیْهَا.) (۱۳)

هرگاه کسی از شما خواست یکی از کسان مَحْرَم بالغ مانند خواهر، عمّه یا خاله را ببوسد، باید بین دو چشم و سرش را ببوسد و از بوسیدن گونه ها و دهان وی خود داری ورزد.

بررسی

روایتهایی که از کتاب نوادر راوندی نقل شد، سند در خور پذیرشی ندارند و به مطلب ما، دلالت روشنی نیز ندارند و واجب بودن پوشش زن را در برابر مَحْرَمان خود، به روشنی، نه می پذیرند و نه

ردّ می کنند؛ ولی حکمتهایی در آنها بیان شده که بسیار کارگشاند.

در روایت نخست پیامبر، به علی دستور می دهد در گاه وارد شدن بر مادرش اجازه بگیرد. این، در حالی است که از ظاهر روایت بر می آید، مادر علی (ع) در منزل تنها بوده و پدر آن حضرت حضور نداشته است و گرنه می پرسید آیا برای وارد شدن بر پدر و مادرم اجازه بگیرم؟

وقتی امام از پیامبر، چرایی این حکم را می پرسد، رسول خدا می فرماید آیا از این که مادر خود را برهنه ببینی خوشحال می شوی؟

با این که معمول نبوده و نیست، زن، همین که در منزل تنها شد، تمامی بدن خود را برهنه کند. بنابراین مراد از برهنه دیدن مادر، برهنگی کامل، به گونه ای که شرمگاه وی ظاهر باشد، نیست، بلکه مراد، این است که در لباسی باشد که سر و سینه و دیگر زیبایی های بدن وی نمایان باشد.

پس اجازه گرفتن پسر از مادر، برای این است که پسر قسمت های پنهان بدن مادر، مانند سینه، شکم و ساقهای او را نبیند، نه این که اجازه برای این باشد که مبادا شرمگاه او را ببیند. این نظر را تأیید می کند روایتی که از ابن مسعود نقل شده است

(انّ رجلاً سأله استأذن علی أُمّی؟

فقال: نعم. ما علی کل احیانها تحب ان تراها.) (۱۴)

شخصی پرسید آیا برای وارد شدن بر مادرم اجازه بگیرم؟

فرمود: بله. مادر در تمامی حالتها، دوست ندارد او را ببینی.

روشن است، مادر تنها از دیدن شرمگاهش ناراحت نمی شود، بلکه حالت های دیگری نیز دارد و قسمت های دیگری از بدنش وجود دارد که دوست ندارد دیده شود.

از این روی، در روایت واژه (مادر) مطرح بود و گرنه دیدن شرمگاه

پدر نیز حرام است و اگر مسأله دیدن شرمگاه مطرح بود، باید در سؤال می آمد که آیا باید از پدر و مادر در هنگام ورود اجازه بگیرم؟

از روایت دوم روشن می شود که برانگیخته شدن شهوت، تنها با دیدن زنان بیگانه نیست. چه بسا با دیدن زیباییها و زیورهای خواهر، مادر، عمّه، خاله و ... شهوت انگیزته شود. چون به طور معمول، اینان در یک منزل به سر می برند، احتمال این که دیدن زیباییها و برانگیخته شدن شهوت، به جاهای باریکی بکشد، بسیار است؛ از این روی پیامبر (ص) می فرماید اخاف ... ان یواقعها.)

از همین جا، فلسفه امر و نهی در حدیث سوم، روشن می شود؛ زیرا گاهی شیطان و نفس وسوسه انگیز، کار را بر انسان، پوشیده می دارد و می پندارد بوسه بر بانوان مَحْرَم، از روی مهرورزی است، در حالی که صحنه گردانِ قضیه شیطان است و او در غفلت.

در پایان این بخش، روایتی از امام رضا (ع) به روایت محمد بن سنان می آوریم که روشنگر خواهد بود

(أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ حَرَمَ النَّظَرِ إِلَى شَعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لَمَّا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشَّعُورَ إِلَّا الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ) أَيْ غَيْرِ الْجَلْبَابِ وَ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعُورِ مِثْلِهِنَّ.) (۱۵)

امام رضا (ع) به وی نوشت نگاه به موهای زنان با حجاب، آنان که خود را به خاطر شوهرانشان پوشانده اند و زنان دیگر را، از آن جهت حرام شده که نگاه مردان را برمی

انگیزد و آنان را به فساد فرا می خواند، در آنچه که ورود در آن، نه حلال است و نه زیبا.

این چنین است، آنچه بسان موهاست. مگر آن کسانی که خداوند درباره آنان فرموده (بر زنان از کار افتاده، که دیگر امیدی به زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند، به شرط آن که زینت خود را نمایان نسازند). یعنی بدون چادر باشند. نگاه کردن موهای این گونه بانوان، اشکال ندارد.

اجماع

تاکنون از آیات و روایات به دست آمد بر بانوان رواست که سر، چهره، گریبان و مقداری از دستها را در برابر گروه های سیزده گانه نپوشانند.

اکنون، به بررسی سخنان فقیهان می پردازیم، تا روشن شود آیا اجماعی وجود دارد که بر بانوان روا بداند، به جز از شرمگاه، دیگر جاهای بدن را از مَحْرَمَان نپوشانند.

پیش از هر چیز، نکته ای در خور یادآوری است و آن این که هر جا، نگاه کردن به بدن زن، بر مرد روا باشد، پوشیدن همان جا، بر زن واجب نیست. ولی عکس آن، روا نیست. یعنی چه بسا، پوشش جاهایی از بدن، بر زن واجب نباشد؛ اما بر مرد روا نباشد به آن جاها نگاه کند. یعنی لازمه واجب نبودن پوشش، روا بودن نگاه نیست.

۱. سید یزدی در عروه الوثقی می نویسد

(يجوز النظر الى المحارم التي يحرم عليه نكاحهنّ، نسباً، او رضاعاً، او مصاهرةً ماعدا العوره مع عدم تلذذ و ريبه و كذا نظرهنّ اليه). (۱۶)

نگاه به همه جای بدن بانوانی که ازدواج با آنان حرام است، چه به نسب، چه به رضاع و چه به مصاهره، به جز شرمگاه، رواست، در صورتی که لذت جویی و ريبه ای در کار

نباشد. این چنین است نگاه بانوان یاد شده، به این مردان.

برابر ملازمه ای که پیش از این، بیان شد، لازمه روایی نگاه، واجب نبودن پوشش است. بنابراین، نظر صاحب عروه این می شود بر بانوان لازم نیست خود را از مَحْرَمَانِ نسبی، مانند برادر، پدر، عمو، دایی، مَحْرَمَانِ سببی، مانند پدر شوهر، مَحْرَمَانِ رضاعی، مانند برادر رضاعی، پدر رضاعی و ... بپوشانند.

فقیهان عصر ما که بر عروه الوثقی حاشیه زده اند، بر این مسأله حاشیه و تعلیقه ای ندارند.

۲. محقق در شرایع می نویسد

(و للرجل ان ينظر الى جسد زوجته، باطناً و ظاهراً و الى المحارم، ماعدا العوره و كذا للمرأة.) (۱۷)

مرد می تواند، به ظاهر و باطن همسر خود بنگرد و نیز می تواند، به بدن بانوان مَحْرَمِ خود، به جز شرمگاه آنان نگاه کند. زن نیز همین طور است.

۳. شیخ محمد حسن نجفی می نویسد

(و كذا له ان ينظر الى المحارم التي يحرم عليه نكاحهنّ، نسباً، او رضاعاً، او مصاهرةً، او ملكاً، ماعدا العوره مع عدم تلذذ و ريبه و كذا للمرأة ... و الى المحارم عدا العوره، مع عدم التلذذ و الريبه بلاخلاف في شيء من ذلك، بل هو من الضروريات. فما عن الشافعيه في وجه و الفاضل في آخر حدّ المحارب و ظاهر التحرير من انه ليس للمحرم التطلع في العوره و الجسد، عارياً واضح الضعف.) (۱۸)

مرد می تواند به همه جای بدن بانوان مَحْرَمِ (آن گروه که ازدواج با آنان، به نسب، به شیرخوارگی، به پیوند و ملکیت، حرام است) به جز شرمگاه، نگاه کند. این، در صورتی است که لذت بری و ريبه ای در کار نباشد.

همچنین زن ... می تواند بدون لذت و ريبه به همه جای بدن مَحْرَمِ خود،

به جز شرمگاه وی نگاه کند.

در آنچه یاد شد، هیچ اختلافی بین فقیهان وجود ندارد.

بنابراین، ضعف احتمال مطرح شده از سوی شافعی و علامه حلّی در آخر حدّ محارب و ظاهر عبارت تحریر، مبنی بر این که مَحْرَم حق نگاه بر شرمگاه و جسد برهنه را ندارد، روشن است.

بررسی

این که صاحب جواهر ادعای ضرورت کرده با آنچه از شافعی و علامه حلّی نقل می کند، نمی سازد.

۴. علامه حلّی در قواعد، در بحث نکاح، می نویسد

(ویجوز النظر الی المحارم عدا العوره).

۵. فاضل هندی در کشف اللثام، بر این مسأله ادعای اتفاق کرده و دلیلهای آن را نیز یادآور می شود

(ویجوز بالاتفاق، النظر بلاثدذ او ریه الی المحارم و هنّ من یحرم علیه نکاحهنّ نسباً... عدا العوره کما فی الشرایع و یدل علیه الاصل و قوله تعالی لا یدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ... و یمکن ان یراد بالتابعین غیر اولی الأربه کل قریب لایمکن نکاحها.)
(۱۹)

از این فراز که از فاضل هندی نقل شد، به دست می آید اجماعی را که ایشان ادعا کرده، مدرکی است.

۶. علامه حلّی در قواعد، در آخر باب حدّ المحارب، می نویسد

(من اطلع علی قوم فلهم زجره فان امتنع من الکف عنهم فرموه بحصاه... و لو کان المّطّلع رَجِماً لِنساء صاحب المنزل، اقتصر علی زجره فان رماه حیثئذِ ضمن الا مع تجرد المرأه فانّ له رمیه لو امتنع بالزجر عن الکف، اذ لیس للمحرّم التطلع علی العوره و الجسد.) (۲۰)

کسی که بر قومی آگاهی بیابد و دید بزند، بر آن قوم رواست که او را بازدارند. اگر سر باز زد، با سنگ ریزه او را بزنند... اگر نگاه کننده با بانوان صاحب منزل،

مَحْرَم بود، تنها بر بازداشتن وی، بسنده می شود. و اگر صاحب منزل به سوی او سنگ پرتاب کند، ضامن خواهد بود. مگر این که زن، برهنه باشد. در این هنگام، اگر با بازداشتن وی ... از نگاه خودداری نوزید، به سوی او سنگ پرتاب کنند؛ زیرا مَحْرَم حق دید زدن بر شرمگاه و بدن بانوان مَحْرَم با خود را ندارد.

از این فراز از سخن علامه بر می آید، نگاه بر بدن بانوان مَحْرَم، اگر برهنه باشند، ممنوع است. حتی، حق دارند سنگ ریزه به سوی نگاه کننده پرتاب کنند.

حال اگر صاحب منزل حق داشته باشد نگرنده را که به حقوق او دست دراز کرده، با سنگ ریزه براند، نباید فرقی بین مَحْرَم و غیر مَحْرَم باشد و باید حق سنگ پرتاب کردن به سوی هر دو را داشته باشد. اما اگر اجازه سنگ پرتابی او، جنبه حقیقت ندارد، بلکه از آن روست که نگرنده، کار حرامی انجام می دهد، در این صورت، اگر نگرنده، مَحْرَم باشد، نباید حق بازداشتن او را داشته باشند.

بنابراین، فتوای علامه، مبنی بر روایی پرتاب کردن سنگ ریزه به سوی نگرنده، در صورتی درست است که نگاه نگرنده مَحْرَم به بدن زن، حرام باشد.

مگر این که کسی بگوید حرامها و مکروه های الهی، به طور کلی نبایدها در شرع، شدت و ضعف دارند. در مثل، نگریستن مَحْرَم بر خانه، مورد نهی است، اما نه آن گونه که بشود به سوی او سنگ پرتاب کرد. نگریستن به بدن زن مَحْرَم، مورد نهی است، اما نه آن گونه که حرام باشد. حال اگر این دو کار نهی شده، با هم جمع شوند؛ یعنی مرد مَحْرَمی از

روزی به منزل خویشاوند و بر بدن زنِ مَحْرَمی بنگرد، در این صورت، نهی شده‌ها به یکدیگر یاری می‌رسانند و سبب می‌شود که سنگ ریزه پرت کردن به سوی نگرنده، روا باشد. به دیگر سخن، روایی سنگ پرتاب کردن به سوی نگرنده، دو علت دارد:

۱. نگریستن و اطلاع یافتن از درون خانه

۲. نگریستن بر بدن مَحْرَم.

به هر حال، از عبارت علامه استفاده می‌شود که نگریستن مرد بر بدن زنِ مَحْرَم، بی‌اشکال نیست. بنابراین، ادعای ضرورتی که صاحب جواهر درباره روایی نگریستن به مَحْرمان، مطرح ساخته، در خور مناقشه است.

آقای خوئی، در ذیل عبارت سید یزدی، که نگاه بر بدن زنِ مَحْرَم را جایز دانسته، نوشته است

(ویدل علی الجواز، مضافاً الى السيره القطعيه من زمان الرسول الاكرم (ص) الى عصرنا الحاضر، حيث لم يعهد، تحجب النساء من اولادهن، او آبائهن، او اخوانهن الى غيرهن من المحارم، اولاً قوله تعالى (و لا يبدين ...))

ثانياً:

معتبره السكوني عن جعفر بن محمد، عن ابيه، عليهما السلام، قال (لا بأس ان ينظر الى شعر امه، او اخته، او ابنته) فانها و ان دلت على جواز النظر الى خصوص الشعر الا... انه بملا حظه عدم القول بالفصل بينه و بين سائر اعضاء الجسد، يثبت الحكم للجميع و لا اقل من انها تنفعنا في الجسد.

ثالثاً:

الروايات المتظافره، الداله على جواز تغسيل الرجل المرأه التي يحرم نكاحها عليه و بالعكس، اذا لم يحصل المماثل ...

وكيف كان فالحكم مقطوع و لا خلاف فيه و ان نسب الى العلامه المنع من ذلك في الجملة و الى بعض المنع من النظر الى الثدي حال الرضاع، فانه لا وجه للقولين بعد اطلاق الآيه الكريمة و ظهور الاخبار. (۲۱)

بر روا بودن

نگریستن به بانوان مَحْرَم، افزون بر سیره قطعی، که از زمان رسول خدا، تا زمان ما وجود دارد، به گونه ای که هیچ رسم نبوده که زنان از فرزندان، پدران، برادران و دیگر مَحْرمان خود، رو بگیرند، دلیلهای زیر نیز دلالت می کنند.

۱. آیه شریفه (لا یبدین زینتهنّ الاّ لبعولتهنّ ...)

۲. روایت معتبر سکونی از حضرت باقر (ع) که فرمود

(رواست که مرد به موهای مادر، خواهر و دختر خود، نگاه کند. زیرا اگر چه روایت، تنها نگریستن به مو را دلالت دارد، ولی با توجه به این که کسی بین مو، و دیگر جاهای بدن، تفصیلی نداده، حکم جایز بودن نگاه، برای همه بدن، ثابت می شود. دست کم این روایت، به ما سود می رساند.

۳. روایتهای بسیار که نزدیک است به تواتر برسند، دلالت می کنند بر این که بر مردان جایز است زنی را که ازدواج با او، بر آنان حرام است غسل دهند. همچنین بر زنان. البته اگر شخصی از جنس آنان پیدا نشود. به هر حال، جایز بودن نگاه به زنان مَحْرَم، قطعی است و اختلافی در این مسأله وجود ندارد. اگر چه به علامه حلی نسبت داده شده است که به اجمال نگریستن به بدن زنان مَحْرَم را روا ندانسته است. و به شماری دیگر از فقیهان نسبت داده شده که از نگریستن به پستان زن در حال شیردادن باز داشته اند. ولی، پس از اطلاق آیه و ظهور اخبار، وجهی برای این دو قول باقی نمی ماند.

ایشان، پنج دلیل برای ادعای خود یاد آور می شود که تمامی آنها مخدوش است.

۱. سیره قطعی می گوید از زمان رسول خدا تاکنون، سیره قطعی بر روا بودن نگاه به زنان مَحْرَم

وجود دارد و هیچ گاه دیده و شنیده نشد که زنان از فرزندان، پدران، برادران و ... رو بگیرند و در پرده حجاب قرار بگیرند.

این دلیلی که ایشان اقامه می کنند، مخدوش است. بحث رو گرفتن و داشتن حجاب در برابر مردان مَحْرَم نیست. بحث بر سر این است که آیا بانوان، می توانند با مایو و بدنی برهنه، در برابر مردان مَحْرَم بر خویش ظاهر شوند، یا خیر. نگارنده هر چه جست و جو کرد که موردی را در طول تاریخ بیابد که زنان با مایو، یا لنگی که تنها بین ناف و زانو، یا کم تر را بپوشاند، در برابر مردان مَحْرَم بر خود ظاهر شوند، نیافت.

به دیگر سخن، بی گمان، بر زنان، پوشاندن سر و گریبان و دستها، تا کمی بالاتر از مچ، در نزد مردان مَحْرَم، لازم نیست سیره هم نشان می دهد که این اندازه را زنان در نزد مردان مَحْرَم، نمی پوشانده اند؛ ولی به چه دلیل و چگونه می توان گفت دیگر جاهای بدن را نیز نمی پوشانده اند.

و به سومین بیان، ممکن است که ادعا شود که بر عکس نظر ایشان، ما سیره قطعی داریم که زنان، همان گونه که عورت خود را از مَحْرمان می پوشانده سینه، شکم، پاها و ... را نیز از آنان می پوشانیده اند.

دومین دلیل ایشان، آیه شریفه ۳۱ سوره نور است که پیش از این، به شرح درباره اش سخن گفتیم. روشن شد که بر زنان رواست در برابر مَحْرَم، سر، صورت، گریبان، گردن و دستها را تا حدود یک قبضه بالاتر از کف نپوشانند؛ ولی پوشاندن دیگر جاهای بدن، به همان حالت اولیه ای که داشته و آن را می پوشانده اند، باقی می ماند.

سومین دلیل

ایشان معتبره سکونی است که به روشنی بیان می کند مرد می تواند به موهای مادر، دختر، خواهر نگاه کند و آن گاه ایشان با کمک عدم القول بالفصل، این حکم را به همه بدن سریان داده است.

روا بودن نگرستن به موی سر زن مَحْرَم، درست، اما دیدن دیگر جاهای بدن را چگونه می توان ثابت کرد؟

در جواب به این دلیل می توان گفت زیرا عدم قول به فصل، نخست آن که دلیل نیست و دو دیگر، عدم قول به فصل، در این جا وجود ندارد، چون علامه در قواعد و تحریر و صاحب تنقیح، در نگاه کردن به پستان زن مَحْرَم، در حال شیردادن، مناقشه دارند و از این جا روشن می شود که باورمندانی به تفصیل وجود دارد. حتی خود آقای خوئی، متوجه این اشکال بوده است؛ از این روی، پس از یادآوری دلیل، می نویسد (لا اقل من انْها، تنفعنا فی الجملة) این کلام ایشان نشان می دهد که او در حجت بودن قول به عدم فصل، یا در وجود آن قول در این جا، و یا هر دو، مناقشه داشته است.

بنابراین، جایز بودن نگاه به موی زنان مَحْرَم، روشن است و جای هیچ گمانی نیست، ولی به فراتر از آن، دلیل می خواهد.

چهارمین دلیلی که ایشان بر دیدگاه خود اقامه می کند، روایات فراوانی است که بر مردان روا می دانند غسل دادن زنی را که بر آنان مَحْرَم است. با توجه به این که به هنگام غسل، به طور معمول، چشم کسی که بانوی مَحْرَم بر خویش را غسل می دهد، به همه جای بدن وی می افتد و حکم نگاه به بدن مرده و زنده مسلمان هم یکسان است.

روایات، درباره غسل زن

مسلمان، در صورتی که زن مسلمانی برای غسل وی پیدا نشود، به چند دسته تقسیم می شوند

۱. مَحْرَمی از جنس خود وی وجود ندارد. در این صورت، یکی از سه کار انجام می شود

الف. با لباسی که در تن دارد، بدون غسل، بر او کفن می پوشند و به خاک می سپارند.

ب. صورت، کف دستها و پشت دستها را می شویند و او را به خاک می سپارند.

ج. او را تیمم می دهند و به خاک می سپارند.

این بخش از روایات، اکنون در مدار بحث ما قرار ندارند.

۲. گاهی مَحْرَم از غیر جنس او وجود دارد. در این صورت، روایات بر چهار دسته اند

الف. شخص مَحْرَم، تنها شرمگاه او را می پوشاند و او را غسل می دهد.

ب. شخص مَحْرَم، او را از زیر لباس غسل می دهد.

ج. شخص مَحْرَم، تا آرنجهای او را می شوید. یا شخص مَحْرَم، تا آرنج، دست خود را زیر لباس زن میت می برد و او را غسل می دهد.

د. شخص مَحْرَم، او را غسل می دهد. در این دسته از روایات، سخنی از برهنگی، پوشیدگی، زیر لباس، روی لباس و ... به میان نیامده است.

روایات دسته نخست شخص مَحْرَم، تنها شرمگاه زن را می پوشاند و او را غسل می دهد.

۱. (عن منصور بن حازم، قال سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل يخرج في السفر و معه امرأته، يغسلها؟

قال نعم و أمه و أخته و نحو هذا يلقى على عورتها خرقة.) (۲۲)

در این روایت، اشکالهایی وجود دارد که با توجه به متن دیگری از روایت، می توان آنها را یافت و اصلاح کرد.

۲. (سأله منصور بن حازم، عن الرجل يسافر مع امرأته فتموت، يغسلها؟

قال نعم و أمه و أخته و نحوهما يلقى على عورتها خرقة و يغسلها.)

این دو روایت، یکی است. سند آن صحیح است و در کتابهای چهارگانه آمده است. مضمون آن درباره زوجه، روشن است. امّا درباره مادر، خواهر و ... روشن نیست. زیرا اگر مقصود امام، همه آن افراد بود، باید می فرمود (یلقی علی عورتهنّ) درحالی که در هر دو متن (عورتها) بود. به هر حال، همان گونه که ضمیر (ها) می تواند به (کل و احد منهنّ) برگردد، می تواند به (زوجه) برگردد که مورد پرسش منصور بود. این جمله که فرمود (وامّه و اخته و نحوهما)، یا (و نحو هذا) برای بیان این نکته بود که می تواند غسل بدهد، امّا چگونه و چه قسمتهایی را باید بپوشاند، در نظر نداشته است.

۳. (عن ابی جمیل، عن زید الشحام، قال سألت ابا عبد الله، عن امرأ ماتت و هی فی موضع لیس معهم امرأه غیرها.

قال ان لم یکن فیهم لها زوج و لا ذو رحم، دفنوها بثیابها و لا یغسلوها و ان کان معهم زوجها، او ذو رحم لها فیغسلها من غیر ان ینظر الی عورتها.) (۲۴)

راوی می گوید از امام صادق (ع) درباره زنی که در جایی می میرد و در آن جا، زنی نیست که وی را غسل بدهد، پرسیدم؟

فرمود اگر در بین مردان، شوهر او، یا مَحْرَمی وجود ندارد، با همان لباسهایی که در تن اوست، به خاک سپرده می شود، بدون غسل.

اگر در بین آنان، شوهر او، و یا مَحْرَمی وجود دارد، باید بدون این که به شرمگاه وی نگاه کند، او را غسل دهد.

سند روایت، ضعیف است؛ زیرا ابن جمیل، همان مفضل بن صالح، دروغ گوی مشهور است.

از این روایات بر می آید که شرمگاه زن باید پوشانده باشد، اگر چه

غسل دهنده شوهر او باشد؛ ولی آیا افزون بر شرمگاه، جاهای دیگر بدن نیز باید پوشیده باشد، یا خیر، این روایت ساکت است.

اگر روایتهای دیگر، بر پوشاندن تمامی بدن، حتی سر و گردن، یا پوشاندن تمامی بدن، به جز سر و گردن دلالت داشتند، با این روایتهای ناسازگاری ندارند؛ زیرا هر دو گروه ثابت می کنند که پوشاندن شرمگاه بسیار اهمیت دارد و پوشاندن جاهای دیگر بدن نیز واجب است؛ اما از اهمیت کم تری برخوردارند.

روایات دسته دوم این روایتهای دلالت می کنند که شوهر و یا مَحْرَمِی دیگر، زن را باید از زیر لباس غسل بدهند

۱. عن عمار بن موسی، عن ابی عبدالله (ع) انه سئل عن الرجل ... و عن المرأه تموت فی السفر و لیس معها امرأه مسلمه و معها نساء نصاری و عمها و خالها معها مسلمان؟

قال یغسلانها و لاتقربنها النصرانیه ... غیر انه یكون علیها درع فیصب الماء من فوق الدرع. (۲۵)

از امام صادق (ع) پرسیدم درباره زنی که در سفر می میرد و زن مسلمانی نیست که او را غسل دهد، ولی زن نصرانی و عمو و دایی مسلمان آن زن حضور دارند؟

فرمود عمو و دایی مسلمان، وی را غسل دهند و زن نصرانی، به هیچ روی به میت نزدیک نشود ... بله، باید میت، لباس داشته باشد و آب، از روی لباس بر روی بدن وی ریخته شود.

۲. (عن محمد بن مسلم، قال سألت ابا عبدالله (ع) عن الرجل یغسل امرأته؟

قال نعم، من وراء الثوب. (۲۶)

از امام صادق (ع) پرسیدم که مرد همسر خود را غسل می دهد؟

فرمود بله از روی لباس.

۳. (داود بن سرحان، عن ابی عبدالله (ع) ... قال فی المرأه

تكون مع الرجال بتلك المنزلة الآ- ان يكون معها زوجها فان كان معها زوجها فليغسلها من فوق الدرع و يسكب عليها الماء سكباً. (٢٧)

حضرت صادق (ع) درباره زنی که همراه گروهی از مردان است و می میرد ... فرمود اگر شوهر وی، همراه آنان است، باید او را از روی لباس غسل دهد و بر او آب بریزد.

٤. بمانند روایت داود بن سرحان از ابی الصباح الکنانی، از امام صادق (ع) نقل شده است و پس از (یسكب الماء علیها سكباً)، آمده است (و لا ينظر الی عورتها). (٢٨)

٥. (حمّاد عن الحلبي، عن ابی عبدالله (ع) قال سأل عن الرجل، يغسل امرأته؟

قال نعم، من وراء الثوب. لا ينظر الی شعرها و لا الی شیء منها). (٢٩)

از امام صادق (ع) پرسیده شد آیا مرد همسرش را غسل می دهد؟

فرمود بله، از روی لباس. به مو و هیچ جای بدن او نگاه نکنند.

روایات دسته سوم مرد، همسر خود را از زیر لباس و تنها تا آرنج می شویند.

١. (عن سماعة، قال سألته عن المرأة اذا ماتت فقال يدخل زوجها يده تحت قميصها الی المرافق). (٣٠)

٢. (حلبی عن ابی عبدالله (ع) فی المرأة اذا ماتت و لیس معها امرأة تغسلها قال يدخل زوجها يده تحت قميصها فيغسلها الی المرافق). (٣١)

راوی از امام صادق می پرسد زنی مرده و با او زنی نیست که وی را غسل دهد. امام فرمود شوهرش دستهای خود را تا آرنج به زیر پیراهن وی می برد و می شویند.

در این روایات چندین احتمال وجود دارد:

احتمال نخست:

در حاشیه کافی آمده (المرافق هی العورتان و مابینهما) (٣٢) بنابراین، مرد دست خود را به زیر لباس زن می برد و همه جای بدن

او را به جز شرمگاه ها و فاصله بین آن دو را می شوید.

احتمال دوم:

این که شوهر، تا آرنج دست خود را به زیر لباس زن می برد.

احتمال سوم:

تا آرنج زن را می شوید، نه بیش تر.

روایت حلبی، که از سند صحیحی برخوردار است، با احتمال سوم، سازگارتر است.

به هر حال، هر یک از این سه احتمال درست باشد، در بحث ما فرقی نمی کند و نشان می دهد که شوهر نمی تواند بدن همسر خود را برهنه کند و به آن نظر بدوزد.

روایات دسته چهارم روایات این دسته، بدون هیچ قیدی، بیانگر روا بودن غسل زن از سوی شوهر است، در صورتی که زنی وجود نداشته باشد.

۱. (عن عبدالله بن سنان، قال سألت عن الرجل ایصلح له ان ینظر الی امرأته حین تموت او یغسلها ان لم یکن عندها من یغسلها؟

فقال لا بأس بذلک، أنما یفعل ذلک اهل المرأه کراهیه ان ینظر زوجها الی شیء یکرهونها منها.) (۳۳)

راوی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم آیا صلاح است مرد به هنگام مرگ همسرش، به وی بنگرد. یا اگر زنی نیست که او را غسل دهد، شوهر می تواند او را غسل بدهد.

فرمود اشکالی ندارد. تنها خویشاوندان زن دوست ندارند، که شوهر نگاه کند به آنچه که آنان خوش ندارند.

۲. (عن محمد بن مسلم، قال سألت عن الرجل یغسل امرأته؟

قال نعم، أنما یمنعها اهلها تعصبا.) (۳۴)

از حضرت صادق (ع) پرسیدم آیا مرد، همسرش را غسل می دهد.

فرمود بله. تنها خویشاوندان زن، از روی تعصب، شوهر را از این کار باز می دارند.

۳. (اسحاق بن عمار، عن ابی عبدالله (ع) قال الزوج احق بأمرته حتی یضعها فی قبرها.) (۳۵)

شوهر، از هر کسی سزاوارتر است، تا او را

در قبر بگذارد.

۴. (عن ابی بصیر، قال قال ابو عبد الله (ع) یغسل الزوج امرأته فی السفر و المرأه زوجها فی السفر اذا لم یکن معهما رجل.) (۳۶)

حضرت صادق (ع) فرمود شوهر، زن خویش را در سفر غسل می دهد و زن نیز، شوهرش را در سفر غسل می دهد. اگر مردی نبود.

سند این حدیث ضعیف است؛ ولی معنای آن، با دیگر روایات باب هماهنگی دارد.

۵. روایات بسیاری در دسترس است که علی (ع)، همسر خود، فاطمه زهرا (س) را غسل داده؛ اما در این روایات، به روشنی بیان نشده که آن حضرت، فاطمه زهرا (س) را از روی لباس غسل داده، یا بدون آن. (۳۷)

چهارده روایت یاد شده، که بیشتر آنها از سند خوبی هم برخوردار بودند، دلالت بر این داشتند که بر شوهر و دیگر مَحْرَمان رواست در نبودن زن مسلمان، همسر و خویشاوند خویش را غسل دهند.

دسته نخست و دسته دوم، ناسازگار با هم نیستند. دسته نخست می گوید شرمگاه زن، به هنگام غسل باید پوشیده باشد و به شرمگاه نباید نگاه شود. دسته دوم می گوید بدن زن، باید از زیر لباس غسل داده شود که از آنها روشن می شود چه شرمگاه و چه غیر آن، به هنگام غسل باید پوشیده باشد.

دسته سوم، از این جهت که بدن زن نباید برهنه شود، با دسته دوم هماهنگی دارد و اگر بحثی هست در چگونگی و مقدار شستن است.

از دیگر سوی، این سه دسته از روایات، با روایات دسته چهارم ناسازگاری ندارند. زیرا اگرچه دسته چهارم، به اجمال، نگاه کردن شوهر به همسر مرده را روا می دانست و سه دسته نخست، به اجمال، روا نمی دانستند. ولی به قرینه صحیحه

محمد بن مسلم، می توان گفت روایات دسته چهارم، نگاه همسر را به سر و صورت زن، به هنگام غسل، بی اشکال می دانستند و روایات دسته نخست، دوم و سوم، درباره دیگر جاهای بدن، غیر از سر و صورت، سخن می گفتند، بنابراین با هم ناسازگار نیستند. بله، صحیحه حماد از حلبی، با صحیحه محمد بن مسلم را نمی شود جمع کرد و در نتیجه صحیحه حلبی از دور خارج می شود؛ زیرا روایتهای بسیاری وجود دارد که از آنها به اجمال بر می آید، شوهر می تواند که زن خود را به هنگام غسل نگاه کند. نتیجه این شد که

الف. از روایات روا بودن نگاه شوهر به سر و صورت زن مرده خود و ناروا بودن نگاه به دیگر جاهای بدن وی، به دست می آید.

ب. مردان مَحْرَم بر زن، تنها در نبود زن مسلمان، اجازه دارند خویشاوند خویش را از روی لباس، غسل دهند.

ج. از روایات، به دست نیامد که بر مردان مَحْرَم بر زن، روا باشد که به بدن زن در هنگام غسل نگاه کنند.

د. بیش تر روایتهای یاد شده، درباره زن و شوهر بود و روایتهایی که به غیر از زن و شوهر اشاره داشتند، سه تا بیش تر نبودند دو تا از دسته نخست که سند یکی از آنها ضعیف بود و یکی از دسته دوم اکنون روشن شد روایتهای فراوانی که آقای خوئی ادعا کرده بود، از ۲ یا ۳ روایت فراتر نمی رفت و روایات، بیش تر، درباره زن میّت در بین مردان نامَحْرَم و مرد میّت در بین زنان مَحْرَم و نامَحْرَم بود. دیگر این که از جمع بندی روایات به دست آمد، سخنی از

روا بودن نظر دوختن مرد مَحْرَم به بدن زن، یا روا بودن ظاهر شدن بدن زن برای مرد مَحْرَم در بین نیست. غسل دادن زن از سوی مردان مَحْرَم، غیر از نمایان شدن بدن زن است، بین این دو ملازمه ای وجود ندارد. اگر جاهایی هم، روا باشد که ظاهر شود، همان سر و گردن و دستهاست، نه دیگر جاها.

یادآوری:

با درنگ در باب غسل میت، روشن می شود، زن، پس از آن که چشم از جهان فرو می بندد، زیبایی خود را از دست می دهد (المرأه اسوء منظرأ اذا ماتت). (۳۸)

از این روی، برای مرد، دیدن زن مرده، ریه ای پدید نمی آورد. شاید به همین علت باشد که در پاره ای از روایات آمده مرد نامَحْرَم می تواند، صورت و دستهای زن میت را بشوید

(یغسل بطن کفیها، ثم یغسل وجهها، ثم یغسل ظهر کفیها). (۳۹)

بیا در روایت دیگر پیامبر اکرم (ص) می فرماید (افلا یموها) (۴۰)

چرا تیمم ندادند؟

با این که در تیمم دادن، بدن مرد نامَحْرَم با زن میت تماس می گیرد.

در روایت دیگر آمده

(یغسل منها موضع الوضوء). (۴۱)

از این گونه روایات به دست می آید نگاه به زن میت و لمس بدن وی، از نگاه و لمس زن زنده، کم تر مشکل دارد و واقعیت خارجی نیز، این مطلب را تأیید می کند.

از آنچه در این جا یادآور شدیم، با آنچه پیش از این، از آن سخن گفتیم، این نکته به دست می آید وقتی مردان مَحْرَم، به بدن زن میت نمی توانند نگاه کنند و حتی غسل وی، باید از روی لباس باشد، به طریق اولی، به بدن زن مَحْرَم زنده نمی توانند نگاه کنند، مگر آن جاهایی را که از قرآن و روایات، روشن شده باشد.

از قرآن

فهمیده شد که بر زن لازم نیست سر، گردن، گریبان و دستهای تا مقداری بالای مچ، از مَحْرَمان بپوشاند؛ اما آیا مردان مَحْرَم هم می توانند به این جاها نگاه کنند، یا خیر، بحث دیگری است که از آیه فهمیده نشد. از روایات به دست آمد که نگاه به موی سر خواهر، مادر و دختر اشکال ندارد. اما آیا رواست به گریبان آنان نگاه کرد، یا خیر، به دست نیامد. همان گونه که روایی و ناروایی نگاه به موی سر مادر و همسر و خویشان سببی و رضاعی نیز روشن نشد. به هر حال بحث نگاه را پس از این مطرح خواهیم کرد؛ زیرا اکنون، بحث ما درباره مسأله پوشش است.

آقای خوئی، در پایان دلیلهای خود بر مسأله، می نویسد (و کیف كان فالحکم مقطوع و لا خلاف فیه) شاید نظر ایشان از (الحکم مقطوع) دلیل جداگانه ای نباشد؛ بلکه مراد ایشان این است پس از درنگ و دقت در دلیل های پیشین که بر شمرده شد، انسان یقین پیدا می کند حکم بر روا بودن نگاه به همه بدن زن به جز شرمگاه از سوی مردان مَحْرَم یقینی است. زیرا اگر غیر از این مراد ایشان باشد، خود را از گردونه بحث خارج کرده و اعلام داشته از راه کشف و شهود و ... به حکم یقین پیدا کرده است که چنین ادعایی از روش ایشان و استدلال فقهی به دور است.

و (لا خلاف فیه) به احتمال قوی، بازگشت به صدر سخن است که ادعای سیره قطعیه کرد و جواب آن داده شد زیرا بعید است که ایشان در مسأله ای ادعا کند سیره قطعیه عملیه از آغاز تاکنون بر آن قائم

است، پس بگوید افزون بر سیره، اختلافی هم در آن نیست؛ زیرا سیره، دلیل قوی تر و استوارتر از (لا خلاف) و اجماع است. گیریم مراد ایشان از (لا-خلاف) آوردن دلیل پنجمی بر حکم باشد. در این صورت، این بحث پیش می آید آیا این اجماع، تعبدی است؟

بی گمان ایشان و همه کسانی که در این بحث به بررسی پرداخته اند، این اجماع را تعبدی نمی دانند؛ بلکه آنچه هست از آیه قرآن، روایات، روش و منش مردم برداشت شده است و اجماعی هم اگر هست، تعبدی نیست. چون مدّ رک آن روشن است.

پس باید از این اجماع، چشم پوشید و سراغ دیگر دلیلهای رفت که از مقدار دلالت آنها سخن گفتیم. با توجه به پاسخی که به آقای خوئی در این نوشتار داده شد، پاسخ دیگران نیز روشن می شود، زیرا آنان، دلیلی افزون بر ایشان، بیان نکرده اند. اکنون، پاره ای از فتواها را که تا اندازه ای، با آنچه گفته شد هماهنگی دارند، یادآور می شویم

فاضل مقداد، در تنقیح الرائع، شرح مختصر النافع، در شرح عبارت

(و ينظر الى جسد زوجته باطناً و ظاهراً و الى محارمه، ماخلا العوره.)

می نویسد

(المحرم، هو كل امرأه ملك و طأها او حرم بنسب، او رضاع، او مصاهره بعقد او ملك یمین. اما التي ملك و طأها، فيجوز النظر اليها كالزوجه، باطناً و ظاهراً. اما من حرم و طأها فيباح النظر منهن الى الوجه و الكفين و القدمين اجماعاً و يحرم النظر الى القبل و الدبر لغير ضروره من مباشره علاج و اشهاد ايلاج، اجماعاً.

واما غير ذلك من البدن فعلى ثلاثه اقسام الاول الندى حال الارضاع و هو يلحق بالوجه لشدّه الحاجه الى ظهوره في اغلب

الاقوات. الثانی الشدی، لافی حاله الارضاع، الثالث سائر البدن، غیر ما ذکرنا. و فی هذین القسمین خلاف قیل بالاباحه لقوله تعالی (لا- یبدین زینتهنّ الا- لبعولتهنّ، او آبائهنّ، او آباء بعولتهنّ، او ابنائهنّ) و قیل بالتحريم، لعموم (قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم).

قال السعید و الا- حوط انه یحرم ما عدا الوجه و الکفین و القدمین و ما یظهر عاده بحسب اکثر الاوقات لانّ الجسد المرأه کله عوره و یحرم النظر الی العوره. (۴۲)

مَحْرَم، زنی است که انسان حق همبستر شدن با او را داشته باشد. یا آن زنی است که به نسب، یا شیرخوارگی، یا با پیوند، مانند عقد و یا ملک یمین، همبستر شدن با او حرام شده باشد.

آن که حق دارد با او همبستر بشود، رواست به همه بدن زن چشم بدوزد، چه جاهای آشکار و چه جاهای پنهان. اما مَحْرَمی که چنین حقی را ندارد، به اجماع، بر او نگاه به صورت، پاها و دستها تا مچ رواست. همچنین به اجماع، در غیر هنگام ضرورت، مانند گاه درمان بیماری و گواهی بر داخل کردن، بر او روا نیست که پیش و پس زن مَحْرَم را بنگرد. اما باقی بدن این دسته از مَحْرَمان، بر سه قسم است

۱. پستان در حال شیردادن که از نظر حکم، پیوسته به چهره است؛ زیرا بیش تر وقتها ضرورت شدید دارد که در بین مَحْرَمان ظاهر باشد.

۲. پستان در غیر حال شیردادن.

۳. دیگر جاهای بدن.

در دو قسم آخر، اختلاف است

گروهی مباح دانسته اند، به دلیل آیه شریفه زینت و جمال خود را آشکار ن سازند، جز برای شوهران خود، پدران شوهر، پسران خود و پسران شوهر ...

گروهی حرام دانسته اند، به دلیل آیه شریفه ای رسول ما!

مردان مؤمن را بگو چشمهای خود را از نگاه ناروا ببوشند.

سعید گفته است بهتر و به احتیاط نزدیک تر است که نگاه به جز چهره، دستها تا مچ، پاها تا مچ و آنچه از روی عادت، بیش تر وقتها پوشیده نمی شود، حرام است؛ زیرا همه بدن زن عورت است و نگاه به عورت حرام.

عبارت الايضاح، که کتاب فقهی سعید، فرزند علامه است، کم و بیش، مانند عبارت فاضل مقداد است، جز این که سعید، فتوای پدرش، علامه حلّی را، از تذکره نقل کرده که ایشان نگاه به دیگر جای بدن را مباح می داند و می نویسد (هو الاقوی عندی) (۴۳)

از عبارت فاضل مقداد و فرزند علامه حلّی، روشن می شود دیدگاهی وجود دارد که نگاه به دیگر جاهای بدن زن را حرام می داند و این قول از چنان جایگاهی برخوردار است که فاضل مقداد را از فتوا باز داشته و سعید فرزند علامه حلّی را وا داشته که فتوای به احتیاط دهد.

این جاست که ادعای اجماع محصل و منقول و ادعای ضرورت، از سوی صاحب جواهر، یا ادعای قطع و یقین از سوی آقای خوئی، با مشکل رو به رو می شود.

علامه سید محمد حسین فضل الله، دلیلهایی که بر روا بودن نگاه مردان مَحْرَم به زن، اقامه شده، یک به یک بر می شمرد، این حکم را کم و بیش، روشن دانسته و سپس با اشاره به حکمت حکم، از گرفتاریها و دشواریهای امروز سخن گفته است

(اما جواز ابداء الزینه لهؤلاء، فلأن طبيعه العلاقه الخاصه الخاضعه للحواجز النفسیه، تمنعهم من التفکر الجنسی و الانجذاب الغریزی، انطلاقاً من الاحکام الشرعیه التي تجعلهم من المحارم و من التقالید الاجتماعیه و

القيم الانسانيه العميقه فى وعى الناس مما يجعل عمليه الانحراف بعيده عن المألوف من الوضع الطبيعى للعلاقات.

لكن هذا الموضوع قد يخضع لكثير من الاهتزازات النفسيه المنحرفه، فيدفع الانسان الشاذ المنحرف الى الاعتداء على ابنته، او اخته، او ابنه اخته، او اخيه انطلاقاً من التوجيهات الاخلاقيه التى تثير الغريزه فى اتجاه المتمرّد على الحرام او من الافلام الخلاقيه، او القصص المثيره ... و نحو ذلك مما اصبحنا نسمع بالكثير منه فى عالمنا المعاصر.

ولذلك فلا بد من الرقابه الدائمه على حركه العلاقات فى الاجواء المثيره و العمل على ايجاد الضوابط الخارجيه بالاضافه الى الضوابط الداخليه فى عمق الرواسب الذاتيه ... فقد دلت التجارب على ان الاعتماد على التقاليد فى مثل هذه الامور لا يتحقق ايه ضمانه عاصمه، لانّ من السهل تفتيت القيم الروحيه و الاخلاقيه بالأتجاه التربوى المضاد بالوسايل المنحرفه المتنوعه. (٤٤)

نماياندن زيبايها و زينتها، از آن جهت براى مَحْرمان، روا شمرده شده كه طبيعت علاقه ها و پيوندهاى ويژه، محكوم بازدارنده هاى نفسانى و روحى فراوانى هستند كه آنان را از هرگونه اندیشه جنسى و شهوانى باز مى دارد. آن باز دارنده ها از احكام شرعى، كه آنان را از محارم مى داند و از آداب و سنتهاى اجتماعى و ارزشهاى عميق انساني، كه در اعماق جان انسانها وجود دارد، سرچشمه گرفته است.

در نتيجه، اين گونه پيوندها، با چنين بازدارنده هاى، اندیشه ها و رفتارهاى انحرافى را بسيار دور مى نماد. اما همين مسأله، گاه، محكوم بسيارى از لغزشهاى روحى و نفسى مى شود؛ به گونه اى كه انسان را به دست اندازى به سوى دختر، خواهر، دختر خواهر و دختر برادر، بر مى انگيزاند.

اين انگيزشها و برانگيزخته شدن، از توجيه هاى ضد اخلاقى بسيار كه غريزه را به

سرکشی بر می انگیزند، یا از فیلمهای غیر اخلاقی و مبتذل، یا داستانها و رمانهای شهوت انگیز و ... ناشی می شود که ما امروزه، به بسیاری از رخدادهای این گونه ای در جامعه برخورد می کنیم.

از این روی، یک دیده وری همیشگی بر چگونگی نشست و برخاستها و آمد و شدها در این جاها و فضاها هیجانی بایسته است. باید در عمل، قانونها، آیینها و معیارهای خارجی را بر قانونها و قاعده های داخلی، که در ژرفای نفسها، رسوب کرده، افزود [تا از رخدادهای ناگوار پیش گیری کند] زیرا تجربه ها نشان می دهد که اکنون دیگر، تکیه بر سنتها و آداب اجتماعی، در مانند این امور، ضمانت اجرایی اطمینان آوری نیست. زیرا به آسانی می توان، ارزشهای روحی و اخلاقی را، با وسائل تبلیغی انحرافی گوناگون، از بین برد.

آقای فضل الله انگاشته آیه قرآن و روایت، بر آنچه فقیهان ادعا کرده اند، دلالت دارد؛ از این روی، حکمی را که اینان از آیه و روایت برداشت کرده اند، روشن دانسته و در این باره به بحث و بررسی نپرداخته است؛ بلکه با توجه حکمت حکم و نیز شرایط ویژه ای که نمایاندن زینت و زیباییها، پدید آورده اشاره کرده و می نویسد در زمان ما همه چیز دگرگونی یافته، با گونه گون تبلیغها، فیلمها و ... شهوت جوانان را بر می انگیزند و آنان را به کژ راه می کشانند. در چنین فضای آلوده ای، اجازه دادن به خواهر و برادر، پسر و مادر، پدر و دختر و ... که با هر لباسی و با هرگونه پوششی در پیش یکدیگر حاضر شوند، گرفتاریها و ناهنجاریهای بسیاری را پدید می آورد.

به هر حال، آقای فضل الله از باب ضرورت و

توجه به شرایط موجود جامعه و جوانان، بر این نکته پای می فشارد که باید (یجوز) در سخن فقیهان، به (یحرم) دگر شود و پدران، مادران، خردمندان قوم و ... چاره ای برای درون خانه ها بیندیشند.

ولی نگارنده فکر می کند، شرع مقدس، برای این مسأله چاره ای اندیشیده و هیچ گاه، برهنه بودن زن را در برابر مَحْرَم خود اجازه نداده است. آنچه شرع اجازه داده، برهنه بودن سر و صورت و کمی از گریبان و دستها، تا بالای میچ است. در همین محدوده هم، به مرد اجازه نگاه به همه بانوان مَحْرَم را نداده است.

مرد، تنها می تواند به سرو صورت خواهر، مادر و دختر خود نگاه کند و به دیگر بانوان مَحْرَم نسبی، در همین حد هم شاید نتوان نگاه کرد، گرچه بر بانوان مَحْرَم واجب نباشد که سرو صورت خود را بپوشانند.

پس چشم دوختن به سرو صورت دختر خواهر، یا دختر برادر و ... نیاز به دلیل دارد که اکنون وجود ندارد. شاید بتوان از معتبره سکونی تنقیح مناط کرد و دختر خواهر را نیز، بسان خود خواهر دانست. گرچه این تنقیح مناط خالی از اشکال نیست.

امّا بی گمان، از روایت سکونی، نمی توان تنقیح مناط کرد و نگاه کردن به خویشان سببی، مانند مادر زن، زن پدر و ... را روا دانست.

پیش از این بیان شد که واجب نبودن پوشش، ملازمه ای با روا بودن نگاه به بانوان مَحْرَم ندارد. پس زن در برابر گروه های سه گانه سببی، نسبی و رضاعی لازم نیست سر و صورت خود را بپوشاند، ولی تنها مرد حق دارد به سر و صورت سه گروه خواهر، مادر و دختر، نگاه کند و با

تنقیح مناط، حکم روا بودن به بانوان مَحْرَم به نسب، جریان می یابد. ولی خویشاوندان سببی، گرچه پوشیدن سر و صورت برایشان واجب نیست، ولی دلیلی نداریم که بر مرد روا باشد به سر و صورت آنان نگاه کند.

ناکنون، روشن شد که

الف. چشم دوختن به شرمگاه دیگری حرام است، حتی بر خویشان نسبی و سببی. جز گاه ضرورت که از این قاعده استثناست.

ب. چشم دوختن به سر، صورت، گریبان و مقداری از پاهای زن، بر مردان مَحْرَم، جایز است.

ج. چشم دوختن، به همین مقدار بدن، از سوی مَحْرَمِانِ سببی، اشکال دارد و دلیلی بر روایی آن، وجود ندارد.

د. نگاه به دیگر جاهای بدن زن، به شرمگاه، از سوی مَحْرَمِانِ نسبی و سببی، اشکال دارد و دلیلی بر روایی آن وجود ندارد.

اینک و در این جا، برآنیم یکان یکان دلیلهایی را که مرد را از نگاه به غیر از سر، صورت، گریبان، دستها تا مچ و مقداری از پاهای زن مَحْرَم باز می دارد، عرضه بداریم

۱. (قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم، ذلک از کی لهم انّ اللّٰه خبیر بما یصنعون). (۴۵)

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی پیشه ورزند که این، برای آنان پاکیزه تر است؛ زیرا خداوند، به آنچه می کنند، آگاه است.

از این آیه شریفه در مقاله پیشین سیری در آیات حجاب، بحث شد و در این جا برآنیم نکته هایی را یادآور شویم که در بحث کنونی راه گشایند و در آن جا، یا از آنها بحثی به میان نیامد، یا به اجمال از کنار آن گذشته شد.

از جمله در این جا باید به این بحث پرداخته شود که مردان مؤمن از چه چیز

باید دیدگان خود را فرو پوشند؟

۱. آیا از نگاه به شرمگاه‌ها؟

که البته شماری بر این باورند و (یحفظوا فروجهم) را قرینه بر مطلب خود دانسته اند.

به دیگر سخن این گروه بر آنند که (فروجهم) که مفعول (یحفظوا) است، بر متعلق (یغضوا) نیز دلالت می‌کند.

۲. متعلق (یغضوا) می‌تواند (ما حرم الله) باشد؛ یعنی مردان مؤمن، نگاه خود را از تمامی حرامهای الهی فرو پوشند. در این صورت، باید حرام الهی از راه دیگر و در جای دیگر ثابت شود، تا موضوع حکم فرو پوشاندن قرار گیرد.

۳. متعلق (یغضوا) می‌تواند (ما یشیر الشهوه) نیز باشد. آنچه شهوت انگیز است، گرچه پیش از این حرام بودن آنها با دلیل دیگری ثابت نشده است.

احتمال دارد که آیه شریفه، همین سومی را در نظر داشته باشد؛ زیرا

نخست آن که شأن نزول آیه شریفه، نگاه شهوت آلود جوان انصاری به زنی بود که از کوچه می‌گذشت. و در این نگاه، چنان از خود بی‌خود شد که چهره اش با چیز برنده‌ای، که در دیوار بود، برخورد کرد و مجروح شد. (۴۶)

در آن زمان، هنوز حکم حجاب و حکم نگاه نازل نشده بود؛ بنابراین نگاه جوان حرام نبوده، بلکه نگاه انگیزاننده شهوت بوده و غافل‌کننده.

دو دیگر اگر متعلق (یغضوا)، (ما حرم الله)، (یا فرج) باشد، آیه حکم جدیدی را بیان نکرده، بلکه تأکید بر احکام گذشته است. زیرا همان دلیلی که حرام بودن نگاه به چیزی، یا حرام بودن نگاه به شرمگاه را می‌گوید، کافی است.

بنابراین، برای این که آیه از تأکید ورزی بر احکام پیشین خارج شود و بیان‌کننده حکم جدیدی باشد، باید متعلق آن (و ما یشیر الشهوه)

و ... باشد.

حال که کبرای قیاس را از آیه گرفتیم، صغرای آن را می‌توانیم بیابیم. هر چه شهوت انگیز باشد، چه جاهایی از بدن بانوان مَحْرَم و چه گونه پوشش آنها و ... باید از آنها چشم پوشاند.

۲. (واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذین من قبلهم.) (۴۷)

چون کودکان شما، به سن بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند.

همان گونه آنان که پیش از اینان بودند، اجازه می‌گرفتند.

خداوند در آیه پیش از این آیه می‌فرماید نابالغان، لازم نیست اجازه بگیرند، مگر در سه وقت. در غیر آن سه وقت، کودکان لازم نیست اجازه بگیرند؛ زیرا دیدن مادر با لباس خواب، برای آنان شهوت انگیز نیست. ولی وقتی به سن بلوغ رسیدند، باید درگاه ورود به اتاق مادر، اجازه بگیرند. بنابراین، معلوم می‌شود که دیدن مادر، بر بالغان و نابالغان، یکسان نیست. فرزند نابالغ، می‌تواند مادر را در لباس خواب و شهوت انگیز ببیند، ولی فرزند بالغ، چنین اجازه‌ای ندارد.

روایات بسیاری در ذیل این آیه شریفه وجود دارد که به پاره‌ای از آنها در مرحله پنجم از حکم حجاب، در مقاله سیری در آیات حجاب، اشاره کردیم.

۳. در اصول فقه، اصولیان درباره مقدمه واجب به بحث و بررسی می‌پردازند و عنوان می‌کنند آیا مقدمه واجب، واجب است، یا خیر؟

سرانجام به این نتیجه دست می‌یابند اگر برای مقدمه جایگاهی در بین آنچه در شرع واجب است نیابیم، بی‌گمان در دستگاه عقل، چنین جایگاهی را دارد. اگر در شرع دلیلی نیابیم که مقدمه واجب، واجب است، عقل به آن حکم می‌کند. در همان بحث، اصولیان از مقدمه حرام، سخن به میان آورده و یادآور شده‌اند

مقدمه حرام، از نظر شرع حرام نیست؛ زیرا مقدمه حرام، انسان را به حرام نمی رساند و دست آخر، این مکلف است که با آهنگ انجام کار، کار حرام را انجام می دهد یا انجام نمی دهد. ولی مقدمه حرام، از نظر عقل نارواست. و به دیگر بیان عقل انسان را از انجام کارهایی که زمینه را برای انجام حرام مهیا می سازد، باز می دارد و مقدار حرام بودن هر یک از آن مقدمه ها نیز، بسته به مقدار اثرگذاری است که در فراهم شدن زمینه گناه دارد.

به هر حال، عقل اجازه نمی دهد مرد و زن مَحْرَم مانند خواهر و برادر، با لباس نامناسب در برابر هم حاضر شوند، خلوت گزینند، در مهمانیها شرکت جویند و ...

دیدن زینت و زیباییهای بانوان مَحْرَم، از آن جا که زمینه گناه را فراهم می سازد، به دلیل عقل، حرام خواهد بود.

۴. روح شریعت اسلامی، ناسازگار است با هرگونه حرکتی که به فساد اخلاقی بینجامد، زمینه آلودگی و گناه را فراهم آورد، جامعه و خانواده را به کژ راهه بکشانند، به آتش شهوت دامن بزند، شهوتها را برانگیزد و ...

این مطلب از جای جای قرآن مجید و روایات درخور برداشت است.

خداوند به زنان پیامبر (ص) می فرماید:

(فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض.) (۴۸)

با ناز و کرشمه سخن نگویند، تا آن که بیمار دل است، آزر بورزد.

به پیامبر (ص) می فرماید:

(قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم، ذلک ازکی لهم ...) (۴۹)

به مردان مؤمن بگو چشمها را [از نگاه های ناروا] بپوشند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است.

به زنان می فرماید:

(... و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن ...) (۵۰)

... پاهای خود

را [به گونه ای به زمین] نکوبند، تا آنچه از زینت خود نهفته می دارند، آشکار گردد.

خداوند حضرت مریم (س) را به خاطر پاکدامنی می ستاید

(ومریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنحنها فيه من روحنا). (۵۱)

مریم دختر عمران، همان کسی که دامن خود را پاک نگهداشت و ما هم در آن از روح خود دمیدیم.

خداوند در آیات بسیار، پاک دامن را می ستاید

(الذین هم لفروجهم حافظون). (۵۲)

خداوند، در آیه سی و پنجم سوره احزاب، ده ویژگی از ویژگیهای مردان و ده ویژگی از ویژگیهای زنان را بر می شمرد که اینها سبب می شوند در دریای مغفرت خداوند غوطه ور شوند و از پاداش عظیم برخوردار. نهمین از این ده ویژگی، پاک دامنی است

(والحافظین فروجهم و الحافظات).

در روایات، از پاکدامنی بسیار سخن به میان آمده و جایگاه و ارزش والایی به آن داده شده، حتی گاهی برای پاک ماندن دامن شماری از کسان، از حلال نیز بازداشته می شوند که مباد از حلال الهی به حرام بیفتند.

در روایت وارد شده شخصی به خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد

(یا رسول الله! اُمی استأذن علیها؟

... آخشی تکشف شعرها بین یدی؟

قال لا.

قال و لِمَ؟

قال اخاف ان ابدت شیئاً من محاسنها و من شعرها او معصمها ان یواقعها). (۵۳)

ای رسول خدا، آیا برای ورود به مادرم باید اجازه بگیرم؟

...

از این بترسم که موی او در پیش من نمایان شود.

حضرت فرمود نه.

پرسید پس برای چه باید اجازه بگیرم؟

حضرت فرمود می ترسم که اگر مقداری از زیباییها و موها و زیورهای او بر تو نمایان شود، به آمیزش با او اقدام کنی.

امام رضا (ع) در پاسخ به پرسشهای محمد بن سنان می فرماید:

(وحرم النظر الی شعورالنساء المحجوبات بالازواج الی

غيرهنّ من النساء لما فيه من تهيج الرجال و مايدعوا التهييج اليه من الفساد و الدخول فيما لا يحل و كذلك ما اشبه الشعور.

(۵۴)

چشم دوختن به موهای زنان شوهردار و دیگر زنان را، حرام کرد زیرا دیدن موی زنان شهوت مردان را بر می انگیزد و انگیزته شدن شهوت، به فساد و به داخل شدن در آنچه که حلال نیست می انجامد. نگاه به آنچه به سانِ پوست، نیز به همین جهت حرام شده است.

روایات بسیاری داریم که دستور می دهند باید جای خواب پسر و دختر جدا باشد و زنان خود را از نابالغان بپوشانند و ... همه، حکایت از دقت و واقع نگری شارع دارد و این نکته را روشن می کند که شارع بر آن است زمینه انگیزته شدن شهوت را از بین ببرد که مباد به فسادهای خانمان سوز بینجامد.

نکته وقتی دلیل برای حرام بودن نگاه به بانوان مَحْرَم و دیگر بانوان، مصلحت سنجیهای عقل و حکمتهای بیان شده در آیات و روایات باشد، نمی توان اندازه و مقدار و حدود آن را باز شناساند و در مثل، گفت به دستها، تا به آرنج رواست، نگاه شود و ... زیرا این گونه چیزها، بسته به نَفْس فرد، پای بندی او به احکام، پیری، جوانی و ... دارد و عقل نمی تواند در حوزه نگاه، مرزی باز شناساند.

بنابراین، در این گونه چیزها، تنها می توان گفت باید مرزهایی که ممنوع است نگاه ها از آنها فراتر رود، درجه بندی شوند. پاره ای از جاهای بدن که فساد انگیزی کم تری دارند، نگاه به آن جاها، از کراهت کم تری برخوردار است و نگاه به هر جا که فساد انگیزی بیش تری

داشته باشد، از کراهت بیش تری برخوردار خواهد بود. هر چه فساد انگیزیها بیش تر باشد، کراهت بیش تر می شود، تا به آن جا که به مرز حرمت می رسد.

بنابراین با دلیل کتاب و سنت و عقل نمی توان، الگو و نمونه ویژه ای از لباس را برای مادران ارائه داد که در پیش فرزندان از آن استفاده کنند و یا الگوی خاص برای خواهران، برای استفاده در پیش برادران و ...

آنچه که روشن است، باید سینه، شکم، ران، کمر، پا تا نیمه های ساق و دستها تا آرنج، به طور حتم پوشیده باشد و از آرایشهای غلیظ سر و صورت خودداری شود.

دیگر جاهای بدن، مانند دستها تا آرنج، پاها تا نیمه ساق، سر و گریبان در پیش فرزندان و برادران لازم نیست پوشانده شود، زیرا پوشاندن آنها حَرَج آور و دشواری آفرین است و شارع، حکم حَرَجی در شرع قرا نداده است.

البته، همان گونه که پیش از این یادآور شدیم، بر مردان مَحْرَمی که از همین مقدار باز بودن و بی پوششی سر و چهره و دست بانوان مَحْرَم، به حرام می افتند و دامنشان آلوده می شود، باید نگاه خود را فرو خوابانند و از نزدیک شدن به کانون خطر دوری گزینند.

به هر حال اگرچه بر بانوان در پیش مردان مَحْرَم مانند فرزندان و برادران، پوشاندن دستها تا آرنج، پاها، تا نیمه ساق، سر و گریبان، چون حَرَجی است، لازم نیست زیرا شارع، حکم حرجی جعل نکرده و نمی کند؛ اما این نکته را باید یادآور شد که همین مقدار، در پیش عمو و دایی، حَرَجی نیست، زیرا به طور معمول در یک خانه زندگی نمی کنند و پوشاندن آن مقدار در

دیدارهای زودگذر، دشواری و حرجی نمی آفریند. همچنین در برابر خویشان سببی که پوشاندن بیش از این نیز، حرجی در پی ندارد و عقل از آن، باز نمی دارد و برای دستور به پوشش، بازدارنده ای در پیش خود نمی بیند.

نکته در آیه ۳۰ سوره نور، حکم پوشش بانوان، بیان و سیزده گروه استثنا و برشمرده شد که بانوان لازم نیست زینتهای خود را از آنان بپوشانند. ولی در بر شماری گروه های سیزده گانه، از دایی و عمو، نامی برده نشد، با این که اینان نیز از مَحْرَمَان بشمارند.

گروهی بر این پندارند علت بیان نشدن عمو و دایی، این است که این دو، با دیدن زینتهای دختر برادر، یا دختر خواهر، از خود بازتاب نشان می دهند و از زیباییهای آنان پیش پسران خود، سخن می گویند.

گروهی دیگر بر این پندارند آیه شریفه، یک طرف را بیان کرده و از کنار طرف دیگر گذشته، زیرا با بیان یک طرف، حکم طرف دیگر روشن می شود. وقتی در گروه های استثنا شده ابناء اخوانه و ابناء اخواته (وجود دارد و وقتی پسر برادر زن از استثناء ها باشد و جزء مَحْرَمَان، عکس آن نیز از مَحْرَمَان به شمار است. یعنی عمو هم می تواند دختر برادر را ببیند و چون پسر خواهر زن، از مَحْرَمَان است، در نتیجه، دایی هم می تواند دختر خواهر را ببیند.

ولی از بحث ما روشن شد که دلیل و توجیه بهتری برای ذکر نشدن عمو و دایی وجود دارد و آن این که

عمو و دایی، مانند پدر و برادر نیستند که با زن در یک خانه و در یک اتاق به سر برند، تا پوشاندن سر و صورت در برابر آنان حرجی

باشد. دلیلی بر استثنا بودن هر مَحْرَم نسبی وجود ندارد، بلکه هر جا ضرورت اقتضا می کرده و یا به خاطر زندگی در یک مکان، حرج و مشکلی پیش می آمده، به زنان، پوشاندن جاهایی از بدن، که شهوت انگیز نباشند، اجازه داده شده است. حکم، دائر مدار مَحْرَم و غیر مَحْرَم نیست. به قرینه دوازدهمین و سیزدهمین گروهی که در آیه شریفه استثناء شده اند. بردگان و پیران بدون شهوت. اینان، مَحْرَم نیستند، ولی چون در زندگی، به گونه پیوسته و همیشگی در منزل، به خدمت می پردازند و رفت و آمد بسیار پیش بانوی منزل دارند، پوشش در برابر آنان حَرَجی است، شارع اجازه داده، سر، صورت، دستها و گریبان از آنان پوشیده نشود. از طرفی، چون آنان برده اند و زیر دست و تابعان بدون شهوت، مشکلی به وجود نمی آید.

پی نوشتها

۱. سوره (احزاب)، آیه ۵۵.
۲. همان، آیه ۵۳.
۳. (الدر المنثور)، جلال الدین سیوطی، ج ۲۱۵/۵.
۴. سوره (نور)، آیه ۳۱.
۵. (فروع کافی)، ج ۵۲۰/۵، ح ۵، دارالتعارف، بیروت.
۶. (من لایحضره الفقیه)، صدوق، ج ۴۷۴/۳، ح ۴۶۵۹؛ (وسائل الشیعه)، حر عاملی، ج ۱۳۹/۱۴، ح ۷، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۷. (تفسیر القمی)، ج ۱۰۱/۲.
۸. (فروع کافی)، ج ۵۲۰/۵، ح ۱.
۹. (الدر المنثور)، ج ۴۲۰/۵.
۱۰. همان.
۱۱. (بحار الانوار)، علامه مجلسی، ج ۳۸/۱۰۴، ح ۳۷؛ (الدر المنثور)، ج ۵۷/۵.
۱۲. (بحار الانوار)، ج ۳۸/۱۰۴، ح ۳۸.
۱۳. همان، ح ۳۹.
۱۴. (الدر المنثور)، ج ۵۷/۵.

١٥. (بحار الانوار)، ج ٣٤/١٠٤.

١٦. (العروه الوثقى)، ج ٨٠٣/٢، مسأله ٢، المكتبه الاسلاميه.

١٧. (شرايع الاسلام)، محقق حلى، ج ٢٦٩/٢، دارالاضواء، بيروت.

١٨. (جواهر الكلام)، شيخ محمد حسن نجفى، ج ٧٣٧٢/٢٩، اسلاميه.

١٩. (كشف اللثام)، فاضل هندى، ج ٩/٢، چاپ سنگى.

٢٠. (قواعد الاحكام)، علامه حلى، ج

۲۱. (مبانی العروه الوثقی)، سید ابوالقاسم خوئی، ج ۱/۶۶۶، ۶۷.
۲۲. (کافی)، ج ۳/۱۵۸، ح ۸؛ (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۰۵، ح ۱.
۲۳. (من لایحضره الفقیه)، ج ۱/۱۵۵، ح ۴۳۰؛ (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۰۵، ح ۲.
۲۴. (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۰۷، ح ۷.
۲۵. همان ۷۰۶، ح ۵.
۲۶. همان ۷۱۴، ح ۲.
۲۷. همان ۷۱۵، ح ۷.
۲۸. همان ۷۱۶، ح ۱۲.
۲۹. همان، ح ۱۱.
۳۰. (کافی)، ج ۳/۱۵۸، ح ۶؛ (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۱۴، ح ۵.
۳۱. (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۱۵، ح ۸.
۳۲. (کافی)، ج ۳/۱۵۸، به نقل از مرآه العقول.
۳۳. (وسائل الشیعه)، ج ۲/۷۱۳، ح ۱.
۳۴. همان ۷۱۴، ح ۴.
۳۵. همان ۷۱۵، ح ۹.
۳۶. همان ۷۱۶/۷۱۷، ح ۱۴.
۳۷. همان ۷۱۷، ح ۱۵/۷۱۴/۲۰، ح ۶.
۳۸. همان ۷۱۶، ح ۱۲.
۳۹. همان ۷۰۱، ۷۱۰، ح ۱.

۴۰. همان ۷۱۰/، ح ۴.

۴۱. همان ۷۱۱/، ح ۴.

۴۲. (التنقیح الرائع لمختصر الشرایع)، جمال الدین بن مقداد، تحقیق سید عبداللطیف الحسینی الکوه کمری، ج ۲۲/۳، کتابخانه مرعشی نجفی.

۴۳. (الایضاح) سعید حلّی، ج ۹/۳، به نقل از (التنقیح الرائع)، ج ۲۲/۳.

۴۴. (کتاب النکاح)، تقریری از درس سید محمد حسین فضل الله، مقرر شیخ جعفر شافوری ۹۳/، دار الملائک، بیروت.

۴۵. سوره (نور)، آیه ۲۹.

۴۶. (نورالثقلین)، ج ۵۸۸/۳، ح ۹۲؛ (کافی)، ج ۵۲۰/۵، ح ۵.

۴۷. سوره (نور)، آیه ۵۹.

۴۸. سوره (احزاب)، آیه ۳۲.

۴۹. سوره (نور)، آیه ۳۰.

۵۰. همان، آیه ۳۱.

۵۱. سوره (تحریم)، آیه ۱۲.

۵۲. سوره (مؤمنون)، آیه ۵؛ سوره (معارج)، آیه ۲۹.

۵۳. (جعفریات)، به نقل از (الفقه)، سید محمد شیرازی، کتاب النکاح، ج ۱۶۱/۱.

۵۴. (نورالثقلین)، ج ۶۲۲/۳، ح ۲۳۴.

کاوشی نو ۲۴

حجاب از دیدگاه فقهای متأخر

نویسنده

نرجس السادات نعمتی - ورودی ۷۲ رشته معارف اسلامی

پیشگفتار

از آنجا که حجاب امری ضروری است و بهترین زینت زن بشمار می رود رشد و تهاجم فرهنگی سرسختانه سعی در عرضه زن چون کالایی به جهان دارد. سعی کردیم که این موضوع را در سه بخش از دیدگاه فقهای متاخر و مذاهب مختلف بررسی کنیم. در این بخش به عنوان مقدمه، حجاب را از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار می دهیم.

«و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن و لا يبدين زينتهن الا ما ظهر منها و ليضربن بخمرهن علی جيوبهن و لا يبدين زينتهن الا لبعولتهن او ابائهن او ...»

حجاب یک امر فطری است و هر گاه انسان بر اساس فطرت خویش حرکت نموده و اعمال و آداب خود را بر آن اساس بنا کرده باشد، بی شک از سلامت روحی بیشتر و اطمینان و آرامش افزونتری برخوردار گشته و در طریق تکامل انسانی، موفقتر خواهد بود. حجاب امری است فطری که از نهاد و سرشت انسان بر می خیزد، به این معنی که هر موجود زنده ای مایل است، آنچه دارد در حریم خود حفظ کند و در مقابل مهاجمین و متجاوزین به دفاع و مقابله برخیزد.

حجاب سنگری است که در پناه آن، انسانیت انسان و ارزشهای عرفی و مذهبی او محترم و محفوظ می ماند. این مطالب در مورد زن قطعا بیشتر صدق می کند زیرا دستگاه آفرینش او را موجودی زیبا، جاذب و جالب جنس مخالف قرار داده است.

از طرفی حتی در حیوانات، حیوان نر به طور غریزی از جفت خود مراقبت کرده و بیگانه را از دسترسی به او باز می دارد و این غریزه در انسان «غیرت» نام دارد.

هر مرد با غیرت و حمیت از ناموسش محافظت نموده و او را از چشم ناپاکان دور می کند. و دلیل دیگر ما بر فطری بودن حجاب این است که پوشیدگی و حفظ زیباییهای زن در طول تاریخ با نموده‌های مختلفی به طور بارز وجود داشته است. ویل دورانت راجع به قوم یهود و قانون قلمرو می نویسد

«اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانکه بی آنکه چیزی بر سر داشته باشد به میان مردم می رفت و یا در خیابان عمومی نخ می ریسید و یا صدایش بلند بود که از در خانه اش بیرون می رفت، در آن صورت مرد حق داشت بدون مهریه زنش را طلاق دهد.»

آیه ای که از نظرتان گذشت دارای نکات بسیاری از جمله وظایف زن و مرد، در معاشرت با یکدیگر است که عبارت است از

۱- هر مسلمانی باید از چشم چرانی و نظر بازی اجتناب کند.

۲- مسلمان باید پوشش داشته باشد و عورت خود را از دیگران بپوشاند.

۳- زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان بر نیایند.

۴- استثنائی که برای لزوم پوشش زن ذکر شده یکی جمله «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» که سبب به عموم مردان است و دیگری «و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن» است و خود دارای نکات ذیل است

۱- در آیه مورد بحث، چون عنایت به کار چشم یعنی عمل دیدن است کلمه ابصار بکار رفته است نه عیون.

۲- غمض و غمض دو کلمه است که درباره چشم به کار می رود. غمض به معنای برهم گذاردن پلکهاست که با کلمه عین همراه می شود. (غمض عین

کن کنایه از صرف نظر کردن است.) ولی در مورد کلمه غض می گویند «غض بصر یا غض نظر به معنای کاهش دادن نگاه است که منظور پرهیز از تند نگاه کردن است یعنی اینکه خیره نشود و به اصطلاح علمای اصول نظرشان آلی باشد نه استقلال.»

۳- زینت یعنی چه؟

زینت در عربی از کلمه زیور فارسی اعم است زیرا زیور به زینتهایی گفته می شود که از بدن جدا می باشد مانند طلا آلات و جواهرات ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می شود و هم به آرایشهایی که به بدن متصل است مانند سرمه و خضاب.

راغب می گوید «سه گونه زینت داریم زینت نفسانی مثل علم و اعتقادات نیک، زینت بدنی مثل قوت و بلندی قامت، زینت خارجی مثل مال و جاه.»

با بررسی آیات قرآن در موارد استعمال این ماده نتیجه می گیریم زینت چیزی است که مایه زیبایی می گردد. خواه این زیبایی حقیقی باشد یا ظاهری، ذاتی باشد یا صفاتی، طبیعی باشد یا مصنوعی.

زینت انسان چیزی است که مایه زیبایی انسان گردد چه زیبایی هنری مانند ایمان و چه زیبایی جسمی مانند چهره و بدن و چه زیبایی خارجی مثل آرایش لباس و زیورآلات.

زینتهای انسان (زن) دو نوع استیک نوع زینتی که آشکار است و نوع دیگر مخفی مگر اینکه زن عمدا بخواهد آن را آشکار کند.

حالا باید ببینیم زینت پنهان و آشکار کدام است و ملاک آن دو چیست؟

اگر عرف زمان نزول آیه را ملاک قرار دهیم، خیلی چیزها آشکار بوده است، مو، گلو، سینه و ... و اگر عرف را عرف زمان بگیریم، این عرف، دائما در حال تغییر و تحول بوده است. گاهی صورت

پنهان می شده و گاهی آشکار. اصولیون می گویند اگر مخصص متصل باشد، اجمال آن در عام سرایت می کند و عام را از حجیت می اندازد و لذا باز مشکل در جای خود باقی است.

ولی مفسران قرآن کریم، مصادیق زینت آشکار را تعیین نموده اند. ما روایاتی را به اجمال می آوریم. امام صادق «علیه السلام» می فرمایند «زینت ظاهری سرمه و انگشتر است.» (۱) و امام باقر «علیه السلام» فرموده اند «زینت سه قسم است زینتی برای عموم، زینتی برای محرم و زینتی برای شوهر.»

زینت برای عموم لباس، سرمه، انگشتر، رنگ دست و انگو می باشد و زینت برای محرم، محل گردنبنده به بالا و محل خلخال به پایین است و زینت برای شوهر اعضای بدن زن می باشد.

در تفسیر مجمع البیان درباره زینت آشکار و نهان آمده است

«درباره استثناء «الا ما ظهر منها» سه قول است

۱- مراد از زینت آشکار، جامه های رو است و مراد از زینت پنهان، پای برنجن و گوشواره و دستبند است که این قول از مسعود نقل شده است.

۲- مراد از زینت ظاهره سرمه و انگشتر و خضاب دست است یعنی زینتهایی که در چهره و دو دست تا میچ واقع می شود. این قول ابن عباس است. مراد از زینت آشکار، خود چهره و دو دست تا میچ است، این قول ضحاک و عطاست.»

زمخشری در تفسیر کشاف می گوید

«زینت عبارت است از چیزهایی که زن خود را به آنها می آراید از قبیل طلا آلات، سرمه، خضاب.»

زینتهای آشکار از قبیل انگشتر، حلقه و سرمه و خضاب که مانعی نیست، آشکار بشود. اما زینتهای پنهان از قبیل دست برنجن و پای برنجن، گردنبنده، تاج، کمربنده و گوشواره، باید پوشانیده شود مگر از عده ای

که در خود آیه استثناء شده اند و سپس می گوید «در آیه پوشانیدن خود زینتهای باطنه مطرح شده نه محللهای آنها از بدن و این به خاطر مبالغه در لزوم پوشانیدن آن قسمتها از بدن است از قبیل ذراع، ساق پا، بازو، گردن، سرو سینه و گوش.»

و در فلسفه استثنای زینتهای ظاهر، و مواضع آنها از قبیل چهره و دو دست می گوید «پوشانیدن اینها حرج است و زن چاره ای ندارد که با دو دستش اشیاء را بردارد یا بگیرد و چهره اش را بگشاید خصوصا در مقام شهادت و در محاکمات و در ازدواج، و چاره ای ندارد از اینکه در کوچه ها راه برود خواه ناخواه از ساق به پایین یعنی قدمهایش معلوم می شود خصوصا زنان فقیر که جوراب و احیانا کفش ندارند.»

فخر رازی پس از اینکه بحثی می کند درباره اینکه آیا لغت زینت تنها به زیباییهای مصنوعی گفته می شود یا زیباییهای طبیعی را هم شامل می شود و خودرای دوم را انتخاب می کند، می گوید «فقال و کسانی که زینت را به زیبایی های طبیعی می گویند، عقیده دارند که زینت آشکار چهره و دو دست تا مچ در زنها و چهره و دو دست و پا است در مردها، چون ضرورت معاشرت ایجاب کرده که چهره و دو دست تا مچ باز باشد و شریعت اسلام شریعت سهل و آسان است و پوشانیدن این دو واجب نشده است». اما کسانی که زینت را به امور مصنوعی حمل کرده اند می گویند «مقصود از زینت ظاهر، زینت چهره و دست است از قبیل وسمه، گلگونه، خضاب، انگشتر. علت این استثناء این است که پوشانیدن اینها برای زن دشوار است و زن ناچار است که

با دستهای خود اشیاء را بردارد...»

× از آنچه بیان شد، در می یابیم که برای زن، پوشانیدن چهره و دستها تامچ واجب نیست حتی آشکار کردن آرایشهای عادی و معمولی که در این قسمتها وجود دارد، نظیر سرمه و خضاب مانعی ندارد.

ستر در نماز

زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ و پاها تا مچ، لازم نیست اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند. (۲)

بر زن واجب است، گردن و زیر چانه خود را حتی بنا بر احتیاط واجب مقداری از زیر چانه را که بعد از بستن روسری دیده می شود، بپوشاند. (۳)

- کنیز و دختر بچه - در پوششش نماز - مانند زن حر و بالغ می باشند. جز آنکه پوشاندن سر و مو و گردن بر این دو واجب نیست. (۴)

- هر گاه انسان در بین نماز بفهمد که قسمتی را که باید بپوشاند، پیدا است، باید فوراً آن را بپوشاند به شرط اینکه کاری که صورت نماز را برهم می زند، بجا نیارد و چنانچه پوشاندن آن زیاد طول بکشد، احتیاط واجب آن است که خود را بپوشاند و نماز را تمام کرده و دوباره بخواند. (۵)

- هر گاه بعد از نماز بفهمد که مقدار واجب را در حال نماز نپوشانده، نمازش صحیح است. (۶)

بنا بر آنچه گفته شد، در می یابیم که زن در غیر حال نماز، هنگامی که در معرض دید نامحرم قرار گیرد، لازم است تمام بدنش را بپوشاند

به جز دومورد یکی دستها تا مچ و دیگر صورت به اندازه ای که در وضو، شستن آن واجب است (۷)، در حال نماز نیز اگر در معرض دید نامحرم قرار گرفت، همین حکم را دارد و اگر جایی نماز می خواند که در معرض دید نامحرم نیست، بایستی تمام بدن خود را بپوشاند به جز سه مورد که اگر بپوشاند، نمازش صحیح است

الف صورت به اندازه ای که در وضو، شستن آن واجب است.

ب دستها تا مچ

ج کف و روی پاها تا قوزک پا

پوشاندن عضو در موارد یاد شده نیز تا زمانی جایز است که با قصد ریبه (۸) و تلذذ به آن ننگرند و گرنه برای پرهیز از گناه، پوشیدن آن موضع نیز لازم است و همچنین آن عضو دارای زینت نباشد و الا پوشش آن مقدار هم لازم است. (۹)

خوب است با هم نگاهی بر نظرات مذاهب پنجگانه بیفکنیم

مذاهب اتفاق دارند (۱۰) که هر زن و مردی باید خود را در حال نماز بپوشاند، همانطور که از بیگانه در غیرنماز می پوشاند، ولی اختلاف دارند در آنچه بیش از آن زن باید بپوشاند صورت و دو دست یا چیزی از آن را که در حال نماز واجب است و در غیر آن واجب نیست و نیز آنچه بر مرد بیش از بین ناف و زانو باید بپوشاند درحالی که آن در غیر حال نماز، واجب نیست.

حنفیه بر زن است که روی دو دست و کف پا را بپوشاند و بر مرد است که زانو را علاوه بر بین زانو و ناف بپوشاند.

شافعیه و مالکیه در حال نماز بر زن واجب است که صورت و روی و پشت دو دست را بپوشاند.

حنابله جز

کشف صورت برای او جایز نیست.

امامیه آنچه بر هر زن و مرد در حال نماز واجب است، در غیر نماز هم واجب است هر چند ناظر بیگانه باشد، بر زن جایز است صورت خود را در حال نماز به مقدار شستن وضو و نیز دو دست را تا مچ و دو پا را تا ساق باز بگذارد و نیز باید عورتین خود را بپوشاند و افضل بین ناف تا زانو است.

پرسش و پاسخ

سوال ۱ مگر خداوند به زنها نامحرم است که زن گر چه در اتاق هفتم و در بسته و تاریک نماز بخواند، بایستی خود را بپوشاند؟

جواب:

اولا: فلسفه همه احکام الهی برای ما روشن نیست.

ثانیا:

شاید حکمت دستور الهی این باشد که این بهترین حالت نزد خداوند است و با بهترین وضع نزد او حاضر شود و به عبادت پردازد و یا اینکه خود، بهترین تمرین برای حجاب به شمار می رود. (۱۱)

سوال ۲ آیا پوشش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف، بدن او دیده نشود؟

ج از تمام اطراف باید پوشش داشته باشد مگر جاهایی که از قسمت پایین قابل دیدن باشد. فرضا اگر زن بدون روسری و یا مقنعه نماز بخواند و طوری چادرش را روی صورتش بیاورد که زیر گلوش دیده نشود - اگرچه در هنگام رکوع ممکن است از زیر قابل دیدن باشد - اشکال ندارد و یا هنگامی که بر سطح یا پنجره ای ایستاده باشد به طوری که عورتش را نبیند، اگر در آنجا ناظری باشد، اقوی و احتیاط واجب پوشاندن آن از تحت است. (۱۲)

سوال ۳ چنانچه زن هنگام نماز یا پس از آن در یابد برخی از اندامش که

پوشیدن آن لازم بوده، عریان مانده است، تکلیفش چیست؟

ج نمازش صحیح است و اگر در میان نماز است، بایستی برای ادامه نماز آن را بپوشاند. (۱۳) اگر چه احتیاط واجب اعاده نماز است بعد از اتمام، مخصوصا اگر پوشانیدن محل، به زمان زیادی نیاز داشته باشد.

سوال ۴ چنانچه مدتی با پوششی نماز خوانده است و بعد دریافته که کافی نبوده (جهل به حکم است)، تکلیف چیست؟

ج اگر احتمال بطلان نمی داده تا اینکه تحقیق کند، قضا ندارد. (۱۴)

ستر مرد

مردان باید عورتین خود را از مردان دیگر و ایضا از محارم خود بپوشانند به جز از همسران خود و پوشانیدن بقیه بدن از آنها واجب نیست (۱۵)، لذا دکتر بودن از مستثنیات نیست و مردان باید عورتین خود را از دکترها نیز بپوشانند مگر در مقام اضطرار.

- مردان بنا بر احتیاط مستحب باید موضعی را که به طور معتاد مردان می پوشانند، از نامحرم بپوشانند خصوصا اگر بدانند نامحرمی به قصد لذت و ریبه به آنها نگاه می کند که پوشاندن آنها واجب می باشد. (۱۶)

- مرد باید بالاتر از مچ و سینه و پاهای خود را و موضعی را که معمولا مردان می پوشانند، از نامحرم که ناظر بر آنهاست بپوشاند و پوشاندن مواضع دیگر مثل سر، صورت و دست لازم نیست.

- پوشاندن هر جای بدن به قصد به حرام انداختن نامحرم حرام است. (۱۷) - برهنه کردن بدن به قصد لذت و ریبه در مقابل محارم و دیگران حرام است. (۱۸)

- لذا اگر مردی بازو و سینه و یا بدن خود را به قصد آنکه نامحرمی به او نگاه بکند، باز بگذارد و یا پیراهن نازک بدن نما

پوشد به قصد آنکه نامحرم به او نگاه کند، حرام است و باید از آن اجتناب نماید، لذا اگر لباس آستین کوتاه بپوشد نه به قصد حرام انداختن دیگری اگر چه علم داشته باشد دیگری به حرام می افتد بنا بر احتیاط مستحب، نباید چنین لباسی بپوشد.

اما در مورد بچه ها، بچه ها یا ممیزند یا غیر ممیز

- اگر بچه ها ممیز نیستند چه پسر و چه دختر پوشش از آنها واجب نیست حتی عورتین.

- اگر بچه ها ممیز هستند، مرد باید عورتین خود را از آنها مطلقا بپوشاند. (۱۹)

پرسش و پاسخ

سوال ۱ آیا خانمهای نامحرم می توانند برای مردان آمپول بزنند و یا فشار خون گرفته و یا عکسبرداری کنند؟

ج اگر مستلزم لمس و یا نگاه به بدن مرد باشد، جایز نیست مگر در مقام اضطرار. (۲۰)

سوال ۲ آیا پوشیدن مایو یا لباسهای زیر که حجم عورتین پیدا است لکن پوست بدن پیدا نیست، برای پوشش در مقابل دیگران کافی است؟

ج اگر مفسده ای بر آن مترتب نباشد، اشکالی ندارد. (۲۱)

سوال ۳ پوشیدن پیراهنی که آستین آن بالای آرنج می باشد برای مردان چه صورتی دارد؟

ج بر مردها پوشاندن بدن خود از دیدن زن نامحرم واجب نیست ولی اگر بداند که در معرض دید نامحرم قرار می گیرد و نگاه می کنند جهت تحرز از معاونت بر اثم باید دستها تا مچ را بپوشاند. (۲۲)

ستر زن از نامحرم

- پوشیدن بدن از نامحرم بالغ، سوای صورت و دستها، واجب است و صورت و دستها را نیز اگر دریابد که با قصد لذت و ریه نگاه می کنند، پوشیدن آن واجب است. (۲۳)

- خانمها نمی توانند آستین خود را برای آمپول زدن و یا فشار خون و یا نبض گرفتن و غیره در مقابل نامحرم بالا بزنند، مگر در مقام اضطرار. (۲۴)

ستر زن از بچه

- بچه ها یا به سن تمیز رسیده اند یا نرسیده اند

اگر به سن تمیز نرسیده باشد، پوشیدن بدن حتی عورتین از او واجب نیست.

و اگر به سن تمیز رسیده باشد یا دختر است یا پسر

اگر دختر باشد، خانمها باید عورتین خود را بپوشانند. و اگر پسر باشد (محرم یا نامحرم) در صورتی که ممیز محرم باشد، پوشیدن عورتین برای خانمها لازم است و اگر نامحرم باشد، علاوه بر اینکه بر خانمها واجب است عورتین خود را از آنها بپوشانند، بنا بر احتیاط واجب باید تمام بدن خود، به استثنای وجه و کفین را از آنها بپوشانند. (۲۵)

پوشیدن بدن از نامحرم غیر بالغ، ممیز به جز قرص صورت و دستها تا میچ- به خصوص پسر بچه ای که نزدیک بلوغ است - واجب است. لذا در حمامهای عمومی در برخی از روستاها که زنها پسر بچه های ممیز خود را همراه می آورند، بایستی از این کار جلوگیری شده و پوشش را رعایت کرد. (۲۶)

پرسش و پاسخ

س ۱ گفته شد که باید زن از پسر بچه ممیز خود را بپوشاند، بفرمایید ممیز بودن پسر بچه از چه راه و یا راههایی شناخته می شود؟

ج مطالبی که بزرگترها می فهمند و اطفال آنها را درک نمی کنند اگرچه به حدی برسد که آن مطالب را تشخیص بدهد، او را ممیز می گویند. (۲۷)

س ۲ آیا شوهر خواهر و برادر شوهر همچون باقی نامحرمند و حکم خود پوشی از آنان نیز مانند دیگران است؟

ج آنها مانند باقی نامحرمند و در حکم، با آنها تفاوتی ندارند و همانگونه که زن از دیگر نامحرمان خود را حفظ می کند، از آنان نیز خود را باید حفظ کند؛ فرضا نمی تواند با پای بدون جوراب عبور کند.

س ۳ چنانچه نپوشاندن وجه و کفین، فسادی را برای زن در جامعه به بار آورد، آیا پوشاندن آن دو، واجب می شود یا نه؟

ج در فرض سؤال واجب است. (۲۹)

س ۴ کسی که از روی احتیاط که مبدا نپوشیدن وجه و کفین فساد را باعث می شود، آن را بپوشاند، آیا امر مستحبی را به جا آورده است یا نه؟

ج احتیاط خوبی انجام داده است. (۳۰)

س ۵ آرایشگری که زنها را آرایش می کند و می داند زن، خود را به نامحرم نشان می دهد، چه حکمی دارد؟

ج اگر به قصد نشان دادن به نامحرم او را آرایش می کند، اعانت بر اثم است و حرام ولی اگر علم دارد و بدون قصد، عیبی ندارد. (۳۱)

س ۶ آیا برای زن در عده رجعیه، حفظ حجاب از شوهر واجب است؟

ج ستر واجب نیست بلکه در روایات امر شده به خضاب و اکتحال و تزئین و اظهار زینت و تشویق زوج به رجوع. (۳۲)

س ۷ آیا پوشیدن مانتو و شلواری که حجم بدن و یا برجستگی های آن را در مقابل نامحرم آشکار می کند، جایز است؟

ج از جهت حجاب و ستر، کافی است ولی چنانچه پیدا بودن حجم یا برجستگیهای بدن باعث ربه و مفسده باشد، باید بپوشاند. (۳۳) (آیات عظام امام، آیه الله گلپایگانی)

س ۸ آیا خانمها می توانند بدون تحقیق کردن از وجود دکتر زن، نزد دکتر مرد بروند؟

ج جایز نیست. (آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۹ در شهر ما، هم دکتر زن هست و هم دکتر مرد، لکن دکتر مرد حاذقتر است؛ آیا خانمها می توانند نزد دکتر مرد بروند؟

ج در صورتی که دکتر زن نتواند مداوا کند، اشکالی ندارد. (آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۱۰ آیا نمایان بودن کف پا،

روی پا، قوزک پا و یا پاشنه پا از مردان نامحرم جایز است؟

ج جایز نیست. (استفتاء از آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

لذا خانمها نمی توانند با پای بدون جوراب در مقابل نامحرم رفت و آمد کنند و یا با این وضع برای خرید چیزی به مغازه نزدیک بروند و یا اگر نامحرم در خانه است، بدون جوراب، در مقابل او ظاهر شوند؛ اگر چه نامحرم برادر شوهر، شوهر خواهر و یا فرد دیگری باشد.

س ۱۱ اگر شخصی از دختری از بستگان خود خواستگاری کند و دختر قبول نکند ولی پس از آن هم یکدیگر را ملاقات کنند، در صورتی که آن پسر هنوز مجرد باشد، آیا دختر باید بیشتر از حد واجب، حجاب را رعایت کند؟

ج از هر کاری که موجب مفسده و گناه می شود، باید پرهیز کرد. (آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

به عنوان نتیجه می توان گفتنمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه، دستها تا بازو برای خانمها جایز نیست و باید این مواضع را از نامحرم پوشانند. خانمها در منزل و یا اماکنی که نامحرم است، هنگام برداشتن چیزی از بلندی یا گرفتن چیزی از دست نامحرم و یا تعارف کردن میوه و غیره به نامحرم و یا غذا خوردن در مقابل او و یا در هنگام خرید اجناس از مغازه ها و یا هنگام حمل بار باید کاملا مراقب باشند زیرا احتمال عقب رفتن آستین و کنار رفتن پوشش دست، پا و دیگر اعضا زیاد است.

انواع لباسهای زینتی

الف زنان

در حجاب اسلامی، نوع لباس و رنگ آن تفاوت نمی کند بلکه پوشاندن تمام بدن غیر از صورت و دستها تا مچ است. پوشیدن لباسهای زینتی هرچند بدن آشکار نباشد، جایز

نیست؛ لذا برای زنان، پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای مصنوعی مثل دستبند، گردنبند نیز لازم است. البته در غیر حال نماز، در مقابل نامحرم؛ ولی در حال نماز پوشاندن آنها لازم نیست.

پرسی و پاسخ

س ۱ آیا برای زنان پوشیدن کفش صدادار، به طوری که موقع راه رفتن، صدای آن را نامحرم بشنود، اشکال دارد؟

ج در صورتی که مفسده ای بر آن مترتب شود، اجتناب از آن لازم است. (۳۴)

س ۲ اگر خانمی بداند نامحرمی با قصد لذت و ریبه به دست و صورت او نگاه می کند - اگرچه وجه و کفین او زینت نداشته باشد - آیا پوشاندن آنها لازم است؟

ج بله، باید این دو موضع را از نامحرم بپوشاند.

لذا رفتن به مکانی که زن می داند نامحرم به قصد لذت به او نگاه می کند، جایز نیست. (۳۵)

س ۳ مراد از زینت چیست؟

ج هر چیزی که عرفاً زینت محسوب گردد، به آن زینت گویند. (۳۶)

س ۴ آرایش کردن خانمها در بیرون از خانه و یا محل کار یا درس چه صورتی دارد؟

ج آیه الله اراکی بر زن واجب است، زینت خود را از نامحرم بپوشاند.

- آیه الله گلپایگانی جایز نیست.

- آیه الله خامنه ای اصل آرایش اشکال ندارد ولی واجب است در برابر نامحرم بپوشاند. (۳۷)

س ۵ اگر بانوان سرمه را نه برای زینت بلکه به خاطر فوایدی که از نظر طبی در آن وجود دارد، بزنند آیا در مقابل نامحرم در این صورت باید بپوشانند؟

ج اگر عرفاً زینت محسوب شود باید بپوشاند، قصد زینت داشته باشد یا نداشته باشد. (۳۸) (استفتاء آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۶ آیا شرعاً زنی که مشخص است ابروانش را برداشته، برای رعایت اصول حجاب کامل، حتماً باید آن را بپوشاند یا می تواند آن را

نمایان کند.

ج باید بپوشاند. (۳۹)

س ۷ آیا بند انداختن صورت برای خانمها زینت محسوب می شود؟

ج امام و آیه الله گلپایگانی بله! زینت است و باید از نامحرم بپوشاند. (۴۰)

- آیه الله اراکی در صورتی که عرفا زینت باشد، پوشیدن آن از نامحرم واجب است.

لذا خانمها می توانند همان قسمتی از صورت یا دست را که زینت کرده اند، بپوشانند و پوشاندن بقیه صورت واجب نیست، البته بنا به نظر آیه الله گلپایگانی، بنا بر احتیاط واجب، وجه و کفین باید از نامحرم پوشیده شود چه زینت داشته باشد، چه نداشته باشد. پس داشتن النگو، دستبند، انگشتر، بلند کردن ناخن، لاک زدن، حنا گرفتن و بعضی ساعت‌های مچی که برای زینت استفاده می شود، پوشیدن بعضی دستکشهای توری برای زینت، همگی از زینتهای دست به شمار می آید و باید آنها را از نامحرم بپوشاند که در مساله پوشش فرقی بین نامحرمها نیست؛ چه فامیل نزدیک و چه غریبه، خانمها باید در مجالس و میهمانیهای فامیل و یا غیر آن وجه و کفین خود را بپوشانند و یا از زینت کردن آن پرهیز کنند.

س ۸ خانمی هستم که حلقه ازدواج خود را نه برای زینت بلکه برای یادگاری و وفاداری به شوهرم دست کرده ام آیا پوشاندن آن از نامحرم واجب است؟

ج به دست کردن هرگونه حلقه ای زینت محسوب می شود و پوشاندن آن از نامحرم واجب است. (۴۱) (استفتاء از آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۹ آیا فرقی بین آرایش کردن هست؟

و اگر کسی بسیار بد زینت کرد، باید از نامحرم پوشیده شود؟

ج زینت کردن به زشتی و زیبایی نیست هر چه که عرفا به آن زینت گویند، باید از نامحرم بپوشاند. (۴۲) (استفتاء از آیات عظام

امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۱۰ آیا عطر زدن و یا خوشبو کردن به وسیله مواد و مایعات دیگر، برای آقایان و خانمها در صورتی که بوی آن به مشام نامحرم برسد، اشکال دارد؟

ج عطر زدن اشکالی ندارد ولی اگر عطر زدن بانوان موجب مفسده و تحریک باشد، جایز نیست (۴۳). - البته بنا به نظر آیه الله گلپایگانی اگر به قصد جلب توجه نامحرم باشد، اشکال دارد.

س ۱۱ آرایش کردن زن برای غیر همسر در بعضی مجالس زنانه مثل عروسی چه حکمی دارد؟

ج در صورتی که نامحرم او را نبیند، اشکالی ندارد. (۴۴) (استفتاء از آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی)

س ۱۲ پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز در جایی که نامحرم نیست، آیا لازم است؟

ج واجب نیست.

س ۱۳ در جایی که نامحرم به قصد ریه و تلذذ به زن نگاه کند و یا صورت و دستهایش زینت دارد، اگر صورت و دستها را پوشیده با همان حال نماز بخواند چه حکمی دارد؟

ج اگر چه کار حرامی انجام داده ولی نمازش صحیح است. (۴۵)

ب مردان

۱- طلا

پوشیدن لباس طلا- بافت برای مرد حرام است و نماز با آن باطل است ولی برای زن در هر حال اشکالی ندارد لذا به دست کردن حلقه طلا- یا به گردن انداختن آن و یا ساعت و دگمه، عینک طلا و یا هر چیز زینتی دیگر که طلا باشد، جایز نیست. (۴۶)

- طلای سفید حکم طلای زرد را ندارد، پوشیدن آن برای مرد اشکالی ندارد مگر آنکه همان طلای زرد باشد که رنگ آن تغییر کرده باشد. (۴۷)

- مساله زینت کردن به مطلا، در صورتی که صدق طلا بر آن نشود، اشکال ندارد. (۴۸)

- اگر چیزی ممزوج

از طلای زرد و فلز دیگری باشد، اگر طلای زرد در آن حل شده باشد به طوری که طلای زرد بر آن صدق نکند، حکم طلای زرد را ندارد. (۴۹)

- اگر مردی شک کند که چیزی از جنس طلاست یا نه، استفاده کردن از آن برای او اشکال ندارد. (۵۰)

- اگر مردی نداند که انگشتر یا لباسش از طلاست و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است اما اگر فراموش کند این مساله را و با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است. (۵۱)

- محکم کردن دندانها با طلا و پر کردن با طلا بلکه روکش طلا به آنها نمودن و یا از طلا دندان مصنوعی گذاشتن در نماز بلکه در غیر نماز هم اشکال ندارد اما در مورد دندانهایی مثل ثنایا که پیدا هستند اگر قصد تزئین و زیبایی شود، خالی از اشکال نیست و بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود و همچنین قاب ساعت را از طلا قرار دادن و همراه داشتن آن در نماز، اشکالی ندارد ولی اگر زنجیر ساعت از طلا باشد و آن را به گردن و یا به لباس بیاویزد، نماز خواندن با آن مشکل است بر خلاف آنکه آویزان نباشد اگر چه همراه نماز گزار در جیش باشد، که اشکالی ندارد. (۵۲)

س ۱ انگشتر طلا در نماز در دست مرد چه صورتی دارد؟

ج حرام است ولی حرام نیست همراه داشتن طلا در نماز چه سکه دار باشد یا نباشد. (۵۳)

۲- حریر

س ۲ اگر لباس نماز گزار حریر باشد چه صورتی دارد؟

ج از برای مردان، حرام و مبطل نماز است در صورتی که پهنای آن از چهار

انگشت زیاده باشد و اما برای زنان مباح و جایز است چه در نماز و چه در غیر نماز. (۵۴)

- چیزی که نماز در آن تمام نمی شود مانند بند شلوار و عرقچین بنا بر احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد. (۵۵)

۳- ابریشم

- لباس مردان، ابریشم خالص نباشد. حتی پوشیدن آن برای آنان در غیر نماز هم جایز نیست اگرچه بنا بر احتیاط واجب، به تنهایی با آن نشود نماز خواند، مثل بند شلوار و کلاه و مقصود از ابریشم آن است که شامل پيله هم می شود و برای زنان حتی در نماز و برای مردان در ضرورت و در جنگ جایز است. (۵۶)

- اگر تمامی یا نیمی از آستر لباس از ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد جایز نیست. (۵۷)

- آنچه بر مردان حرام است، خصوص پوشیدن ابریشم است، فرش کردن و روی آن سوار شدن و خود رابه آن پیچیدن یعنی در وقت خواب، زیر آن رفتن مانعی ندارد و دکمه لباس و نشانه های آن و نخها و قیطانهایی که در لباس قرار داده می شود، از ابریشم باشد، اشکال ندارد کما اینکه دستمال روی جراحات و دمل گونه ها و پارچه ای که مسلوس البول است (از آن جهت نگهداری بول استفاده می کنند) از ابریشم باشد، اشکالی ندارد، بلکه وصله زدن لباس و حاشیه دوزی آن با ابریشم در صورتی که آن قدر زیاد باشد که پوشیدن حریر به آن صدق کند، اشکال ندارد، اگرچه در حاشیه دوزی احتیاط این است که از این مقدار بیشتر نباشد. (۵۸)

- آنچه حرام است، پوشیدن ابریشم محض است، لذا پوشیدن ابریشمی که با چیزی مخلوط است، اشکال ندارد و معیار

آن است که عرفاً ممزوج بودن صدق کند که از خالص بودن به در آید اگر چه آن چیز یک درهم باشد (۵۹) و آن غیر ابریشم باید چیزی باشد که نماز در آن صحیح است بنابراین کفایت نمی کند که با پشم و کرک حیوان حرام گوشت، مخلوط باشد؛ اگر چه مخلوط بودن با اینها برای رفع حرمت پوشیدن، کفایت می کند، البته پوشیدن لباسی که از تاییده ابریشم و طلا بافته شده، حرام است همانگونه که نماز در آن صحیح نیست.

- اگر شك کند که چیزی ابریشم است یا غیر ابریشم، پوشیدن و نماز با آن جایز است و چیزی به نام «شعری» برای کسی که حقیقت آن را نمی داند از قبیل آن است که در ابریشم بودن شك دارد پس نماز با آن جایز است و همچنین است اگر شك کند که ابریشم خالص است یا با چیزی مخلوط است، می تواند با آن نماز بخواند هر چند احتیاط آن است که از آن اجتناب نماید. (۶۰)

- پوشیدن ابریشم برای بچه، اشکال ندارد، لذا اگر ولی به بچه ابریشم پوشاند حرام نیست و بعید نیست که نماز بچه در لباس ابریشمی صحیح باشد. (۶۱)

- اگر دستمال ابریشمی و مانند آن در جیب مرد باشد حرام نیست و نماز را باطل نمی کند. (۶۲)

- در حال اضطراب و ناچاری، پوشیدن لباس ابریشمی خالص و طلا بافت و لباس غضبی و یا لباسی که از مردار است، مانعی ندارد و می تواند با آن نماز بخواند. (۶۳)

مذاهب اتفاق نظر دارند که پوشیدن ابریشم و طلا برای مردان حرام و برای زنان جایز است زیرا پیامبر اکرم «صلی الله علیه و

آله « فرمودند لباس طلا و حریر برای مردان اتم حرام و برای زنان آنها حلال است.

امامیه خواندن نماز با ابریشم خالص یا لباس طلا دار مانند کمر بند، کلاه، جوراب و انگشتر طلا برای مردان صحیح نیست ولی در حال جنگ یا در حال بیماری اگر با آن نماز بخوانند، جایز است.

شافعیه اگر مردی با لباس حریر یا روی فرش حریر نماز گذارد، حرام است ولی نمازش صحیح است. (۶۴)

پی نوشتها

۱) در بعضی نسخه ها زینت ظاهری از نظر امام انگشتر و النگو و در بعضی دیگر صورت و دستها ذکر شده است.

۲) کتاب توضیح المسائل، حضرت آیه الله اراکی، مسئله ۷۸۳، باب ستر بدن در نماز / توضیح المسائل، حضرت امام خمینی، م ۷۸۹، باب ستر در نماز / توضیح المسائل، حضرت آیه الله مکارم شیرازی، باب ستر در نماز

۳) مسئله ۴ تحریر الوسیله، ج ۱

۴) مسئله ۵، تحریر الوسیله، ج ۱

۵) رساله توضیح المسائل آیه الله مکارم شیرازی، باب ستر در نماز

۶) همان مدرک

۷) اگرچه احتیاط مستحب آن است که دو موضع را نیز پوشانند. عروه الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، ص ۵۵۰ / احکام بانوان، محمد وحیدی، ص ۱۵

۸) ربه دودل شدن، شک و تردید، در اینجا یعنی ترس از فتنه وقوع در حرام و خوشگواری و خوشخواهی

۹) عروه الوثقی، ج ۱، ص ۵۵۹، فی الستر و الساتر، مسئله ۵

۱۰) محمد جواد مفید، فقه تطبیقی، باب سترصلاتی از دیدگاه مذهب خمسه

۱۱) رک به «مسئله حجاب»، شهید مرتضی مطهری - «پوشش در اسلام»، محمد محمدی اشتهاردی - «احکام بانوان»، محمد وحیدی

۱۲) عروه الوثقی، ج ۱ فی الستر، صفحه ۵۵۳، مسئله ۱۳ / تحریر، ج ۱، ص ۱۴۳، مسئله ۶، فی الستر و الساتر

۱۳) عروه الوثقی،

ج ۲، ص ۵، فی الخلل، مسئله ۸/ ج ۱، ص ۵۵۳، فی الستر، مسئله ۱۱ و ۱۲

(۱۴) استفتاء حضرت آیه الله خمینی (قدس سره)

(۱۵) عروه الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، ص ۵۴۹، حضرت امام و آیه الله اراکی

(۱۶) همان مدرک، و امام عروه الوثقی، نکاح، مسئله ۵۱

حضرت آیه الله گلپایگانی

«احتیاط واجب این است که مرد مواضعی را که معمولاً پوشیدن آن در بین مردان متعارف است در صورتی که بداند زن اجنبیه به او نگاه می کند، بپوشاند.»

مجمع المسائل، ص ۶۴۴، ج ۲

(۱۷) کتاب استفتاء امام خمینی، گلپایگانی، اراکی

(۱۸) همان مدرک

(۱۹) عروه الوثقی. ج ۱. فی الستر و الساتر ص ۵۵۰

(۲۰) امام، توضیح المسائل، مساله ۲۴۳۳ و عروه، باب نکاح، م ۱۹، استفتاء.

گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲ و مجمع المسائل ج ۲، س ۶۴۴ و استفتاء

اراکی، توضیح المسائل، م ۲۴۳۷ و استفتاء

(۲۱) همان مدرک و کتاب استفتاءات امام، گلپایگانی

(۲۲) استفتاء آیه الله خامنه ای

(۲۳) همچنین اگر وجه و کفین زینت داشته باشد. گلپایگانی بنا بر احتیاط واجب باید وجه و کفین را هم از نامحرم بپوشاند.

(عروه الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، ص ۵۵۰)

(۲۴) امام، گلپایگانی، اراکی، عروه الوثقی، ستر و ساتر، ص ۵۵۰؛ گلپایگانی، اراکی، استفتاء

(۲۵) همان مدرک

(۲۶) توضیح المسائل، آیه الله خویی، م ۲۴۴۴؛ آیه الله خویی زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند و بهتر آن است

که بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد، بپوشاند.

(۲۷) کتاب استفتاءات حضرت امام (ره)

(۲۸) همان مدرک

(۲۹) استفتاءات حضرت امام (ره)

(۳۰) همان مدرک

(۳۱) توضیح المسائل حضرت آیه الله اراکی، بخش استفتاءات، ص ۵۲۴

(۳۲) همان مدرک، ص ۵۱۲

(۳۳) امام، آیه الله گلپایگانی جوواب در صورتی که موجب جلب

توجه اجنبی باشد جایز نیست.

(۳۴) امام خمینی، استفتاء از کتاب احکام ازدواج ص ۱۹۴؛ کتاب احکام، روابط زن و مرد، ص ۷۵.

(۳۵) عروه الوثقی، فی الستر و الساتر، ص ۵۵۱، م ۴؛ احکام روابط زن و مرد، م ۱۲۹، ص ۸۸

(۳۶) استفتاء امام، گلپایگانی، اراکی

(۳۷) احکام روابط زن و مرد، ص ۷۵

(۳۸) احکام روابط زن و مرد، م ۱۱۸، ص ۸۳

(۳۹) احکام روابط زن و مرد، م ۱۱۹، ص ۸۴

(۴۰) استفتاء از کتاب احکام ازدواج، ص ۱۹۵؛ کتاب احکام روابط زن و مرد، ص ۷۲

(۴۱) احکام روابط زن و مرد، م ۱۲۳، ص ۸۶

(۴۲) احکام روابط زن و مرد، م ۱۲۴، ص ۸۶

(۴۳) استفتاء از آیات عظام امام، اراکی، گلپایگانی، احکام روابط زن و مرد، م ۱۲۵، ص ۸۷

(۴۴) احکام روابط زن و مرد، م ۱۲۷، ص ۸۷

(۴۵) عروه الوثقی، ج ۱، ص ۵۵۱، فی الستر، مساله ۴ و ۵

(۴۶) امام، توضیح المسائل، م ۸۳۱؛ گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۸۳۹؛ اراکی، توضیح المسائل، م ۸۲۵

(۴۷) امام، ج استفتاءات، لباس مصلی، سؤالات ۵۰ تا ۵۴

(۴۸) امام، گلپایگانی، عروه الوثقی، شرایط لباس مصلی، شرط پنجم

(۴۹) امام، کتاب استفتاءات، ج ۲، ص ۸؛ گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۸۴۱؛ اراکی، استفتاء

(۵۰) امام، کتاب استفتاءات، ج ۱، لباس مصلی، سؤال ۵۵؛ تحریر الوسیله، م ۱۸

(۵۱) آیه الله فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، شروط لباس نمازگزار

- اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلا است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است. (اراکي)

- اگر مردی فراموش کند که انگشتری یا لباس او از طلاست یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند، واجب نیست که آن نماز را دوباره بخواند و همچنین

اگر جاهل قاصر باشد. (توضیح المسائل، آیه الله شاهرودی، شرایط لباس نمازگزار)

(۵۲) تحریر الوسیله، مساله ۱۴

(۵۳) آیت الله سبزواری هدایه الانام، باب شروط لباس مصلی

(۵۴) همان مدرک

(۵۵) اراکی، توضیح المسائل، م ۸۲۸

(۵۶) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴، م ۱۴

(۵۷) امام، توضیح المسائل، م ۸۳۵

- گلپایگانی اگر کمتر از چهار انگشت بسته، ابریشم باشد، اشکالی ندارد و بیشتر از آن پوشیدنش برای مرد حرام است. (توضیح المسائل، م ۸۴۳)

- اراکی حرام و نماز در آن باطل است. (توضیح المسائل، م ۸۲۹)

(۵۸) امام، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۵

(۵۹) امام، تحریر الوسیله، م ۱۶

- فاضل لنکرانی اگر غیر ابریشم مقدار کمی باشد که به حساب نیاید، نماز خواندن با آن لباس برای مرد جایز نیست.

(۶۰) همان مدرک، م ۱۸

(۶۱) همان مدرک، م ۱۹

(۶۲) امام، گلپایگانی، عروه، شرایط لباس مصلی، شرط ششم، ص ۵۶۴

(۶۳) اراکی، توضیح المسائل، م ۸۳۳؛ امام، توضیح المسائل، م ۸۳۹

(۶۴) مغنیه - محمد جواد فقه تطبیقی، ص ۱۷۹، شرایط لباس نمازگزار

دو ماهنامه مشکوه النور - شماره ۱

نگاهی کوتاه به تاریخچه حجاب

نویسنده

آیه الله شهید مرتضی مطهری

اطلاع من از جنبه تاریخی کامل نیست

اطلاع تاریخی ما آنگاه کامل است که بتوانیم درباره همه مللی که قبل از اسلام بوده اند اظهار نظر کنیم. قدر مسلم این است که قبل از اسلام در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است.

تا آنجا که من در کتابهای مربوطه خوانده ام در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است، اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است.

ویل دورانت در صفحه ۳۰ جلد ۱۲ تاریخ تمدن (ترجمه فارسی) راجع به قوم یهود و قانون تلمود می نویسد

«اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت چنانکه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سنخی از مردان درد دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» علی هذا حجابی که در قوم یهود معمول بوده است از حجاب اسلامی - چنانکه بعداً شرح خواهیم داد - بسی سخت تر و مشکلتر بوده است.

در جلد اول تاریخ تمدن صفحه ۵۵۲ راجع به ایرانیان قدیم می گوید

«در زمان زردشت زنان منزلتی عالی داشتند، با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می کردند...» آنگاه چنین می گوید

«پس از داریوش مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان

مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر گوشه نشینی زمان حیض که برایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی شان را فرا گرفت، و این امر خود مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می رود. زنان طبقات بالای اجتماع جرات آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقشههایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد...» چنانکه ملا حظه می فرماید حجاب سخت و شدیدی در ایران باستان حکمفرما بوده، حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می شده اند.

به عقیده ویل دورانت مقررات شدیدی که طبق رسوم و آئین کهن مجوسی درباره زن حائض اجرا می شده که در اتاقی مجبوس بوده، همه از او در مدت عادت زنانگی دوری می جستند و از معاشرت با او پرهیز داشته اند، سبب اصلی پیدا شدن حجاب در ایران باستان بوده است. در میان یهودیان نیز چنین مقرراتی درباره زن حائض اجرا می شده است.

اما اینکه می گوید «و این امر خود مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می رود» منظورش چیست؟

آیا مقصود این است که علت رواج حجاب در میان مسلمانان نیز مقررات خشنی است که درباره زن حائض اجرا می شود؟! همه می دانیم که در اسلام چنین مقرراتی هرگز وجود نداشته است و ندارد. زن حائض در اسلام فقط از برخی عبادات واجب نظیر نماز و

روزه معاف است و همخوابگی با او نیز در مدت عادت زنانگی جایز نیست، ولی زن حائض از نظر معاشرت با دیگران هیچ گونه ممنوعیتی ندارد که عملاً مجبور به گوشه نشینی شود.

و اگر مقصود این است که حجاب رایج میان مسلمانان عادت است که از ایرانیان پس از مسلمان شدنشان به سایر مسلمانان سرایت کرد، باز هم سخن نادرستی است، زیرا قبل از اینکه ایرانیان مسلمان شوند آیات مربوط به حجاب نازل شده است.

از سخنان دیگر ویل دورانت هر دو مطلب فهمیده می شود یعنی هم مدعی است که حجاب به وسیله ایرانیان پس از مسلمانان شدنشان در میان مسلمانان رواج یافت و هم مدعی است که ترک همخوابگی با زن حائض، در حجاب زنان مسلمان و لااقل در گوشه گیری آنان مؤثر بوده است.

در جلد ۱۱ صفحه ۱۱۲ (ترجمه فارسی) می گوید

«ارتباط عرب با ایران از موجبات رواج حجاب و لواط در قلمرو اسلام بود. عربان از دلفریبی زن بیم داشتند و پیوسته دلباخته آن بودند و نفوذ طبیعی وی را با تردید معمولی مردان درباره عفاف و فضیلت زن تلاقی می کردند. عمر به قوم خود می گفت با زنان مشورت کنند و خلاف رای ایشان رفتار کنند. ولی به قرن اول هجری مسلمانان زن را در حجاب نکرده بودند، مردان و زنان با یکدیگر ملاقات می کردند و در کوچه ها پهلو به پهلو می رفتند و در مسجد با هم نماز می کردند. حجاب و خواجه داری در ایام ولید دوم (۱۲۶-۱۲۷ هجری) معمول شد. گوشه گیری زنان از آنجا پدید آمد که در ایام حیض و نفاس بر مردان حرام بودند.»

در صفحه ۱۱۱ می گوید

«پیمبر از پوشیدن

جامه گشاد نهی کرده بود، اما بعضی عربان این دستور را ندیده می گرفتند. همه طبقات زیورهایی داشتند. زنان پیکر خود را به نیم تنه و کمر بند براق و جامه گشاد و رنگارنگ می آراستند، موی خود را به زیبایی دسته می کردند یا به دو طرف سر می ریختند، یا به دسته ها بافته به پشت سر می آویختند و گاهی اوقات با رشته های سیاه ابریشم نمایش آن را بیشتر می کردند. غالباً خود را به جواهر و گل می آراستند. پس از سال ۹۷ هجری چهره خویش را از زیر چشم به نقاب می پوشیدند. از آن پس این عادت همچنان رواج بود.»

ویل دورانت در جلد ۱۰ تاریخ تمدن صفحه ۲۳۳ راجع به ایرانیان باستان می گوید

«داشتن متعه بلا مانع بود. این متعه ها مانند معشوقه های یونانی آزاد بودند که در میان مردم ظاهر و در ضیافت مردان حاضر شوند، اما زنان قانونی معمولاً در اندرون خانه نگهداری می شدند. این رسم دیرین ایرانی به اسلام منتقل شد.»

ویل دورانت طوری سخن می گوید که گویی در زمان پیغمبر کوچکترین دستوری درباره پوشیدگی زن وجود نداشته است و پیغمبر فقط از پوشیدن جامه گشاد نهی کرده بوده است! و زنان مسلمان تا اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری با بی حجابی کامل رفت و آمد می کرده اند. و حال آنکه قطعاً چنین نیست. تاریخ قطعی بر خلاف آن شهادت می دهد. بدون شک زن جاهلیت همچنان بوده که ویل دورانت توصیف می کند ولی اسلام در این جهت تحولی به وجود آورد. عایشه همواره زنان انصار را اینچنین ستایش می کرد

«مرحبا به زنان انصار. همینکه آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیابد. سر

خود را با روسریهای مشکی می پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است». (۱)

در سنن ابو داود جلد ۲ صفحه ۳۸۲ همین مطلب را از ام سلمه نقل می کند با این تفاوت که ام سلمه می گوید

«پس از آنکه آیه سوره احزاب یدنین علیهن من جلابیهن نازل شد زنان انصار چنین کردند.» «کنت گوینو» در کتاب سه سال در ایران نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی، در دوره اسلام در میان ایرانیان باقی ماند. او معتقد است که آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی زن نبوده است بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است. مدعی است که خودسری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بود که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان می کرد زیرا اگر معلوم می شد که چنین خانم خوشگلی در خانه اش هست دیگر مالک او و احيانا مالک جان خودش هم نبود.

«جواهر لعل نهرو» نخست وزیر فقید هند نیز معتقد است که حجاب از ملل غیر مسلمان روم و ایران به جهان اسلام وارد شد. در کتاب نگاهی به تاریخ جهان جلد اول صفحه ۳۲۸ ضمن ستایش از تمدن اسلامی به تغییراتی که بعدها پیدا شد اشاره می کند و از آن جمله می گوید

«یک تغییر بزرگ و تاسف آور نیز تدریجا روی نمود و آن در وضع زنان بود. در میان زنان عرب رسم حجاب و پرده وجود نداشت. زنان عرب جدا از مردان و پنهان از ایشان زندگی نمی کردند بلکه در اماکن عمومی حضور می یافتند، به مسجدها و مجالس وعظ و خطابه می رفتند و حتی خودشان به وعظ و خطابه

می پرداختند. اما عربها نیز بر اثر موفقیتها تدریجا بیش از پیش رسمی را که در دو امپراطوری مجاورشان یعنی امپراطوری روم شرقی و امپراطوری ایران وجود داشت اقتباس کردند. عربها امپراطوری روم را شکست دادند و به امپراطوری ایران پایان بخشیدند. اما خودشان هم گرفتار عادات و آداب ناپسند این امپراطوریها گشتند. به قراری که نقل شده است مخصوصا بر اثر نفوذ امپراطوری قسطنطنیه و ایران بود که رسم جدایی زنان از مردان و پرده نشینی ایشان در میان عربها رواج پیدا کرد. تدریجا سیستم «حرم» آغاز گردید و مردها و زنهارا از هم جدا گشتند.» سخن درستی نیست. فقط بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیر عرب، حجاب از آنچه در زمان رسول اکرم وجود داشت شدیدتر شد نه اینکه اسلام اساسا به پوشش زن هیچ عنایتی نداشته است.

از سخنان نهرو برمی آید که رومیان نیز (شاید تحت تاثیر قوم یهود) حجاب داشته اند و رسم حرمسرداری نیز از روم و ایران به دربار خلفای اسلامی راه یافت. این نکته را دیگران نیز تایید کرده اند.

در هند نیز حجاب سخت و شدیدی حکمفرما بوده است ولی درست روشن نیست که قبل از نفوذ اسلام در هند وجود داشته است و یا بعدها پس از نفوذ اسلام در هند رواج یافته است و هندوان غیر مسلمان تحت تاثیر مسلمانان و مخصوصا مسلمانان ایرانی حجاب زن را پذیرفته اند. آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. از گفتار ویل دورانت در جلد دوم تاریخ تمدن برمی آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج

یافته است.

نهر و پس از سخنانی که از او نقل کردیم می گوید

«متأسفانه این رسم ناپسند کم یکی از خصوصیات جامعه اسلامی شد و هند نیز وقتی مسلمانان بدین جا آمدند آن را آموخت.» به عقیده نهر و حجاب هند به واسطه مسلمانان به هند آمده است.

ولی اگر تمایل به ریاضت و ترک لذت را یکی از علل پدید آمدن حجاب بدانیم باید قبول کنیم که هند از قدیمترین ایام حجاب را پذیرفته است، زیرا هند از مراکز قدیم ریاضت و پلید شمردن لذات مادی بوده است.

راسل در زناشویی و اخلاق صفحه ۱۳۵ می گوید

«اخلاق جنسی آنچنان که در جوامع متمدن دیده می شود از دو منبع سرچشمه می گیرد یکی تمایل به اطمینان پدری، و دیگری اعتقاد مرتاضانه به خبیث بودن عشق. اخلاق جنسی در اعصار ما قبل مسیحیت و در ممالک خاور دور تا به امروز فقط از منبع اول منشعب می شود و استثنای آن هند و ایران است که ظاهراً ریاضت طلبی در آنجا پدید آمده و در سراسر جهان پراکنده شده است.» به هر حال آنچه مسلم است این است که قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته است و اسلام مبتکر آن نیست، اما اینکه حدود حجاب اسلامی با حجابی که در ملل باستانی بود یکی است یا نه، و دیگر اینکه علت و فلسفه ای که از نظر اسلام حجاب را لازم می سازد همان علت و فلسفه است که در جاهای دیگر جهان منشا پدید آمدن حجاب شده است یا نه، مطالبی است که در قسمتهای بعدی به تفصیل درباره آنها سخن خواهیم گفت.

پی نوشت

۱. کشاف، ذیل آیه ۳۱ از سوره نور

جنبه روانی حجاب

کتاب

مجموعه آثار جلد ۱۹ صفحه ۴۳۴

نویسنده

استاد شهید مرتضی مطهری

نبودن حریم میان زن و مرد

و آزادی معاشرتهای بی بند و بار هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عیش و روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد. گزینه جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هر چه بیشتر

اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله ورت تر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت

۱. تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند حریصتر می شده اند، همچنین از آزمندانی در زمینه مسائل جنسی یاد می کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف و تملک زیبارویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند چنین بوده اند.

کریستن سن نویسنده کتاب ایران در زمان ساسانیان در فصل نهم کتاب خویش می نویسد

«در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می بینیم. این شهریان هیچ گاه از این میل سیر نمی شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می دادند به حرم خود می آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می کرد نامه ای چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می کرد. پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می دیدند به خدمت می بردند.» از این گونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست، به

شکل دیگر است، با این تفاوت که در جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در جدید به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند.

۲. هیچ فکر کرده اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟

قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می کند، به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند»، از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟

چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟

آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرای می کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرای کرده است؟

چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟

چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟

آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟

چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیت‌های بشر عامل اقتصاد است!!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنانکه برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی گویم

که حافظ و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشقها و غزلها عشق و غزل هایی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی درمی آید و یا به صورت عشق و غزل. ما بعداً در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرایطی حالت حرص و آز جنسی تقویت می شود و در چه شرایطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم... قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاههای مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه

کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد.

همان طور که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است.

هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود.

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون ست به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می گردد.

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟

علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه ها انجام می شود.

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار

است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

حدود پوشش زن در اسلام

کتاب

مجموعه آثار ج ۱۹ ص ۵۰۷

نویسنده

شهید مطهری

بررسی

اکنون می خواهیم حدود پوششی که در اسلام بر زن واجب شده است، با توجه به همه دلایل موافق و مخالفی که در مساله هست، از دیده فقهی بررسی کنیم.

مجددا توضیح می دهیم که بحث ما جنبه علمی دارد نه فتوایی. این بنده نظر خودم را می گویم و هر یک از شما باید عملا به فتوای همان مجتهدی عمل کند که از او تقلید می نماید.

قبلا لازم است مطالبی را که از نظر فقه اسلامی قطعی و مسلم است مشخص کنیم و سپس به مواردی که مورد اختلاف و قابل بحث است پردازیم

۱. در اینکه پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است، از لحاظ فقه اسلام هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و حدیث و نه از نظر فتاوی در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد. آنچه مورد بحث است پوشش چهره و دستها تا مچ است.

۲. مساله «وجوب پوشش» را که وظیفه زن است از مساله «حرمت نظر بر زن» که مربوط به مرد است باید تفکیک کرد. ممکن است کسی قائل شود به عدم وجوب پوشیدن وجه و کفین بر زن و در عین حال نظر بدهد به حرمت نظر از جانب مرد. نباید پنداشت که بین این دو مساله ملازمه است. همچنانکه از لحاظ فقهی مسلم است که بر مرد واجب نیست سر خود را بپوشاند ولی این دلیل نمی شود که بر زن هم نگاه کردن به سر و بدن مرد جایز باشد.

بلی، اگر در مساله نظر قائل به جواز شویم در مساله پوشش هم باید قائل به عدم وجوب

شویم، زیرا بسیار مستبعد است که نظر مرد بر وجه و کفین زن جایز باشد ولی کشف وجه و کفین بر زن حرام باشد. بعدا نقل خواهیم کرد که در میان ارباب فتوا در قدیم کسی را نمی توان یافت که قائل به وجوب پوشیدن وجه و کفین باشد ولی هستند کسانی که نظر را حرام می دانند.

۳. در مساله جواز نظر تردیدی نیست که اگر نظر از روی «تلذذ» یا «ریبه» باشد حرام است.

«تلذذ» یعنی لذت بردن، و نگاه از روی تلذذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد؛ و اما «ریبه» یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه مجموعا طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید.

این دو نوع نظر مطلقا حرام است حتی در مورد محارم. تنها موردی که استثنا شده نظری است که مقدمه خواستگاری است که در این مورد اگر تلذذ هم باشد - که معمولا - هم هست - جایز است. البته شرطش این است که واقعا هدف شخص ازدواج باشد یعنی مرد جدا به خاطر ازدواج بخواهد زن را ببیند و از لحاظ سایر خصوصیات مورد نظر زن را پسندیده باشد نه آنکه برای چشم چرانی قصد ازدواج را بهانه قرار دهد. قانون الهی مانند قانونهای بشری نیست که بتوان با صورت سازی خیال خود را راحت کرد. در اینجا وجدان انسان حاکم است و خدای متعال که هیچ چیز بر او پوشیده نیست محاسب. علیهذا باید گفت در حقیقت استثنائی در کار نیست، زیرا آنچه قطعاً حرام است نگاه به قصد تلذذ است

و آنچه مانعی ندارد این است که نگاه به قصد تلذذ نباشد ولی تلذذ قهرا پیدا شود.

فقها تصریح کرده اند که جایز نیست کسی به زنها نگاه کند تا در بین آنها یکی را انتخاب کند. آنچه جایز است، در مورد یک زن خاص است که به او معرفی شده است و درباره اش می اندیشد، از سایر جهات تردیدی ندارد، فقط از نظر چهره و اندام تردید دارد، می خواهد ببیند آیا می پسندد یا نه؟

برخی دیگر از فقها به صورت احتیاط مطلب را بیان کرده اند.

چهره و دو دست (وجه و کفین)

بعد از اینکه موارد قطعی پوشش را بیان کردیم نوبت می رسد به بحث درباره «پوشش وجه و کفین».

مساله پوشش بر حسب اینکه پوشانیدن وجه و کفین واجب باشد یا نباشد دو فلسفه کاملاً متفاوت پیدا می کند. اگر پوشش وجه و کفین را لازم بدانیم در حقیقت طرفدار فلسفه پرده نشینی زن و ممنوعیت او از هر نوع کاری جز در محیط خاص خانه و یا محیطهای صد در صد اختصاصی زنان هستیم.

ولی اگر پوشیدن سایر بدن را لازم بدانیم و هر نوع عمل محرک و تهییج آمیز را حرام بشماریم و بر مردان نیز نظر از روی لذت و ریه را حرام بدانیم اما تنها پوشیدن گردی چهره و پوشیدن دستها تا مچ را واجب ندانیم آنهم به شرط اینکه خالی از هر نوع آرایش جالب توجه و محرک و مهیج باشد بلکه ساده و عادی باشد، آن وقت مساله صورت دیگری پیدا می کند و طرفدار فلسفه دیگری هستیم و آن فلسفه این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده نشین باشد بلکه صرفاً باید این فلسفه

رعایت گردد که هر نوع لذت جنسی اختصاص داشته باشد به محیط خانواده، و کانون اجتماع باید پاک و منزه باشد و هیچ گونه کامجویی خواه بصری و خواه لمسی و خواه سمعی نباید در خارج از کادر همسری صورت بگیرد. بنابراین زن می تواند هر نوع کار از کارهای اجتماعی را عهده دار شود.

البته در اینجا چند نکته هست

الف. ما فعلا در این مقام نیستیم که آیا زن در درجه اول باید به وظایف خانوادگی عمل کند یا خیر؟

شک نیست که ما طرفدار این هستیم که وظیفه اول زن مادری و خانه سالاری است.

ب. برخی از مناصب است که از نظر اینکه آیا زن از نظر اسلام می تواند عهده دار بشود یا نه، نیازمند بحث جداگانه و مفصل است، از قبیل سیاست و قضاء و افتاء (فتوا دادن و مرجعیت تقلید). ما درباره اینها جداگانه بحث خواهیم کرد.

ج. خلوت با اجنبیه خالی از اشکال نیست. شاید عقیده اکثر فقها حرمت باشد. ما فعلا نظر به آن نوع کار اجتماعی نداریم که مستلزم خلوت با اجنبیه است.

د. از نظر اسلام مرد رئیس خانواده است و زن عضو این دایره است. علی هذا در حدودی که مرد مصالح خانوادگی را در نظر می گیرد حق دارد که زن را از کار معینی منع کند.

مقصود ما این است که اگر پوشیدن چهره و دو دست مخصوصا چهره واجب باشد خود به خود شعاع فعالیت زن به اندرون خانه و اجتماعات خاص زنان محدود می شود ولی اگر پوشیدن گردی چهره واجب نباشد این محدودیت خود به خود لازم نمی آید. اگر احيانا محدودیتی پیدا شود از جهت خاص استثنائی خواهد بود.

به هر حال

با لازم نبودن پوشیدن گردی چهره، حکم شرعی برخی از کارها از نظر حرمت یا جواز روشن می گردد. بسیاری از کارهاست که از نظر فقهی و شرعی اولاً و بالذات بر زن حرام نیست. ولی اگر پوشش وجه و کفین را لازم بشماریم ثانياً و بالعرض بر زن حرام است، یعنی از آن جهت حرام است که مستلزم باز گذاشتن چهره و دو دست می شود. بنابراین جواز و عدم جواز آن کارها برای زن بستگی بدین دارد که پوشش وجه و کفین واجب باشد یا نباشد. ما ذیلاً چند نمونه از این کارها را مطرح می کنیم

۱. آیا برای زن رانندگی جایز است؟

می دانیم که مساله رانندگی به خصوص، حکمی ندارد، باید دید آن زن می تواند وظایف دیگر خود را در حین رانندگی اجرا کند یا نه؟

اگر پوشش وجه و کفین واجب باشد باید گفت زن نمی تواند رانندگی کند.

۲. آیا کار فروشندگی در خارج از منزل برای زن جایز است یا نه؟

البته مقصود آن نوع فروشندگی ها نیست که فعلاً در دنیا معمول است و در حقیقت فریبنده است نه فروشندگی.

۳. آیا کار اداری برای زن جایز است یا نه؟

۴. آیا زن حق دارد عهده دار تدریس - ولو برای مردان - بشود یا نه؟

و آیا حق دارد که در کلاسی که مرد تدریس می کند متعلم باشد یا نه؟

اگر بگوییم پوشش وجه و کفین لازم نیست و مرد هم در صورتی که نظر ریبه و تلذذ نداشته باشد می تواند به وجه و کفین نگاه کند، نتیجه این است که مانعی ندارد؛ و الا جایز نیست.

خلاصه اینکه وجه و کفین مرز محبوسیت و عدم محبوسیت زن است و ایرادهایی که

مخالفین پوشش می گیرند در صورتی است که حجاب وجه و کفین را لازم بدانیم. ولی اگر پوشیدن وجه و کفین را واجب ندانیم، در پوشش سایر قسمت‌های بدن هیچ گونه اشکال‌تراشی نمی توان کرد، بلکه اشکال بر طرف مخالف وارد است.

اگر زن مرض نداشته باشد و نخواهد لخت بیرون بیاید، پوشیدن یک لباس ساده که تمام بدن و سر جز چهره و دو دست تا مچ را بپوشاند مانع هیچ فعالیت بیرونی نخواهد بود. بلکه برعکس، تبرج و خودنمایی و پوشیدن لباسهای تنگ و مدهای رنگارنگ است که زن را به صورت موجودی مهمل و غیر فعال درمی آورد که باید تمام وقتش را مصروف حفظ پزیسیون خود کند. ما به زودی توضیح خواهیم داد و قبلا نیز از قدمای مفسرین نقل کردیم که استثنای وجه و کفین به منظور رفع حرج و امکان دادن به فعالیت زن است و به همین ملاک است که اسلام آن را واجب نشمرده است.

اکنون دلائل موافق و مخالف را در مساله تحقیق می کنیم.

ادله موافق

به چند دلیل می توان گفت که پوشش وجه و کفین واجب نیست

۱. آیه «پوشش» که همان آیه ۳۱ سوره نور است و برای بیان این وظیفه و تعیین حدود آن است پوشانیدن وجه و کفین را لازم نشمرده است. در این آیه به دو جمله می توان استناد جست. یکی جمله و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها و دیگر جمله و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن.

در مورد جمله اول دیدیم که اکثر مفسران و عموم روایات، خضاب و سرمه و انگشتر و دستبند و امثال اینها را مصداق مستثنی الا ما ظهر دانسته اند. این زینتها زینتهایی است

که در چهره و دو دست تا میچ صورت می گیرد. خضاب و انگشتر و دستبند مربوط به دست است و سرمه مربوط به چشم.

کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می دانند باید استثناء الا ما ظهر را منحصر بدانند به لباس رو، و واضح است که حمل استثناء بر این معنی بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی داشتن لباس رو، به علت اینکه غیر ممکن است، احتیاج به استثناء ندارد؛ گذشته از اینکه لباس را وقتی می توان زینت محسوب کرد که قسمتی از بدن نمایان باشد. مثلاً در مورد زنان بی پوشش می توان گفت که لباس آنها یکی از زینتهای آنهاست، ولی اگر زن تمام بدن را با یک لباس سرتاسری بپوشاند چنین لباسی زینت شمرده نمی شود.

خلاصه اینکه ظهور آیه را در اینکه قسمتی از زینت بدن را استثناء می کند نمی توان منکر شد، و صراحت روایات هم ابدا قابل تردید نیست.

در مورد جمله دوم باید گفت آیه دلالت دارد که پوشانیدن گریبان لازم است، و چون در مقام بیان حد است اگر پوشانیدن چهره هم لازم بود بیان می کرد.

دقت فرمایید! «خمار روسری» اساساً برای پوشانیدن سر وضع شده است. ذکر کلمه «خمر» در آیه می فهماند که زن باید روسری داشته باشد، و واضح است که با روسری پوشانیدن مربوط به سر است، و اما اینکه غیر از سر آیا قسمت دیگری را هم باید با روسری پوشانید یا نه، بستگی به بیان آن دارد و چون در آیه فقط زدن دو طرف روسری بر گریبان مطرح است معلوم می شود که همین مقدار واجب است.

ممکن است کسی خیال کند معنی و لیضربن بخمرهن علی

جیوبهن این است که روسریها را مانند پرده از جلو چهره آویزان کنند تا حدی که روی گریبان و سینه را بپوشانند.

ولی متأسفانه به هیچ وجه نمی توان آیه را بدین معنی حمل کرد زیرا اولاً کلمه «خمار» به کار رفته نه کلمه «جلباب». خمار روسری کوچک است و جلباب روسری بزرگ. روسری کوچک را نمی توان آن اندازه جلو کشید و مانند پرده آویزان کرد به طوری که چهره و دور گردن و گریبان و سینه را بپوشاند و در عین حال سر و پشت گردن و موها - که معمولاً در آن زمان بلند بوده است - پوشیده بماند.

ثانیاً آیه می فرماید با همان روسریها که دارید چنین عملی انجام دهید. بدیهی است اگر آن روسریها را بدان شکل روی چهره می آویختند جلو پای خود را به هیچ وجه نمی دیدند و راه رفتن برایشان غیر ممکن بود. آن روسریها قبلاً «مشبک» و «توری» ساخته نشده بود که برای این منظور مفید باشد. اگر منظور این بود که لزوماً روسریها از پیش رو آویخته شود دستور می رسید که روسریهایی تهیه کنید غیر از این روسریهای موجود که بتوانید هم چهره را بپوشانید و هم راه بروید.

ثالثاً ترکیب ماده «ضرب» و کلمه «علی» مفید مفهوم آویختن نیست. چنانکه قبلاً گفتیم و از اهل فن لغت و ادب عرب نقل کردیم ترکیب «ضرب» با «علی» فقط مفید این معنی است که فلان چیز را بر روی فلان شیء مانند حائلی قرار داد. مثلاً معنی جمله فضرنا علی اذانهم این است که بر روی گوشهای اینها حائلی قرار دادیم. علیهذا مفهوم و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن این است که با

روسریها بر روی سینه و گریبان حائلی قرار دهید.

پس وقتی در مقام تحدید و بیان حدود پوشش است و می فرماید با روسریها بر روی گریبانها و سینه ها حائلی قرار دهید و نمی گوید بر روی چهره حائلی قرار دهید، معلوم می شود حائل قرار دادن بر روی چهره واجب و لازم نیست.

یک نکته دیگر که باید اینجا اضافه کرد این است که باید دید زنان مسلمان قبل از نزول این آیه روسری را به چه کیفیت به کار می برده اند؟

از لحاظ تاریخ مسلم است که زنان مسلمان قبل از نزول آیات پوشش به حکم عادت معمول آن روز عرب چهره خود را نمی پوشانیده اند، چنانکه قبلا نقل کردیم روسری را از پشت گوشها رد کرده و اطراف آن را به پشت خود می انداخته اند و در نتیجه گوشها، گوشواره ها، چهره، گردن و گریبان نمایان بوده است. وقتی در همچو زمینه ای دستور داده شد که روسری را بر گریبان بزنند معنای این دستور این است که دو طرف روسری را از جانب راست و چپ به جلو آورده و به طور چپ و راست بر گریبان بزنند. به کار بردن این دستور موجب می شود گوشها و گوشواره ها و گردن و گریبان پوشیده شود و چهره باز بماند.

به نظر ما در اینکه آیه مورد نظر همین معنی را می فهماند هیچ تردیدی نیست و چون توجه کنیم که آیه در مقام بیان حدود پوشش است و به اصطلاح اصولیین اهمال در مقام بیان جایز نیست، به طور قطع می فهمیم که پوشانیدن چهره واجب نیست.

۲. در موارد بسیاری که مستقیماً مساله پوشش یا مساله جواز و عدم جواز نظر مطرح است ملاحظه می کنیم که

در جواب و سؤالهایی که میان افراد و پیشوایان دین رد و بدل شده فقط مساله «مو» مطرح است و مساله «رو» به هیچ وجه مطرح نیست؛ یعنی وجه و کفین مفروغ عنه و مسلم فرض شده است. و ما ذیلا چند نمونه از این موارد را ذکر می کنیم

الف. در مورد حرمت نظر به خواهر زن

صحیح البزنطی عن الرضا علیه السلام قال سألته عن الرجل يحل له ان ينظر الى شعر اخت امراته؟

فقال لا الا ان تكون من القواعد. قلت له اخت امراته و الغریبه سواء؟

قال نعم. قلت فما لی من النظر اليه منها؟

فقال شعرها و ذراعها (۱).

احمد بن ابی نصر بزنطی - که از اصحاب عالیقدر حضرت رضا علیه السلام است - می گوید از حضرت رضا سؤال کردم آیا برای مرد جایز است که به موی خواهر زنش نگاه کند؟

فرمود نه، مگر اینکه از زنان سالخورده باشد. گفتم پس خواهر زن و بیگانه یکی است؟

فرمود بلی. گفتم (در مورد سالخورده) چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟

فرمود به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می توانی نگاه کنی.

ملاحظه می فرمایید که هم در سؤال اول روایت و هم در آخرین جواب امام علیه السلام آنچه ذکر شده است «مو» است نه «رو». به خوبی روشن است که مستثنی بودن چهره نزد طرفین مسلم بوده است. و هرگز نمی شود احتمال داد که مثلا در مورد زنان سالخورده نگاه به مو و ذراع جایز باشد و نگاه به صورت جایز نباشد، در حالی که در جواب سؤال از مقداری که نظر به آن جایز است چهره ذکر نشده است.

ب. در مورد پسر بچه

ایضا صحیح البزنطی عن الرضا علیه السلام قال یؤخذ الغلام بالصلاه و هو ابن سبع سنین و لا تغطی المراه منه شعرها حتی یحتلم (۲).

حضرت رضا علیه السلام به احمد بن ابی نصر بزنطی فرمود وقتی پسر بچه به هفت سال رسید باید به نماز خواندن وادار کرده شود، ولی تا وقتی که بالغ نشده است بر زن لازم نیست موی خود را از او بپوشاند.

یعنی

و ادا کردن به نماز برای ایجاد عادت است و الا در هفت سالگی حکم مرد را ندارد، تا به حد بلوغ برسد.
در اینجا نیز پوشانیدن «مو» مطرح است نه «رو». روایات دیگر به همین مضمون در کتب حدیث زیاد است.

ممکن است گفته شود که مو به عنوان مثال ذکر شده است، به دلیل اینکه بدن ذکر نشده در حالی که می دانیم پوشانیدن بدن لازم است. بنابراین پوشانیدن چهره هم ممکن است واجب باشد و ذکر نشده باشد.

جواب این است که اگر پوشانیدن چهره واجب بود شایسته بود آن را به عنوان مثال ذکر کنند چنانکه در عرف ما که بنا بر لازم دانستن پوشانیدن چهره است مساله پوشش را به «رو گرفتن» تعبیر می کنند و رمزش این است که قسمتی که در عمل بیشتر ممکن است مکشوف باشد همان چهره است و وقتی پوشانیدن آن بیان شود وجوب پوشانیدن قسمتهای دیگر به طریق اولی فهمیده می شود. و اما پوشانیدن سایر قسمتهای بدن عملاً مورد ابتلا نبوده است و شکی در عدم جواز آن وجود نداشته که مورد سؤال واقع شود.

ج. در مورد مملوک

لا باس ان یری المملوک الشعر و الساق. (۳)

جایز است که غلام به مو و ساق خانمی که مالک اوست نگاه کند.

در روایت دیگر در مورد خواجهگان (که ممکن است مملوک هم نباشند) سؤال شده است

محمد بن اسماعیل بن بزيع قال سالت ابا الحسن الرضا عليه السلام عن قناع الحرائر من الخصيان. فقال كانوا يدخلون على بنات ابي الحسن عليه السلام و لا يتقنعن. قلت و كانوا احراراً؟

قال لا. قلت فلاحرار يتقنع منهم؟

قال لا (۴).

محمد بن اسماعیل بن بزيع - که او نیز از اکابر اصحاب حضرت

رضا علیه السلام است می گوید از حضرت رضا سؤال کردم که آیا زنان آزاده از خواجهگان باید سر بپوشند؟

(در مورد کنیزان مسلم است که بر آنان پوشانیدن سر واجب نیست. لذا سؤال را مخصوص زندهای آزاد قرار داده است.) در پاسخ فرمود نه، خواجهگان بر دختران پدرم امام موسی بن جعفر علیه السلام وارد می شدند و آنها هم روسری نداشتند. پرسیدم آیا آن خواجهگان آزاد بودند یا برده؟

فرمود آزاد نبودند. پرسیدم اگر آزاد باشند باید سرها را از ایشان بپوشند؟

فرمود نه.

در اینکه آیا خواجه و برده به زن محرم است یا نه، در تفسیر آیات بحث کردیم. اکثر فقها می گویند محرم نیست ولی در هر حال دلالت این روایات - و روایات زیاد دیگر در این مورد با همه اختلافی که از سایر جهات دارند و در کافی و وسائل و سایر کتب حدیث مذکور است - بر اینکه استثنای چهره مفروغ عنه و مسلم به شمار می رفته قابل تشکیک نیست.

د. در مورد زنان اهل ذمه (۵)

السکونی عن ابی عبد الله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا - حرمة لנساء اهل الذمه ان ینظر الی شعورهن و ایدیهن. (۶)

سکونی (از اهل تسنن است و از حضرت صادق زیاد روایت دارد و مورد قبول و اعتماد علمای شیعه است) از امام صادق نقل کرده است که فرمود پیغمبر فرمود حرام نیست که به موها و دستهای زنان اهل ذمه نظر بشود.

ابو البختری عن جعفر عن ابيه عن علی بن ابی طالب علیه السلام لا باس بالنظر الی رؤوس النساء من اهل الذمه. (۷)

علی علیه السلام فرمود نگاه به سر زنان اهل ذمه جایز است.

در

این مساله که نظر به زنان اهل کتاب جایز است فقها و مجتهدین متفق می باشند.

الا اینکه جمعی از فقها قیدی را اضافه کرده اند و آن این است که باید به مقداری که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین خود اهل ذمه متداول بوده است اکتفا کرد، یعنی باید دید چه مقدار را در آن زمانها نمی پوشانیده اند، نگاه کردن به همان مقدار جایز است (آن هم بدون تلذذ و ریبه) و اما این اندازه که در این زمانها برهنه شده اند نگاه به آن جایز نیست.

ولی عقیده دیگران این است هر اندازه از بدن آنها که معمولا خودشان در ملا عام نمی پوشند نظر به آن مانعی ندارد هر چند در زمان پیغمبر اکرم کمتر از آن را باز می گذاشته اند.

ه. در مورد زنان بیابان نشین

عباد بن صهیب سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول لا بأس بالنظر الى رؤوس نساء اهل تهامة و الاعراب و اهل السواد و العلوج لانهم اذا نهوا لا ينتهون (۸).

حضرت صادق علیه السلام فرمود نگاه کردن به سر زنان تهامة، بادیه نشینان، دهاتیهای حومه (۹) و علج ها (غیر عربهای بی سواد که در حکم همان بادیه نشین های عرب هستند) مانعی ندارد زیرا ایشان را هر گاه نهی کنند فایده ندارد.

جمعی از فقها به مضمون این روایت فتوا داده اند. از مرحوم آیه الله آقا سید عبد الهادی شیرازی نقل شده است که ایشان این حکم را در مورد آن عده زنان شهری که همچون زنان دهاتی نهی کردن ایشان مفید واقع نمی شود تعمیم می دادند و به همین علتی که در حدیث ذکر شده است (که نهی کردن ایشان اثر ندارد) استناد می جستند. بعضی از فقها و

مراجع بزرگ تقلید معاصر نیز عینا همین طور فتوا می دهند و به همین علت که در حدیث ذکر شده استناد می کنند. (۱۰)

ولی اکثر فقها چنین فتوا نمی دهند، حتی در مورد زنان بادیه نشین و دهاتی هم فقط به همین اندازه اکتفا می کنند که بر مردان واجب نیست رفت و آمد خود را از مکانهایی که این زنان وجود دارند قطع کنند. اگر گذر کردند و نظرشان افتاد مانعی ندارد، اما اینکه به صورت یک استثنای دائمی باشد، نه.

به هر حال استشهاد ما در این روایت و نظایر آن بدین است که در هیچ موردی از وجه و کفین سؤال نشده، و این بدان جهت بوده که عدم لزوم پوشانیدن آنها از نظر راویان، قطعی و مسلم بوده است و کوچکترین تردیدی در آن نمی رفته است و قبلا گفتیم که هرگز احتمال نمی رود که پوشیدن «رو» را لازم می شناخته اند و در پوشیدن «مو» تردید داشته اند.

۳. روایاتی که مستقیما حکم وجه و کفین را چه از نظر پوشیدن و چه از جنبه نگاه کردن بیان می کند. ولی البته عدم لزوم پوشیدن وجه و کفین دلیل بر جواز نظر نیست اما جواز نظر دلیل بر عدم لزوم پوشیدن وجه و کفین هست.

ما قبلا در ذیل آیه و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها بعضی از این روایات را ذکر کردیم و اکنون چند روایت دیگر را ذکر می کنیم

الف. خبر مسعده بن زراره، قال سمعت جعفرًا - و سئل عما تظهر المراه من زینتها - قال علیه السلام الوجه و الکفین (۱۱).

مسعده بن زراره از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که وقتی از حضرت درباره زینتی که زن می تواند

آشکار کند سؤال شد فرمود چهره و دو کف.

ب. خبر المفضل بن عمر - قال قلت لابی عبد الله علیه السلام ما تقول فی المراه تموت فی السفر مع الرجال لیس فیهم لها ذو محرم و لا معهم امراه فتموت المراه ما یصنع بها؟

قال یغسل منها ما اوجب الله علیه التیمم و لا تمس و لا یکشف لها شیء من محاسنها التی امر الله سبحانه بسترها. قلت فکیف یصنع بها؟

قال یغسل بطن کفیها ثم یغسل وجهها ثم یغسل ظهر کفیها. (۱۲)

مفضل بن عمر سؤال کرد از امام صادق درباره زنی که در سفر بمیرد و مرد محرم یا زنی که او را غسل دهد همراه او نباشد. فرمود مواضع تیمم او را باید غسل دهند ولی نباید بدن او را لمس کنند و نباید زیباییهای او را که خدا پوشیدن آن را واجب فرموده است آشکار کرد. پرسیدم چگونه عمل کنیم؟

فرمود اول باطن کف دست او را باید شست، سپس چهره و بعد پشت دستهایش را.

ملاحظه می فرمایید که تصریح دارد که چهره و کفین جزء قسمتهایی که پوشانیدنش واجب گردیده است نیست.

ج. عن علی بن جعفر عن الرجل ما یصلح له ان ینظر من المراه التی لا تحل له؟

قال الوجه و الکف و موضع السوار (۱۳).

علی بن جعفر فرزند امام ششم است و مرد بسیار جلیل القدری است، از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می پرسد برای مرد چه مقدار جایز است به زنی که محرمش نیست نگاه کند؟

حضرت در جواب فرمود چهره و کف و جای دستبند.

د. عن ابی جعفر عن جابر بن عبد الله الانصاری قال خرج رسول الله صلی الله علیه و آله

و سلم يريد فاطمه عليها السلام و انا معه. فلما انتهينا الى الباب وضع يده عليه فدفعه، ثم قال السلام عليكم. فقالت فاطمه عليك السلام يا رسول الله.

قال ادخل؟

قالت ادخل يا رسول الله! قال ادخل انا و من معي؟

فقالت يا رسول الله! ليس على قناع.

فقال يا فاطمه! خذي فضل ملحفتك فقنعي بها راسك. ففعلت. ثم قال السلام عليكم. فقالت و عليك السلام يا رسول الله.

قال ادخل؟

قالت نعم يا رسول الله! قال انا و من معي؟

قالت و من معك. قال جابر فدخل رسول الله و دخلت و اذا وجه فاطمه اصفر كانه بطن جواده، فقال رسول الله ما لي ارى وجهك اصفر؟

قالت يا رسول الله! الجوع. فقال اللهم مشيع الجوعه و دافع الضيعه، اشبع فاطمه بنت محمد. قال جابر فنظرت الى الدم ينحدر من قصاصها حتى عاد وجهها احمر، فما جاءت بعد ذلك اليوم (١٤).

مضمون حديث به طور اختصار اين است جابر مي گويد در خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله به در خانه فاطمه عليها السلام آمديم. رسول خدا سلام کرد و اجازه ورود خواست.

فاطمه عليها السلام اجازه داد. پيغمبر اکرم فرمود با کسی که همراه من است وارد شوم؟

زهره عليها السلام گفت پدر جان! چیزی بر سر ندارم. فرمود با قسمتهای اضافی روپوش خودت سرت را بپوشان. سپس مجددا استعلام کرد که آیا داخل شويم؟

پاسخ شنيديم

بفرماييد.

وقتی وارد شدیم چهره زهره عليها السلام آنچنان زرد بود که مانند شکم ملخ می نمود. رسول اکرم صلى الله عليه و آله و سلم پرسید چرا چنین هستی؟

جواب داد از گرسنگی است. (١٥)

پیغمبر اکرم دعا فرمود که خدایا! دختر مرا سیر گردان. پس از دعای پیغمبر

اکرم چهره زهرا گلگون شد و گویی دویدن خون را در زیر پوست صورت می دیدم و زهرا از آن پس گرسنه نماند.

دلالت این حدیث بر اینکه پوشانیدن چهره واجب نیست و نیز بر اینکه نظر کردن به چهره جایز است، بسیار روشن می باشد.

ه. عن الفضیل بن یسار، قال سالت ابا عبد الله علیه السلام عن الذراعین من المراه هما من الزینه التي قال الله و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن قال نعم و ما دون الخمار من الزینه و ما دون السوارین (۱۶).

فضیل بن یسار می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا ذراعهای زن از قسمتهایی است که باید از غیر محارم بپوشاند؟

فرمود بلی و آنچه زیر روسری قرار می گیرد باید پوشیده شود، و همچنین از محل دستبند به بالا پوشیده شود.

۴. روایاتی که در باب احرام، پوشانیدن چهره را بر زن حرام می کند.

بسیار مستبعد است که بگوییم گشودن چهره در غیر حال احرام از محرمات محسوب می شود و در حال احرام واجب است. و با در نظر گرفتن اینکه وقتی شخص محرم مناسک عمره یا حج را بجا می آورد معمولاً در میان اجتماع انبوهی از زن و مرد است، روشن است که اگر پوشانیدن چهره از مرد لازم باشد می باید قید شود؛ گذشته از اینکه در روایتی وارد شده است که حضرت باقر علیه السلام زنی را دید که در حال احرام به وسیله بادبزن چهره خود را پوشانیده است؛ امام علیه السلام شخصاً با چوبدستی خود بادبزن را از چهره آن زن دور فرمود.

از بعضی روایات فهمیده می شود که باز بودن چهره زن در حال احرام به جای باز بودن سر برای مرد است و

منظور این است که محرم از تاثیر گرما و سرما رنج ببرد؛ چنانکه در حدیثی آمده است که زنی در حال احرام نقاب زده بود؛ حضرت باقر علیه السلام فرمود نقاب را بردار، زیرا اگر نقاب داشته باشی رنگ چهره ات تغییر نمی کند، یعنی باید آفتاب رنگ پوست صورتت را عوض کند.

پس منظور از اینکه محرم اگر مرد است باید سر را برهنه کند و اگر زن است چهره را، این است که از آسایش و رفاهی که در حال معمولی برخوردار است قدری کاسته شود. ولی چون شارع مقدس می خواسته قانون «پوشش» به حال خود باقی باشد، به زن دستور نفرموده که سر را برهنه کند و تنها به برهنه کردن چهره اکتفا کرده است. و اگر شارع می خواست در حال احرام از قانون «پوشش» صرف نظر کند، ممکن بود برای زن هم برهنه کردن سر را لازم بشمارد. و در بین فقها هرگز کسی نگفته است که منظور شارع این است که در مورد احرام استثنائی برای پوشش قائل شده باشد.

روایات و قرائنی که در این باب است، در اخبار و روایات شیعه و سنی و در تاریخ اسلام فوق العاده زیاد و غیر قابل انکار است. آنچه ذکر کردیم نمونه ای بود. نقل همه آنها خود یک کتاب می شود.

ادله مخالف

۱. سیره مسلمین

درست است که ظاهر آیات و روایات این است که پوشش وجه و کفین لازم نیست ولی نمی توان منکر شد که سیره متدینین بر خلاف این است.

سیره چیزی نیست که به سهولت بتوان از آن چشم پوشید. اگر واقعا سیره مسلمین از صدر اسلام تاکنون به طور مستمر و پیگیر این باشد که پوشش وجه و

کفین را لازم بشمارند دلیل روشنی است که این درسی بوده که مسلمانان از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار آموخته اند. اصطلاحاً می گویند سیره مستمره مسلمین کشف از سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می کند و سیره پیغمبر البته حجت است.

در بسیاری از موارد، فقها در اثبات احکام به سیره تمسک می جویند. مثلاً در مورد ریش تراشی می گویند محکمترین دلیل حرمت آن سیره مسلمین است که ریش را نتراشند. (البته در اینجا مناقشه شده که از نتراشیدن ریش که بین مسلمین متداول است می توان استنتاج کرد که ریش گذاشتن حرام نیست، ولی اینکه ریش گذاشتن واجب باشد استنباط نمی شود زیرا ممکن است مستحب و یا مباح باشد). در مساله پوشش وجه و کفین نیز به سیره مسلمین تمسک شده است.

در جواب این استدلال باید یک نکته تاریخی و اجتماعی را مورد دقت قرار دهیم. آن نکته این است که اگر چه پوشش در بین عرب مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد ولی در ملل غیر عرب به شدیدترین شکل رواج داشت.

در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملتها وجه و کفین هم پوشیده می شد، بلکه در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زینت زن و چهره زن نبود، سخن از پنهان کردن زن و به اصطلاح «قایم» کردن زن بود و این فکر به صورت عادت سفت و سختی در آمده بود. اسلام گرچه پوشانیدن وجه و کفین را واجب نکرد ولی تحریم هم نکرد، یعنی اسلام علیه پوشانیدن چهره

قیام نکرد و باز گذاشتن را واجب نمود و در نتیجه ملت‌های غیر عرب که مسلمان شدند از همان عادت و رسم دیرین خود تبعیت کردند. اسلام با رسم پوشیدن چهره جز در مورد احرام مخالفت نداشت بلکه همان طور که قبلاً تذکر دادیم استثنای وجه و کفین یک رخصت تسهیلی است. رجحان اخلاقی تستر تا حد امکان، مورد توجه اسلام است. علی‌هذا فرضاً سیره‌ای وجود داشته باشد دلیل بر وجوب پوشیدن وجه و کفین نمی‌شود.

به علاوه چنین سیره‌ای در زمان پیغمبر و صحابه و در زمان ائمه اطهار وجود نداشته است. آنچه از زوایای تاریخ به دست می‌آید این است که سیره مسلمین در قرون اولیه اسلام با سیره آنها در قرون بعدی - مخصوصاً پس از اختلاط ملت عرب با ملت‌های دیگر و بالا-خص پس از تاثیر از رسوم و عادات امپراطوری روم شرقی از یک طرف و رسوم ایرانی از طرف دیگر - بسیار متفاوت بوده است تا آنجا که برای بسیاری از مورخان غربی که از متون اسلامی اطلاع صحیحی ندارند این توهم پیش آمده که اساساً اسلام دستوری درباره پوشش نداده است و همه اینها از خارج دنیای اسلام به میان مسلمین سرایت کرده است و ما در بخش اول این کتاب سخنانشان را نقل کردیم. و البته همان طور که قبلاً تذکر دادیم این سخن یاوه‌ای بیش نیست. اسلام دستورهای اکید درباره پوشش دارد و فلسفه خاصی را هم در نظر گرفته است.

پس اولاً- چنین سیره مستمره‌ای وجود نداشته است، و ثانیاً فرضاً چنین سیره‌ای در میان مسلمین وجود می‌داشت دلیل نبود مگر آنکه ثابت شود عمل خود معصومین

هم بر همین منوال بوده که البته آن هم ثابت نیست بلکه از بعضی روایات گذشته معلوم شد که عمل معصومین نیز با آنچه در قرون اخیر اسلامی رایج شده است موافقت ندارد.

تمسک به سیره مسلمین یک تتبع تاریخی عمیقی می خواهد. هزاران تغییرات تدریجی و آرام عملاً در رفتار ملتها پیدا می شود که چون توأم با یک حادثه پر سر و صدا نیست تاریخ از ضبط آنها سکوت می کند. در مورد انواع به اصطلاح «مد» های لباس مردانه در طول قرون آنقدر تغییرات پیدا شده که قابل احصا نیست.

بدین ترتیب که ما سیره را توجیه کردیم دیگر نمی توان آن را کاشف از سیره نبوی و درسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانست و حجت نخواهد بود. اگر ما بتوانیم وجود چنین سیره و روشی را از شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز اثبات کنیم باز هم دلیل بر وجوب نخواهد شد، فقط دلیل بر جواز است و حداکثر دلیل بر ارجحیت است. و چنانکه در تفسیر آیه «و ان يستعففن خیر لهن» یادآور شدیم شکی نیست که هر چه اصل تستر بیشتر رعایت شود از نظر تامین هدف شارع بهتر است.

شهید ثانی رضوان الله علیه در مسالک ضمن بحث از ادله این مساله، در پاسخ استدلال به سیره و اتفاق مسلمین چنین می گوید

و دعوی اتفاق المسلمین علیه معارض بمثله و لو تم لم یلزم منه تحريم هذا المقدمار لجواز استناد منعهن الی المروه و الغیره بل هو الاظهر، او علی وجه الافضلیه اذ لا شک فیها.

ادعای اتفاق مسلمین بر جلوگیری از باز گذاشتن چهره و

دو دست مردود است. اولاً به دلیل اینکه ضد چنین اتفاقی نیز نقل شده است؛ یعنی نقل شده که سیره مسلمین همواره اینچنین بوده است که زنان چهره و دو دست را باز می گذاشته اند.

(قبلاً ایشان یکی از ادله موافقین باز گذاشتن چهره و دو دست را چنین بیان کرده اند

لا طباق الناس فی کل عصر علی خروج النساء علی وجه يحصل منه بدو ذلک من غیر نکیر.

عمل مردم عموماً در همه اعصار بر این بوده است که زنان به نحوی از خانه بیرون می آمده اند که چهره آنها نمایان بوده است و کسی این عمل را منکر نمی شمرده است.) ثانیاً بر فرض که قبول کنیم سیره مسلمین بر جلوگیری از کشف وجه و کفین است باز دلیل نمی شود، زیرا سیره وقتی دلیل می شود که ریشه ای جز قبول فرمان پیغمبر در کار نباشد تا دلیل بر فرمان پیغمبر بشود، ولی در اینجا احتمال می رود که ریشه این سیره حس غیرت و مردانگی افراد باشد نه اطاعت از دستور پیغمبر، و ظاهر هم همین است که ریشه این سیره حس غیرت و مردانگی مردم است.

احتمال هم می رود که ریشه سیره افضلیت پوشش باشد، زیرا شکی نیست که به فرض جواز، پوشانیدن افضل است از باز گذاشتن.

۲. ملاک

دلیل دیگری که بر لزوم پوشانیدن چهره و دو دست اقامه شده این است که «ملاک» یعنی آن فلسفه ای که ایجاب می کند سایر قسمت‌های بدن پوشیده باشد ایجاب می کند که چهره و دو دست نیز پوشیده باشد. مگر فلسفه پوشیدن سایر قسمت‌های بدن جز جنبه فتنه انگیزی آنهاست؟! زیبایی چهره و فتنه انگیز بودن آن کم از بعضی دیگر از قسمت‌های بدن نیست بلکه

بیشتر است. بنابراین معقول نیست که مثلاً پوشانیدن «مو» به خاطر زیبایی و فتنه انگیزی اش واجب باشد ولی پوشانیدن «رو» که مرکز زیباییهای زن است واجب نباشد. در دین مقدس اسلام هر چیزی که موجب تحریک شهوات و برهم زدن عفاف و پاکدامنی است قدغن شده، آیا ممکن است با چنین مبانی پوشش چهره و دو دست، مخصوصاً چهره، لازم شمرده نشده باشد؟

در جواب این استدلال می‌گوییم شکی نیست که واجب نبودن پوشش وجه و کفین از این جهت نیست که ملاک و فلسفه اصلی پوشش در آن وجود ندارد، بلکه همچنانکه قبلاً اشاره کردیم و از قدمای مفسرین نیز نقل نمودیم از جهت این است که ملاک دیگری ایجاب می‌کند که در این مورد استثنا به وجود آید. آن ملاک دیگر این است که پوشش وجه و کفین اگر به طور وجوب پیشنهاد شود موجب حرج و فلج و سلب امکان فعالیت عادی از زن می‌گردد.

چنانکه قبلاً هم گفتیم پوشش وجه و کفین مرز محبوسیت و عدم محبوسیت زن است و مفهوم حجاب و اثر آن با اضافه کردن و حذف کردن این قسمت کاملاً عوض می‌شود.

برای اینکه این بحث بهتر روشن شود باید یک اصطلاح مربوط به علم اصول فقه را توضیح دهیم

اصولیین می‌گویند مباح بر دو قسم است مباح اقتضائی و مباح لا اقتضائی.

بعضی از کارها نه دارای مصلحتی است که باعث شود شارع آن را واجب کند و نه دارای مفسده ای است که سبب شود حکم به تحریم آن دهد. این کارها به علت اینکه ملاکی برای وجوب یا حرمت ندارند مباح شمرده می‌شوند و به همین جهت آنها را مباحهای

لا اقتضائی می نامند. شاید اکثر مباحات از این نوع باشد.

ولی برخی دیگر از کارها علت مباح شدنش وجود حکمتی است که ترخیص آن کار را ایجاب می کرده است؛ یعنی اگر شارع آن کار را مباح نمی کرد مفسده ای لازم می آمد. این نوع از مباحات را «مباح اقتضائی» می نامند. در این نوع از مباح ممکن است مصلحت یا مفسده ای در فعل یا ترک آن کار وجود داشته باشد ولی شارع به خاطر رعایت مصلحت مهمتر که رخصت را ایجاب می کرده است حکم به اباحه کرده و از آن ملاک دیگر چشم پوشیده است.

مباحهایی که به خاطر جرح مباح قرار داده شده از این قبیل است. مقنن در نظر گرفته است که اگر بخواهد مردم را از برخی از کارها منع کند زندگی بر آنها دشوار می شود، لذا از تحریم آن چشم پوشیده است.

بهترین مثال مساله طلاق است. شک نیست که طلاق از نظر اسلام عملی ناپسند و مبغوض است تا حدی که آن را زشت ترین مباح و «ابغض الحلال» خوانده است. در عین حال شارع مقدس حکم به تحریم طلاق نکرده، به مرد اختیار داده است که زنش را طلاق بدهد.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که اگر این عمل در نظر شارع اسلام مبغوض و منفور است پس چرا آن را حلال قرار داده است و اگر مبغوض نیست پس اینهمه نکوهش درباره آن چیست و اساساً «ابغض الحلال» یعنی چه؟

محدثین روایت کرده اند ابو ایوب انصاری می خواست زنش ام ایوب را طلاق دهد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنید، فرمود:

«ان طلاق ام ایوب لحوب» (۱۷) یعنی طلاق دادن ام ایوب گناهی بزرگ است.

در عین حال

اگر ابو ایوب زنش را طلاق می داد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود که این طلاق باطل است.

رمز این مطلب چیست؟

آیا ممکن است چیزی به قدر یک حرام، مبعوض و ناپسند باشد ولی در عین حال مباح باشد؟

بلی، ممکن است چیزی به قدر یک حرام و بیش از بسیاری از حرامها مبعوض باشد ولی به خاطر مصلحتی تحریم نشود.

رمز این مساله در باب طلاق این است که اسلام نمی خواهد بنای ازدواج را بر اجبار و الزام بگذارد، و نباید. مرد باید حامی و علاقه مند به زن باشد و زن باید در شکل یک محبوب در خانه بماند؛ یعنی اساس کانون خانوادگی محبت است.

عشق و علاقه اجبار بردار نیست. صحیح نیست که قانون بخواهد زن را به زور به شوهرش بچسباند. وقتی علاقه بین زن و شوهر وجود نداشته باشد طبعاً زیر بنای کانون خانوادگی از میان رفته است؛ مخصوصاً اگر تنفر از ناحیه مرد باشد، زیرا سر رشته علقه خانوادگی در جانب مرد است و اگر مرد علاقه مند باشد زن طبق طبیعت خودش که می خواهد او را دوست بدارند علاقه مند می شود. زن به محبوب داشتن اهمیت نمی دهد، به محبوب بودن اهمیت می دهد؛ یعنی زن آن مردی را دوست می دارد که او را دوست بدارد؛ مردی محبوب اوست که او محبوب آن مرد باشد. لهذا کلید علقه خانوادگی در دست مرد است و همینکه علاقه مرد از بین رفت کانون خانوادگی به طور طبیعی منحل است. چنین کانونی را که باید بر محبت و علاقه و صمیمیت استوار باشد نمی شود با زور و اجبار قانونی نگهداری کرد. زن مانند نوکر یا کارگر

نیست که قانون اجباری بتواند او را در محل کارش علی رغم صاحب کار نگهداری کند.

اسلام تدابیری اندیشیده است که دلسردی و بی مهری بین زوجین پیش نیاید و مرد از روی شوق و رغبت پروانه وار به دور شمع وجود همسرش بچرخد. اما اگر موجبات نارضایی و جدایی فراهم شد و مرد خواست همسرش را طلاق بدهد، اسلام این کار را بسیار زشت می داند ولی مانع آن هم نمی شود زیرا دیگر چاره ای نیست.

این یک نمونه روشنی از مباحهای اقتضائی است.

غالب استثنای باب حجاب از همین قبیل است، خواه استثنایی که در باب محارم است یا استثنایی که از لحاظ مقدار پوشش است. لهذا در مورد محارم (غیر شوهر) هر قدر زن پوشیده تر باشد بهتر است.

تهییج شهوت در مورد محارم درجه اول از قبیل پدر و فرزند و عمو و برادر تقریباً صفر است ولی جاذبه زن مخصوصاً اگر جوان و زیبا باشد در محارم درجات بعدی مخصوصاً در محارم سببی از قبیل پدر شوهر و پسر شوهر بی تاثیر نیست. رخصت شارع در این موارد برای ضرورت اختلاط و معاشرتهای زیادی است که بین محارم اجتناب ناپذیر است. فکر کنید اگر پوشش زن نسبت به برادر و پدر لازم باشد چقدر زندگی خانوادگی دشوار خواهد شد!

در مورد پدر و عمو و حتی برادر طبعاً رغبت جنسی وجود ندارد مگر در افراد منحرف و استثنائی، ولی در مورد پسر شوهر عمده ملاک همان عسر و حرج است. اگر مردی زن زیبا و پسر جوانی دارد هرگز این پسر نسبت به زن پدر مانند فرزند نسبت به مادر خود نیست. بنابراین مباح بودن ترک پوشش در برابر بعضی

محارم نیز به ملاک عسر و حرج است و ما این نکته را که ملاک عسر و حرج است از آیه ۵۸ سوره نور استفاده کردیم که می فرماید طوافون علیکم بعضکم علی بعض. بعضی از مفسرین از قبیل صاحب کشاف نیز در ذیل همین جمله بدین نکته اشاره کرده اند. همان طور که مکرر گفته ایم چون این استثناها از ناحیه حرج است نه اینکه ملاک تحریم وجود نداشته باشد، بنابراین هر قدر تستر بیشتر رعایت شود بهتر است، یعنی جدایی زن و مرد، پوشش، ترک نظر و هر چیز دیگری که انسان را از حریم مسائل جنسی دور می کند رجحان دارد و مادامی که ممکن است باید مراعات گردد.

اگر کسی پرسد در کلاس یا مجلسی که زن و مرد هر دو شرکت می کنند و زنان به قدر کافی پوشیده هستند آیا اگر یک در میان بنشینند بهتر است یا اینکه زنها در یک قسمت و مردها در قسمت دیگر بنشینند؟

جواب این است که البته جدا بنشینند بهتر است.

به طور کلی اصل ضرورت و احتیاج را باید در نظر گرفت. نباید این ترخیص شرعی بهانه ای به دست دهد که مردان و زنان اجنبی حریم را از میان بردارند و خطر برخوردهای زن و مرد را فراموش کنند.

هیچ غریزه ای به سرکشی و حساسیت غریزه جنسی نیست. احتیاطها و توصیه های اسلام مبنی بر دور نگه داشتن زنان و مردان اجنبی تا حدودی که حرج و فلج ایجاد نکنند مبنی بر این اصل روانی است. روانشناسی و روانکاوی صد در صد این نظر را تایید می کند و تواریخ و داستانها حکایت می کنند که گاهی یک برخورد، یک تلاقی نگاهها در

ظرف یک لحظه اساس خانواده ای را متلاشی کرده است.

به نیروی تقوا و ایمان در مقابل موجبات همه گناهها می توان تکیه کرد مگر در مورد گناهان مربوط به غریزه جنسی. اسلام هرگز نیروی تقوا و ایمان را با اینکه قویترین نیروهای اخلاقی است یک ضامن کافی در برابر تحریکات و دسایس این غریزه ندانسته است.

چقدر عالی و لطیف سروده حافظ شیراز در غزل معروف خود که با این بیت آغاز می شود

نقدها را بود آیا که عیاری گیرند

تا همه صومعه داران پی کاری گیرند./

آنجا که می گوید

قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش

که در این خیل حصاری به سواری گیرند./

آری در خیل خوبان، سواری برای فتح حصاری از تقوا کافی است.

۳. روایت

دلیل سوم از ادله کسانی که پوشش وجه و کفین را لازم شمرده اند روایتی است که در کتب حدیث نقل شده و شهید ثانی در مسالک به آن استدلال و سپس نقد کرده است. مضمون روایت این است

در حجه الوداع زنی برای پرسیدن مساله ای خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد.

فضل بن عباس پشت سر رسول خدا سوار بود. نگاه هایی بین آن زن و فضل رد و بدل شد. رسول اکرم متوجه شد که آن دو به هم خیره شده اند و زن جوان به جای اینکه توجهش به جواب مساله باشد همه توجهش به فضل است که جوانی نارس و زیبا بود. رسول اکرم با دست خود صورت فضل را چرخانید و فرمود زنی جوان و مردی جوان، می ترسم شیطان در میان ایشان پا بنهد (۱۸).

شهید رضوان الله علیه در پاسخ این استدلال می گوید

«این روایت دلیل بر عدم وجوب پوشیدن چهره است و حتی

دلیل بر جواز نظر به چهره اجنبیه است نه دلیل بر وجوب پوشیدن چهره و بر حرمت نظر.» ما سخن شهید را چنین توضیح می دهیم اولاً طبق مفاد این حدیث پیغمبر اکرم زن را از باز گذاشتن چهره اش نهی نفرموده بود که منتهی بدین جریان شد.

ثانیاً خود رسول اکرم ضمن پاسخ دادن به مسأله آن زن به چهره زن نگاه می کرد که متوجه شد آن زن آزمندانه به چهره زیبای فضل خیره شده است.

ثالثاً قرائن این قصه حکایت می کند که نگاه آن دو به یکدیگر شهوت آلود بوده است. شک نیست که این گونه تبادل نگاهها حرام است. بدین جهت بود که رسول اکرم دست خود را به پشت سر برد و چهره فضل را به طرف دیگر برگردانید که دیگر او به آن زن نگاه نکند و آن زن به او.

رابعاً بعد از این جریان نیز زن را امر به پوشیدن چهره نکرد، بلکه عملاً مانع نگاههای شهوت آلود آن دو به یکدیگر شد.

شیخ انصاری نیز در رساله «نکاح» پس از آنکه این حدیث را از طرف طرفداران لزوم پوشیدن چهره و حرمت نظر نقل می کند، می فرماید این حدیث بر خلاف مدعای آنها بیشتر دلالت دارد.

۴. خواستگاری

یکی دیگر از ادله کسانی که پوشش چهره را لازم دانسته اند این است که در مورد کسی که قصد ازدواج دارد اجازه داده شده است که به چهره زنی که مورد نظر اوست نگاه کند. مفهوم این حکم این است که برای کسی که قصد ازدواج ندارد نظر کردن جایز نیست. اکنون ما بعضی از روایات این باب را ذکر می کنیم

الف. عن ابی هریره کنت عند النبی، فاتاه

رجل فاخبره انه تزوج امراه من الانصار. فقال له رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم انظرت اليها؟

قال لا. قال فاذهب فانظر اليها فان في اعين الانصار شيئا. (١٩)

ابو هريره مي گوويد نزد رسول خدا بودم که مردی آمد و گفت با زني از انصار ازدواج کرده ام. پيغمبر صلى الله عليه و آله و سلم به وي فرمود آيا آن زن را ديده اي؟

گفت نه. فرمود برو او را ببين، زيرا چشم انصار معمولا عيبي دارد.

ب. عن المغيره بن شعبه انه خطب امراه فقال صلى الله عليه و آله و سلم انظر اليها فانه اخري ان يدوم بينكما (٢٠).

مغيره بن شعبه از زني خواستگاري كرد. پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم مطلع شد، بدو فرمود برو ببين، زيرا اگر ببيني و بعد ازدواج كني اين كار براي دوام ازدواج شما بهتر است.

ج. از حضرت صادق عليه السلام روايت شده است

لا باس ان ينظر الي وجهها و معاصمها اذا اراد ان يتزوجها (٢١).

وقتي شخص بخواهد با زني ازدواج كند، باكي نيست كه به چهره و محل دستبندها نگاه كند.

مفهوم مخالف اين حديث اين است كه اگر قصد ازدواج در كار نباشد نگاه كردن جايز نيست.

جواب اين استدلال همان طور كه فقها گفته اند اين است كه

اولا نگاه خواستگار با نگاه غير خواستگار فرق مي كند. خواستگار به ديده خريداري و براي خريداري نگاه مي كند و به اصطلاح نظر استقلالي دارد و معمولا خالي از تلذذ نيست. لهذا فقها مي گويند نگاه خواستگار با علم بدين كه تلذذ حاصل مي شود مانعي ندارد. البته هدف او بايد تحقيق باشد نه تلذذ. ولي غير خواستگار اگر به منظور تلذذ نخواهد

نگاه کند نظرش آلی خواهد بود نه استقلالی. ما فرق بین این دو نوع نظر را در تفسیر آیه ۳۱ سوره نور بیان کردیم و خلاصه این است کسی که قصد خواستگاری ندارد نباید با چشمان خیره و نگاههای خریداری زن را ورنه انداز کند و این منافات ندارد که نظر به چهره زن به طور آلی یعنی به اندازه ای که لازمه مخاطبه است جایز باشد.

و ثانیاً در مورد نگاهی که مقدمه خواستگاری است، چنانکه روایات دیگر دلالت دارد و فقها هم فتوا می دهند، جواز نظر اختصاص به چهره و دو دست ندارد بلکه سبب به مطلق زیباییهای زن نیز جایز است. از باب نمونه دو روایت را ذکر می کنیم

۱. عبد الله بن سنان قال قلت لابی عبد الله علیه السلام الرجل یرید ان یتزوج المرأه فینظر الی شعرها؟

فقال نعم، انما یرید ان یشتریکها باغلی الثمن (۲۲).

عبد الله بن سنان می گوید از حضرت صادق علیها السلام پرسیدم وقتی شخص اراده دارد با زنی ازدواج کند آیا جایز است به موی او نگاه کند؟

فرمود آری، زیرا به گرانبهاترین قیمت خریدار اوست.

یعنی آنچه انسان در زندگی زناشویی مایه می گذارد از هر چیز گرانبهاتر است. واضح است که مراد مهریه نیست، زیرا ارزش پولی مهریه گرانبهاترین قیمت نیست؛ بلکه مقصود این است که می خواهد با او زندگی کند و عمر خویش را با او بسر برد.

۲. عن رجل عن ابی عبد الله علیه السلام قال قلت له انظر الرجل الی المرأه یرید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؟

قال لا بأس بذلك اذا لم یکن متلذذا (۲۳).

مردی از حضرت صادق علیه السلام می پرسید آیا مردی که قصد ازدواج دارد حق دارد به مو

و زیباییهای زن مورد نظرش نگاه کند؟

فرمود اشکالی ندارد مشروط بر اینکه مقصودش التذاذ نباشد.

پس معلوم شد جواز نظر برای خواستگار، اختصاص به چهره و دو دست ندارد.

ثالثاً بحث ما فعلاً در لزوم پوشیدن وجه و کفین است نه در جواز نظر برای مرد. فرضاً روایاتی که دلالت می کند که برای خواستگار نظر به چهره زن مورد نظرش جایز است مفهوم مخالفی داشته باشد که نظر غیر خواستگار بر چهره زن جایز نیست، دلیل بر عدم جواز نظر مرد بر چهره زن بیگانه است نه بر وجوب پوشیدن زن وجه و کفین را.

۵. آیه «جلباب»

دلیل دیگر که می توان به آن تمسک جست آیه جلباب است که می فرماید:

«یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ... ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران مؤمنین بگو که جلابیهای (روسریها) خویش را به خود نزدیک سازند ...»

این استدلال مبنی بر این است که جمله «نزدیک سازند روسریهای خویش را» کنایه باشد از اینکه با روسریها چهره خویش را بپوشانند؛ همچنانکه بسیاری از مفسران مانند زمخسری در کشاف و فیض در صافی اینچنین تفسیر کرده اند.

ولی ما در یکی از فصلهای گذشته تحت عنوان «حریم عفاف» ثابت کردیم این تفسیر هیچ مبنایی ندارد؛ نظر برخی مفسرین دیگر مانند تفسیر المیزان را تایید کردیم. تا آنجا که من الآن به خاطر دارم هیچ فقیهی به این آیه به عنوان یکی از ادله وجوب ستر استناد نجسته است.

پی نوشت ها

۱. وسائل ج ۳ / ص ۲۵

۲. وسائل ج ۳ / ص ۲۹

۳. وسائل ج ۳ / ص ۲۹ و کافی ج ۵ / ص ۵۳۱

۴. وسائل ج ۳ / ص ۲۹

۵. یعنی مردمی که مسلمان نیستند ولی پیرو یکی از ادیان قدیم آسمانی می باشند و در پناه دولت اسلامی طبق قرارداد زندگی می کنند.

۶. وسائل ج ۳ / ص ۲۶.

۷. وسائل ج ۳ / ص ۲۶.

۸. همان

۹. در متن حدیث «اهل سواد» تعبیر شده است. سواد، قراء و کشتزارهای اطراف شهر را می گویند و شاید علت اینکه «سواد» نامیده می شود این باشد که به علت کشت و زرع از دور سیاه به نظر می رسد. بسیاری از اوقات مراد از کلمه «سواد» کشتزارهای حومه کوفه است.

۱۰. رجوع شود به منهاج الصالحین چاپ نهم، کتاب النکاح، مساله ۳.

۱۱. قرب الاسناد ص ۴۰

۱۲. وسائل ج ۱ / ص ۱۳۵.

۱۳. قرب الاسناد ص ۱۰۲.

۱۴. کافی

۱۵. پس از نشر چاپ اول این کتاب، بعضی از ما توضیح خواستند که چگونه ممکن است چهره دختر پیغمبر اکرم از گرسنگی زرد باشد؟

چرا و به چه دلیل گرسنه بوده اند؟

از پرسش کنندگان متشکریم که سؤال خود را با ما در میان گذاشتند. باید به دو نکته توجه داشته باشند یکی اینکه زندگی آن روز مسلمانان در مدینه غالباً به سختی می گذشت. جنگها و کشمکشها خود به خود بر اقتصاد لاغر مدینه ضربه می زد و گاهی توام می شد با خشکسالی، چنانکه در سالی که غزوه تبوک اتفاق افتاد خشکسالی سختی روی داده بود و لهذا سپاه تبوک را «جیش العسره» نامیدند. اصحاب صفه گاهی آنچنان در سختی بودند که جامه کافی برای شرکت در نماز جماعت نداشتند. رسول خدا روزی پرده ای درخانه دخترش زهرا آویخته دید، کراهت نشان داد. زهرا فوراً آن را پیش پدر فرستاد و رسول خدا آن را تکه تکه کرد و به اصحاب صفه داد.

نکته دیگر اینکه درست است که علی مرد کار بود، علاوه بر حقوق سربازی و غنائم جنگی کارهای کشاورزی داشت و احیاناً با مزدوری در باغهای دیگران تحصیل روزی می کرد، ولی علی و زهرا کسانی نبودند که خود سیر بخوابند و در اطراف آنها شکمها گرسنه باشد. آنها آنچه به کف می آوردند به دیگران ایثار می کردند. سوره مبارکه هل اتی در همچو زمینه ای نازل گردید.

آری مسلمانان صدر اول در چنان شرایط طاقت فرسایی پرچم اسلام را به دوش گرفتند و تا دورترین نقاط جهان بردند.

گرسنگی خاندان پیامبر نقصی برای آنها به شمار نمی رود، افتخاری

است که بر پیشانی مقدسشان می درخشد.

۱۶. کافی ج / ۵ ص ۵۲۱ و وسائل ج / ۳، ص ۲۵، و وافی مجلد ۱۲ ص ۱۲۱.

۱۷. کافی ج / ۶ ص ۵۵ و وسائل ج / ۳ ص ۱۴۴

۱۸. صحیح بخاری ج / ۸ ص ۶۳.

۱۹. صحیح مسلم، ج / ۴ ص ۱۴۲

۲۰. جامع ترمذی، ص ۱۷۵

۲۱. وافی مجلد ۱۲ ص ۵۸ و وسائل ج / ۳ ص ۱۱ و کافی ج / ۵ ص ۳۶۵

۲۲. وسائل ج / ۳ ص ۱۲، تهذیب ج / ۷ ص ۴۳۵

۲۳. کافی ج / ۵ ص ۳۶۵، وسائل ج / ۳ ص ۱۱

داستانهای حجاب

مقدمه

خداوند متعال دین مقدس اسلام را برای سعادت و خوشبختی انسانها نازل فرموده و عفت و پاکدامنی را با آفرینش زن به هم آمیخته و با آفرینش او صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و طبعاً برای او سهم به سزایی مقرر فرموده بلکه گاهی به او نظر ویژه ای عنایت کرده و قوانین مخصوصی برایشان وضع نموده و یک سوره خاصی را به نام سوره نساء در قرآن کریم نازل فرموده است.

در سوره های دیگر قرآن، نیز کراراً به مسائل حیاتی بانوان پرداخته و به خاطر اختلاف میان دو جنس زن و مرد از نظر روحی و جنسی، قوانین ویژه ای بیان فرموده و مسئله حجاب و پوشش در رأس و پیشاپیش آن قانون قرار گرفته شده تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردیده و زیبایی و دلارایی زن از آن همسرش باشد و دیگران از آن بهره نگیرند.

در قرآن مجید بسیار به مسأله پوشش و حجاب اشاره فرموده و این همه سفارش و تأکید به خاطر اهمیت داشتن حجاب و پوشش در زندگی زن است.

مطلب قابل

توجه این است که اسلام دشمنان بسیاری دارد و به خاطر از بین بردن این دین حاضر، دست به هر توطئه و کشتاری بزند تا اجتماع اسلام را از آن منحرف نماید.

مردم مذهبی ما باید آگاه باشند که توطئه های استعمارگران و دشمنان اسلام همیشه به یک نحو نبوده و به خاطر تأمین منافع خودشان گاهی به قتل و غارت و گاهی با اشغال نظامی و زمانی به تاراج اقتصادی دست می زد، ولی امروز استعمار جدید و نو دین و عقاید و آداب و فرهنگ ملتها را مورد هدف قرار داده و در صدد تحقیر و از هم پاشی آن بر آمده و به این صورت فرهنگ مبتذل خودش را بر مردم تحمیل نماید، و در صورت موفقیت علاوه بر بردگی فرهنگی و سلطه سیاسی و تاراج اقتصادی و عوارض نامطلوب اجتماعی و در یک کلام سلطه همه جانبه استعمار مردم را از خدا و دین و ولایت منحرف نماید.

دشمنان اسلام به قانون حجاب ایراد گرفته اند و در پوشش طرفداری از مقام زن، حجاب را نوعی تحقیر و پائین آوردن شخصیت زن قلمداد نموده اند و گفته اند که زن در حجاب نوعی محدودیت است و نمی گذارد آنطور که شایسته است به کمال و رشد و ترقی برسد.

این یاوه سرائی ها از این افراد منحرف عجیب نیست، زیرا که این به صلاح طرفداران آزادی زنان، به عمق و حکمت قانون حجاب پی برده اند، ولی به علت داشتن سوء نیت خواسته اند که با جلوه دادن نظریات پلیدشان زنان را از داشتن حجاب بر کنار نمایند که ما به فضل و عنایات خدا و امام زمان (ع) آنها را در این کتاب

رسوا کرده ایم.

آنها می کوشند در وسائل ارتباط جمعی مختلف، از قبیل مجلات، رادیو و تلویزیون و ماهواره و غیره ... پوشش و حجاب زنان را زیر سؤال قرار دهند و توجیح نمایند و آئین حجاب را زشت جلوه دهند و در نتیجه زنان را به فساد و تباهی بکشانند، لیکن در برابر این نوع تبلیغات زهر آگین بر زنان مسلمان واجب است که به حجاب پایبند باشند، و این دستور مقدس اسلام را قولاً و عملاً در همه جا تبلیغ نمایند.

مردم مسلمان ایران هوشیار و بیدار باشند و عمق فاجعه را متوجه گردند، زیرا استعمار از هر طریقی که خواست به این نظام مقدس اسلامی ضربه وارد کند همانطوری که عرض کردم با جنگ و فشارهای اقتصادی و ... با شکست مواجه گردید ولی امروز استراتژی استکبار جهانی با ترویج فرهنگ فساد و بدحجابی در بین زنان و دختران بدین وسیله می خواهد جوانان ما را از معنویت و روح ایمان دور و زمینه گرایش به مظاهر مبتذل غرب را به ما تحمیل نماید تا به تدریج جامعه اسلامی را از درون بپوشاند.

این کتاب کوشش مختصری از منافع و خویبه‌های پوشش و حجاب و زیانهای مفسد بی حجابی و بدحجابی را به صورت داستان بیان می کند تا رفع شبهات و روشنگری بانوان تحصیل کرده گردد.

این اوراق را به ساحت قدس عالم امکان امام زمان (عج) هدیه می نمایم و ثواب آن را به روح شهدا و علماء دین و خدمتگزاران به دین و قرآن و مملکت و امام راحل‌مان (ره) و برادر شهیدم شیخ احمد میر خلف زاده نثار می نمایم. و سلامتی امام زمان و ملت ولایی و

حجاب فرمان خداست

حجاب فرمان خداست و پروردگار متعال در قرآن کریم در مورد واجب بودن حجاب و حدود آن در پنج آیه صریحا دستور فرموده، ولی در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن در قرآن بیش از ده آیه وجود دارد. (که در کتاب حجاب و عفاف بحث خواهد شد، انشاءالله).

آیاتی که به طور صریح اصل حجاب را برای زنها واجب و لازم و ضروری دانسته پنج آیه می باشند که عبارتند از آیه ۳۰ سوره نور، و آیه ۵۹ و ۵۳ و ۳۳ و ۲۳ سوره احزاب که به ترتیب به بررسی آنها می پردازیم.

در آیه ۳۰ سوره نور می خوانیم

ای پیامبر! به بانوان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه کردن به نامحرمان) فرو بندند و عورتهای خود را بپوشانند، و زینت های خود را جز آن مقداری که نمایان است، آشکار نسازند و با روسری و چادر، سر و گردن و سینه و اندام خود را بپوشانند و زینت و (برجستگیهای اندام) خود را هم از زیر چادر ظاهر نکنند، مگر برای شوهرانشان و پدرانشان و پسرانشان و پسران همسرانشان و برادرانشان و پسر برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان هم مذهبشان و کنیزانشان و مردانی که به هر دلیل تمایلی به زن ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی اطلاعند (غیر از ممیزین). و پاهای خود را به زمین نکوبند تا زینتهای پنهانشان ظاهر شود و همگی به سوی خدا توبه کنید ای مؤمنان، باشد که رستگار شوید. (۱)

حجاب در کتاب آسمانی

دومین آیه ای که بر وجوب رعایت حجاب برای زنان در برابر نامحرمان، دلالت صریح می کند، آیه ۵۹ سوره احزاب است

که می خوانیم

ای پیغمبر! به همسران و دخترانت و بانوان مومن بگو با روپوشها و روسری ها و چادرها و جلبابها خود را بپوشانند. زیرا این کار (چادر پوشیدن) موجب می شود که بهتر به عفت شناخته شوند، و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرار نگیرند. (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند، زیرا) خدا همواره آمرزنده، و مهربان است.

این آیه نیز به اصل وجوب حجاب برای بانوان، تصریح نموده است و در پایان به یکی از فلسفه های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمها است اشاره کرده است.

می توان گفت این آیه در قرآن جامع ترین آیه در حفظ حجاب و حریم عفت است، به خصوص با توجه به آیه قبل از خود، و آیه بعد که شدیدترین هشدارها را به متجاوزین حریم عفت داده است.

در این آیه دو مطلب در مورد حجاب هست که با بررسی آن دو حقیقت مطلب آشکار می گردد، یکی آنکه منظور کلمه **یَدْنِینَ** چیست و دوم آنکه منظور از جلباب چه می باشد؟

یَدْنِینَ در اصل از **دُنُو** به معنی نزدیک کردن است، منظور از آن در این آیه این است که زنان باید لباس حجاب مثلاً چادر را از خود دور نسازند، و صورت و بدن خود را به وسیله آن بپوشانند.

علامه شهید مطهری در توضیح این مطلب می نویسد

استفاده زنان از روپوشهای بزرگ که بر سر افکنده اند، دو جور بوده است، یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است، همانگونه که در عصر حاضر بعضی از بانوان چادری را می بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد، با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، بلکه

آن را رها می کنند، وضع چادر بر سر کردنشان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند، و از اینکه مورد بهره برداری چشمها قرار بگیرند، امتناعی ندارند.

نوع دیگر بر عکس بوده و هست، زن آن چنان با مراقبت لباسها و چادر خود را می گیرد و آن را رها نمی کند که نشان می دهد که اهل عفاف و حفاظ است، و این کار نیز خود به خود آثر دور باشی برای دزدان ناموس ایجاد می کند و ناپاک دلان را مایوس می سازد)

نتیجه اینکه جمله یدنین بیانگر آن است که از پوشش باید به صورت صحیح استفاده شود، و آن را جدی گرفت، نه صوری و تشریفاتی، و گرنه چه بسا بعضی از پوششها حتی مثل چادر به خاطر رها نمودن آن، همچون ویتترینهای مغازه ها، هیجان انگیزتر شده، و نبودش بهتر از بودنش است.

جمله جلباب جامه گشادی است که از روسری بزرگتر و از عبا کوچکتر است. و یا پیراهن و یا جامه ای گشاد و بزرگی است که از ملحفه، (ملافه یا روپوش بزرگی همانند چادر است) که زنان به وسیله آن (بنا به تفسیر المیزان) صورت و گردن و جامه های خود را می پوشانند ...

نتیجه اینکه آیه مذکور می گوید زنان باید با پوششی گشاد و وسیع سر و سینه خود را (تا پا) به خوبی بپوشانند، به گونه ای که موجب تهیج هوسبازان، و به دنبال آن مورد مزاحمت آنها قرار نگیرند، بنابراین زنان مسلمان، براساس این آیه، نباید با لباسهای چسبان، در برابر چشم مردم ظاهر شوند. (۲)

اصلاً فلسفه حجاب و پوشش، بیشتر از اینرو است که باعث تهیج مردان و جوانان و فساد

و گسترش فحشا نگردد.

حجاب در قرآن

سومین آیه ای که حجاب را برای عموم بانوان واجب و ضروری دانسته آیه پنجاه و سه سوره احزاب است که فرموده هر گاه از زنان (پیامبر) متاعی یا چیزی را از وسایل زندگی خواستید از پس پرده و حجاب بخواهید زیرا این کار برای قلبهای شما و ایشان پاک و پاکیزه و بهتر است.

این آیه نیز اختصاص به زنان پیامبر دارد زیرا یکی از فوائد حجاب عدم ارتباط غیر ضروری زن و مرد را متذکر می شود.

چهارمین و پنجمین آیه حجاب، آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب است که می خوانیم

ای همسران پیامبر شما مثل زنهای معمولی نیستید، تقوا پیشه کنید، و به طور هوس انگیز حرف نزنید تا بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه های خود بمانید و مثل دوران جاهلیت میان مردم ظاهر نشوید.

دو آیه فوق گرچه خطاب به زنان پیامبر اکرم (ص) است، ولی بانوان دیگر نیز در حکم و معنا با آنها شریک هستند، و راز خطاب به آنها به خاطر الگو قرار دادن آنها است و به خاطر تاکید بیشتر است. مثلاً به قول خودمان به در می گویند که دیوار بشنود، والا بانوان پیغمبر میرا هستند ...

در آیه نخست به یکی از دستورهایی حفظ حریم عفت دستور داده شده که زنان با ناز و کرشمه و صدای نرم و تهییج انگیز سخن نگویند، تا کسانی که دلشان بیمار است به طمع هوسهای جنسی بیفتند، بلکه به خوبی و شایستگی سخن بگویند.

در آیه دوم سخن از حجاب و پوشش به میان آمده و بیانگر آن است که برهنگی و رعایت نکردن حجاب از

شئون عصر جاهلیت بوده و شما باهتک حریم حجاب، جاهلیت دیگری بوجود نیاورید.

واژه تبرج در گفتار اهل لغت به معنی (خود نمایی و جلوه گری است).

در لغتنامه مصباح المنیر آمده تبرج زن یعنی زن زینتها و زیباییهای خود را برای نامحرمان ظاهر سازد و در لغتنامه العین آمده زنی که زیباییهای گردن و چهره اش را به نامحرمان نشان دهد تبرج نموده است.

منظور اینکه این آیه به بانوان تاکید می کند که حریم حجاب و عفت خود را حفظ و زیباییهای اندامشان را ظاهر نسازند، و از خودنمایی و جلوه گری به طور جدی خود داری نمایند و جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عصر پیامبر (ص) را که زنان در آن هنگام رعایت حجاب نمی کردند و با جلوه گری در برابر دیدگان هوس آلود مردان ظاهر می شدند به وجود نیاورند.

بنابراین در منطق قرآن، بی بند و باری زنان، و بی حجابی و بدحجابی آنها، نه تنها تمدن و نشانه ترقی و رشد نیست، بلکه یک نوع واپس گرایی و جاهلیت و پستی است و باید به شدت با آن مبارزه نمود.

نتیجه اینکه زن مسلمان و پیرو قرآن و شیعه و اهل بیتی و ولایی، در گفتار و رفتار و لباس پوشیدن، نباید در نزد نامحرمان خود را برجسته نشان دهد و موجب جلب توجه آنها به خود گردد، و اگر خود را برجسته و جالب نشان دهد، مثل زنان جاهلیت رفتار کرده که در کوچه و بازار به گونه ای راه می رفتند که نامحرمان را به سوی خود جلب کرده و به دنبال خود می کشاندند. (۳)

حجاب و عفت

در قرآن، غیر از این پنج آیه ای که صراحتاً بر وجوب حجاب داشت

و ذکر شد، آیات متعدد دیگری وجود دارد که مفهوم آنها بر واجب و ضروری و لازم بودن حجاب دلالت می کند و در مورد آنانکه حریم حجاب و عفاف را رعایت نمی کنند و یا زمینه ساز برای تهیج هوسهای آلوده و هر گونه بی عفتی هستند هشدار می دهد و اخطار می کند، و به طور کلی پیام دهنده آن است که هر گونه بدحجابی که موجب فساد و انحراف جنسی و آلودگی، چشم چرانی و امور خلاف عفت گردد، از نظر اسلام ممنوع است.

مثلاً خداوند متعال در سوره ۳۱ سوره نور به پیامبر (ص) فرمان می دهد که به زنان با ایمان بگو حجاب خود را رعایت کنند و می فرماید *وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ* باید بانوان، طوری راه نروند تا زینت پنهانشان آشکار شود.

منظور از این آیه، این است که نباید بانوان در هنگام راه رفتن، پاهای خود را چنان بر زمین بکوبند که صدای خلخالهایشان به گوش برسد و همچنین به گونه ای با (طق و طوق) راه نروند که زینت های مخفی آشکار گردد این باریک بینی اسلام برای حفظ حریم عفاف جامعه است.

این مطلب بیانگر آن است که اسلام به قدری در مورد حفظ حریم عفت، پافشاری می کند که حتی اجازه چنین کاری را نمی دهد، بنابراین به طریق اولی انجام هر گونه عواملی را که آتش شهوت جوانان را شعله ور می سازد اجازه نخواهد داد.

نتیجه اینکه هر گونه نشر عکسها، رمانهای عشقی و فیلمهای تحریک آمیز و نشان دادن صورت و دستهای آرایش شده و بزک کرده و لاک مالیده ممنوع است، و مردان و زنان باید از هر

گونه عواملی که در آن (ریبه) است یعنی ترس سوق دادن به سوی انحراف جنسی و تهیج هوسهای آلوده است پرهیز نمایند. بنابراین اگر چهره زنان هم در بعضی از موارد موجب برانگیختن هوسهای آلوده گردد، باید از آشکار کردن آن پرهیز نمود. (۴)

حجاب از نظر پیغمبر (ص)

حضرت رسول خدا (ص) در ضمن گفتاری فرمود دو دسته اهل دوزخ هستند و حتی بوی بهشت (که تا پانصد سال راه به مشام می رسد) به مشام آنها نخواهد رسید.

۱-ستمگرانِ تازیانه به دست که با تازیانه مردم را بی خودی می زنند.

۲-زنان بدحجاب و برهنه ای هستند که با زرق و برق، خود را به مردم نشان داده و هوسهای آنها را به سوی خود جذب می کنند، موهای سرشان همچون کوهانهای شتر سبکسر عربی است. (۵)

و فرمود زنی که از خانه اش در حالی که خود را آراسته و بزک کرده و عطر زده (بی آنکه پوشش اسلامی را رعایت کند) خارج گردد، و شوهرش به این کار راضی باشد.

(گناه آن به قدری بزرگ است که) برای هر گامی که آن زن در بیرون خانه برمی دارد، خانه ای در دوزخ برای شوهرش ساخته می شود. (۶)

و نیز فرمودند

زن بی حفاظ، آسیب پذیر است، هر گاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه می کند و در چشم انداز نفوذ شیطان قرار می گیرد. (۷)

و نیز فرمودند با خواندن سوره نور (و توجه و عمل به دستورهای آن) زنان خود را (از بی عفتی و دوری از حریم حجاب) حفظ کنید. (۸)

و نیز فرمودند زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند او خود در آتش است و ننگ محسوب می گردد. (۹)

و نیز فرمودند وقتی

زنی در جائی بنشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۰)

و نیز فرمودند هر کس با زنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود خریده است. (۱۱)

و نیز فرمودند هر کس به طور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت در غل و زنجیر بسته و سپس به آتش انداخته خواهد شد. (۱۲)

و نیز فرمودند برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش لباسهایش را به خودش بچسباند که برجستگی های اندامش از بیرون ظاهر گردد. (۱۳)

پیامبر خدا (ص) فرمودند

یا فاطمه هر زنی که خود را زینت کند و لباسهای زیبایش را بپوشد و از خانه خارج شود که مردم به او نگاه کنند، ملائکه آسمانها و زمینهای هفتگانه او را لعنت می کنند و پیوسته مورد غضب الهی است و اگر بمیرد دستور داده می شود او را به سوی آتش جهنم ببرند. (۱۴)

و نیز فرمودند

ای سلمان در آخر زمان مردها به مردها و زنها به زنها بسنده کنند، لواط رایج می شود و هم جنس بازی فراوان گردد و آثار شوم آن مانند مرض ایدز دنیا را فرا می گیرد و مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردها می شوند و زنان و دختران سوار زین (مانند دوچرخه و موتور) می شوند، بر اینگونه زنان از امت من لعنت خدا باد. (۱۵)

و نیز فرمودند

در آخر زمان زنها پوشیده و برهنه هستند (لباسی می پوشند که در ایجاد فساد با برهنه بودن تفاوتی ندارند، یعنی برجستگی های اندامشان از زیر لباس ظاهر است). روسری

هایشان را مثل کوهان شتر درست می کنند، لعنت کنید ایشان را که آنها ملعونند. (۱۶)

حضرت رسول (ص) خطاب به حولاء همسر عطاره، می فرمایند

ای حولاء زینت خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن و برای زن جایز نیست میچ و پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد.

اول اینکه خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند.

دوم اینکه دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می شود.

سوم اینکه فرشتگان الهی هم او را لعنت می کنند.

چهارم عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده می شود.

ای حولاء هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش ظاهر نمی کند و همچنین موی سر و میچ خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کار را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین نموده است. (۱۷)

حجاب از نظر علی (ع)

حضرت امیرالمومنین علی (ع) در ضمن فرمایشاتشان به فرزندش (ع) می فرماید در مورد حجاب بانوان سختگیر باش، چرا که رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به سالمتر و پاکیزه، حفظ خواهد کرد. (۱۸)

و نیز فرمودند

پوشیدن لباس ضخیم بر شما لازم است، زیرا کسی که لباسش نازک و بدن نما باشد، دینش نیز ضعیف و نازک است. (۱۹)

و نیز فرمودند شوهری که از همسرش اطاعت کند، خداوند او را از جانب صورت به طور ویژه گونه وارد دوزخ گرداند.

شخصی پرسید این اطاعت که موجب چنین مجازاتی است کدام اطاعت است؟

حضرت فرمودند زن از او می خواهد که با لباس نازک (به مراکز پر جمعیت مانند) حمامها و عروسیها و مجالس ترحیم برود،

شوهرش، به او اجازه دهد و از سخن او اطاعت کند. (۲۰)

(زیرا عدم کنترل این قبیل مراکز عمومی با موازین شرعی و اخلاقی، جایگاهی برای فساد خواهد شد)

و نیز فرمودند

پیغمبر (ص) نهی کرد، زنی را که برای غیر شوهرش آرایش نماید و اگر چنین کند بر خداوند سزاوار است که او را در آتش دوزخ بسوزاند. (۲۱)

امیرمومنان علی (ع) در یکی از فرمایشاتشان به همین مطلب اشاره و نیز فرمودند

در آخرالزمان که بدترین زمانها است، زنان بی حجاب و برهنه آشکار می شوند که با زینت و آرایش بیرون می آیند، آنان از مرز دین خارج شده اند و در فتنه ها وارد گشته اند و به سوی شهوتها تمایل و شتاب دارند،

حرامها را حلال می کنند و سرانجام در جهنم و دوزخ گرفتار آتش و عذاب ابدی خواهند شد. (۲۲)

از این فرمایشات هشدار دهنده شش مطلب مهم زیر فهمیده می شود

۱- آن زمانی که زنان رعایت حریم حجاب و عفاف نکنند، بدترین زمانها است.

۲- زنانی که با آرایش و نمایش از خانه بیرون می آیند و سنگر عفت را بشکنند، از دین خارج شده اند و در مقابل دین قرار گرفته اند.

۳- این گونه زنان در فتنه ها وارد شده اند و موجب فتنه ها و انحرافها و گناهان خواهند شد.

۴- این گونه زنان گرایش به هوسهای شهوت انگیز دارند، شهوت پرستی بر آنها حاکم است نه عقل و منطق.

۵- این گونه زنان حرامهای الهی را حلال کرده و با بی بند و باری خود، حدود الهی و مرزهای دینی را زیر پا می گذارند، و موجب افزایش فساد می شوند.

۶- سرانجام این گونه بانوان، عذاب ابدی در دوزخ خواهد بود.

آری آنانکه حریم حجاب و عفت اسلامی را رعایت

نمی کنند، این گونه موجب انحرافها و پلیدیها شده، و موجب گسترش دامنه فساد می گردند و سرانجام، خود نیز در میان دنیای جهنمی خود می سوزند و زندگی پوچشان، به عذاب ابدی الهی می پیوندد. (۲۳)

حجاب از نظر ائمه

امام صادق (ع) فرمود

برای زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست که لباسش را خوشبو کند. (۲۴)

امام موسی بن جعفر (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرمودند هر کسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگز در جائی نمی ماند که نفس زن نامحرمی را بشنود. (۲۵)

امام باقر (ع) فرمودند جایز نیست زن خود را شبیه مرد نماید. زیرا پیامبر مردانی را که مشابه زنان می شوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می دهند لعنت کرده است. (۲۶)

عذاب زنان

آقا سید المظلومین امیرالمومنین حضرت علی (ع) فرمود

یک روز من و سیده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر حبیب خدا حضرت پیغمبر اسلام (ص) وارد شدیم و آن بزرگوار را در حالی دیدیم که شدیداً گریه می کرد.

به آن حضرت عرض کردم پدر و مادرم فدایت شوند، یا رسول الله، چه شده؟! چه چیزی شما را به گریه درآورده؟

آن حضرت فرمود یا علی شب معراج وقتی که به آسمان رفتم، زنان امتم را در عذاب شدید مشاهده کردم. به خاطر آن شدت عذابها گریان و نالان شده ام.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود مگر چه دیدید که اینقدر متأثر و گریان شده اید؟!

حضرت رحمه للعالمین (ص) فرمود

۱- زنی را دیدم که به مویش آویزان کرده بودند، در حالیکه مغزش می جوشید.

۲- زنی را مشاهده کردم که به زبانش آویزان کرده بودند، و از حمیم جهنم در حلقش می ریختند.

۳- زنی را دیدم که به دو پستانش آویزان کرده بودند.

۴ زنی را مشاهده کردم که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط کرده بودند.

۵- زنی را دیدم که گوشت بدنش را باقیچی

می چیدند و مجبورش می کردند که آن را بخورد، و آتش از زیر آن زبانه می کشید.

۶- زنی را مشاهده کردم که به صورت کر و لال و کور است، در حالی که در تابوتی از آتش می باشد و مغز سرش از دماغش خارج می شود و بدن او به صورت جذام و برص است.

۷- زنی را دیدم که به دو پایش آویزان کرده اند، در حالیکه در تنوری از آتش بود.

۸- زنی را مشاهده کردم که گوشت بدنش را از قسمت جلو و عقب به وسیله مقراضهایی از آتش جدا می کردند.

۹- زنی را دیدم که صورت و دستهایش آتش گرفته، در حالی که روده هایش را می خورد.

۱۰- زنی را مشاهده کردم که سرش مثل سر خوک، و بدنش مثل بدن الاغ و به انواع عذابها شکنجه اش می دادند.

۱۱- زنی را دیدم که به صورت سگ بود، و آتش از عقبش خارج می شد و ملائکه با گرز آهنی از آتش، بر سر و بدنش می کوبند.

بی بی دو عالم فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند ای حیب من و ای نور چشم من، ای پدر بزرگوارم به من بفرمائید که این زنان چه عملی داشته اند و به چه جهت به این عذابها گرفتار شده اند و راه و روششان چه بوده که پروردگار متعال آنها را به چنین شکنجه هایی مبتلا نموده؟!

آقا رئیس اسلام حضرت محمد (ص) فرمود

۱- آن زنی را که به موهایش آویزان شده بود، آن زنی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی پوشانید.

۲- آن زنی را که به زبانش آویزان کرده بودند، آن زنیست که شوهرش را با زبانش اذیت می کرد.

۳- آن زنی را که به دو پستانش آویزان

بود، آن زنی بود که از همبستر شدن با شوهرش خودداری می نمود.

۴- آن زنی را که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط کرده بودند، آن زنی بود که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج می شد.

۵- آن زنی را که از گوشت بدنش باقیچی می چیدند و به او می خوراندند، زنی بود که خودش را برای مردان نامحرم زینت می کرد و بدنش را به آنها نشان می داد.

۶- آن زنی را که کر و کور و لال بود، آن زنی بود که از راه زنا بیچه دار می شد و به گردن شوهرش می انداخت.

۷- آن زنی را که به پاهایش آویزانش کرده بودند، زنی بود که در حال نجاست وضو می گرفت یعنی رعایت نجس و پاکی را نمی کرد، و در وقت جنابت و حیض غسل نمی نمود، و در نمازش سستی می کرد.

۸- آن زنی را که از گوشت جلو و عقب بدنش با مقراض از آتش جدا می کردند، زنی بود که خود را از راه نامشروع به مردان عرضه می داشت.

۹- آن زنی که صورت و دستهایش آتش گرفته و روده هایش را می خورد، آن زنی بود که قوادی می کرد، یعنی واسطه حرام بود.

۱۰- آن زنی که سرش مثل سر خوک و بدنش مثل بدن الاغ بود، آن زنی بود که سخن چینی می کرد و زیاد دروغگو بود.

۱۱- آن زنی که به صورت سگ بود آن زنی بود که آوازه خوان (و صدایش را برای نامحرم با ناز و کرشمه و مهیج رها می کرد) و حسود بود. (۲۷)

مسیحی که مسلمان شد

یکی از علماء اسلام می نویسد

روزی یک زن مسیحی با شوهرش پیش من آمد و گفت من

از اسلام مسائلی را فهمیده ام و از دستورات و قوانین آن که مترقی است در شکفت و حیرتم و به آن علاقه مندم، ولی به خاطر یکی از دستورات آن، من هنوز به اسلام گرایش پیدا نکرده ام، و درباره آن با شوهرم و عده ای از مسلمانان بحث و گفتگو نموده ام که متأسفانه پاسخ قانع کننده ای نشنیده ام، اگر شما بتوانید مرا قانع کنید من به دین اسلام مشرف شده و مسلمان خواهم شد.

من گفتم آن دستور کدام است!؟

زن مسیحی گفت دستور حجاب است. چرا اسلام حجاب را برای زن لازم دانسته؟

و چرا به او اجازه نمی دهد که مثل مرد بدون حجاب از خانه بیرون بیاید؟

سپس بنا کرد به ایراد و انتقاد کردن، که حجاب مانع رشد و ترقی زنان، و سبب عقب ماندگی در جامعه است.

من پس از شنیدن ایرادها و انتقادهای آن زن، چنین پاسخ دادم آیا شما تا بحال به بازار جواهر فروشی رفته اید؟

گفت آری، گفتم چرا جواهر فروشان، طلا و سائر جواهرات گرانبهای خود را در ویتترین شیشه ای قرار داده و درب آن را قفل میکنند؟

گفت به خاطر اینکه دست دزدان و خیانتکاران و سارقان به آنها نرسد.

در اینجا آن عالم دینی رو کرد به زن مسیحی و اظهار داشت فلسفه حجاب نزد ما مسلمانها همین است که زن گلی خوشبو است ... زن گوهر و یاقوت گرانبهاست و چون جنس لطیف زن هم مانند طلا و جواهرات است، و باید از دست خیانتکاران و دزدان عفت و ناموس محافظت کرد، و از چشم تبهکاران و اهل فساد حفظ نمود، زیرا زن همانند مروارید است که در صندوقچه صدف باید پنهان

گردد تا طعمه آنان نشود و تنها ساتر و نگهدارنده زن حجاب است و حجاب برای زنان مانند محفظه ای بر جواهرات است و اگر زنان نیز در پوشش نباشند. همیشه در معرض خطرات و تجاوزات قرار می گیرند و به خاطر نشان دادن زیبایی ها پیوسته مورد آزار و تعدی مفسدین می شوند.

آری دخترم ... دستور حجاب در اسلام به این جهت است که زن از دست خیانتکاران در امان باشد. زیرا بدنش پوشیده و زینتهایش مستور است و مردم از او چیزی نمی بینند و در او طمع نمی کنند و از او دوری می جویند و نظرشان را جلب نمی کند، بلکه از او حساب می برند و حیا می کنند، همه اینها به خاطر حجاب است. و شما مطمئن باش که اگر زن در پوشش حجاب نباشد، پیوسته در معرض آزار مفسدین است، بنابراین حجاب شرافت و بزرگواری توست، آری دخترم این گوشه ای از فلسفه حجاب بوده که تذکر دادم.

پس از شنیدن این مطلب، آن خانم مسیحی فکری کرد ... و سپس با چهره ای درخشان گفت من تا بحال این گونه نشنیده بودم ... شما بسیار جالب بیان کردی، و اکنون اسلام را میپذیرم.

دوشیزه مسیحی در همان جلسه، شهادتین را بر زبان جاری کرد، و اسلام را پذیرفت.

خواننده محترم از این گفتگوی مذهبی آشکار شد که اسلام می خواهد شخصیت و پاکی زن را حفظ نماید، و به دنبال آن از اجتماع حمایت کند، از این رو حجاب را به عنوان شرط اساسی برای هدف مزبور لازم دانسته است. همچنین از این گفتگو روشن می شود که اغلب بانوانی که بی حجاب هستند از فلسفه حکیمانه حجاب اطلاع ندارند و به آثار پر

سودش توجه ندارند و از مفاسد بی حجابی غافلند، تنها بوسیله حجاب، عفت و شخصیت زن حفاظت می شود، و از خطرات ناشی از بی حجابی در امان میمانند. (۲۸)

حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)

امام باقر (ع) فرمود

روزی پیغمبر اسلام (ص) همراه جابر به طرف خانه حضرت زهرا (علیها السلام) حرکت کردند، وقتی که کنار در رسیدند، پیغمبر (ص) دستش را روی در گذاشت و با صدای بلند فرمود سلام علیکم.

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود و علیکم السلام

حضرت رسول (ص) فرمود آیا اجازه هست وارد خانه بشویم؟

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود آری ای رسول خدا.

حضرت رسول (ص) فرمود آیا اجازه هست همراه شخصی که با من است وارد گردم؟

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود سر برهنه هستم.

حضرت پیغمبر (ص) فرمود با رو انداز، خود را بپوشان. حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را پوشانید. بار دیگر حضرت پیغمبر برای خود و جابر طلب اجازه کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) اجازه داد، آنگاه آن دو وارد خانه شدند. (۲۹)

گرسنه شکم و شهوت

حضرت حجه الاسلام والمسلمین مروج الاسلام والدین حاج شیخ غلامرضا فیروزیان فرمودند

تابستان سال ۱۳۲۳ در ونک مستوفی منبر میرفتم. امام جماعت آنجا سید بزرگواری بود که آنان با گذشت، ۵۵ سال نامش را فراموش کرده ام.

بین گفتگوهایی که با هم داشتیم تعریف کرد

که یک روز صدای در منزل بلند شد، وقتی آمدم در را باز کردم، خانمی نیمه برهنه و بی حجاب و آرایش کرده و دست و سینه باز را مقابل خود دیدم، خواستم درب را ببندم و به او بی اعتنایی کنم. فکر کردم همین که در خانه یک روحانی با این قیافه آمده شاید معایب بی حجابی را نمیداند و

شاید بتوانم نصیحتش کنم.

سرم را پائین انداخته و گفتم بفرمائید، داخل اطاق شده نشست، و مسئله ای در مورد ارث از من سؤال کرد.

من گفتم:

خانم من هم از شما می خواهم مسئله ای بپرسم اگر جواب دادید من هم جواب می دهم!

گفت: شما از من؟

گفتم: بله.

گفت بفرمائید؟

گفتم شخصی در محلی مشغول غذا خوردنست غذا هم بسیار مطبوع و خوشبو است، گرسنه ای از کنار او می گذرد، پایش از حرکت می ایستد جلوی او می نشیند شاید تعارفش کند، ولی او اعتنا نمی کند.

شخص گرسنه تقاضای یک لقمه میکند او می گوید غذا متعلق به من است و نمی دهم هر چه التماس می کند او به خوردن ادامه میدهد، خانم این چگونه آدمیست؟

گفت آن شخص بیرحم از شمر بدتر است.

گفتم گرسنه دو جور است، یکی گرسنه شکم و یکی گرسنه شهوت.

جوان غربی و گرسنه شهوت، خانم نیمه برهنه و زیبایی را می بیند که همه نوع عطرها و آرایش های مطبوع دارد، هر چه با او راه میرود شاید خانم توجهی به او بکند و مقداری روی خوش به او نشان بدهد، جوان او اعتنا نمی کند.

جوان اظهار علاقه میکند، زن محل نمی گذارد، جوان خواهش می کند، زن می گوید من نجیبم و حاضر نیستم با تو صحبت کنم.

جوان التماس میکند، زن توجه نمی کند. این خانم چگونه آدمی است؟

خانم فکری کرد و از جا حرکت کرد و از خانه بیرون رفت.

فردا درب منزل صدا کرد، رفتم در را باز کردم، دیدم سرهنگی دم در ایستاده و اجازه ورود می خواهد، وقتی وارد اطاق شد و نشست. گفت من شوهر همان خانم دیروزی هستم، وقتی که با او ازدواج کردم چون خانواده ای مذهبی بودیم از او خواستم با حجاب باشد، گفت بعد

از ازدواج، ولی آنچه به او گفتم و خواهش کردم تهدید کردم، زیر بار نرفت ولی دیروز آمد و از من چادر و پوشش اسلامی خواست، نمی دانم شما دیروز به او چه گفتید ماجرا را به او گفتم او با خود عبایی آورده بود. به من داد و تشکر کرد و رفت.

سؤال پیغمبر (ص)

حضرت علی (ع) می فرماید:

با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا (ع) نشسته بودیم، پیامبر (ص) به ما رو کرد و فرمود

به من خبر دهید که برای زن چه چیز خوب است و خیر و سعادت او در چیست؟

همه ما از پاسخ به این سؤال، در مانده شدیم، تا اینکه متفرق گشتیم، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا (علیها السلام) گفتم پیامبر (ص) چنین سؤالی از ما نموده و ما از پاسخ به این سؤال درماندیم.

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود من پاسخ این سؤال را می دانم.

خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ

بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.

به محضر مقدس رسول خدا (ص) باز گشتم و عرض کردم سؤالی که فرمودید که چه چیز برای زنان بهتر است، برای آن بهترین چیز آن است که نه مردان نامحرم آنها را بنگرند و نه آنها مردان نامحرم را ببینند.

پیغمبر اسلام (ص) فرمود تو وقتی که نزد من بودی، پاسخ به این سؤال را نتوانستی بدهی، چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟

عرض کردم حضرت فاطمه (علیها السلام) به من آموخت.

پیغمبر (ص) خوشحال شد و فرمود إِنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِنِّي فَاطِمَةَ (علیها السلام) پاره تن من است.

دختر شجاع

ترکیه کشوری است که بر اساس سیستم لائیک (منهای مذهب) اداره می شود، از این رو از مظاهر مذهب جلوگیری می نماید.

یکی از دختران شجاع مسلمان (۱۹ ساله) به نام نور جان کوجامان دانشجو بود و در شهر آنکارا، با حجاب اسلامی به دانشگاه می رفت و در آنجا از رئیس جمهور وقت ترکیه کنهان اوژن به خاطر آنکه طرفدار حکومت لامذهبی است انتقاد می کرد، او را دستگیر کردند و به یک سال زندان محکوم نمودند.

او در دادگاه فرمایشی آنکارا پس از شنیدن محکومیتش به یک سال زندان، فریاد زد

امام خمینی رهبر دنیای اسلام است و من از طرفداران او هستم! این دختر شیردل، آن چنان در آن کشور ضدّ خدا، پایبند به احکام اسلام بود، که حجاب خود را کاملاً رعایت می کرد و با قرآن مأنوس بود و در هر فرصتی آیات قرآن را تلاوت می نمود و با صراحت می گفت

من امام خمینی را به عنوان رهبر اسلامی می شناسم و از او پیروی می کنم. (۳۱)

مفاسد بی حجابی یا بدحجابی

روزی یک تیم ورزشی از یک شهرستان، پهلوان کُشتی شهر دیگری را برای مسابقه دعوت کرد. قهرمان مزبور به دعوت آنان پاسخ گفت، و همراه همسر زیبا و بی حجابش راهی آن شهر شد، بازی کنان و کشتی گیران شهر، برای استقبال وی به فرودگاه آمدند و با گرمی به وی خیرمقدم گفتند، سپس آن پهلوان همسر خود را به رفقاییش معرفی کرد، و وی را برای دست دادن به آنان جلو انداخت و بازی کنان با گرمی و لبخند به همسر وی دست دادند.

یکی از آنها عاشق همسر پهلوان شد و بفکر افتاد با او ازدواج کند. برای رسیدن به هدف نقشه

هایی پیش خود طرح ریزی کرد و سرانجام با همسر پهلوان به طور پنهان و دور از چشم شوهرش خلوت و ملاقات کرد و نقشه خود را به این وجه عملی ساخت.

از وی پرسید شوهر شما چقدر مهر بشما داده، زن گفت بیست هزار تومان. مثلاً، مرد گفت ولی من حاضرم چند برابر این مبلغ را بشما بدهم، زیرا ارزش شما بیش از این مقدار است. حقیقتاً شوهر شما با این مهر بشما ظلم و ستم نموده، سپس پرسید بگو ببینم، شوهر شما چه شغلی غیر از ورزش دارد؟

زن گفت کارمند یکی از وزارت خانه ها است. ناگهان مرد هوسران، آه مزورانه ای از دل کشید و گفت این نیز ظلم در حق شما است، شما با این زیبایی، همسر یک کارمند هستی؟

نه نه شما بیش از این ارزش دارید. همسر شما باید مانند من باشد، من مهندس و تحصیل کرده دانشگاه هستم، و دکتر دارم و حاضرم با شما ازدواج کنم، به شرط اینکه شوهرت تو را طلاق دهد.

سرانجام او را فریب داد، و با او قرار گذاشت که پس از مراجعت، از شوهرش طلاق بگیرد، و با وی ازدواج کند.

این راز و نیازهای عاشقانه و مخفیانه و پنهان از چشم پهلوان میهمان صورت گرفت، و او هیچگونه اطلاعی از این حوادث نداشت، و نمی دانست چه میگذرد.

بالاخره مدت ملاقات به پایان رسید و شوهر و همسرش به شهر خود بازگشتند از آن پس شوهر با اخلاق و رفتار سوء همسرش روبرو شد، و پس از آنکه در گذشته خندان بود، و با او انس می گرفت و رنجهای او را از یادش می برد، اکنون رفتارش بر عکس

شده است.

مرد از این کجروی زن به ستوه آمد، و کاسه صبرش لب ریز شد، و از وی علت تحوّل اخلاقی او را جویا شد؟

زن گفت به خاطر آنکه تو مرا فریب داده ای، تو به من ظلم کرده ای.. مرد با کمال تعجب گفت من؟! چگونه من ترا فریب داده ام؟! زن گفت چون با مهر کمی با من ازدواج کرده ای و ارزش من بیشتر از اینها است، تو شایسته ازدواج با من نبودی و کسی هست که با مهر شایسته حاضر است با من ازدواج کند، و من می خواهم الان از تو طلاق بگیرم.

شوهر بدبخت، که انتظار شنیدن این سخن را از همسرش نداشت، هوش از سرش پرید، و خود را در چنگال این فاجعه بزرگ گرفتار دید، فاجعه ای که خودش بدست خودش روزی که همسر بی حجابش را به همراه خود به شهر دیگر برد بوجود آورد، اینک شوهر در صدد بر آمد که او را از تصمیمش منصرف کند، ولی سخنان او با شکست مواجه شد، و سرانجام از روی ناچاری او را طلاق داد، و زن طلاق نامه خود را گرفت و برای ازدواج با دوست خود راهی شهر دیگر شد.

خواننده محترم در این حادثه که یکی از هزاران حادثه مربوط به خیانت‌های خانوادگی است دقت کنید و بیندیشید و علتش را بررسی نمایید تا برای شما روشن شود که عامل آن فقط بی حجابی و خود نمایی است. چرا که اگر آن زن حجاب داشت و زیبائیهایش پوشیده و پنهان بود، هرگز به این دام نمی افتاد و شوهرش نیز دچار این بدبختی که بدست خود برای خود فراهم کرد نمی شد.

آری این

است مفاسد بی‌حجابی و این است سزای کسی که با قانون اسلام و حکم قرآن مخالفت می‌کند. (۳۲)

بی‌حجابی یا بدحجاب و بای‌اجتماع

نظر اسلام به اجتماع، نظری جدا حکیمانه است.

اسلام می‌خواهد جامعه‌ای پاک بسازد که در آن اثری از فساد و انحراف وجود نداشته باشد.

یکی از چیزهایی که ضامن سلامت و پاکی اجتماع می‌باشد حجاب است، که زن را از سقوط و از هم‌پاشیدگی نگاه میدارد، و از زشتی و انحراف جلوگیری می‌کند، زیرا قانون اسلام است که به جامعه ایمنی بخشیده و نگهبان آن است.

در حقیقت یکی از موارد اساسی برای پاکی اجتماع عمل به قانون حجاب است، و اصولاً محال است جامعه‌ای از پاکی برخوردار باشد.

در حالیکه زنان آن بی‌بند و بار و بی‌حجاب باشند، زیرا بی‌حجابی و بای‌جامعه است و اگر این بیماری در جامعه راه یابد افراد، آن را به فساد و نابودی می‌کشاندند.

ما به چشم خود دیده ایم جوامعی که سرطان بی‌حجابی یا بدحجابی در آنها شیوع دارند، چگونه به فساد و انحراف کشیده شده‌اند. و جنایات و خیانتها از آن به پا خاسته.

اسلام به خاطر آنکه ریشه‌های فساد را قطع کند، از راههای گوناگونی که یکی از مهمترین آنها حجاب است وارد شده است.

اسلام با فساد و عوامل فساد که از جمله آنها بی‌حجابی و خودنمایی است شدیداً مبارزه کرده است.

بنابراین بر ما واجب است که با این عوامل فساد به جنگ در آییم، و اجازه ندهیم مفسدین جامعه را به لجن و تباهی بکشاند.

(۳۳)

مقایسه بین بی‌حجابی یا بدحجابی و حجاب اسلامی

به دو نمونه از زنان اجتماع توجه فرمائید ارزش آنان را بسنجید و بگوئید کدامیک

برترند.

آیا یک زن با حجاب، که در پوشش ایمان درآمده و لباس اسلام به تن کرده و خود را به روپوش کرامت و شرف آراسته و خشنودی خدا را جلب کرده و به درجات بهشت نائل گردیده و شخصیت و احترام و پاکدامنی را در خود افزایش داده که وقتی که انسان به او نگاه میکند، چیزی جز حجاب و چادر نمی بیند، و اصلاً نمی داند که آیا او جوان است یا پیر؟

زشت است یا زیبا؟

از این رو با دیده احترام به او نظر می کند و در صدد آزارش بر نمی آید، چون می داند او زنی است که بدینش پای بند است و نگهبان شرافت و متمسک به اسلام خویش می باشد و از پستی اِباء دارد، و از بی حجابی و خود نمایی پاک است و از فساد و انحراف دوری می گیرند. برتر است ...

یا یک زن بی حجاب یا بد حجاب که لباس حیا را از تن بیرون آورده و روپوش ایمان را کنده (زیرا که در حدیث است حیا از ایمان است و کسی که حیا ندارد ایمان ندارد) و فرمان قرآن را مخالفت کرده و بی بند و باری و خودنمایی را مانند زنان جاهلیت قدیم پیش گرفته، و به زنان یهودی و مسیحی شبیه شده و عظمت و شخصیت خود را از دست داده، و بدنش را نمایان و صورت و دستها و سینه و زینت های بدنش را آشکار ساخته، نظر بدکاران را به خود جلب کرده و چشم خیانتکاران را بر خود خیره نموده و بدنش را مانند کالائی در بازار در معرض نمایش گذاشته و در معرض دید همگان قرار

داده چه بسا او را مسخره و بیچاره کنند، و گاهی به او تجاوز نمایند و عفت او را از بین ببرند و ...

شرافت خود را از دست بدهد، و در کرامت خویش زیان ببیند، و در بدبختی و بیچارگی و بدحالی قرار گیرد.

زیرا همه اینها در اثر بی حجابی و بدحجابی بر او پیش می آید. این دو زن را با هم مقایسه کنید کدام یک از اینها بهتر است؟

کدامیک سنگین تر و محترم هستند، کدام یک از نظر مقام و مرتبه عالی ترند؟

(۳۴)

حجاب و آرامش

بنا بر این، روشن است کسانی که زنان را به بی حجابی دعوت می کنند، در حقیقت آنان را به تبهکاری خوانده و آنان را به قربانگاه می کشانند و می خواهند شرافت و عفت را از آنان سلب کنند، و به اسم شعارهای پوچ و سخنان باطل، عظمت و احترام را از آنها بگیرند.

خواننده محترم اگر میخواهید به درستی سخن من پی ببرید، از بزرگسالان خود، از پدران و اجداد خود، که گذشته را به خاطر دارند پرسید آیا این جنایات و حوادث، دختر ربائی و تجاوز، در آن زمانها وجود داشته یا نه؟

طبعاً پاسخ این سوال منفی خواهد بود.

این جنایات و حوادث از کجا بوجود آمده است؟

می گویند در اثر عوامل گوناگونی که مهمترین آنها بی حجابی و بدحجابی و بی بند و باری است به وجود آمده. آری پاسخ صحیح همین است.

از ساکنان دهکده های کوچک که تا بحال به اسلام و ایمان و حجاب اسلامی پای بند هستند سوال کنید، و اگر می خواهید تحقیق و بررسی کنید آیا دختر ربائی و تجاوز به بانوان چنانکه در شهرها اتفاق می افتد در دهکده های شما

نیز واقع می شود؟

طبعاً می گویند نه اتفاق نمی افتد، زیرا اجتماع ما پیوسته پای بند به اسلام و دستورات حکیمانه آن می باشد. (۳۵)

بی حجابی یا بد حجابی یعنی بدبختی و نکبت و گرفتاری

دشمنان اسلام پس از بررسیهای طولانی، راه و نقشه و روشهای گوناگونی برای نابود کردن تدریجی اسلام و مسلمانان ترسیم نموده اند.

یکی از مهمترین راه های شیطانی که بدین منظور بکار گرفته اند دعوت به فساد و بی حجابی است، که زیر پوشش شعارهای جلوه دار، و ماسکهای قلبی و تبلیغات باطل، از آن ترویج می کنند.

مثلاً بنام هنر از فساد تبلیغ می کنند، و به اسم پیشرفت، مردم را به گناه می کشانند، و به عنوان تمدن و با اسم آزادی خواهی، آنان را به هرزگی و بی بند و باری و اعمال زشت دعوت می نمایند.

متأسفانه بسیاری از زنان و مردان مسلمان، در برابر این شعارهای فریب خورده و بدنبال این سخنان مسموم که ذلت و بدبختی برای آنان بیار می آورد، راه افتاده اند.

و با لباس ارزنده اسلامی (یعنی حجاب) مخالفت نموده و از آشیانه ایمان و شرف بیرون آمده و لباسهای بیگانگان را که از کشورهای بی دین شرق و غرب وارد می شود به تن کرده اند.

و حتی عده ای از مردم مسلمان هم با این تبلیغات سوء و زهر آلود گول خورده اند، تا حدی که زنان خویش را به بی حجابی وادار نموده اند که طبعاً این عمل خطرات وحشتناکی همراه دارد.

زنی از شوهر خود که او را وادار به روی باز در بیرون از خانه کرده بود شکایت می کرد.

آری اینها نمی فهمند آن کسانی که در غرب یا شرق، به اشاعه بی حجابی دامن میزنند، خواهان فساد و تباهی در جامعه پاک مسلمانان هستند.

آنها می خواهند کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی

عزیز را به بدبختی و گرفتاری و بی‌عفتی بکشاند آنها می‌خواهند با دود تمدن جدید، چشم ملت‌های مسلمان را کور کنند، و آنها را به لجن بکشاند.

آری همینطور می‌شود که هدف استعمار و دشمنان اسلام تحقق می‌یابد.

و جامعه اسلامی در گودال پستی و انحطاط سقوط می‌کند، و اجتماع پس از آنکه پاک بود به صورت اجتماعی فاسد و متلاشی در می‌آید و جنایاتی از قبیل زنا، تجاوز، سقط جنین و کورتاژ رواج می‌یابد.

بی‌حجابی یا بدحجابی باعث سقط جنین

اسقاط جنین (کورتاژ) و قطعه قطعه کردن آن با آلات گوناگون یکی از مفسدات بی‌حجابی یا بدحجابی می‌باشد. روشن است که زن بی‌حجاب یا بدحجاب، بسیاری از اوقات تحت فشار جوانان بی‌پروا قرار می‌گیرد و طعمه دست آنها می‌گردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین می‌برند. در نتیجه زن از راه نامشروع بارداری می‌شود و برای اینکه راز آن عمل زشت و پلیدش فاش نشود ناچار می‌گردد جنین را سقط کند. آمار کورتاژ، در کشورهای غربی که بی‌حجابی بسیار است هولناک است و روز به روز در افزایش است.

در گزارش ویژه‌ای آمده است

در لندن آمار سقط جنین از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۰ از ۵۰ هزار به ۸۳ هزار رسیده.

و در سال ۱۹۷۱ آمار مزبور به ۲۰۰ هزار مسطور گردیده

و این نسبت در فرانسه افزایش یافته بطوری که در هر ۲۰۰ نوزاد ۴۶ تا ۱۴۳ آن سقط جنین بوده.

و در شوروی در هر سال شش میلیون سقط جنین دارد حالا که بدتر است. (۳۶) بی‌حجابی یا بدحجابی باعث (۳۷) بیماری‌های خطرناک

یکی از مفسدات بی‌حجابی،

فساد اخلاق جوانان و گرایش ایشان به انحراف جنسی می باشد. زنی که با بی حجابی و خود نمائی به بازار و خیابان می آید اگر جوانی که در مرحله دیوانه کننده غریزه جنسی قرار دارد او را ببیند، آیا فکر کرده ایم به سر آن چه خواهد آمد؟

طبعا غریزه جنسی در او تحریک می شود، و در صدد برمیآید که به هر وسیله ای غریزه خود را اشباع کند. او اگر متدین و معتقد به اسلام نباشد به استمناء، لواط، زنا، تجاوز به ناموس دیگران پناه می برد و این جنایات، گذشته از آنکه مخالف دین خدا و حکم خداست، باعث بیماریهای خطرناک و پیش آمده های ناگوار می شود.

حتی در گزارشی آمده است که در آمریکا تعداد بیمارستانهایی که اختصاص به امراض جنسی دارد به ۶۵۰ بیمارستان می رسد

و شکی نیست که آن زن بی حجاب که باعث انحراف جوانان می شود، در جرم، کیفر و عذاب آنها شریک است، زیرا او به خاطر خودنمائی و هرزگی خود، غریزه جوانان را تحریک کرده است، و آنان را روانه فساد کرده است.

این در صورتی است که جوان، متدین نباشد، ولی اگر متدین و معتقد به اسلام باشد، غریزه جنسی را در درون خود فرو می نشاند، و با تمایلات خود مبارزه می کند. و به خدا پناه می برد، و هرگونه رنجی را در این زمینه متحمل می شود. (و ای بسا به ناراحتیهای روانی مبتلا می شود).

در این صورت نیز زن بی حجاب مسئول است، زیرا او باعث آزار این جوان شده، و گناه کیفر آن را بعهدہ گرفته است. (۳۸)

بی حجابی یا بد حجابی عامل خودکشی ها

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی شود، افزایش روزافزون بیماریهای روانی بخوبی

مشهود است.

پرفسور سیمور هالک مدیر قسمت روانی دانشگاه و یسکونینس می گوید فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجوی به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه می کنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان شناسان دانشگاه های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده اند. (۳۹)

توماس اکمبس می گوید لذت های جسمانی در اول کار به ما لبخند می زند ولی عاقبت نیش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان می کند. (۴۰)

غنچه به باغ ایمن است تا بود اندر حجاب

آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن

آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب می باشد.

بنا بر نوشته دیل کارنگی روان شناس مشهور آمریکائی در آلمان سالانه ده هزار نفر خودکشی کرده اند.

البته این رقم جدا از ۱۳۰۰۰ نفری هستند که نجات یافته اند.

در فرانسه نیز سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی می زنند. (۴۱)

طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی برمی آید. (۴۲)

بنابراین به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می گردد بلکه بیماری زا نیز بوده و امراض روانی، در دیگران ایجاد خواهد نمود. (۴۳)

اینها نشان دهنده گوشه ای از مسائل روانی فساد است. ای اهل عقل عبرت بگیرید.

آزیرهای خطر

بعضی از کوتاه فکران خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم به صورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه به طور مدام افزایش خواهد یافت، اگر چنین بود، در غرب آزادانه

تجاوزات جنسی تحقق نمی یافت، ولی بنا به نوشته Plaintruth ح تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره، به ۱۴ دقیقه رسید و طبق نوشته مجله آمریکائی نیوزویک هر سال دهها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفادهای دیگر قرار می گیرند. (۴۴)

تنها در ترکیه که ۹۸ مردم آن مسلمان هستند، ولی فرهنگ غرب در آن گسترش پیدا کرده با آنکه طبق آمار شهربانی کل آن کشور ۶۰۵ مرکز فحشاء رسمی موجود بوده، و ۵۶۵ مرکز غیر قانونی فحشاء کشف و سیزده هزار و ششصد و هفتاد و یک زن بدکاره مورد تعقیب قرار گرفته، ۲۰۹ دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. (۴۵)

طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱ زنان ۱۶ تا سی ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و به طور دائم بسیار نگران هستند، بیش از ۱۱ زنان انگلیس معتقدند که بهر حال یک روزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت، ۴ زنان از آژیروهای هشدار دهنده، تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷ زنان کلاسهای دفاع از خود دیده اند. (۴۶)

این آمار بخوبی اثبات می کند که فرهنگ فساد و بی حجابی خود عامل تحریک و تجاوز به عنف است نه موجب عادی شدن آن.

بدحجابی و قتل

مردی به مهمانی رفته بود، پس از صرف نهار، صاحب خانه برای کاری بیرون رفت، مرد مهمان از این فرصت استفاده کرده، پس از انجام عمل منافی عفت با همسر میزبان، او را کشت.

بعد از دستگیری از او سؤال شده بود که چرا این جنایت زشت و شنیع را انجام دادی؟

او در پاسخ گفت

من شب گذشته در مجلس عروسی بودم، که خانمی را با لباسهای جلف

و چهره ای زیبا و موهای آنچنانی دیدم و دلباخته او شدم، دیگر نتوانستم خود را کنترل کنم طرح دوستی ریختم و سرانجام چنین تصمیم گرفتم. (۴۷)

خانم عزیز، این جنایت به خاطر خودنمایی و جلوه گری و بی حجابی شما است که به وجود آمده. پس وقتی اسلام آیین حجاب را متذکر می شود، آن را با کمال میل قبول کن که به سرنوشت داستان فوق دُچار نگردید.

خُب، این سزای زن بی حجاب در دنیا است و در آخرت هم به عذاب دردناک گرفتار می گردد.

بدحجابی و کشتار

جوانی را که متهم بقتل بود دستگیر کردند و از او سؤال کردند که چرا چنین عمل شنیع را بوجود آوردی؟

گفت جوانی عذب بودم که با هزار زحمت دیپلم را گرفتم و وارد دانشگاه شدم در آنجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی بر می خورد که با آن زیبایی در حیاط و کلاس دانشگاه قدم می زدند با هم می خندیدند و اصلاً رعایت هیچ چیزی را نداشتند.

من هم جوان و عذب کم کم با آنها طرح دوستی ریختم و با لطایف الحیلی یکی از آنها را فریب دادم که می خواهم با شما ازدواج کنم و بعد از مدتها که با هم دوست بودیم، یک روز او اظهار داشت که من حامله هستم و باید مرا بگیری.

من که وضع مناسب نبود به او قول امروز و فردا می دادم تا اینکه یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید با او گلاویز شده وقتی که به خود آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مُرده است.

تمثیلات حجاب

غنچه تا غنچه است در حجاب است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند. اما همینکه حجاب را کنار نهاد و باز شد، آن را خواهند چید. وقتی که چیدند چند روزی هم ممکن است در جای مناسب قرارش دهند. اما دیری نمی پاید که پژمرده و پرپر می شود و آن را در سطل زباله می ریزند.

خواهران باحجاب هم همچون غنچه اند، هیچ کس دست طمع و تصرف، به سمت آنها دراز نمی کند.

اما همینکه این حجاب را کنار گذارند مورد طمع دیگران واقع خواهند شد. (۴۸)

رمز زیبایی

تا زمانی که سر شیشه عطر بسته است، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض اینکه چند ساعتی سر شیشه عطر برداشته شود عطر داخل آن می پُرد و تنها شیشه خالی بدون عطر می ماند و کسی بدان میلی ندارد.

حجاب همانند سر شیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت زنهارا حفظ می کند و با برداشتن حجاب، آن

زیبایی و حلاوت از بین می رود. رمز زیبایی زنهای مسلمان هم همین حجاب است. (۴۹)

سیم خاردار

شما چرا به دور خانه هایتان دیوار می کشید و بر روی دیوارها سیم خاردار نصب می کنید؟

اگر دربهای خانه تان چوبی باشد، چرا آهنی می کنید و اگر دیوارها کوتاه باشد چرا بلند می کنید؟

آیا اینها همه برای راحتی یا ناراحتی شماست؟

حجاب همچون دیوار خانه و همچون سیم خاردار است، حال اگر دیوار خانه هایتان بلند بود و کوتاه کردید، یا سیم خاردار داشت برداشتید، یا درب بسته بود باز کردید، این موجب راحتی، آرامش و آسایش یا موجب ناآرامی شما خواهد بود؟

اگر دربها، دیوارها و ... برای راحتی خانه ها باشد، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است، پس اگر اسلام برای زن حجاب آورده، برای راحتی است نه مشقت مشقت در بی حجابی و بدحجابی است. (۵۰)

حجاب و سلامتی

تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدت‌های زیادی دوام خواهد داشت. ولی وقتی پوست میوه ای گرفته شد بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت و حتی بی احترامی به مهمان است که قبلاً میوه ای مثلاً سیب را پوست بکنند بعد در مقابل مهمان بگذارند.

حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت میوه است و تا زمانی که زنها این حجاب و عفت را دارند از طراوت و زیبایی و تازگی و سلامت بهره مندند، ولی برداشتن حجاب همان و از بین رفتن سلامت و زیبایی همان. (۵۱)

حجاب عامل استحکام خانواده ها

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه ای کاملاً رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا می کنند و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند گرفت، بالنتیجه در این میان بیشترین نفع عاید زنان خواهد شد، زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود.

در حالی که اگر خودنمائی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری رواج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گردد، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و به آن تن نخواهند داد. بلکه خانواده های تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل می گردند.

زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک شده و آسیب پذیر می شوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی بسرودی می گراید و محبت در خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد، چون همسر قانونی رقیب و مانع روابط جدید جنسی به حساب می آید.

بی تردید نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا

خواهد کرد.

بله وقتی لامپ نورافشانی می کند که سیمهای متصل به آن سالم باشند و اگر این سیمها لخت و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را بخوبی منتقل نمی کنند بلکه با جریان آب یا با اتصال به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی می گردند.

زن و مرد همانند، جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده اند، می بایست حجاب اسلامی را رکن اساسی این پیوند قرار دهند و الا این چراغ به خاموشی می گراید و آتش هوس آن را خواهد سوزانید.

جورج کامینکسی جامعه شناس معروف به این مطلب تصریح کرده است و می گوید عامل اصلی اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) روابط نامشروع می باشد. (۵۲)

اینک به برخی از پیش آمدهای نامطلوب طلاق اشاره می کنیم.

الف افزایش جرائم با افزایش طلاق، جرائم نیز افزایش خواهند یافت. زیرا با فروپاشی خانواده، زنان و کودکان بی سرپرست دارای زمینه بیشتری برای اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، بزهکاری و فساد اخلاقی می باشند. بنا بر گزارش های آماری پژوهشگران ۹۰ درصد بزهکاران جوان ۱۴ تا ۲۵ ساله از میان خانواده های از هم پاشیده برخاسته اند. (۵۳)

ب کودکان بی سرپرست با رواج روابط نامشروع و افزایش طلاق، کودکان نامشروع را از حمایت هیچیک از والدین برخوردار نمی سازد و مسئله جدیدی است که امروزه غرب را دچار مشکل نموده است.

بنا بر آمار منتشره امروز در جهان ۹۰ میلیون جوان زیر ۲۰ سال از خانواده ها طرد شده و بدون خانه و کاشانه حیران در خیابان ها زندگی می کنند. متأسفانه آمار کودکان نامشروع در غرب دائماً رو به افزایش و تزايد است.

در آمریکا از هر ۴ نوزادی

که متولد می شوند، یکی نامشروع است، تنها در سال ۱۹۷۹ بیش از ۵۹۷۰۰۰ کودک نامشروع در آمریکا متولد شده است.

در سوئد ۷ میلیونی سالانه ۲۷۰۰۰ کودک نامشروع به جامعه تحویل داده می شود. (۵۴)

ج بیماریهای روانی ناشی از طلاق یا وقوع طلاق زنان مطلقه بیشترین زیان را متحمل می گردند. به نوشته مجله نیوزویک با وجودی که پس از طلاق زن آمریکائی خویشتن را آزادتر از آزاد حس می کند، ولی مُطَلَّقه های آمریکائی چه جوان چه میان سال شاد کام نیستند و این ناشادی را می توان از میزان روز افزون مراجعات زنان به روانکاو و روانشناس یا از پناه بردن به الکل و یا افزایش سطح خودکشی در میان آنان دریافت.

از هر چهار زن مُطَلَّقه یکی الکلی می شود و میزان خودکشی میان آنها سه برابر زنان شوهردار است. (۵۵)

این نوشته ها بخوبی اثبات می کند که زنان با خودنمائی و بی حجابی بیشترین زیان را متوجه خویش ساخته و خود اولین قربانیان پدیده شوم فساد می باشند. (۵۶)

حجاب همچون سدی آهنین

زن و مرد مانند آتش و پنبه هستند و باید تا آنجا که ممکن است از هم دور نگه داشته شوند، مگر از طریق تشکیل خانواده که روابط جنسی باید به آن محدود گردد.

حضور زنان و مردان در جامعه بصورتی که هیچگونه تحریک و شائبه جنسی با آن همراه نباشد آن جامعه را استوار و محکم نموده و زمینه پیشرفت تعالی آن را فراهم کرد. استاد شهید مطهری در توضیح این مطلب چنین می فرماید آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند، و فرضاً اگر در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچگونه آرایشی نداشته باشند بهتر

درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می کنند؟

یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک وجب بالای زانو نشسته باشد؟

آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرّک و مهیج زنان آرایش کرده دائما مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟

(۵۷)

بنابراین حجاب مجوّز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن، برای روشن شدن نقش حجاب در استفاده شایسته از نیروی زنان به مثالهای ذیل توجه فرمائید.

مثال اول همانطور که برای بهره برداری از نیروی گاز می بایست آن را در محفظه ای مخصوص و غیر قابل نفوذ قرار دهیم و یا لوله های آن را از نظر نشت مراقبت نمائیم، همیشه در آسایش قرار داریم.

حال اگر در محفظه قرار نگیرد و مراقبتها انجام نشود، نه تنها از آن بهره برداری نمی کنیم، بلکه انفجار آن باعث تخریب خواهد شد.

بهره برداری از نیروی زن نیز منوط به رعایت حفاظ محکم حجاب است در غیر این صورت با رواج فرهنگ مبتذل، آرایش و خودنمایی، نیمی از جامعه را به خود مشغول کرده که چه پوشند؟

چگونه پوشند؟

و خود را چگونه بیاریند؟

و نیم دیگر جامعه را به آنان مشغول خواهد ساخت. آنوقت کار آموزش تحقیق و پژوهش جای خود را به آرایش، خودنمایی، چشم چرانی و لذّت جوئی خواهد داد و سقوط و سوختن و از بین رفتن جامعه در آن صورت حتمی خواهد بود.

مثال دوّم همانطوری که سدّ، نیروی آب را مهار می کند و آن را در معرض استفاده مطلوب قرار می دهد. حجاب

هم مثل سدّی آهنین، است که نیروی زنان را ذخیره کرده و از هرز رفتن آن در مسیرهای نامطلوب جلوگیری می کند. و امکان استفاده مطلوب را از آن میسر خواهد ساخت.

مثال سوّم همانطور که آتش می تواند آب را گرم کند و حتّی آن را به صورت غلیان و حالت جوش درآورد البته در صورتی که (بین آن دو حجابی وجود داشته باشد و در ظرفی جای داده شود) و الاّ با ریختن آب بر روی آتش نه تنها حرارتی ایجاد نخواهد کرد بلکه خود نیز خاموش خواهد شد. و هر دو از بین خواهند رفت.

نیروی زن وقتی موقعیت خود را خواهد یافت و گرمی بخش و مکّمیل فعالیت‌های دیگر اجتماعی می شود که حجاب به طور کامل رعایت گردد.

در غیر اینصورت، با آرایش و خود نمائی نه تنها نیرویش صرف تجمّل می شود بلکه همچون آبی بر آتش از به جریان افتادن چرخ فعالیت دیگران نیز جلوگیری خواهد کرد.

زیرا زن به آراستن خود مشغول می گردد و نیم دیگر از اجتماع هم به او. (۵۸)

بی حجابی یا بدحجابی باعث فشارهای روانی

بی تردید اگر زنان متین و موقر باشند و با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحریکی صورت نگیرد، همسران آنها و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود.

امّا اگر حضور زنان در جامعه به صورت تحریک آمیز باشد، التهاب و اضطراب و هیجان روحی بیننده، هر لحظه با دیدن صحنه ای تازه افزایش پیدا خواهد کرد و از آنجا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد به دلخواه ممکن نیست، باعث به هم خوردن تعادل روحی آنها می شود، این تاثیرات منفی روانی نه تنها بینندگان این مناظر را تهدید می کند، بلکه همسران

این زنان بی حجاب را نیز در معرض بیماریهای روانی قرار می دهد.

زیرا این مردان دائما با نگاههای هوس آلود دیگران به زن و دختران خود مواجه هستند که مانند نیشی زهر آگین آنان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند، و متاسفانه در بسیاری از موارد نمی توانند به آن اعتراض کنند!!

و در برخی از موارد مجبورند علیرغم فطرت انسانی و اعتقادات مذهبی خود و ... یا سکوت کرده و بدین وسیله آن را تایید کنند و باخود نسبت به تهیه آن لباسها و کفشهای مبتذل که توجه دیگران را جلب می کند اقدام نمایند و با دست خود عامل بیماری روانی خود را فراهم سازند!! حتی می توان گفت زنان بی حجاب دیگری که قادر به تهیه آن نوع لباس و کفش نیستند نیز دچار فشارهای روانی شده و تعادل روحی خود را از دست بدهند، بهم خوردن تعادل روحی در بینندگان این مناظر و همسران بدبخت آنان یا زنان بی حجاب دیگر بیماریهای جسمی و روانی را بوجود می آورند که از زبان متخصصان به آن اشاره می نمائیم

دکتر الکسیس کارل نویسنده معروف کتاب انسان موجود ناشناخته می گوید فکر و هیجان می تواند سبب ضایعات عضوی و احشائی شود ... عدم تعادل دستگاههای عصبی و نقص دستگاه هاضمه در اثر هیجان عامل بیماری های معده و روده است. (۵۹)

دکتر دیل کارنگی به نقل از دکتر ژوزف می گوید عصبانیت و هیجان عامل زخم معده است. (۶۰)

قرآن مجید حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفی می کند و خداوند متعال در قرآن چنین می فرماید:

هر گاه از زنان پیامبر متاعی را می خواهید پس آن را از پس پرده بخواهید زیرا این کار

برای طهارت و پاکی قلوب شما و ایشان بهتر است. (۶۱)

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ. (۶۲)

بی حجابی یا بدحجابی یعنی کمبود شخصیت

زنانی که حجاب دارند از سلامت روانی برخوردارند و در خود کمبودی احساس نمی نمایند و تمایلی هم به جلب توجه دیگران ندارند، ولی زنانی که بی حجابند دارای عقده حقارت هستند و با نمایش زیباییها و زینت و نوع پوشش، می کوشند تا حس کمبود خود را بنحوی مرتفع نمایند.

روان شناسان در این باره چنین می گویند زنان و مردانی که در تعویض لباس و انتخاب رنگهای متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران یک نقیصه ذاتی کار دیگری نمی کنند، زیرا افراط در لباس پوشیدن هم، نظیر افراط در حرف زدن است و نوعی مبالغه زیاد روی است و زیاده روی هم شکل منحرف و پی گم کرده از حس حقارت است.

زنی که مورد توجه مردان نباشد می کوشد تا با پوشیدن لباسها و زینتهای مختلف جبران نازیبائیهای خود را کرده و احیانا توجه دیگران را از نقائص صوری خویش منحرف سازد. (۶۳)

آری انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره مانند رنگ رخساره از سرّ ضمیر خبر می دهد، افرادی که دچار کمبود شخصیت هستند می کوشند با لباسی که تن می کنند برای خود نوعی تشخّص و تعین ایجاد کنند، بنابراین می توان حجاب را علامت سلامت روحی زن دانست، و بی حجابی را نشان بیماری روانی.

در روایت نیز به این نکته اشاره گردیده است

امام صادق (ع) می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ خِذْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ.

در خذلان و پستی (عقده حقارت) فرد همین بس که لباسی می پوشد تا بوسیله آن مشهور گردد. (توجه دیگران را جلب کند). (۶۴)

حجابی یا بدحجابی باعث از هم گسیختگی جامعه است

یکی از عوامل مهم فحشا و منکرات، و جرایم ویرانگر و گیج کننده در جهان غرب که ناله همه را بلند کرده است. برهنگی و بی حجابی است.

مطابق آمارهای قطعی و مستند، روز به روز، بلکه ساعت به ساعت و لحظه به لحظه بر تعداد بهم پاشیدگی خانواده ها و طلاق، و فرزندان نامشروع و انحرافات جنسی می افزاید که هر کدام از اینها عاملی برای جرایم و انحرافات گوناگون و بسیار دیگر خواهد شد، بطوری که دانشمندان تربیتی برای اصلاح جامعه ناامید شده اند، زیرا یکی از علل مهم آن این است که بازار برهنگی و دوری از حریم حجاب و عفاف و آزادی در روابط، زنان را به صورت کالای مشترک در آورده، به طوری که دو همسر تعلق به خود ندارند، در نتیجه قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد، و به دنبال این برنامه، خانواده ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می شوند، و کودکان، بی سرپرست می مانند، و همین وضع اساس اعتیاد، بزه کاری، انحرافات شدید، و قتل و جنایت را پی ریزی می نماید، و جامعه را به صورت فساد و لجام گسیخته درمی آورد، تا آنجا که آمار طلاق در آمریکا به ۵۰ درصد رسیده، یعنی از هر دو نفر خانواده زندگی یک نفرشان به طلاق و بهم پاشیدگی کشیده شده است.

و از صفحات حوادث روزنامه ها که بیانگر نمونه هایی از جنایات هولناک و تباهیهای جامعه است، به خوبی می توان به پیامدهای شوم بی حجابی یا بدحجابی پی برد. (۶۵)

آمار فساد

آمار ذیل که مال سالها پیش است، یک روز آمریکا را به تصویر کشیده گویای تاثیر

فساد در افزایش طلاق و جرائم می باشد.

۱- هر روز در آمریکا ۹۰۷۷ کودک دنیا می آید که ۱۲۶۳ نفر آن غیر مشروع هستند.

۲- در قبال ۵۹۶۲ ازدواج روزانه در آمریکا هر روز زن و شوهر نیز از هم جدا می شوند.

۳- هر روز ۳۲۳۱ نفر عمل سقط جنین در این کشور انجام می شود.

۴- روزانه ۲۷۴۰ دختر در آمریکا باردار می شوند

۵- نوجوانانی که هر روز در آمریکا به امراض تناسلی دچار می شوند به ۶۸۴۹۳ نفر می رسد.

۶- در هر ۸ دقیقه یک آدم ربایی در این کشور صورت می گیرد.

۷- در هر ۷۸ ثانیه یک نفر کشته می شود.

۸- در هر ۱۶ ثانیه یک سرقت مسلحانه صورت می گیرد.

۹- در هر ۱۶ ثانیه یک اتومبیل ربوده می شود.

۱۰- آمریکائی ها روزانه ۹۰ میلیون بطری مشروبات الکلی می نوشند.

۱۱- هر روز ۱۶۰ میلیون سیگار در آمریکا کشیده می شود.

۱۲- روزانه چندین هزار نفر معتاد به هرئوئین و کوکائین و ... می شوند.

این آمار که توسط یکی از نشریات خارجی تهیه و انتشار یافته نشانگر گوشه ای از این پیامدها و نابسامانی ها اجتماعی طی هر شبانه روز در این کشور می باشد. (۶۶)

زن با حجاب مانند گوهر در صدف

بطور کلی هر چیزی که در همه جا پیدا می شود و در دسترس همه به آسانی می رسد از ارزش کمتری برخوردار است. ولی از اشیاء کم یاب و ذی قیمت و پر بها بخوبی نگهداری می نمایند و از دسترس دیگران دور نگه می دارند و به طور خاصی از آن مراقبت می کنند. مثلاً طلا و جواهرات را در گاوصندوقهای محکمی حفظ می کنند که از دسترس دزدان محفوظ باشد.

زن هم مثل گوهر گرانبهائی است که باید محفوظ باشد. اسلام زن را جواهر گرانبهائی هستی می داند و برای او شخصیت والایی

قائل است و او را انسانی کامل شناسانده و حجاب را همچون گاو صندوق و صدف و ویتَرین، و پوشش را بهترین وسیله برای حفظ و ثبات شخصیت زن معرفی کرده است.

آنهایی که زن را تشویق و ترغیب به آرایش و تزئین و نمایش زیباییهای جسمی می کنند در حقیقت زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می شمارند.

تجربه این مطلب را ثابت کرده. قبل از ظهور اسلام نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه با داشتن یک دختر ننگ به حساب می آمدند در چنین جامعه ای بی حجابی که علامت آن بی ارزشی بود رواج داشت.

اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد.

دکتر گوستاوبون مورخ معروف فرانسوی می گوید این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زن بسیار کوشیده و اولین مذهبی است که مقام زن را بالا- برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت بهتر از زنان اروپائی هستند.

اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می داند بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می کند آقا رئیس اسلام حضرت رسول الله (ص) فرمود ما أَكْرَمَ النِّسَاءِ إِلَّا الْكَرِيمَ وَ مَا أَهَانُهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمُ.

هرگز زنان را گرامی نمی دارند مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی کنند مگر لئیمان بی ارزش.

خانم ایفیلین کوبالاد نویسنده انگلیسی، که بالا خره به اسلام گروید و مسلمان شد، در کتاب به سوی خدا می گوید در مقام و بزرگی زن در اسلام همین بس که مسلمین او را

حرم که از احترام و حرمت گرفته شده می خوانند.

بدین اساس حجاب وسیله ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد.

ویلیام جمیس روانشناس معروف در تأیید این مطلب چنین می گوید زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.

قرآن می فرماید:

ای پیامبر به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که حجاب و روسری شان را به خود نزدیک سازند تا (به عفاف) زنان عفیفی شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶۷)

عصمتیان را به مقام جلال

جلوه حرام است مگر با حلال (۶۸)

بی حجابی یا بدحجابی یعنی تنزل شخصیت زن

امروزه با رواج بی حجابی شخصیت انسانی زن به فراموشی سپرده شده و تنها به زیباییهای جسمی او توجه می شود.

در استخدام او بیشتر از صلاحیتهای تخصصی زیبایی جسمش مورد دقت قرار می گیرد. چاپ تصویر برهنه او بمنظور تبلیغ بر روی بی ارزشترین اجناس امری عادی شده، زن از نظر آنها موجودی است با هویت صرفاً جنسی، نه دارای یک شخصیت انسانی، بدین صورت ارزش زن را تا حدّ یک (کالای لوکس) نظیر اجناس دیگر تنزل داده اند و این نگرش توهین آمیز به زن هر ساله با جارو جنجال فراوانی انتخاب (ملکه زیبایی) صورت می پذیرد.

زن را وسیله ای برای کامیابی قلمداد کرده اند که بعد از مدّتی ملال آور می گردد و هر چند گاه یک بار باید به او تنوع بخشید، در همین راستا روابط آزاد جنسی مورد حمایت قرار می گیرد.

به قول گاندی زن با اینکه به ظاهر در صدد آزادی بر آمده

ولی در خطر جدیدی قرار گرفته و آن خطر بازیچه و قرار گرفتن وسیله هوسرانیهای مرد است. (۶۹)

وی اضافه می کند من ترجیح می دهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظریفترین مخلوق الهی (به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد) از هر حیوانی پست تر گردد ...

اگر من زن بودم علیه دعوی مرد دایر بر اینکه زن بدنیا آمده تا بازیچه او باشد، سخت عصیان می کردم، ای زنان اگر آرایش کردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردهاست از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید.

ولی این اقدامات غرب جز مزاحمت و تجاوز نتیجه دیگری برای زنان به همراه نداشته است.

طبق آمارگیری در ۶۳ شهر آمریکا ۹۱ درصد زنان دامن کوتاه و نیمه عریان هر روز در معرض تهدید و تجاوز جنسی قرار دارند.

طبق این آمار تنها ۹ درصد از آنان از این تهدیدات مصون مانده اند.

امید آنکه زنان جهان با روی آوردن به حجاب، ارزش و شخصیت از دست رفته خویش را به چنگ آورند و هر ساله بجای انتخاب ملکه زیبایی شاهد انتخاب ملکه علمی و هنری یا ملکه اخلاقی و عاطفی زنان باشیم. (۷۰)

حجاب یعنی شکوفایی استعدادها

اگر زنان دارای حجاب باشند همه مثل هم می شوند امتیازات ظاهری و زیباییهای جسمی زیور و مقام محو می گردد.

آنگاه ذهنها متوجه ارزشهای واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق می شود. و در تحصیل آنها کوشا می گردد و در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را بسرعت طی خواهد نمود. آری از آن جهت که حجاب احیاگر ارزشهای معنوی است، اسلام پوشش از بیگانه را

ملاک برتری زن معرفی کرده است.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

بهترین زنان شما زنان با عفت و غیر عقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می آریند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند. (۷۱)

در حدیث دیگر فرمودند

آیا بدترین زنان را بشما معرفی کنم؟

بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آرایش کنند و نزد شوهر پوشیده باشند. (۷۲)

هان ز اغیار بیوشان رخ زیبا زنهار

نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست. (۷۳)

پس اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش محبوبیت خویشند باید آن را در پناه حجاب بدست آورند.

زن امروزی با بی حجابی از جذابیت خود کاسته، حجاب مؤثرترین چیز برای حفظ زیبایی و طراوت است، چون زنان باحجاب، آرامش روانی دارند.

امام صادق (ع) می فرماید حجاب زن، برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر است. (۷۴)

ایرادهای مخالفان حجاب

طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای برداشتن حجاب اسلامی، به اصطلاح خودشان توجیه و برهانی ارائه می دهند، اشکالاتی را مطرح می کنند تا با القای شبهه، در دلها تردید ایجاد کنند، و عمده اشکالات آنها به پنج اشکال زیر باز می گردد، که ما آن را در اینجا به طور فشرده مطرح کرده و به پاسخ آن می پردازیم

۱- آنها می گویند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریده شده، و آزادی مفهوم مقدّسی است که همگان طرفدار آن هستند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پاگیر است و زنان را منزوی و پرده نشین کرده و از مواهب آزادی محروم می سازد.

خداوند (و به قول بعضی طبیعت) غرایزی را در وجود انسان، آفریده، که یکی از آنها غریزه جنسی است که، نباید آن را حبس و سرکوب کرد، بلکه باید آن را با کمال

آزادی اشباع نمود، و گرنه موجب عقده و بیماری روانی خواهد گردید.

۲- زنان نیمی از جامعه هستند و باید دوش به دوش مردان به تلاش های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بپردازند، و به هیچ وجه صحیح نیست که نیمی از نیروهای انسانی جامعه به انزوا کشیده شوند، و از صحنه های تلاش دور گردند، حجاب عامل مهمی برای این انزوا است. زیرا دست و پاگیر است و طبعاً زنان را از فعالیتهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی عقب می راند.

۳- حجاب و پوشش زن موجب فاصله انداختن بین زن و مرد شده و همین موضوع مردان را به زنان حریصتر می کند. و آتش تمایلات جنسی آنها را شعله ور می سازد، چرا که از قدیم گفته اند و از نظر روانی ثابت شده که انسان نسبت به آنچه را که از آن ممنوع شده حریص است.

۴- با پوشش زن، موارد بسیاری از مصالح و منافع از دست خواهد رفت، و گاهی نادیده گرفتن این مصالح، موجب سقوط و رنجهای ابدی خواهد شد، مثلاً جوانی که می خواهد با دختری ازدواج کند، چگونه آن دختر را که در میان حجاب پنهان شده بشناسد، آیا ازدواج جوان با آن دختر باحجاب اقدام کورکورانه برای انتخاب شریک زندگی تا آخر عمر، نخواهد بود؟!

۵- اگر حجاب برای حفظ زنان از روابط نامشروع، و از بروز انحرافات جنسی و فساد است پس چرا زن از نظر اسلام در نماز باید کاملاً رعایت حجاب کند، گرچه در درون اطاق در بسته باشد، آیا این کار یک نوع به زنجیر کشیدن زن نیست؟!

پاسخ به اشکالات

۱- آزادی، کلمه مقدسی است، ولی هر چیزی دارای حدّ است، مثلاً آیا

انسان آزاد است غذای مسموم بخورد؟

آیا آزاد است چند برابر غذای معمولی بخورد؟

آیا آزاد است نصف شب که همسایه ها در خواب هستند با بلند کردن صدای طبل آنها را بیدار نماید؟

آیا...؟

آیا...؟

قطعاً آزادی دارای مرز و حدّ است، آن آزادی مقدّس است که موجب ضرر و زیان و باعث سلب آزادی دیگران نشود، همه اندیشمندان با انصاف معتقدند که آزادی بر دو گونه است.

۱- آزادی صحیح ۲- آزادی غلط، ما با دلیل و منطق ثابت کردیم که آزادی زنان به این معنی که بدون پوشش اسلامی و ملا عام آشکار شوند، آزادی غلط است، و هرگز عقل و علم چنین آزادی مفسده انگیز را نمی پذیرد.

۲- درست است که زنان نیمی از جامعه هستند، و باید در همه صحنه های زندگی تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی هرگز آنها را منزوی نمی کند و هرگز دست و پاگیر نیست در حدّی که آنها را از تلاش در صحنه های کار و فعالیت باز دارد.

زیرا حجاب، به معنی پرده نشینی نیست، بلکه به معنی یک پوشش معقول است، اگر ما در گذشته در پاسخ به این اشکال، نیاز به استدلال داشتیم، امروز پس از جمهوری اسلامی در ایران، دیگر نیاز به استدلال نیست، چرا که آشکارا می بینیم زنان در تمام صحنه ها، از مجلس قانونگذاری گرفته تا ادارات و بیمارستانها و رادیو و تلویزیون و فروشگاه ها و ... در عین حفظ حجاب اسلامی، مشغول کار و تلاش شبانه روزی زندگی هستند.

زن می تواند با لباسهای بلند و پوشش کامل اسلامی به تلاش زندگی پردازد، و در موارد دیگر با چادر که لباس برتر و پوشش عالیتر است در صحنه ها ظاهر

شود، آری وضع موجود، پاسخ دندان شکنی به اشکال فوق است، چنانکه فلاسفه گفته اند بهترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آن است به زبان معمولی خودمان

آنجا که عیان است

چه حاجت به بیان است.

وانگهی مگر خانه داری و فرزندداری، کار و تلاش بسیار مهم اقتصادی و فرهنگی نیست؟!

۳- این اشکال نیز بی اساس است زیرا پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشباع غریزه جنسی از راه صحیح نیست، تا موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اگر آنچه را که اسلام درباره ازدواج و آسان گیری در تحقق آن فرموده، اجرا گردد، غریزه جنسی از راه صحیح اشباع شده و هیچگونه اشکالی پیش نمی آید.

وانگهی اگر وضع فعلی جمهوری اسلامی، را با وضع عصر رژیم گذشته مقایسه کنیم، به روشنی می فهمیم که امروز تا حدود زیادی حجاب اسلامی رعایت می شود، در حالی که آن روز رعایت نمی شد، و در امروز دهها و صدها برابر فساد و تباهی و بی بندوباری و بی عفتی کمتر شده است، بنابراین بی بندوباری و بی حجابی عطش جنسی زن و مرد را بیشتر خواهد کرد، و حجاب و مقید بودن به حفظ حریم حجاب و عفاف، تباهی و فساد را از بین می برد. و آمارهای قطعی نشان می دهد که فساد در کشورهای بی حجاب اسلامی به مراتب بیشتر است، از فساد در کشورهایی که در آن رعایت حجاب می شود، اینها شواهد عینی خلل ناپذیری است که بیانگر فواید حجاب، و بازدارندگی آن از بسیاری از تباهیها است، و به عکس بی حجابی و بی بندوباری وسیله نزدیک و عامل مؤثر برای افزایش فساد و گسترش دامنه انحرافها خواهد بود.

پاسخ چهارم باید گفت

اولاً پوشش برای زنان، دارای فواید و مصلحت‌های بسیار مهم برای آنها و جامعه است، که هرگز به خاطر بعضی از مصلحت‌های فرضی و جانبی نمی‌توان از آن دست کشید.

ثانیاً در آن مواردی که مصلحت مهمتری در میان باشد، اسلام پوشش را در آنجا لازم نمی‌داند، بلکه گاهی عدم پوشش را واجب می‌داند، به عنوان مثال اگر مردی در حال غرق شدن یا سوختن است، و در آنجا مردی که او را نجات دهد نیست، ولی زنان نامحرم در آنجا هستند، بر آنان واجب است گرچه موجب کنار رفتن پوششان گردد آن مرد را نجات دهند.

و به عنوان مثال جوانی که می‌خواهد با دختری ازدواج کند، با توجه به مصلحت آینده برای او نگاه به چهره دختر مورد نظر، نگاه به مواضع زینت او جایز است تا او را بشناسد.

حتی در این مورد پیامبر (ص) امر کرده که خواستگار، دختر مورد نظرش را بنگرد.

بنابراین با رعایت پوشش اسلامی، و دستورهای اسلام، هیچگونه مصلحتی از دست نمی‌رود.

۵- فلسفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چند جهت زیر باشد

۱- حجاب برای زنان بهترین حالت است، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت که حالت پوشش است انجام دهد.

۲- نماز در عین آنکه یک عبادت است، یک فرهنگ است، یک کلاس بزرگ و پربار است که درس‌های مختلف می‌آموزد، یکی از درس‌های آن این است که درس حجاب را به زنان می‌آموزد، و آنها را عملاً به حجاب دعوت می‌کند.

با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج مرتبه

با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار می کنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد می دهد، و این دستور مقدّس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم می سازد، قعطا چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۷۵)

دخترک مسیحی در رشت

مرحوم حاج شیخ یوسف جیلانی در کتاب طومار عفت می نویسد

در گیلان ما دختر قشنگ و خوشگلی که مسیحیه بود و پدر وی هم دکتر بود.

دکتر و مادر و جدّه دختر که در سبزه میدان رشت ساکن بودند، پیوسته در حفظ و حراست آن دختر بودند که مبادا شهوت پرستان و دزدان ناموس او را برابیند. ولی آن دختر بیچاره چون زیبا و بدحجاب بود و همیشه خود را آرایش می کرد به جوانان عرضه می نمود هدف گلوله قرار گرفت.

پدر و مادر به خاطر حفظ آبرویشان به ناچار او را برای معالجه به خارج بردند و پولهای زیادی خرج او کردند تا بلکه بتوانند او را از منجلاّب مرگ تدریجی و بی آبرویی نجات دهند. گرچه دخترک از مرگ نجات یافت، اما چه فایده آنکه دیروز از زیارتش مسرور بود، امروز از دیدنش ناراحت می شد، و می هراسید، من این قضاوت را به خود شما واگذار می کنم، آیا این کار بر اثر حجاب و پوشش بود یا در سایه بی حجابی؟!... (۷۶)

خاطره ای از آیت الله مروارید

بنده در مراجعت از عراق بعد از قضایای مسجد گوهر شاد به واسطه قطع ارتباط بین مشهد و تهران که از ناحیه خود دولت به وجود آمد.

هر کس می خواست عبور کند می باید تحت کنترل باشد و مراقبت شود.

چند روزی در تهران ماندم و بعد آمدم، بالاخره خیلی فشار می آوردند هم از جهت لباس و هم از جهت کشف حجاب زنان، وضع خیلی فجیعی به وجود آورده بودند.

حتی در حرم مطهر به خُدام و پاسداران حرم دستور داده بودند که چادر و چارقد را از سر زنها بکشند و به یک تعبیر گفتند که گاهی شنیده می شد،

عده ای خودشان در پای ضریح می گفتند خجالت بکش با روسری نیا.

زنهای خانواده ما و منسوب به ما، سحر از منزل بیرون می رفتند وصله ارحام به جا می آوردند.

حتی یکی از خانمها را که مامور تعقیب کرد، حالتی برایش به وجود آمد که بعد از دو سه روز ناراحتی در منزل ما فوت شدند.

از حجاب به شدت جلوگیری می کردند و دخترها را با اوضاع بدی در خیابانها رژه می بردند، کاملاً روشن بود که همه این کارها برای از بین بردن مظاهر دینی است. (۷۷)

خاطره حجاب زنی از کشمیر

خانم سیده آسیه آندرابی از کشور کشمیر می گوید

سال ۱۳۶۰ نقطه عطفی در زندگی من بود، در آن سال من به کتابی تحت عنوان افکار عمیق زنان مسلمان برخوردی که تاثیر زیادی در روح من گذاشت و سپس با آثار خواهر مریم جمیله آشنا شدم که باعث گرایش من به درک عمیق مفاهیم قرآن شد.

به آخرین تفسیر مولانا مودودی پی بردم با مطالعه در سیره پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی عیسی و محمد (ص) به این واقعیت پی بردم که همه آنها به خاطر مبارزه با خدایان دروغین زمان خود همواره در رنج بوده اند.

این مطالعات باعث ایجاد یک انقلاب درونی من گردید و من حجاب را به عنوان اولین اقدام انتخاب نمودم و آن را در بین تمام اعضاء خانواده ام رواج دادم و سپس خانه به خانه و مدرسه به مدرسه شروع به تبلیغ نمودیم و جایگاه والایی را که اسلام به زن اختصاص داده برای زنان جامعه معرفی کردیم. (۷۸)

طاغوتی ها از حجاب می ترسند

(قسمتی از خاطرات اسدالله اعلم وزیر دربار شاه)

سه شبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ شرفیابی شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد، به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود ۳۰۰ دانشجو در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند، البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم.

در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه چادر کم و بیش منسوخ شده بود.

هر دختری که می خواست آن را بر سر کند تحقیر می شد. لیکن در کنفرانس دیروز سی نفرشان بودند، مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم.

ضمناً به من اطلاع داده شد که

بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه خودداری کرده اند، و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد. (۷۹)

حجاب زن آلمانی

به نام خدا اسم قبلی من زانبیه است ماجرای تشریفم به اسلام از این قرار است که در آلمان در همسایگی ما یک خانواده مسلمان اهل ترکیه زندگی می کردند.

دختران آنها در مدرسه با من دوست بودند و با هم رفت و آمد داشتیم وقتی که من به خانه آنها می رفتم می دیدم آنها نماز می خوانند کم کم جذب آنها شده و با اسلام آشنا شدم در تاریخ ۴/۱۲/۱۹۹۰ در مسجد اسلامی هامبورک به سرپرستی برادر محمد مقدم به دین اسلام تشریف یافتیم.

آیا فکر نمی کنید الگوی حجابی که اسلام برای زن در نظر گرفته زحمت دارد؟

هر موجودی برای مصونیت از آسیب دشمن و بیگانه به دنبال حفاظ و مأمن و پناهگاهی می گردد تا در پناه آن احساس امنیت و آرامش کند شما اگر یک لاک پشت را در نظر بگیرید، مشاهده می کنید که چگونه درون پوستی سخت و مقاوم می رود تا از گزند و دشمن ایمن باشد.

چرا انسان وزن مسلمان اینگونه نباشد آدم وقتی که دنبال محافظی می گردد تا او را انگشت نمای غیر نکند و او را از جلب توجه به دیگران حفظ کند چه بهتر که حجاب را انتخاب نماید.

حجاب برای من نه تنها زحمت و تحمیل نیست، بلکه یک اصل مسلم و خدشه ناپذیر است که از عقیده ام سرچشمه گرفته است و در صدمه که عقیده و حجابم را برای همگان ابراز داشته و

توضیح بدهم.

این من بودم که در حجاب وارد شدم و دریافتم که حجاب یک ارزشی است و ارزشهای دیگر در کنار حجاب به من ارزانی می شود، نه اینکه حجاب بر من تحمیل شده باشد. من خودم اینطور تصمیم گرفتم. (۸۰)

بهترین خدمت به نسل جوان

نامه ای از یک برادر دلسوز و دردمند انقلابی از بوشهر

غم ها و رنج های زیادی است که بر قلب جوانم سنگینی می کند از مسئولین کشور گله مندم، اما نه برای توژم و گرانی و نه هشت سال جنگ و نه از برای مسائل مادی و دنیوی دیگر، مسائلی که بر دل من سنگینی می کند این است که چرا مسئولین کشور که حامیان عزّت و شرف این ملتند به حرف میلیونها حزب اللهی این مرز و بوم توجه نمی کنند؟

آیا به دستورات به پیامها و وصیت نامه آن بزرگوار عمل می کنید؟

آیا از بی حجابی و بدحجابی، از عروسی های کدائی، از پخش و توزیع عکسها و نوارهای مبتذل جلوگیری می کنید...؟

رادیو، تلویزیون فرهنگ اسلام را تبلیغ می کند یا...؟

بسیجیان، طلاب و روحانیون و تمامی افراد مومن متعهد از دست مسئولین می نالند که چرا در برخورد با مفسد اقدامی جدی صورت نمی گیرد؟

چرا مسئولین به درد دل برادران، خواهران، مادران و پدران شهدا گوش نمی دهند؟

مسئولین کشور! انقلاب را دریابید، خدا می داند حیف است که آن همه رنجها و زحمت امام راحلما و آن همه رشادتها و دلیری فرزندان انقلاب در میادین نبرد هدر برود...

مسئولین بدانند که در مبارزه با مظاهر فساد و تلاش برای فرهنگ اسلام مردم حامی آنها هستند، ولی چنانچه در انجام وظیفه کوتاهی نمایند پیش خدا و ملت و امام راحلما مسئولند.

مگر نه این است که مقام

معظم رهبری آیه الله خامنه ای فرمودند

فلسفه وجود ما خدمت به مردم است مگر نه این است که مسئولین خادم این ملت هستند پس باید به مردم خدمت کنند و اکنون شاید خدمتی بهتر و ارزشمندتر از مبارزه با فساد بی حجابی و بدحجابی نباشد و این بهترین خدمت خصوصا به نسل جوان است. (۸۱)

خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب

برادر خادم یکی از محافظین بیت امام

یکی دیگر از موارد خاطرات من مساله دقت در رعایت حجاب نزدیکان امام از جانب ایشان بود بعضا لازم می شد که ما به طور سر زده به خدمت ایشان برسیم و مطلبی را عرض نماییم.

بلافاصله بعد از زدن درب و تقاضای ورود از جانب ما، اگر از بستگان امام نزد ایشان بودند، خیلی سریع می گفتند که کمی صبر کنید و بعد به بستگان خویش تذکر می دادند چادر خود را بر سر گذارند، تا وارد شویم و بالعکس اگر ما در داخل خانه بودیم و یکی از بستگان امام قصد دخول داشتند، بلافاصله امام می فرمودند که یا الله یا الله ... نامحرم داخل اتاق است.

البته امام برای تذکر اعلام کرد و گرنه بستگان امام همیشه رعایت حجاب خویش را می نمودند. (۸۲)

نصایح خانم مجتهده امین

چنانچه از قرائن معلوم می شود از صدر اسلام تا این زمان اخیر گفتگو در حجاب زنان نبوده و معمول نوع زنان اسلام این بوده که خود را موظف می دانستند که از نامحرمان احتراز نموده و خود را بپوشانند و تارک آن را فاسق و گنه کار می دانستند.

در این دوره اخیر بعضی از آزادیخواهان بشر خواستند زن را از قید حجاب و چادر نجات دهند و زن را در کار و فعالیت، ردیف مرد قرار دهند، این بود که به اسم آزادی و دلسوزی و حرّیت حجاب زنان را دریدند و چنانچه می بینیم در این دوره آنقدر بی عفتی و فساد اخلاق در بین جامعه شیوع پیدا نموده ...

ای خواهران می دانید این نگارنده ناچیز از صنف زن می باشم و دشمنی با هم صنف خود ندارم و طبیعت زن را بهتر

از مردها می دانم و طالب سعادت و خوشبختی و آسایش و آزادی شما هستم و کشف حجاب اگر چه در ظاهر چون موافق با طبیعت زن است که مایل به خودنمایی و جلوه گری است بسیار خوش می آید و البته اگر بدون چادر و حجاب آزادانه در معابر و خیابانها گذر کند و مقید به حجاب نباشد، خیلی راحت تر است.

لکن بین صلاح دین و دنیای تو در چیست؟

حکم حجاب تکلیف است و تکلیف البته زحمت دارد.

و شاید بعضی خانمها و دوشیزگان خیال می کنند با حجاب بودن و خانه نشستن اسباب ضعف و نقص آنها می شود.

لکن این فکر اشتباه است، شهوت پرستی است که منکرات را به صورت زیبا در نظر جلوه می دهد، قدری فکر خود را به کار بیاورید و از دریچه عقل خود وضعیت امروزه را بنگرید و انصاف دهید، آیا این وضعیت با دین داری و ایمان و تقوی مناسبت دارد؟

البته نفس بشر طالب هرزه گری، ولگردی و انجام هواهای گوناگون است، خدا پرستی غیر از نفس پرستی است ...

از عموم مسلمین که پای بند به دیانت اسلامند تقاضا می نمائیم که همت گمارند که این گم گشته را باز آرند که شاید اندازه ای از این وحشیگری و بی عفتی که سرتاسر ممالک اسلامی را گرفته و شیوع پیدا نموده جلوگیری شود ...

خواهران گمان نکنید اگر شما شیک و مُد و بدون حجاب از منزل بیرون آئید شرافتمند می شوید مردها به نظر تقدیس به شما نگاه می کنند، همان کسانی که شما را خانم خطاب می کنند.

اینها روی اصل قوای شهوانی است و نگاه آنها نگاه شهوت آمیز است نه روی اصل فضیلت! همان که

با صورت بشاش شما را استقبال می کند و به شما دست می دهد و احترام می گذارد در دل شما را خانم بی عفت می داند و اگر قدری با غیرت باشد، هیچ وقت امثال شما را به همسری نمی گیرد.

خواهر تو مسلمان و مسلمان زاده ای و مقدّسات مذهب در تمام ملل محترم است خود را هدف تیر چشمهای ناپاک بعضی مردهای بی عفت قرار مده. (۸۳)

سخنی از حجه الاسلام قرائتی در مورد حجاب

شما جنس مرغوب را در کادو می پیچید، روی تلویزیون پارچه می اندازید، کتاب قیمتی را جلد می کنید، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمی دهید.

بنابراین جلد و حجاب نشانه ارزش است.

خداوند برای چشم که ظریف است و خطرات آن را تهدید می کند، حجاب قرار داده حجاب باعث تمرکز فکر مردان که بخش عمده تولید جامعه به دست آنان است می گردد.

در کشورهایی که بی حجاب است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا می کند. اسلام به خاطر حفظ حیا، کرامت و جلال، جلوگیری از تشّت و هوسبازی و گسستن نظام خانواده حجاب را واجب فرموده.

باید دانست که حجاب مانع تولید نیست، بزرگترین صادرات ایران بعد از نفت، قالی است که تولیدش به دست زنان با حجاب است.

حجاب مانع تحصیل نیست صدها هزار دانشمند زن در کشور اسلامی ایران شاهد این ادعاست حجاب آرم جمهوری اسلامی ایران است.

دنیا انقلاب اسلامی ایران را باحجاب بانوان می شناسد و ابرقدرتها از این نشانه پرارزش انقلاب آنقدر هراس دارند که چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامی بر سر درس تحمل نمی کنند. (۸۴)

مقابله با بی حجابی

عید نوروز سال ۱۳۰۶ ش بود، زائران بسیاری در حرم حضرت معصومه (علیها السلام) حضور داشتند خانواده رضاخان پهلوی بدون حجاب برای زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بودند و می خواستند با همان وضع وارد حرم شوند، این گستاخی و بی احترامی خانواده شان، موجب خشم مردم می شود و یک نفر روحانی به نام سید ناظم واعظ مردم را به امر معروف و نهی از منکر فرا می خواند.

در این میان خبر به آیت الله شیخ محمد تقی بافقی رسید، ایشان نخست به

خانواده رضاخان پیام داد که اگر مسلمان هستید نباید با این وضع در این مکان مقدس حضور یابید، و اگر مسلمان نیستید باز هم حق ندارید. زیرا کافر نباید در حرم باشد.

خانواده رضاخان به پیام آیه الله بافقی، ترتیب اثر نمی دهند، آنگاه مرحوم آیه الله ... بافقی شخصا به حرم آمده و به خانواده رضاخان شدیداً اخطار کرد، و همین حادثه نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم بر ضد حکومت شاه شود.

از طریق شهربانی قم به رضاخان اطلاع دادند که خانواده شما (یعنی همسر و دو دختر شما شمس و اشرف) به دستور روحانیون در اتاقی محبوس شده اند و به آنها اخطار شده که حق ندارند بدون حجاب وارد حرم گردند.

رضاخان شخصا با یک واحد نظامی به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، او با چکمه وارد صحن مطهر شد، آیه الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد. (۸۵)

چادر نورانی

روزی حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) محتاج به قرض شد، چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) را پیش مرد یهودی که نامش زید بود، رهن گذاشت آن چادر از پشم بود، قدری جو قرض گرفت.

یهودی آن چادر را به خانه برد و در اتاقی گذاشت، وقتی شب شد زن یهودی به آن اتاق رفت، ناگاه نوری را از آن چادر دید که تمام اتاق را روشن کرده بود وقتی زن آن حالت شگفت را دید فریاد زد

شوهر خود را خواست آنچه را دیده بود برای شوهرش بازگو کرد.

یهودی شگفت زده شده بود و فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن خانه است، با سرعت داخل اتاق شد، دید که

اشعه نورانی چادر آن خورشید عصمت است که مانند بدر منیر خانه را روشن کرده است.

یهودی از مشاهده این حالت تعجبش بیشتر شد، یهودی همراه با زنش به خانه خویشان خود دویدند و ۸۰ نفر از ایشان حاضر شدند و این را دیدند از برکت شعله چادر فاطمه (علیها السلام) همگی به نور اسلام مشرف و منور گردیدند. (۸۶)

حجاب در اجتماع

فاطمه زهرا (علیها السلام) با گروهی از زنان مسلمان که بنا به نقل واقدی ۱۴ نفر بودند، از مدینه حرکت کردند و روانه اُحد شدند تا از نزدیک جریان کار و حادثه هولناک را ببینند و پیامبر خدا را ملاقات نمایند.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با آن گروه از زنان که دلشان می تپید و از آسیب رسیدن به پیامبر (ص) نگران بودند پس از مدت کوتاهی توانستند خود رابه اُحد یا بهتر بگوئیم به میدان رزم برسانند.

وقتی آمدند که، پیامبر خدا چند روز پیش در هنگام رزم سراسر بدنش مجروح شده بود، ناراحتی حضرت زهرا (علیها السلام) به اندازه ای بود که نمی توانست آب بیاشامد، در این صحنه زنهای مسلمانی که با حضرت زهرا (علیها السلام) بودند، نگفتند چون ما زن هستیم باید در خانه بنشینیم، بلکه آنها را تعلیم به حقایق و درخشان اسلام را به خوبی از رسول خدا می آموختند و به وظیفه خود آشنا بودند، حجاب اسلامی آنها موجب نمی شد که دست از وظیفه خود بردارند از اینرو هر کدام مشکی پر از آب کرده و به دوش می گرفتند و به رزمندگان آب می دادند، زخم خوردگان را مداوا می نمودند.

تا آنجا احساس وظیفه می کردند که خود حضرت زهرا (علیها السلام) نیز غذا و آب

به دوش می کشید و از پا در آمدگان میدان رزم پرستاری می کرد و به کمک امیرالمؤمنین علی (ع) زخمهای پیامبر را شستشو و مداوا می نمودند. (۸۷)

پس از این داستان می آموزیم که زنان هم می توانند با حجاب کامل در اجتماع خدمت کنند.

حجاب و نماز

فلسفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چند جهت زیر باشد

۱- حجاب برای زنان بهترین حالت است، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت، که حالت پوشش است انجام دهد.

۲- نماز در عین آنکه یک عبادت است، یک فرهنگ است، یک کلاس بزرگ و پر بار است که درسهای مختلف می آموزد، یکی از درسهای آن این است که درس حجاب را به زنان می آموزد، و آنها را عملاً به حجاب دعوت می کند.

۳- با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج بار با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار می کنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد می دهد.

و این دستور مقدس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم می سازد، قطعاً چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۸۸)

الگوی زنان

مطابق پاره ای از روایات، حضرت وقتی که از خانه بیرون می آمد شمله می پوشیدند، (شمله روپوش فراگیری بود که کاملاً سر تا پای حضرت زهرا (علیها السلام) را می پوشاند).

و نیز حضرت زهرا (علیها السلام) در وصیت خود به علی (ع) فرمود جنازه ام را با تابوت (که پوشاننده است) حمل کن.

و در این مورد، وقتی اسماء بنت عمیس، تابوت پوشاننده ساخت، حضرت زهرا (علیها السلام) خرسند شد و فرمود بسیار خوب و عالی است این حوادث بیانگر آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) که باید الگوی زنان خداپرست و مسلمان باشد، برای خود حجاب برتر را برگزیند، و سفارش

می کرد که حتما مسلمانان در لباس، در مسکن، در رفت و آمد و زندگی و تقسیم کار و ... آن را رعایت کنند. (۸۹)

زن در اجتماع

چگونگی وضع ظاهری خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام)

یکی از اموری که بعضی برای وسعت دادن به اختلاط زن و مرد، به آن تمسک می کنند موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی است، موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی در برابر مردان است، در صورتیکه با تشریح چگونگی ورود حضرت زهرا (علیها السلام) و خطبه خواندن او به روشنی به دست می آید که این ماجرا هیچ گونه دلالتی بر اختلاط یا بی تناسبی آن با حریم حجاب و عفاف ندارد، بلکه بیانگر آن است که باید حتی در موارد ضرورت خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) برای تبیین امامت حق، باید حریم عفاف را کاملاً حفظ نمود، اینک در اینجا نظر شما را به ذکر متنی که بیانگر ورود حضرت (علیها السلام) به مسجد و خطبه خواندن اوست، و سپس به شرح کوتاه آن، جلب می کنیم

عبدالله بن حسن (نوه امام حسن مجتبی (ع)) از پدران خود نقل می کند، هنگامیکه ابوبکر و عمر به اتفاق هم، فدک را غصب کردند و این خبر به حضرت زهرا (علیها السلام) رسید در این هنگام حضرت زهرا (علیها السلام) روسری خود را بر سرش پیچید و عبای خود را که (روپوشی مانند چادر بود) بر سر نمود و همراه گروهی از همفکران و یاران و زنان خویشاوند به سوی مسجد حرکت کرد، آن حضرت در حال راه رفتن بر اثر شتاب یا بلندی لباس به قسمت پایین لباسش، پا می گذاشت

(یعنی قسمت پائین پیراهن بلند یا چادرشان، زیر پایش قرار می گرفت) راه رفتن او در (متانت و وقار) از راه رفتن رسول خدا (ص) هیچ کم نداشت و همانند او بود، تا اینکه آن حضرت بر ابوبکر وارد شد، در حالیکه ابوبکر در میان گروه بسیاری از مهاجر و انصار و سایر مسلمانان قرار گرفته بود، در این هنگام میان آن حضرت و مردم پرده ای نصب شد.

حضرت زهرا (علیها السلام) نشست، سپس ناله جانسوزی نمود که بر اثر آن صدای همه حاضران به گریه بلند شد، به گونه ای که گویی از صدای گریه، مسجد به لرزه در آمد، سپس حضرت زهرا (علیها السلام) اندکی سکوت کرد، تا مردم آرام شدند، و جوش و خروششان بر اثر گریه، فرو نشست، آنگاه خطبه را شروع کرد. (۹۰)

اعتراض شدید زینب (س) به یزید

در ماجرای اسارت زینب (علیها السلام) زنان خاندان رسالت و همراهان پس از حادثه خونین عاشورا، زنان خاندان رسالت و همراهان را به گونه ای وارد دمشق کردند که به آنها هتک حرمت شد، به طوری که روپوش آنها را غارت کردند.

هنگامیکه زینب و همراهان را به مجلس یزید وارد کردند، حضرت زینب (علیها السلام) در همانجا سخنانی شدیدی بر ضد روشهای ظالمانه یزید و یزیدیان نمود، از جمله بر سر یزید فریاد زد و فرمود

آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده بنشانی، ولی دختران رسول خدا (ص) را به صورت اسیر حرکت دهی، حریم پوشش زنان ما را بشکنی و نقاب از چهره آنها برداری.

سپس فرمود سوگند به خدا جز پوست خودت را نکنده ای و گوشت خودت را پاره پاره نکرده ای، حتما تو را

در (قیامت) نزد رسول خدا (ص) ببرند، با بار سنگین گناه، گناه ریختن خون اهل بیت آن حضرت، و هتک حرمت (حجاب) آنها، آنگاه حق ما از تو گرفته خواهد شد، و در آنجا عزت ما و ذلت خود را خواهی دید.

این فراز بیانگر آن است که خاندان رسالت در مورد، قداست حریم حجاب بسیار حساس بودند، به طوریکه هتک آن را در کنار گناه بزرگ ریختن خونشان، عنوان یک گناه بزرگ می شمردند، و با ذکر آن به سلطان ستمگر وقت، اعتراض می نمودند. (۹۱)

شهادت آیت الله آقا زاده در راه

مبارزه با بی حجابی

شهید آیت الله میرزا محمد خراسانی مشهور به آقا زاده فرزند آخوند آیت الله شیخ کاظم خراسانی صاحب کتاب کفایه الاصول است، وی در نیمه شعبان ۱۲۹۴ ه ق در نجف اشرف به دنیا آمد، و پس از رشد علمی و دریافت درجه اجتهاد، در سال ۱۳۲۵ ه ق (یک سال بعد از رویداد مشروطیت) به مشهد هجرت نمود، و در آنجا سکونت نموده علاوه بر تدریس و تربیت شاگرد، در امور سیاسی دخالت می کرد، و تا سر حد جهاد و تبعید و زندان، با هر گونه فساد مبارزه می نمود.

هنگامیکه رضاخان کشف حجاب اجباری را به اجرا گذاشت، مرحوم آیه الله آقا زاده همراه علمای دیگر، اعتراض شدید خود را اعلام نمود.

علمای برجسته مشهد مانند آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی، آیت الله حاج شیخ محمد آقا زاده، آیت الله شیخ هاشم قزوینی، آیت الله سید عبدالله شیرازی، آیت الله سید علی اکبر خویی، آیت الله شیخ غلامحسین قزوینی، آیت الله سید علی سیستانی و ... در بیت آیت الله العظمی سید یونس اردبیلی

(ره) اجتماع کردند و اعتراض خود را طی تلگرافی به رضاخان، ابلاغ نمودند، این تلگراف، با امضای ۳۱ نفر از علمای برجسته مشهد، مزین شده بود.

پس از کشتار فجیع مسجد گوهر شاد به دست مزدوران رضاخانی، چون رژیم پهلوی احتمال قیام عمومی را می داد، همه علمای مبارز را دستگیر کرده و از مشهد تبعید نمود.

از جمله تبعید شدگان به تهران سه نفر از مراجع برجسته بودند که عبارتند از آیت الله حاج آقا حسین قمی، آیت الله سید یونس اردبیلی و آیت الله شیخ محمد آقا زاده.

مرحوم آیت الله آقازاده وقتی به تهران رسید، به دستور رضاخان خلع لباس شد، و در دوره سر پاس مختاری (رئیس شهربانی وقت) با تزریق آمپول هوا به دست دکتر احمدی به شهادت رسید، و در روز ۳۱ ذیقعده سال ۱۳۵۶ در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد.

آری او در حالیکه بیش از ۶۲ بهار از عمر پر بار و شریفش نگذشته بود، به خاطر مبارزه با کشف حجاب، جان خود را فدا کرد تا امت اسلام بیدار گردند، و دستور حجاب را پاس دارند، و در برابر بی حجابی، مقاومت نموده و حریم حجاب و عفاف را از گزند دشمنان و غرب زدگان، و مزدوران استعمار حفظ نمایند. (۹۲)

چند فراز از گفتار شهید مطهری پیرامون حجاب

استاد شهید، علامه مرتضی مطهری در ضمن بیان تشریح فلسفه حجاب، و بیان چهار اصل به عنوان شاخصه های فلسفه حجاب که عبارتند از:

۱- آرامش روانی.

۲- استحکام پیوند خانوادگی.

۳- استواری اجتماع.

۴- ارزش و احترام زن، می نویسد

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد، و آن این است که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی،

چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد.

بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوئیهای جنسی به هم می آمیزد، اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند

وظیفه پوشش که اسلام، برای زنان مقرر کرده است، به این معنی نیست که آنها از خانه بیرون نروند، زندانی کردن و حبس زن در اسلام، مطرح نیست... پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند، و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد، آیات مربوطه همین معنی را ذکر می کند، و فتوای فقهاء هم مؤید همین مطلب است.

از نظر استعمارگران اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود، و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان، و ضعف اراده آنان، و ایجاد رکورد در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب، انجام خواهد داد.

به عقیده ما برای آرامش غریزه جنسی، دو چیز لازم است

۱- ارضاء غریزه جنسی در حد نیاز طبیعی (با ازدواج).

۲- جلوگیری از تهییج و تحریک آن (با پوشش). (۹۳)

عوامل بی حجابی یا بدحجابی

از مطالب گذشته و بررسی ریشه ها و زمینه ها چنین نتیجه می گیریم که عوامل بدحجابی را باید در امور ده گانه زیر خلاصه کرد

۱- هجوم فرهنگ غرب، و تلاش استعمار برای نابودی حجاب.

۲- اعتقاد به آزادی غلط، و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول.

۳- اعتقاد به

دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش.

۴- پیروی از هوسهای نفسانی و خوشگذرانی بدون قید و بند.

۵- دگرگونی ارزشها، و اعتقاد کاذب به اینکه شخصیت زن در این است که زیباییهایش آشکار باشد، که چنین حالتی بر اثر آگاهی یا عقده های درونی، و تربیت های ناصحیح است که موجب کمبودهای عاطفی شده، و زن را برای جبران آن به شیوه های غیر طبیعی و ناهنجار سوق می دهد، از جمله او را به بی حجابی و یا بدحجابی می کشاند.

۶- الگوهای دروغین، عامل دیگری برای بی حجابی و بدحجابی است، با توجه به اینکه انسان به طور فطری، الگوپذیر و الگو گزین است. اگر در این راستا، هدایت صحیح، او را راهنمایی نکند چه بسا با گزینش الگوهای غربی و غرب زده، و به بی حجابی و بدحجابی کشانده شود.

۷- تقلید کورکورانه و بدون دلیل که از جهل و عدم اعتماد به نفس و کمبود نشأت گرفته و انسانها را از راه راست منحرف می سازد.

۸- جایگزینی فرهنگهای بیگانه، و دور شدن از فرهنگ اصیل اسلام.

۹- بی محتوایی، و عدم استقلال فکری و ضعف تجربه و تحلیلهای عقلی و منطقی یکی از عوامل دیگر رو آوردن به ناهنجاریها از جمله ناهنجاری بی حجابی و بدحجابی است.

۱۰- سستی و سهل انگاری، و زندگی بیمار گونه همچون زندگی معتادان که معلول ضعف اراده است، قطعاً ضعف اراده از عوامل مهم انحرافات و کج اندیشی ها و کج روشی خواهد شد. (۹۴)

رضاخان مامور کشف حجاب

قبل از انقلاب اسلامی ایران، بی حجابی و برهنگی در ایران آنچنان توسعه یافته بود که در تهران و بعضی از شهرها بین پسر و دختر تشخیص داده

نمی شد، و موجب مفاسد بسیار شده بود و روز به روز بر دامنه فساد و انحراف جنسی می افزود، رژیم منحوس پهلوی، بی حجابی را به عنوان تمدن و رشد فرهنگی، عنوان می کرد، و با انواع ترفندها از آن ترویج می نمود، برای اینکه نسل جوان ما که در آن عصر نبودند، دورنمایی از آن عصر و وضع خاندان پهلوی را در رابطه با حجاب دریافت نمایند، دو داستان زیر را بخوانید تا بیشتر قدردان جمهوری اسلامی ایران باشید. (۹۵)

در آن زمان که رضاخان سلطنت می کرد به روشنی معلوم بود که از طرف انگلیس، به نام تمدن، مامور کشف حجاب است، لذا او خود پیشتر این گناه بزرگ شد، به عنوان نمونه می نویسند

در عید نوروز سال ۱۳۶۰ هـ ش برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۴۶ هـ ق) رضاخان همسر و دو دخترش به نامهای شمش و اشرف را بدون حجاب به قم فرستاد، این سه زن بی حجاب می خواستند با همان وضع برای به اصطلاح زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) وارد حرم گردند، مردم قم و زائران اجتماع کردند و بر اثر خطابه سید ناظم واعظ احساس مسئولیت کرده و تنفر خود را از ورود این سه زن با سربرهنه به حرم مطهر اعلام نمودند.

در این میان، عالم مجاهد حضرت آیه الله محمد تقی بافقی که از علمای نزدیک به مرجع آن عصر آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری بود، از حادثه اطلاع یافت و برای سه زن نامبرده چنین پیام داد

اگر شما مسلمان هستید مسلمان نباید با این وضع در این مکان مقدس حاضر شود، و اگر مسلمان نیستید باز حق ندارید، (زیرا کافر نباید وارد حرم

گردد).

خانواده رضاخان به این پیام گوش نکردند، آیت الله بافقی شخصا به حرم آمد و به آنها اخطار شدید کرد و مردم را برای جلوگیری از ورود آنها با سر برهنه فراخواند، همین موضوع از طریق شهربانی به رضاخان گزارش شد، رضاخان شخصا با یک واحد نظامی خود را به قم رسانید، و خانواده خود را از دست مردم نجات داد و با کمال گستاخی، با چکمه وارد صحن مطهر گردید و آیت الله بافقی (ره) را مورد ضرب و شتم قرار داد، سپس به دستور او، دژخیمان آن عالم ربّانی را به زمین خواباندند و شاه با عصای ضخیم بر پشت او می زد و او با فریاد می گفت ای امام زمان! به فریاد برس.

سپس آیت الله بافقی را به جرم مبارزه بابی حجابی، مدّتی زندانی کردند و بعد از آن او را به شهر ری تبعید نمودند، او در آنجا به عبادت اشتغال داشت تا از دنیا رفت، سپس جنازه مطهرش را به قم آوردند و در مسجد بالاسر حرم، به خاک سپردند. (۹۶)

زن بی حجاب

چه قدر ارزشمند است محل نشستن و سوار شدن زنان و مردان در اتوبوسهای شرکت واحد، در اکثر نقاط ایران، جدا گشت، و در آن حریم حجاب رعایت شده است و.. این وضع زیبا را با وضع رژیم شاهنشاهی مقایسه کنید که دوستی می گفت

در اتوبوس شرکت واحد سوار بودم، دو نفر جوان جلف کنارم نشسته بودند، دختری آرایش کرده و بی حجاب وارد اتوبوس شد، آن دو جوان حریصانه به او نگرستند یکی به دیگری گفت

بنویس! این دختر از نظر قد و قامت، نمره اش ۲۰ است، دیگری گفت بنویس! در

مورد بینی نمره اش ۱۸ است و ... دختر سخنان آنها را شنید و با تندی به آنها گفت بروید گم شوید، مرده شور ریختن را ببرد، یکی از آنها بی درنگ گفت بنویس از نظر اخلاق نمره اش صفر است.

آیا به راستی به نظر شما مقصّر چه کسی بود؟

اگر عمیق فکر کنید و با انصاف باشید خواهید گفت مقصّر آن دختر و یا آن بانو بود که با آن وضع ظاهر شده بود. (۹۷)

عَلَّتْ شَكْسَتْ سِپَاهِ مُوسَى (ع)

حضرت موسی (ع) با تلاشهای پی گیر خود به تدریج بر ستمگران پیروز شد و پرچم توحید و عدالت را در نقاط زمین به اهتزاز آورد، او برای توسعه خدا پرستی و عدالت همواره می کوشید، در آن عصر شهر انطاکیه (که فعلاً در ترکیه واقع شده) شهر با سابقه و پر جمعیتی بود ولی ساکنان آن همراه در تحت حکومت خود کامگی ستمگران به سر می بردند و از نظرات گوناگون در فشار قرار داشتند.

موسی برای نجات ملت انطاکیه راهی جز سرکوبی ستمگران و فتح آن شهر و حومه نمی دید، برای اجرای این امر سپاهی به فرماندهی یوشع و کالب تشکیل داد و آن سپاه را به سوی انطاکیه رهسپار کرد.

عده ای از مردم نادان و از همه جا بی خبر و اغفال شده انطاکیه گرد عابد خود بلعم باعور که اسم اعظم را می دانست جمع شده از او خواستند تا درباره حضرت موسی (ع) و سپاهش نفرین کند، بلعم در ابتدا این پیشنهاد را رد کرد، ولی بعد بر اثر هواپرستی و جاه طلبی جواب مثبت به آنها داد، سوار بر الاغ خود شد تا به سر کوهی که

سپاه حضرت موسی (ع) از بالای آن پیدا بودند برود و در آنجا در مورد حضرت موسی (ع) و سپاهش نفرین کند، در راه الاغش از حرکت ایستاد، هر چه کرد الاغ به پیش نرفت حتی آنقدر با ضربات تازیانه اش آن را زد که کشته شد، سپس آن را رها کرد و پیاده به بالای کوه رفت، ولی در آنجا هر چه فکر کرد تا اسم اعظم را به زبان آورد و نفرین کند به یادش نیامد و خلاصه چون به نفع دشمن و به زیان حق و عدالت گام برمی داشت شایستگی استجاب دعا در موردش از او گرفته شد و با کمال سرافکنندگی برگشت.

او که تیرش به هدف نرسیده بود و به طور کلی از دین و ایمان سرخورده شده بود، دیگر همه چیز را نادیده گرفت و سخت مغلوب هوسهای نفسانی خود گشت از آنجا که دانشمند بود، برای سرکوبی سپاه حضرت موسی (ع) راه عجیبی را به مردم انطاکیه پیشنهاد کرد، که همواره برای شکست هر ملتی، استعمارگران از همین راه استفاده می کنند، آن راه و پیشنهاد، این بود.

مرد انطاکیه از راه اشاعه فحشاء و انحراف جنسی و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل گردند، دختران و زنان زیبا چهره و خوش اندام را با وسایل آرایش بیاریند و آنها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سپاه حضرت موسی (ع) می کنند و سفارش کرد که هر گاه کسی از سربازان سپاه حضرت موسی (ع) خواست قصد سوء با آن دختران و زنان کند مانع او نشوند.

آنها همین کار را انجام دادند

طولی نکشید که سپاه حضرت موسی (ع) با نگاههای هوس آلود خود که به پیکر سفیر عربیان زنان آرایش کردند و کم کم در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند، سپس کار رسوایی به اینجا کشید که رئیس یک قسمت از سپاه حضرت موسی (ع) زنی را به حضور حضرت موسی (ع) آورد و گفت خیال می کنم نظر شما این است که هم بستر شدن با این زن حرام است، به خدا سوگند هرگز دستور تو را اجرا نخواهم ساخت، آن زن را به خیمه برد و با او آمیزش نمود.

کم کم بر اثر شهوت پرستی، اراده ها سست شد، بیماریهای مقاربتی و طاعون زیاد گردید، لشکر حضرت موسی (ع) از هم پاشید تا آنجا که نوشته اند بیست هزار نفر از سپاه حضرت موسی (ع) به خاک سیاه افتادند و با وضع ننگینی سقوط کردند، روشن است که با رخ دادن چنین وضعی، شکست و بیچارگی حتمی است. این داستان یک واقعت تاریخی است، به خوبی بیانگر یکی از فلسفه های پوشش، برای زنان است.

خدا را شکر که در پرتو جمهوری اسلامی، در کشور ایران، از بی حجابی و سبکسری ها جلوگیری شد، امید آنکه با هوشیاری بیشتر، از بدحجابی و ورود فرهنگ ننگین غرب، نیز پاکسازی گردد و جامعه سالم بماند. (۹۸)

حقیقت زن

چنانچه زن مایه مباهات است، حجاب سند شخصیت زن است نه وسیله عقب ماندن او در اجتماع، حجاب حریم مقدس و قلعه آرامش زن است، رسم است که هر چیز با ارزش را پنهان دارند تا از دستبرد نااهلان مصون باشد.

ای زن، تو نیز با حجاب باش تا اسرار وجودت، از ارزش نیفتد.

حجاب پوشش جسم تو

است.

چرا که پیامبر اکرم (ص) آن را برای تو به ارمغان آورد، تا با استفاده از آن به امنیت بررسی و باوقار آزادی در جامعه ظاهر شوی و جذابیت وجودت باعث نشود که میکروبها و انگلهای جامعه حقیقت وجود تو را تهدید نموده و آن را به فساد و تباهی بکشاند.

حجاب صدف است و گوهری گرانبها، با حجاب شدن به نمایش گذاشتن شخصیت واقعی زن و محدود کردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل است و بی حجابی یعنی پنهان شدن حقیقت زن و در پوشش جاذبه جنسی و بدحجاب میکروب جامعه است که بر روح و افکار افراد رسوخ می کند و آن را مشوش می کند.

حجاب به عنوان سرمایه عظیمی برای زن است، این نقش مهم را ایفا می کند،

پرده سیاهی بر چشم هوسبازان کشیده و به او اجازه می دهد سرمایه های وجود خویش را در کانون گرم خانواده متمرکز نموده و با عرض استوار و خلل ناپذیر اولین هسته اجتماعی را پی ریزی کند.

اگر خداوند متعال حجاب را بر زن واجب کرد، چون زن یک موجود زینتی و ظریفی است و می خواسته با این حجاب زن را یک موجود محترم بداند نه اینکه فقط وسیله ای باشد برای دفع شهوت مرد. (۹۹)

هتاک و خشونت برای مبارزه حجاب

در خاطرات صدرالاشرف آمده است

در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی دادند و در معابر پاسبانها از اهانت و کتک زدن به زنانی که چادر داشتند با نهایت بی پروایی و بی رحمی فرو گذار نبودند.

حتی بعضی از مامورین به خصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده پاره پاره می کردند

و اگر زن فرار می کرد او را تا توی خانه اش تعقیب می کردند، و به این اکتفا نکرده، اتاق زنها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می دیدند، پاره پاره می کردند یا به غنیمت می بردند.

محمد رضا شاه راجع به کشف حجاب در کتاب ماموریت برای وطن اشاره دارد، می گوید اقداماتی که پدرم برای ترقی و پیشرفت معنوی بانوان به عمل آورد، طبعاً با مخالفت‌هایی مواجه می گردید، ولی با آن شهامت و دوراندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را هموار می ساخت چنانکه مثلاً در سال ۱۳۰۷ که مادرم به زیات عتبه منوره (حضرت معصومه (علیها السلام) به قم مشرف شده بود، با وجود آنکه خود و همراهانش در نقاب بودند، ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود، از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن و توهین قرار گرفتند.

به مجردی که این خبر به تهران رسید، پدرم با چند کامیون سرباز به آن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصا تنبیه فرمود ...

پدرم در آغاز به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه های

خود و مجالس مهمانی به لباس اروپایی در آمدند وعده کمی هم جرات کرده، بدون حجاب در خیابانها ظاهر می شدند.

در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموز، با داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی رفتند. بالاخره در سال ۱۳۱۴ روز هفدهم دی پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادرم و خواهرم خواست

که بدون حجاب همراه وی در یکی از جشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند.

جشن مزبور به مناسبت اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانش سرا فارغ التحصیل شده بودند، برگزار می شد و موقع بسیار مناسبی برای این تصمیم عمومی بود.

تا آنجائیکه اطلاع دارم این اولین باری بود که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می جستند و پر واضح است که موقعیت در این آزمایش بزرگ مرهون ابتکار پدرم و تا درجه ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه و مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود، قیام کنند.

اما رضاشاه می دانست که بسیاری از مردم ترقی خواه کشور و روحانیون دانشمند و کسانی که در خارج یا در تهران در مدارس خارجی تحصیل کرده بودند، طرفدار تصمیم عاقلانه او هستند.

اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد.

به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا می شد، پاسبان از وی تقاضا می کرد که روبند خود را بردارد، و اگر امتناع می کرد اجباراً او را برمی داشتند.

سرانجام با اعلام رسمی کشف حجاب زنان از طرف رضاخان در سالهای قبل و بعد از ۱۳۱۴ جامعه ما با دو گروه مواجه بود دسته ای که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و به دنبال آن به خاطر آزادی و تساوی حقوق تغییر لباس را نیز پذیرفتند.

و گروهی دوم این تغییر لباس را قبول نکردند و دقیقاً آنها بودند که آن فرهنگ را

نپذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح ترقی و آزادی و تساوی حقوق صد البته به اصطلاح غربی را نخورده بودند و همانهایی بودند که در برابر آن همه زور و قلدری مقاومت کردند. مساله به ظاهر خیلی ساده بود، رضاخان می خواست زنان را از چادر بیرون آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مدرن کند، ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده، تا سر حد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن پوشند اما لباس غربی نپوشند.

راستی که دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه غرورانگیز در تاریخ ملت ماست. (۱۰۰)

چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد

در تفسیر ابن کثیر آمده

ام سلمه روایت کرده، وقتی که آیه فوق نازل شد، زنان طایفه انصار جامه های پشمی سیاه به سر می کردند، و در سیاهی مانند زاغها بودند، و با همین وضع از کنار رسول خدا (ص) عبور می کردند.

رسول اکرم (ص) در این مورد به آنها اعتراض نکرد، و همین دلیل تقریر و امضاء آن حضرت است، و تقریر او مانند قول او حجت می باشد. (۱۰۱)

انهدام خانواده

در یکی از خانواده های محترم، زنی زیبا و خوش اخلاق زندگی می کرد، او با شوهر و چهار فرزندش با وجودی که شوهرش چندین سال از او بزرگتر بود. در یک جو پر مهر و محبت و با تفاهم کامل روزگار را سپری می کردند.

نزدیک خانه ایشان کاسب خبیثی بود که همیشه به زیبایی آن زن (که بی حجاب بود) چشم دوخته و در او طمع می کرد، کم کم با کلمات و نغمه های عاشقانه ای او را فریب داد و به او گفت تو زنی زیبا و کم سن هستی، چگونه به زندگی با این مرد بزرگسال تن می دهی؟!

و پیوسته در گوش او زمزمه می کرد ... تا اینکه شوهر آن زن تحت فشار همسر فریب خورده اش مجبور شد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان کاسب ازدواج کند، به این ترتیب (بی حجابی) کانون گرم خانواده ای را منهدم، میان دو همسر جدایی و بالاخره فرزندان آنها را ضایع و آواره ساخت. (۱۰۲) و همه بلاها بر اثر بی حجابی بود. اگر این زن حجابش را در دست می گرفت چشم دزدان ناموس به او نمی خورد و زندگی شیرین منهدم نمی گشت.

جنایتهای خاندان پهلوی

پهلوی اول دستور داد هر رئیس صنفی باید هم صنفان خود را در روز معینی همراه با زنانشان و بدون حجاب در محلی جمع نماید.

روز اول از خود شاه و زن بی حجابش شروع شد، روز بعد از وزراء و خانواده هایش و روز سوم و کلا ... و به همین ترتیب تا یک روز هم نوبت به اهل علم و خانواده هایشان رسید.

این برنامه ریزی برای آن بود که اهل علم را مجبور به چنین عملی بکنند و

در نتیجه بی حجابی رواج پیدا کند.

شاه از امام جمعه خواست این کار را ترتیب دهد، امام جمعه آن وقت از شاه مهلت خواست چون می دانست گوش ندادن به حرف شاه چه عاقبت سختی را به دنبال دارد.

امام جمعه به نزد مرحوم آیت الله سید محمد بهبهانی (قدس سره) آمده جریان را به عرض ایشان رسانید ایشان فرمود این را بدانید برای هر انسانی چهار چیز است.

یکی مال، دیگری زندگی، سوم ناموس، چهارم دین حال اگر بنا باشد یکی از این فدای دیگری بشود، باید مال را فدای زندگی، زندگی را فدای عرض و تمام را فدای دین کرد.

بعد مرحوم آیت الله به امام جمعه فرمود شما عمر خود را نموده اید و از عمرت چندی بیش باقی نمانده چه بهتر که دستور را عملی نکنی، زیرا اگر به دستور شاه عمل کردی خودت را به عذاب ابدی گرفتار خواهی نمود.

اضافه بر این تاریخ هم ترا لعن می کند، اما اگر کشته شوی سعادت دنیا و آخرت را برای خود کسب نموده ای پس از آن شاه امام جمعه را برای گرفتن جواب طلبید، امام جمعه همان جوابی را به شاه داد که آن مرحوم فرموده بود.

پهلوی از سخن او بسیار خشمگین شده گفت این سخن او نیست بلکه سخن سید محمد بهبهانی است و به ناچار آن عالم را رها ساخت و خداوند هم آنها را از شر پهلوی نجات داد و به عزت دنیا و آخرت نائل گشته رحمت خدا بر آنان باد. حقانیت حجاب

(۱۰۳)

حجاب، مانند فانوس است و زن شبیه به شمع است و حیا و عفت او همانند نور شمع، یعنی زن عقیف همچون شمع

روشن است و زنی که عفت خود را از دست داده و بی حیا شده چون شمع خاموش است.

در قدیم فانوس یک ظرفی بود مسی و یک پارچه شمعی که نور پس می داد، در اطرافش بود، شمع را داخل آن می گذاشتند و بعد روشن می کردند حال اگر باد می وزید این شمع خاموش نمی شد. اما اگر شمعی بیرون بود، همین که نسیمی می وزید، خاموش می شد زن شمع و این حجاب چون فانوس است روشنی همیشه شمع به فانوس است.

شمع اگر بخواهد روشن بماند، باید در این فانوس باشد و این فانوس برای حفظ نور و روشنایی اوست و زندان نیست. (۱۰۴)

پر طاووس

طاووس تا وقتی که پر دارد زیبا و قشنگ است اگر پر طاووس را از او بگیری و عریان بشود، چقدر زیبایی خود را از دست می دهد. در حقیقت حجاب برای زن همانند پر برای طاووس است. (۱۰۵)

پوشش برای شیر زن آگاه

چون پر بود که زینت طاووس است

ارزش چادر

می دانید چادر یعنی چه؟

در خانه شما چقدر ارزش دارد؟

بگو ۱۰۰ هزار تومان حال اگر این در کنده بشود و یک شب بی در باشی، چقدر ضرر دارد؟

چادر یعنی در خانه. ۱۰۰ هزار تومان می دهد، یک میلیون تومان حفظ کند.

دور خانه هایتان سیم و میله می زنید، یعنی چند هزار تومان خرج می کنید، اما صد برابرش را حفظ می کنید، خارجی ها چادر ندارند پس خانه شان هم در ندارد البته دیوار هم ندارد.

هر که خواهد گو بیا و هر که خواهد گو برو.

شما دیده بودید که در آبادان، انگلیسی ها آمده بودند آنجا خانه ساخته بودند.

آنجا دیوار نکشیده بودند، گفتند چرا نمی کشید؟

گفتند با دیوار فضای خانه گرفته می شود. باید خانه باز و دلپاز باشد و همه خانه ها می شود یک خانه.

حال بیا و همه خانه ها را نگاه کن. زنها از خانه بیرون می آمدند! اما در معرض دید همه مردم، آبادانها که این طور نبودند،

انگلیسی ها این ارمغان را برای ایشان آوردند. و الاّ اینها از غیورترین و جدّی ترین مردم بودند. اما مدتی با اینها معاشرت کردند و عوض شدند.

الان هم دارند زنده می شوند و خودشان را دارند حفظ می کنند و گذشته را جبران می کنند چه شهیدهای خوبی اینها در انقلاب دادند و چه صبر خوبی در دوران مهاجرت انجام دادند اما این غم فسادى که اینها خوردند از معاشرت با

انگلیسی ها بود.

شما می دیدید خانواده هایی که وضع خوبی داشتند، رفتند اروپا و برگشتند و بی غیریت شدند. (۱۰۶)

بخشنامه ضد حجاب

وزیر آموزش و پرورش رژیم گذشته منوچهر گنجی به دستور مسئولان رژیم بخشنامه زیر را برای اجراء به سراسر کشور صادر کرد

(۲۳/۸/۲۵۳۵) (۱۳۵۵ شمسی) شماره ۲۴۳/۳۶ از دفتر خدمات محرمانه)

اداره کل آموزش و پرورش

طبق گزارشات رسیده، مشاهده می شود هنوز در جلسات امتحانات مدارس و در کلاسهای درس دوشیزگان با چادر حضور پیدا می کنند و با توجه به تحولات بنیادی که در عصر رستاخیز در کلیه شئون کشور به خصوص در زمینه آزادی زنان بعمل آمده اند لذا استفاده از چادر صرف نظر از اینکه با روح انقلاب سفید ایران سازگاری ندارد، از نشانه های عقب ماندگی زنان از کاروان ترقی و تمدن نیز به شمار می رود.

دستور فرمائید مراقبتهای لازم به عمل آید که در کلاسهای درس و جلسات امتحانی دانش آموزان و بانوان بدون چادر و با لباس مناسب شرکت نمایند.

مدیر کل و رؤسای ادارات آموزشی و پرورشی مسئول اجراء این دستور می باشند وصول بخشنامه و نتیجه اقدامات محوله را به دفتر حفاظت اعلام دارید.

وزیر آموزش و پرورش منوچهر گنجی

لازم به تذکر است که منوچهر گنجی از عناصر فراری رژیم گذشته و از ضد انقلابیون مقیم خارج کشور است که اسناد ارتباطش با سیا و اخبار دریافت کمک وی از آمریکا در سالهای گذشته منتشر شده است (ماهنامه صبح سال دوم شماره ۶۶ ص ۶۲ عین بخشنامه را گردآوری کرده است).

بخشنامه یادشده دو سال قبل از انقلاب صادر شده است و ملاحظه می کنید که اگر انقلاب نشده بود رژیم منحوس چه فاجعه ای بوجود می آورد.

چنانکه در سال ۱۳۵۵ نیز تصویب

کردند که ضمن تعلیمات اجباری ورود بانوان، دانشجویان و دانش آموزان دختر باحجاب به مراکز آموزشی ممنوع است، سوار کردن افراد با حجاب به قطار، هواپیما و ماشین های شرکت واحد ممنوع می باشد و بلیط به آنها فروخته نمی شود فقط بانوان ۶۰ سال به بالا مستثنی هستند و نگارنده خود قبل از انقلاب در یکی از شهرهای غرب کشور شاهد بودم که زنان بی حجاب را آنهم با وضع بسیار زننده ای در مدارس راهنمایی پسرانه به عنوان معلمین دینی منصوب کرده بودند و بارها می دیدم که معلمین بی حجاب آرایش کرده در خیابانها راه افتاده و دانش آموزان را که همانند عروسک آنها را درست کرده بودند بدنبال خود می گردانیدند.

خدا را شکر می کنیم که با این انقلاب اسلامی ملت ما به خصوص زنان و جوانان از آثار خانمانسوز نقشه های بیگانگان در امان ماندند و الحمدلله. (۱۰۷)

ارزشهای گرانقدر حجاب

زن با حجاب و چادری، رضایت پروردگار را به دست می آورد.

زن بد حجاب و بی حجاب سبب خشنودی شیطان می شود.

حجاب مواظبت از گل می باشد.

جمال زن در جلال حجاب است.

زن با حجاب، نزد شوهر محبوبتر است.

حجاب باعث آرامش روح است.

حجاب نشانه عدم کمبود و عدم حقارت نفس است.

حجاب، باعث دوام بیشتر زندگی می شود.

اضطراب در زنان با حجاب، نسبت به بد حجابها کمتر است.

حجاب مصونیت است، نه محدودیت.

حجاب و چادر، نشانه عفاف زن است.

دختر با حجاب، زودتر همسر می یابد.

حجاب، ارزش زن را بالا می برد.

حجاب، یعنی، گسستن قیود اسارت نفس و رهایی از آن است.

فساد و سقط جنین در با حجابها کمتر است.

زن با حجاب، مردان هرزه را در اهدافشان ناامید می کند.

حجاب نشان دهنده حیا و پاکی روح و روان زن است.

زن

با حجاب، در تحصیل علم موفقتر است.

حجاب و تقوا، آدمی را بهشتی می کند.

حجاب، مانع ایجاد فرزندان نامشروع می شود.

حجاب، نشان دهنده استقلال در فرهنگ مذهبی و ملی است.

چادر مشکی زن و حجاب او، تیر زهر آلودی بر قلب شیطان بزرگ است.

حجاب، خطرات اوباش و اراذل را از زن دور می کند.

طلاق و فروپاشی زندگی در زنان با تقوا و با حجاب کمتر است.

زن محجبه، باعث عزت و سرافرازی خود و شوهرش است.

محجبه بودن، یعنی، خروج از ولایت شیطان و دخول در ولایت الله است.

زن با حجابش، دشمنان را در اهدافشان که همان ضربه به اسلام است، شکست می دهد.

زن با حجابش، روح شهدا را شاد می کند و به جرگه پیروان واقعی شهدا می پیوندد.

زن باحجاب، حق شوهر را ضایع نمی کند و به او خیانت نمی ورزد.

چادر مشکی، باعث غمگینی شیاطین و هرزگان و روشنی دل مؤمنان است.

حجاب زن، نشانه غیرت پدر، برادر و شوهرش است.

حجاب، مبین ایمان و اعتقاد زن به خداوند سبحان و روز قیامت است.

حجاب، بیانگر شخصیت حقیقی زن است، در حالی که بد حجاب اصالت و هویت خود را از دست می دهد.

زن چادری و با حجاب، مطیع خداست و زن بد حجاب، مطیع شیاطین است.

زن محجبه، شیطان را (در عمل خود که همان فساد و انحراف است نا امید می کند.

زن با حجاب، باحجابش به قرآن شریف و ائمه (علیهم السلام) و خون شهدا و ... احترام می گذارد، ولی بد حجاب به همه اینها کج دهنی می کند.

دختران و زنان با حجاب، از لحاظ روحی و اخلاقی سالمترند، در حالی که بد حجاب و بی حجاب با ناز و عشوه ... می
خواهد نقایص خود را جبران کند.

زن با

حجاب، با پوشش خود، آرایش و زینت را به شوهرش اختصاص می دهد، ولی بد حجاب با عشوه و آرایش خود، می خواهد محبوب همه باشد، نه شوهر خویش.

زن باحجاب، همچون مروارید است در صدف که به شوهرش اختصاص دارد، ولی زن بد حجاب، مانند جواهرات بدلی بدون پوشش هستند که در هر جا به چشم می خورند.

زن با حجاب، نخستین عشق و گوهر عفت خود را به شوهرش تقدیم می دارد، ولی زن بی حجاب و بی تقوا، بعد از معاشرتهای بسیار و در معرض نگاههای مختلف قرار گرفتن، شاید آخرین عشق خود را به شوهرش می دهد.

زن به بفرموده حضرت علی (ع) مانند گل خوشبو است.

حجاب باعث می شود، زن لطافت و طبیعت خود را از دست ندهد و مانند گلی شود که در دسترس همگان نیست و زود پژمرده نمی شود، ولی زن بی حجاب و بدحجاب، مانند گلی است که در اماکن عمومی و پارکها قرار دارد و سریع لطافت و طبیعت خود را از دست می دهد و باغبان که همان شوهر است، اندک اندک به گل بی اعتنا می شود.

زن محجوبه، چون کمتر دیده می شود، محبوب است و هر چه محبوب شد مطلوب است. (۱۰۸)

توصیه چارلی چاپلین به دخترش

چارلی که در آوریل ۱۸۸۹ در لندن به دنیا آمد، یکی از کمدین های مشهور جهان است.

در نامه ای به دخترش می گوید

برهنگی بیماری عصر ماست و من پیرم شاید حرفهای خنده آور می زنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری. (۱۰۹)

نتیجه

از آنچه گفتیم معلوم شد که زن، با حجاب خویش می تواند شرافت خویش را حفظ کند و زن شایسته ای برای همسرش باشد. زن با حجاب خود می تواند همسرش را اسیر خود گرداند و اگر شوهرش بی اعتقاد هم باشد به دنبال زن دیگری نرود که خود این مساءله، باعث استحکام نظام خانواده می گردد.

بر همین اساس بود که بازیگران و گویندگان سابق سینما و تلویزیون از آن کارها توبه کرده اند و هنرمند واقعی گشته اند و حفظ شخصیت حقیقی خود را در حجاب یافته اند و دانستند که پیش از آن ملعبه دست مشتی خدانشناس بوده اند، و از وجود و زیبایی آنان برای جلب مشتری بیشتر در فیلمها استفاده می شد، تا به این طریق زراندوزان از خدا بی خبر سریعتر به مطامع دنیوی برسند.

دلسوزانه به همه بانوانی که در این راهها قدم می نهند عرض می کنیم راهی که دیگران رفتند و سالها تجربه کردند و چیزی جز ضرر برایشان حاصل نشد، عاقلانه نیست شما آن راه را بروید.

تقاضا داریم به آغوش اسلام باز گردید و در سایه لطف و رحمت خداوند بزرگ زندگی کنید، که سعادت دنیا و آخرت در آن است.

و گناه و نافرمانی حق تعالی ضررش به خود انسان بر می گردد. بر همین اساس خداوند سبحان می فرماید ... یا ایها الناس انما بغیکم علی انفسکم ... ای مردم،

طغیان و سرپیچی از دستورات الهی، ضررش به شما بر می گردد. (۱۱۰)

فساد و سقوط اجتماع

از دیر باز فساد، عامل تباهی اجتماعات بشری بوده است بطوری که می توان این تجربه را به عنوان یکی از قوانین حاکم بر ملت‌ها بحساب آورد که تاریخ موارد آن را به طور مکرر ثبت کرده است.

امتهای گذشته، مسلمان و حتی جوامع غیر اسلامی هر یک زیانهای ناشی از این فرهنگ را متحمل گشته اند که در این نوشتار بذکر نمونه ای از هر یک بسنده می کنیم.

شکست مسلمانان و زوال اسلام در اندلس

اندلس که امروز اسپانیا نامیده می شود در سال ۷۱۱ میلادی به تصرف مسلمانان در آمد با آن که اروپا در حالت توحش و قرون وسطائی می زیست، مسلمانان اسپانیا را باوج تمدن و دانش رساندند.

دکتر گوستاولوبون دانشمند معروف فرانسوی در این باره می نویسد:

در زمان مسیحیان اسپانیا قبل از اعراب، تمدن و آبادی جز همان مقدار که وحشیان گوت داشتند در این کشور بچشم نمی خورد، اعراب مقارن با پایان فتوحات خود در این سرزمین دست به اصلاحات و عمران و آبادی زده و در زمانی کمتر از صد سال توانستند زمینهای لم یزرع و موات را زیر کشت و زرع در آورده و شهرهایی که به صورت ویرانه در آمده بود از نو بسازند و بناهای بسیار عالی و مهم در آنجا بنا کنند و از طرفی ارتباطات خارجی با کشورهای دیگر برقرار سازند.

سپس دست به ترویج علوم و دانش زده به همین منظور کتب یونانی و لاتینی را به زبان عرب ترجمه کردند، دانشگاههای بزرگی تاسیس نمودند که یکی از همین دانشگاهها مدت زمانی مرکز نشر علوم و معارف در تمام قاره اروپا شده بود ... و در حقیقت قرطبه برای مدت سیصد سال مترقی ترین شهرهای دنیای آنروز بوده است.

مسلمانان

حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت مهد علم و تمدن گردیده بود تا آنکه دشمنان با انتشار فساد و بی حجابی و رواج مشروبات الکلی و بی بندوباری و بالاخره در اثر اختلاف زمامداران حکومت مسلمانان ساقط گردید.

بلکه طبق نوشته دکتر گوستاولوبون بعد از سقوط حکومت مسلمین، نخست مسلمانان را بزور وادار به قبول دین مسیح کردند، سپس محکمه های تفتیش عقائد، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را داد.

به بهانه اینکه اینها واقعاً به دین مسیح در نیامده اند و بقیه را وادار به مهاجرت کردند. در سال ۱۶۱۰ میلادی دولت اسپانیا دستور داد تمام اعراب از اسپانیا بیرون روند و مهاجرت کنند اعراب که با این دستور ناچار به جلای وطن گشتند در سر راه که می خواستند از اسپانیا هجرت کنند بیشترشان بدست مسیحیان کشته شدند آنگاه به نقل از راهب بلیدا می گوید ۴/۳ این مهاجران در اثنای مهاجرت کشته شدند.

و اضافه می کند و او (بلیدا) همان کسی است که کاروان یکصد و چهل هزار نفریشان را کشت. این مورخ معروف فرانسوی بنقل از سدیلو مورخ معروف می نویسد از زمانی که فردیناند اسپانیا را فتح کرد، تا آخرین مهاجرت اعراب سه میلیون نفر از نفوس اسپانیا کاسته شد.

می بینیم چگونه یک ملت مسلمان بر اثر فساد؛ حکومت، فرهنگ، دین و حتی جان خود را از دست دادند.

آری اینست نتیجه جوامعی که از مسیر فطرت منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه ور شده اند. باشد که کشورهای اسلامی از آن درس عبرت بگیرند.

پیامبر (ص) فرمود لا یُلدغ المؤمن من من جحرٍ مرّین

مؤمن هرگز از یک سوراخ دو بار

گفته ها

به راستی فساد به صورت کنونی جز بدبختی و نکبت چه چیزی را با خود به ارمغان آورده است؟

عمق فاجعه ناشی از فرهنگ برهنگی آنقدر زیاد است که سران استکبار را هم بفریاد درآورده است کنندی رئیس جمهور اسبق آمریکا می گوید از هر هفت جوانی که به سر بازی اعزام می شوند ۶ نفرشان نالایق و سست عنصر از آب در می آیند و این بدان سبب است که افراط در شهوترانی استعدادهای بدنی و روانی آنان را کاسته است.

خروشچف رئیس اسبق اتحاد جماهیر شوروی در این باره می گوید

آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند، زیرا بی بند و بار و اسیر شهوات گشته اند.

ویل دورانت مورخ معروف می گوید ما میراث اجتماعی خود را با این فساد انبوه به هدر خواهیم داد.

جالب تر آنست که بدانیم عوارض شوم فساد بجائی رسیده است که حتی کنندی در خواست کمک کرده و می گوید نسل جوان اروپائی و آمریکائی هوسبازند من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم.

از این رو دانشمندان و روشنفکران و مصلحین اجتماع را دعوت می کنیم که در باره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید می کند فکری کرده و راه علاجی پیدا نمایند.

آری حجاب است که با کنترل غریزه و نظم و قانون بخشیدن با رضای آن جامعه را استوار ساخته، و آن را در مقابل عوامل سقوط بیمه خواهد کرد. بامید بیداری جوامع اسلامی و بازگشت به فرهنگ ملی اسلامی خود.

عاقبت اندیشی

مردی با اصرار از پیامبر گرامی اسلام (ص) خواست تا به او پندی بیاموزد؛ رسول اکرم (ص) تا سه بار به او فرمود اگر بگویم بکار می بندی؟

بار جواب شنید. بلی یا رسول الله.

آنگاه پیامبر فرمود

إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ إِنَّ يَكُ رُشْدًا فَأَمِضْهُ وَإِنْ غَيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ.

هر گاه تصمیم به کاری گرفتی در عاقبت آن کار بیندیش اگر دیدی عاقبتش خوب است آن را دنبال کن و اگر عاقبتش تباهی است از آن صرف نظر کن.

کاش بی حجابان عصر ما لحظه ای به نتایج کار خویش می اندیشیدند! و آینده فرزندان و جامعه خویش را با دست خود به خاطر تقلید از بیگانگان به آتش نمی کشیدند!!

غم انگیزترین فاجعه معاصر آنست که بعضی از زنان جوامع اسلامی به فطرت، مذهب، فرهنگ و تمدن ملی خود، پشت پا زده و بجای آنکه به عواقب شوم و خطرناک آن بیندیشند. افتخار می کنند که به فرهنگ از ما بهتران!؟

نزدیکتر شده و متمدن و متجدد! گشته اند.

کاش حفظ شخصیت زن و استواری جامعه خویش را بر خودنمائی و آرایشهای مبتذل مقدم می نمودند.

کاش بجای تقلید کورکورانه و غرق شدن در این مرداب خطرناک با دیده ای باز به بررسی فوائد حجاب و عوارض فساد پرداخته و آنگاه راه خویش را انتخاب می کردند. (۱۱۲)

حجاب پیام عاشورا

قیام خونین کربلاء که ماهیتش امر به معروف و نهی از هر منکر بود بنیان فساد را لرزاند. آری سالار شهیدان برای حفظ ارزشهای متعالی دین بپا خاست و به شهادت رسید. ولی رسالت عاشورا همچنان در قافله اسیران کربلا پی گیری شد، با قافله اسیران غم همراه می شویم تا از لابلای کلمات آن عزیزان پیام عاشورا را با گوش جان بشنویم.

یزید فاجعه کربلاء را با تبلیغات فراوان پیروزی خواند و مردم را برای تماشای پیروزیهایش دعوت کرد، اینک قافله اسراء نزدیک شهر دمشق رسیده است، ام کلثوم نزد

شمر آمد و فرمود ما را از راهی ببر که تماشاچیان کمتری جمع شده اند و سرهای مطهر شهیدانمان را از بین محمل و کجاوه های ما جدا کن و آنها را در جلو قافله حرکت بده تا توجه مردم به دیدن آنها جلب گردد و صورت دختران پیامبر از نگاه نامحرمان محفوظ بماند.

ام کلثوم اینگونه مسئولیت خویش را ادا نمود ولی به این درخواست توجهی نکردید.

قافله اسیران به شهر شام داخل شد سهل بن سعد ساعدی می گوید ناگاه دیدم زنانی بر شتران بی روپوش سوارند نزدیک شدم و از نخستین زن پرسیدم کیستی؟!

گفت سکینه دختر امام حسین (ع) هستم.

گفتم آیا حاجتی داری تا برآرم که من سهل بن سعد ساعدی هستم جد ترا دیدم حدیث او را شنیدم.

گفت ای سهل به حامل این سر بگو که آن را پیشتر برد تا مردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم پیغمبر (ص) نگاه نکنند. سهل می گوید چهار صد دینار دادم تا سر را جلوتر بردند.

قافله اسیران را نزد یزید آوردند زینب (علیها السلام) لب به اعتراض گشوده فرمود ای پسر آزاد شده!! آیا عدالت اینست که زنان و کنیزان را در پشت پرده و ما را در بین نامحرمان جا داده ای؟

اما سکینه (علیها السلام) اندوه جانکاهش را با گریه اظهار می کند. وقتی یزید از او پرسید چرا گریه می کنی؟

فرمود چگونه گریه نکند کسی که روپوشی ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بپوشاند؟

آری او می گوید که چرا روپوشی بر صورت ندارد. و بدین سان پیام مکتب عاشوراء نیز حفظ حجاب است. (۱۱۳)

تاریخچه، اهداف و شیوه

برهنگی و بی حجابی دامی

شیطانی است در قرآن برهنگی و فساد را از دامهای شیطان معرفی کرده است

یابنی آدم لا- یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوء تهما انه یراکم هو و قبيله من حیث لاترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لایؤمنون

ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را بفریبید، آنگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، لباسشان را از تنشان بیرون آورد تا عورتشان را به آنها بنمایاند شیطان و وابستگان او از جایی شما را می بینند که شما آنها را نمی بینید ما شیاطین را اولیاء دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

با توجه به آنکه لباس و حجاب وسیله ای است برای زینت، عفاف، و تقوی.

کشف حجاب هم از دامهای شیطان و اولیاء اوست. به همین جهت قرآن ضمن تشریح دامهای شیطان به مسلمانان اینگونه توصیه می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یاءمر بالفحشاء و المنکر و لولا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابداء و لکن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم

ای کسانی که ایمان آورده اید از دامهای شیطان پیروی نکنید هر کس از این دامها پیروی کند شیطان او را به فحشاء و منکر دستور می دهد و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نمی بود هرگز هیچیک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را که بخواهد تزکیه خواهد کرد و خدا شنونده و داناست. (۱۱۴) (۱۱۵)

تاریخچه بی حجابی

از فصلهای گذشته بخوبی معلوم شد که تاریخ حجاب به آفرینش اولین موجودات روی زمین یعنی حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) برمی گردد و فراز و نشیبهای

بی شماری که در طول تاریخ رخ داده نتوانسته آن را از بین ببرد. تاریخ بی حجابی به سبک جدید آن از رنسانس علمی صنعتی اروپا آغاز می شود و طبق شواهد تاریخی کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان، زمینه به اصطلاح آزادی!! زنان و امکان حضور آنان را در محیط کار پدید آوردند.

زنان بی خبر از همه جا در تلاش فراوان برای دست یافتن به حقوق اولیه خویش!! گول این تبلیغات دروغین را خورده و آنان را در این جهت یاری دادند!! دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت و به صورت سلاحی کار آمد برای تضعیف معنویت و اخلاق و سقوط اسلامی بکار گرفته شد و استعمارگران در جهت ترویج آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند در این راستا واژه های بسیاری تغییر کرد مذاهب جدیدی توسط استعمار ساخته شد حرفهائی در قالب علمی مطرح گردید و ... نخستین کشور اسلامی که اقدام به کشف حجاب از بانوان کرد افغانستان بود.

امان الله خان پادشاه افغانستان مسافرتی به اروپا کرده و در مراجعت از اروپا در سال ۱۳۰۶ شمسی به ایران آمد و از طریق خراسان به کشورش بازگشت به محض ورود به پایتخت اعلام نمود که زنان بایستی بدون حجاب باشند و نخست خود با همسرش بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد.

این بی پروائی آنهم در کشوری چون افغانستان موجب قیام عمومی در آن کشور گردید و امان الله خان ناچار به استعفا و ترک کشور شد.

دومین کشور را می توان ترکیه دانست بعد از سقوط دولت عثمانی در ترکیه آتاتورک در سال ۱۳۱۳

فرمان منع حجاب را صادر کرد.

در ایران آغازگر بی‌حجابی را زنی بنام قره‌العین دانسته‌اند وی که در سال ۱۲۲۳ در یک خانواده مذهبی در قزوین بدنیا آمد با ظهور باب به این مسلک استعماری پیوست. وی با کشف حجاب و آرایش کامل ظاهر می‌گشت و به ترویج بهائیت می‌پرداخت تا آنکه فشار افکار عمومی بر دولت ناصرالدین شاه بالا گرفت و قره‌العین معدوم گردید.

ولی زمینه‌سازی برای کشف حجاب به‌طور رسمی همزمان با اقدامات آتاتورک آغاز گردید در سال ۱۳۱۳ وزیر معارف وقت مسافرتی به شیراز می‌کند و به مناسبتی مجلس جشنی که از پیش تدارک دیده شده بود برپا می‌کند که عده زیادی از طبقات مردم در آن شرکت نموده بودند پس از ایراد سخنرانیها و نمایش در خاتمه آن عده‌ای از دوشیزگان بروی صحنه (سن) نمایان می‌شوند و ناگهان نقاب از چهره بر می‌گیرند و ارکستر رقص می‌نوازند و دختران به پای کوبی می‌پردازند.

اعتراض و فشار افکار عمومی در همان مجلس و در شهر بالا- می‌گیرد و رضا خان به خاطر هراس از قیام عمومی انجام این اقدام شوم را به تأخیر می‌اندازد. ولی پس از مسافرت به ترکیه و اطمینان از آنکه کشف حجاب در کشورهای اسلامی قیام عمومی را بدنبال نخواهد داشت به صورت جدی وارد عمل می‌گردد.

کتاب تاریخ بیست ساله ایران در این باره می‌نویسد مجالس جشن و سخنرانی ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران و سپس بتدریج در سایر شهرها برقرار می‌گردد. ولی پیشرفت زیادی نداشت و اکثریت مردم نه تنها استقبال نمی‌کردند بلکه با نظر تنفر می‌نگریستند تا روز ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ که

شاه به اتفاق ملکه و شاهدخت ها در جشن دانشسرای مقدماتی حضور یافتند.

محمود جم نخست وزیر وقت می گوید جالب تر از همه این بود که میهمانان حتی وزراء که یک عمر بود با هم دوست و رفیق بودند آنروز برای اولین بار صورت زنهای یکدیگر را می دیدند. چونکه تا آنروز هیچ دوستی مجاز نبود صورت زن دوست خود را ببیند.

البته این اقدامات بعد از به خاک و خون کشیدن اجتماع مردم مشهد صورت می گیرد در این اجتماع که در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۴ برای انصراف شاه از عمل تغییر لباس و کشف حجاب در مسجد گوهرشاد قبل از اعلام رسمی آن تشکیل گردیده بود قزاقان دژخیم با کشتن بیش از دو تا پنج هزار تن و اسیر کردن ۱۵۰۰ نفر، مردم را سرکوب و مرعوب نمودند، این موج خشونت به نظر رضاخان اعلام رسمی کشف حجاب را با یک قیام عمومی مواجه نمی ساخت.

زیرا که با این عمل دژخیمان به همگان ثابت کرده بود که از هیچ اقدامی جهت این نقشه استعماری اِباء ندارد.

رضاخان از این اقدامات طرفی نسبت تبلیغات مطبوعات وابسته هم تاثیر چندانی نداشت بالاخره با زور سر نیزه به عملی کردن کشف حجاب پرداخت.

امام خمینی در بیان خاطرات تلخ خود از این روز می فرمایند امروز هفده دی است من یادم هست که هفده دی چه شرارتی کرد این آدم (رضاخان)، چقدر به این ملت فشار آورد چه اختناقی ایجاد کرد، چه محترمانی را هتک کرد، چقدر سقط جنین شد.

در هفده دی و اطراف هفده دی چقدر ماموران و دژخیمان او به زن ها تندی کردند و زن ها را از توی خانه ها بیرون کشیدند،

کارهائی که او کرده است نمی شود شرحش داد.

مهدی قلی هدایت در این مورد می نویسد پلیس دستور یافت روسری را از سر زنها بکشد، روسری ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب، مدتی زد و خورد بین پلیس و زنها دوام داشت بسیار زنها را شنیدم که از خانه بیرون نیامدند ولی این سلاح نیز مؤثر واقع نشد.

این اقدامات توسط محمدرضا شاه نیز به طور جدی با برنامه ریزی گسترده و البته با ملایمت بیشتری دنبال شد تنها در یکی از جلسات برنامه ریزی کشف حجاب ۳۱ برنامه اجرائی برای برداشتن چادر نظیر استفاده از صدا و سیما، انتشار مقاله، آموزش غیر مستقیم کودکان در مدارس، ممنوع بودن چادر برای دانشجویان و کارمندان به تصویب رسید.

و بتدریج به مرحله اجرا گذاشته شد، زنان شریف و نجیب ایرانی اگر چه تحت فشار همه جانبه تبلیغات و عملکرد این پدر و پسر بودند. لکن جز اندکی نا آگاه اصالت خویش را حفظ کردند و برگی دیگر بر افتخارات خویش افزودند و با پیروزی انقلاب اسلامی جهان را متوجه ارزش آن قانون الهی نمودند. (بنابراین می توان گفت؛ توطئه کشف حجاب توسط استعمار انگلیس طراحی گردید، بهائیت در ایران مامور زمینه سازی آن گردید و مزدوران انگلیس امان الله خان در افغانستان، آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران عامل اجرای این توطئه شوم بودند.) (۱۱۶)

اهداف استعمار از کشف حجاب

این اهداف را از زبان خود آنان بشنویم

در پُروتکل اندیشمندان یهود آمده است ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید فروید از ماست و بزودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و بر

ملا انجام می شود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد. پیوسته همت و هدف او اشباع غرائز شهوانی اش گردد در آن صورت است که اخلاق فرو می ریزد.

فرانتس فانون که از طرف فرانسه مدیر بخشی از روانکاوی یکی از بیمارستانهای الجزایر بود می گوید مسئولین اداری فرانسوی که در الجزایر ماموریت داشتند اصالت ملت را نابود سازند و از طرف مراجع مربوطه موظف بودند مطلقاً تمام شکلهای زندگی را که ممکن است از نزدیک یا دور واقعیت و اصالت ملی را خاطر نشان مردم سازد، تجزیه کرده از هم بدرند.

(حداکثر کوشش خود را بر مساله چادر تمرکز داده آن را به منزله علامت اصالت ملی و وضع خاص زن الجزایری تلقی کردند) آنگاه می گوید موضع گیری آنچنانی نتیجه الهامی تصادفی نیست بلکه بعد از تجزیه و تحلیل های جامعه شناسان و مردم شناسان بود که متخصصین به اصطلاح مسائل بومی و مسئولین ادارات عمومی کار خود را هماهنگ ساختند در بادی امر این روش تمسکی است ساده و روشن به ضرب المثل قدیمی که می گوید زنها را در دست بگیریم همه چیز بدنبال آن خواهد آمد.

کشفیات جدید جامعه شناسان فقط کاری که کرده اینست که به این فرمول قدیمی روش خالص علمی بخشیده است. وی حضور مختلط مردان با خانواده خود در مجالس جشن یا از ازدواج با دختران فرانسه را از شیوه های انتقال فرهنگ فرانسه به خانواده های الجزایری ذکر می کند، بنابراین اعترافات، می توان اهداف استعمار را به طور خلاصه چنین ذکر نمود.

۱ تحقیر فرهنگی کشورهای جهان سوم و تحمیل فرهنگ مبتذل غرب.

۲ صدور فرهنگ تجدد و مصرف بجای تعلیم مبانی تکنولوژی و علوم.

ایجاد جمود فکری در اثر اشتغال به کام جوئی.

۴ تهیه بازار مصرف کالاهای تولیدی و در یک کلمه استعمار اقتصادی.

۵ زمینه سازی برای تسلط سیاسی از طریق سلطه فرهنگی.

۶ جلوگیری از تحرک و هر گونه مبارزه علیه منافع استکبار و در یک کلمه تسلط همه جانبه بر جهان و منابع اقتصادی آن.
(۱۱۷)

شیوه های استعمار در انتشار فساد

استکبار جهانی از شیوه های ذیل برای اهداف شوم خود استفاده می کند

۱ تضعیف مکاتب صحیح و سست کردن عقائد با ابراز فرضیه های به ظاهر علمی نظیر فرضیه های فروید یا به وجود آوردن مذهب مثل بهائیت مبانی فکری فساد را مستحکم نماید. با دقت در تاریخ علوم و ادیان بخوبی می توان دریافت که برخی از فرضیه های به ظاهر علمی یا اندیشه های مذهبی باطل ریشه استعماری دارد سعی در جا انداختن فرهنگ لذت و فراموشی هدفهای متعالی از این اقدامات است.

۲ هدایت و تفسیر تاریخ و علوم و حتی مذهب در جهت منافع خویش همفر جاسوس انگلیسی می گوید باید ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول گشته و مطلقاً سنت اسلام نیست.

مردم همسران پیامبر را بدون حجاب دیده اند ... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه ماموران ما آنست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی با زنان غیر مسلمان سوق دهند و کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.

می بینیم که تاریخ و احکام اسلامی خود را نیز باید از جاسوسان انگلیسی بیاموزیم و آنان برای ما باید مطالب را اثبات نمایند و شیوه زندگیمان را بیان نمایند.

۳ مخلوط کردن فرهنگ محلی با فرهنگ فساد در ترویج فساد

برای هر کشور به فراخور حال آن برنامه ریزی می کنند. لذا می بینیم از نظر پوشش در بعضی از کشورها تنها سرو کردن زن نمایان است، در برخی دیگر سر و گردن با مقنعه پوشیده اما دامنهای رنگی جذاب با پاهای برهنه و بدون جوراب و ناخن های لاک زده تحریک صورت می گیرد.

اما در هند شکم زنان نمایان است اگر چه بقیه اندام آنان پوشیده است، یا از مراسم مختلف برای این مقصد شوم استفاده می گردد. مثلا در ایران از مراسم عروسی در برخی دیگر کشورها از جشن گندم برای اختلاط زن و مرد استفاده می شود.

۴ طرح شعارهای عوام پسندانه به طور مثال می گویند دلت پاک باد حجاب یک امر ظاهری است در حالی که پاکی دل تنها با داشتن حجاب میسر است.

یا می گویند دیگر جامعه عوض شده است جامعه امروز اینگونه می پسندد ولی ما نباید تحت تاثیر محیط باشیم بلکه باید بر محیط تاثیر بگذاریم در زمستان همه جا سرما هست اما باید خود را از سرما خوردگی حفظ کنیم.

۵ القاء فرهنگ و مطالب غرب در تمام برنامه های صوتی، تصویری، فیلمهای سینمایی، تئاترها مجلات و روزنامه ها و کتب منتشر شده خود با استفاده از تکنیکهای روانشناسی و روانکاوی، گفته می شود تنها در تهیه برنامه های رادیویی اسرائیل ۴۰ متخصص روانشناس شرکت داشته تا مطالب به شنونده القاء گردد.

۶ طراحی و تولید لباس و کفشهای تحریک آمیز ارزان قیمت تا مردم برای خرید به آنها رو آورده و کم کم به طور ناخود آگاه الگوی مصرف عادی جامعه گردد، بنظر شما آیا کفشهای صدادار که توجه دیگران را جلب می کند بدون طراحی استکبار تولید می گردد؟

آیا جورابهای نازک با این فراوانی

و با مدل‌های مختلف بدون برنامه ریزی قبلی تولید و توزیع می‌گردد؟

۷ ترویج مُد گرایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم.

۸ قالب کردن تجدد بجای تمدن، فساد بجای علم، شهوترانی بجای پژوهش.

۹ ایجاد خانه‌های فرهنگ، رفت و آمد به کشورهای فاسد، و حتی از روابط تجاری در اشاعه فساد استفاده می‌شود.

۱۰ فراهم آوردن امکان تحصیلات عالی برای جوانان با توجه به محدودیت آن در کشورهای سوم، جهت غرب یا شرق زدگی آنان و به اصطلاح تربیت مزدوران محلی اشاعه دهنده فرهنگ مبتذل غرب بوسیله تعلیم دانش البته این اقدامات معمولاً به صورت تدریجی انجام می‌شود بطوری که کم کم لباس مورد نظر آنان عادی شده و حتی نسل بعد نمی‌داند که آداب و پوشش نیاکانش به چه صورت بوده است، زیرا حساسیت‌ها بتدریج از بین می‌رود و با عادی شدن یک انحراف، درمان آن نیز مشکل تر می‌شود.

بطور مثال ابتداء چادر حذف می‌گردد و بعد مقنعه‌ها تبدیل به روسری می‌گردد، کم کم مانتوها تنگ یا کوتاه شده آنگاه جوراب جای شلوار می‌گیرد و جورابها هر روز نازکتر می‌شود و ... باشد که با هوشیاری ترفندهای دشمن را شناخته و با آن به مقابله برخیزیم. و اصالت فرهنگی فکری و مذهبی خویش را پاس داریم و دشمن را از نفوذ و سلطه ناامید نمائیم. (۱۱۸)

بحران روسری نشانه وحشت غرب

چندی قبل دخترانی که با پوشش اسلامی در مدارس انگلستان و فرانسه حاضر شده بودند توسط مدیران این مدارس اخراج شدند.

این اخراجها و اعتراضات و گفت و شنودهای مربوط به آن، کم کم سراسر مطبوعات اروپا را فرا گرفت و بحرانی را بوجود آورد که اصطلاحاً بحران روسری نامیده شد.

بدون شک

انتخاب نوع پوشاک جزء ابتدائی ترین آزادیها و از بدیهی ترین حقوق انسانی می باشد. پس چرا در اروپا که خویش را مهد و مدّعی حقوق بشر می داند از پوشش حجاب جلوگیری می شود؟

آیا کسی که طبق اعتقادات خویش لباس مناسب و مورد نظرش را پوشیده می بایست از مدرسه اخراج گردد؟

این موج خشونت که قبلاً در کشور ترکیه، با اخراج دانشجویان دختر با حجاب اعمال گردیده بود، نشانه وحشت و هراس استکبار جهانی از حفظ حجاب اسلامی است، زیرا حجاب توجه زنان روشنفکر را به خود جلب کرده و آنان را به اندیشه و تفکر وا می دارد.

یکی از مؤسسات مطالعاتی لندن اعلام کرد آمار گرایش به اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران افزایش یافته است.

طبق این گزارش اکثر کسانی که به اسلام گرویده اند زنان تحصیل کرده غرب هستند! این گزارش نشان می دهد که آنها از نشر اسلام و حضور مسلمانان با هویت اسلامی بیمناکند و فشار زندگی ماشینی، حاکمیت سرمایه و شستشوی مغزی، مسخ انسانیت، تهاجم همه جانبه رادیو تلویزیون ها به افکار انسان غربی، نتوانسته جلو باز گشت زنان را به فطرت انسانی خویش بگیرد.

این بحران زنگ خطری برای قدرتهای بزرگ است، چرا که بیداری انسانها و باز گشت مسلمانان را به فرهنگ اسلامی خویش نوید می دهد. با این بیداری، تحقیر فرهنگ، به یغما رفتن ثروتهای عظیم اقتصادی که سلطه همه جانبه آنها و فقر روز افزون کشورهای جهان سوم را به دنبال خواهد داشت، پایان می پذیرد.

بحران روسری فصلی دیگر از باز گشت مسلمان به هویت اسلامی خویش می باشد که این بار سنگر حجاب به دفاع از آرمانهای خود پرداخته اند.

دشمن بخوبی می داند که با حفظ حجاب

جائی برای استحمار ملتها باقی نمی ماند و بزودی پایه های قدرت پوشالی آنان در هم خواهد شکست.

پس خواهرم تو نیز ارزش حجاب را بدان. آنقدر که دشمنان برای از بین بردنش حساسیت نشان می دهند تو نیز برای حفظش پافشاری کن.

خواهرم جایگاه بلند سربندی و چادر را ارج بگذار و بدین وسیله با دشمنان فرهنگ و کشورت ستیز کن. (۱۱۹)

رعایت حجاب

۱ پاسخی است به ندای درونی فطرت.

۲ نشانه تمدن است نه ارتجاع.

۳ در همه ملل رواج داشته و فرهنگ ملی ماست.

۴ شخصیت و احترام زن را فزونی می بخشد.

۵ مایه سلامت جسم و آرامش روانی است.

۶ مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن.

۷ باعث استحکام و افزایش نهاد خانواده می باشد.

۸ عامل استواری جامعه و زمینه ساز ترقی آن می باشد.

۹ احیاگر ارزشهای متعالی است.

۱۰ جاذبه زن را بالا برده و استعدادهای ادبی را شکوفا می سازد.

۱۱ اجرای قانون الهی است و رضایت خداوند را به همراه دارد.

بی حجابی و فساد

۱ با فطرت و تمایلات درونی انسان توافقی ندارد.

۲ مایه سقوط ارزش و جاذبه جنس زن می باشد.

۳ شخصیت انسانی زن را به فراموشی سپرده و تنها اذهان را به زیبایی های جسمی او متوجه می سازد.

۴ زن را تا حد یک کالا تنزل داده و او را ابزار تبلیغ کالاهای بُنجل قرار می دهد.

۵ یکی از نمودهای عقده حقارت بوده و موجب بسیاری از بیماریهای جسمی و التهابات روانی می باشد (آمار مرگ و میر و مبتلایان به امراض روانی را فزونی می بخشد).

۶ فرهنگ برهنگی، برهنگی فرهنگی است و از علائم توحش محسوب می شود.

۷ باعث فرسایش استعدادها و مانع استفاده از نیروی زنان است.

۸ اذهان را به شهوترانی متوجه و از ارزشهای متعالی و تربیت صحیح منحرف می سازد.

۹ بنیان خانواده را سست کرده و آمار طلاق را افزایش می دهد.

۱۰ بازار مصرف کالاهای شرکت های چند ملیتی را گسترش می دهد.

۱۱ از حربه های خطرناک استعمار است که بارها برای سقوط جامعه ها از آن استفاده شده است.

۱۲ زمینه ساز تسلط همه جانبه بیگانگان می باشد.

۱۳ زیر پا نهادن قانون واجب الهی است که عواقب خطرناکی را

آیا فاطمه را شناخته ایم

آیا حضرت فاطمه (علیها السلام) را شناخته ایم؟

حضرت فاطمه (علیها السلام) کوثری است که خداوند به هستی عنایت فرمود. او گرانبهاترین گوهری است که تقدیم انسانیت شد.

حضرت فاطمه (علیها السلام) یک انسان کامل است، مظهر اسم ستار خداوند است، أم آیهاست، مدینه فاضله وجودی یک زن کامل، از همه آلائشها و آلودگیها مبری است او معصوم است تا در طول همه زمان ها رهبری همه زنان را به عهده گیرد.

ای در دو جهان افضل زنها زهراء

بهرت دگر از مریم عذرا زهراء

او مادر یک مسیح باشد اما

تو مادر یازده مسیحا زهراء

امام خمینی و رعایت حجاب در خانواده

امام خمینی که در عصر حاضر از هر نظر الگوی می باشند در مورد رعایت حجاب در خانواده نیز بسیار دقیق و مراقب بودند دختر گرامی ایشان این دقت و مراقب را چنین بیان کرده اند

بهر حال همانطور که گفتم ایشان (امام خمینی) در مقابل بیرونی و نامحرم خیلی سختگیرند، آلا ن پسرهای من و احمد آقا ۱۵ ساله اند و ما یک روز اگر منزل آقا برای نهار دعوت شویم پسرها حق آمدن ندارند یا اگر هم بیایند ما خانه خانم (همسر حضرت امام) می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا، آنها برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند، نه فقط سر سفره بلکه حتی سلام هم به هم نکنند چون واجب نیست.

من خودم پانزده ساله بودم که آقای اشراقی با خواهرم ازدواج کرد، و داماد ما شده بود.

یک روز ما دعوت داشتیم منزل ایشان همینجور که من و آقا با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می آیند، در یک باغچه ای بود که ما داشتیم جلو

می رفتیم، من گفتم سلام بکنم؟

امام گفتند واجب نیست، من هم رویم نشد که سلام نکنم، زدم و از تو باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبرو نشوم.

چهل سال او را ندیده

وقتی که آقا مادرم را گرفتند، چهل سال بعد از زندگیشون اولین سلام رو به برادر شوهرشون کردند!

ماجرا هم این بود که

وقتی آقا را به ترکیه بردند، عمویم می خواستند ترکیه خدمت آقا بروند، آمدند از پشت در، گفتند من می خواهم با خود خانم صحبت کنم اگر بخواهند پیغامی بدون واسطه برای آقا داشته باشند.

مادرم ناچار شدند سلام کنند و بعد یادم هست آمدند و گفتند ناراحتم، چون که اولین سلام را در نبودن آقا کرده ام، آنهم با این لفظ که اگر (آقا) راضی نباشند چه؟

من هم گفتم نه دیگر حالا شما سنی از تان گذشته و مجبور بودید البته امام در مورد کار واجب و ضروری حرفی ندارند این را بدانید!

برادر و خواهر عزیز

این شیوه یک زندگی سالم و اسلامی است که در گفتار و عمل بزرگان دینی ترسیم گردیده است باشد که آن را الگو قرار داده و از مواهب و فوائد آن بهره ببریم. (۱۲۲)

کیفیت پوشش اسلامی یا حد حجاب

هر دختری از ابتدای بلوغ هنگامیکه در معرض دید نامحرم قرار گیرد لازم است تمام موها و بدنش را بپوشاند به جز دو مورد یکی دستها تا مچ، دیگری صورت به اندازه ایکه در وضو شستن آن لازم است به شرط آنکه

الف این دو عضو دارای زینت نباشند.

ب و کسی به آنها به قصد لذت و هوس نگاه نکند. بنابراین اگر کسی به قصد لذت بردن به آنها نگاه کرد حرام است، یا صورت و دستها دارای زینت و آرایش بود می بایست صورت و دستها را هم بپوشاند.

برای روشن شدن بیشتر به سؤال و جوابهای ذیل که از امام (قدس الله) می باشد دقت فرمائید

برای بانوان چیست؟

و آیا برای این منظور لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند؟

و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

ج واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تا مچ از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعی ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود.

۲- چنانچه زن با خود زینت داشته، مانند حلقه ازدواج یا انگشتری در دست یا چهره آراسته کرده باشد آیا واجب است وجه (صورت) و کفین (دستها) را بپوشاند؟

ج پوشاندن از نامحرم در فرض مذکور واجب است.

۳- آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عنیک طبی زیبا برای زنان زینت به حساب می آید که پوشش آن لازم باشد؟

ج هر چه در نظر عرف مردم زینت محسوب می شود اظهار آن در برابر نامحرم جایز نیست.

۴- حنای دست زن را اگر نامحرم ببیند چه صورت دارد؟

ج باید از نامحرم مستور کند (پوشاند).

چند تذکر

۱- اگر بچه بحدی برسد که مطالبی را که بزرگها می فهمند او نیز بفهمد (ممیز محسوب می شود) و حجاب در مقابل او واجب است.

۲- از صورت و دستها که استثناء شده باید مقدار کمتری عریان باشد تا یقین کند که به وظیفه اش عمل کرده است.

۳- در لزوم پوشش، بین نامحرم هیچ تفاوتی نیست. بنابراین اقوام نامحرم با دیگر نامحرم هیچ تفاوتی ندارند.

س آیا شوهر خواهر و برادر شوهر نیز همچون باقی نامحرمانند و حکم خودپوشی آنان نیز مانند دیگران است؟

ج شوهر خواهر و برادر شوهر با باقی نامحرمان در

حکم تفاوتی ندارند و بایستی بهمان گونه که زن از دیگر نامحرمان خود را حفظ می کند از آنان نیز خود را حفظ کند (پوشاند).

حتی در برابر آنان نمی تواند با پای بدون جوراب عبور کند (اگر چه آنها انسانهای متشرعی باشند و نگاه هم نکنند. زیرا زن بایستی از دید نامحرم بپرهیزد چه او نگاه کند یا نکند).

لباس زنان

لباسی که زن برای حجاب و پوشش خود انتخاب می کند می بایست شرایط ذیل را دارا باشد

۱- غصبی نباشد.

۲- لباس شهرت نباشد. (لباسی که بواسطه داشتن خصوصیتی جلب توجه و انگشت نما باشد لباس شهرت است)

۳- مرد لباس مختص به زن و زن لباس مختص به مرد را نپوشد.

۴- زن باید از پوشیدن لباسهایی که جلب توجه می کند اجتناب نماید.

۵- لباس نباید تنگ یا نازک باشد بگونه ای که حجم یا برجستگیهای بدن زن را نمایان سازد.

لباس نازک و تنگ

یک روز اسماء دختر دیگر ابوبکر که خواهر زن پیامبر بود با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد پیامبر روی خود را از او برگرداند و فرمود

ای اسماء زن وقتی به حد بلوغ رسید نباید چیزی از بدن و اندامش دیده شود.

کفشهای صدادر

قرآن مجید در سوره نور (آیه ۳۱) می فرماید:

و مبادا زنها پایشان را محکم بزمین بزنند تا زینتهای مخفی آنان (خلخالهایی که به پا می کردند) آشکار شود و همگی به سوی خدا توبه کنید باشد که رستگار گردید.

س با توجه به فرمایش حضرت امام که فرموده اند (بایستی از لباسهایی که جلب توجه می کند اجتناب نمایند) آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار با اینکه حجم بدن از بیرون مشخص و در بعضی موارد مهیج است و یا پوشیدن کفشهایی

که در هنگام راه رفتن صدای مهیج دارد جایز است؟

ج از پوشیدن هر گونه لباس مهیج باید خودداری کرد.

راستی چگونه است که برخی از زنان مسلمان حُج حجاب را رعایت نمی کنند؟

از کفشهای صدادار یا لباسهای نامناسب استفاده می کنند؟

موهایشان را کاملاً نمی پوشانند؟

متابعت شیطان تا به کجا؟

دوری از خدا تا کی؟

نَّ رَبِّكَ لِأَلْمِزْصَادِ

و همانا پروردگارت در کمین است. (۱۲۳)

حجاب از دیدگاه احادیث

خانه بهترین جایگاه زن

حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند نزدیکترین حالت زن به پروردگارش وقتی است که در خانه خودش باشد. (۱۲۴)

پوشش کامل

قال رسول الله (ص):

أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَزَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِهَا خَرَقَ اللَّهُ عَنْهَا سِتْرَهُ. أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَصَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَفَقَدَتْ هَتَكَ سِتْرِ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱۲۵)

پیامبر فرمود هر زنی لباسش را در غیر خانه اش بیرون بیاورد خداوند پرده او را خواهد درید.

هر زنی که لباسش را در خارج از خانه شوهر بیرون بیاورد (پوشش او کامل نباشد) به درستی که حرمت بین خود و خدایش را هتک نموده است!

آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه

پیامبر (ص) در ضمن حدیثی نهی فرمودند که زن برای دیگران خود را بیاراید و فرمود اگر برای غیر شوهر، خود را آرایش

نمود لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند.

و فرمود زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند او خود آتش است و ننگ محسوب می گردد.

و فرمود وای بر زنان از دو سرخی طلا و جامه زیبا (که دو وسیله زینت هستند و موجب فتنه می باشند).

امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل کردند که فرمود هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت قرار می گیرد تا به

خانه مراجعت کند. (۱۲۶)

اختلاط زن و مرد

پیامبر فرمود سرانجام همنشینی و اختلاط با زنان، زنا می باشد و سرانجام زنا آتش جهنم است. (۱۲۷)

وقتی زنی در جائی نشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۲۸)

روزی رسول خدا دید که مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند، به زنها خطاب کرد بهتر اینست شما صبر کنید تا مردها بروند آنها از وسط و شماها از کنار. (۱۲۹)

روزی رسول خدا به یکی از درها اشاره کرد و فرمود چه خوب است این در را به زنها اختصاص دهیم. (۱۳۰)

می بینیم پیامبر حتی از اختلاط زن و مرد برای رفت و آمد به مسجد و مجالس مذهبی ممانعت بعمل می آورند.

دست دادن (مصافحه) با نامحرم

پیامبر فرمود هر کس با زنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود خریده است. (۱۳۱)

پیامبر در ضمن حدیثی فرمودند هر کس به طور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت در غل زنجیر بسته خواهد شد آنگاه به آتش انداخته خواهد شد.

خلوت با نامحرم

امام موسی بن جعفر (ع) به نقل از پیامبر (ص) فرمودند هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد هرگز در جائی که نفس زن نامحرمی را می شنود توقف نمی کند. (۱۳۲)

پیامبر فرمودند آگاه باشید هرگز مرد و زنی با هم خلوت نمی کنند مگر آنکه سوّمی آنان شیطان است. (۱۳۳)

شوخی با نامحرم

پیامبر گرامی اسلام (ص) در ضمن حدیثی فرمودند هر کس با زن نامحرمی شوخی کند به خاطر هر کلمه ای که با او سخن گفته هزار سال زندانی می گردد.

امام صادق (ع) فرمودند پیامبر و علی (ع) به زنان سلام می کردند ولی علی (ع) به زنان جوان سلام نمی کرد و می فرمود می ترسم از صدایش خوشم بیاید و فتنه اش از ثوابش بیشتر شود. (۱۳۴)

پیامبر در ضمن حدیثی نهی فرمودند از آنکه زن بیشتر از پنج کلمه (غیر ضروری)، نزد نامحرم سخن بگوید. (۱۳۵)

فقهاء نیز سخن گفتن به صورت مهیج و تحریک آمیز را حرام دانسته اند. (۱۳۶)

تشبیه زن به مرد و بالعکس

امام صادق (ع) به نقل از علی (ع) فرمودند:

به زنان نامحرم سلام نکنید و آنان را به غذا دعوت ننمائید (۱۳۷) (کنایه از آغاز ارتباط بدین شکل می باشد).

مشابهت با مردان امام باقر (ع) در ضمن حدیثی فرمودند جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید زیرا پیامبر (ص) مردانی را که مشابه زنان می شوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می دهند لعنت کرده است. (۱۳۸)

قال رسول الله (ص) لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء المتشبهات من النساء بالرجال.

پیامبر (ص) فرمود خداوند مردانی را که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند لعنت کرده است (۱۳۹). (۱۴۰)

ترفندهای استعمار

دختران دبیرستانی قاهره رسماً از پوشیدن شورت داغ و مینی ژوب ممنوع شدند، زیرا این لباس ها باعث حواس پرتی دبیران خواهد شد ...

خود دختران بجای اینکه به مطالب دبیر گوش کنند به لباس های یکدیگر توجه دارند ...

تعجب این است که زن برای بدست آوردن زیبایی، موی سر و ناخن، پاها را به دست مدسازان می دهد یک روز گیس دم اسبی می سازند و روز دیگر موهایشان را آشفته می کنند و روز سوم مد شینیون را می پذیرند و ...

یک روز لاک ناخن را صدفی می کنند، روز دیگر سرخ و روز سوم قهوه ای روز چهارم نارنجی و ... یک روز رنگ اطراف چشم را سفید می کند روز دوم آبی، روز سوم طلائی، نقره ای و ... یک روز پاشنه های کفش را ۸ سانتی متر بلند می نمایند روز دیگر آن را کوتاه می کنند، روز سوم پاشنه ها را صناری می نمایند و ...

آری زنی که برای این رنگارنگ شدن، خود را برای زیبا شدن

که یک امر موهوم است دست این و آن می دهند آن هم برای چند لحظه و یا چند روز بر خوردار شدن از زیبایی، حاضر نیست برای به دست آوردن سعادت و آرامش، خود را در اختیار شوهر بگذارد و هوای دل او را داشته باشد تا با یکدیگر زندگی آسوده ای داشته باشند! (۱۴۱)

فروش زن

جوان ۲۴ ساله ای که عاشق زن شوهر داری شده بود زن را که ۹ ماهه آبستن بود دزدید و در خانه یکی از اقوام خود در نقده مخفی کرد، آنگاه برای شوهر زن پیام داد

زن تو مرا دوست دارد م وآن هم پیش من است او را طلاق بده تا با او ازدواج کنم ...

محمد که فرار زیبا با مردی غریبه را مایه ننگ خود می دانست و دیگر حاضر نبود با او زندگی کند جواب داد

حاضر من این کار را بکنم، به شرطی که تو به من ده هزار تومان پول نقد بدهی و با هم قرار ملاقات گذاشتند و بالاخره زن به شش هزار تومان خریداری شد و نقد دریافت گردید و قرار شد که وقتی زیبا بچه دار شد فرزندش را تحول پدرش بدهد.

اما هنگام وضع حمل عروس حامله در گذشت و داماد ناکام با چشمان اشکبار معشوقه اش را به گورستان برد و بخاک سپرد ... (۱۴۲)

خُب اگر این زنی که شوهر دارد حجابش را رعایت می کرد کدام مرد می توانست او را ببیند و عاشق او بشود و این جریان پیش آید که نه دنیا داشته باشد و نه آخرت ... عبرت بگیرید.

شوهر عاشق

زنی که دارای دو کودک بود می گفت

شوهرم عاشق دوستم شده است و دل از زندگی و خانه کنده و دوست یک دختر بیست ساله شده و مدتها است که با این زن رفت و آمد دارد و همین معاشرت سبب عشق شوهرش نسبت به او شد.

زن برای بر هم زدن این عشق یک بار دست به خودکشی زد ولی نتیجه ای نگرفت ...

آری زن بچه دار و شوهر کرده، با دختر بیست

ساله امروزی دوست می گردد و پای او را به خانه خود باز می کند و شوهر دله او هم با او معاشرت می نماید.

سرانجام دوستی های عصر اتم را ملاحظه نمائید!! پایان دوستی ها و ازدواج هائی که بر اساس معنویت نیست!! (۱۴۳)

اگر آن زن دوست بی حجاب خود را توی زندگی خودش نمی آورد، شوهر دله او عاشق روی زیبای او نمی گشت که کار به خودکشی گردد.

حجاب گل باز نشده

گل تا باز نشده است معطر است، وقتی که باز شد، عطر خود را از دست می دهد. زن تا با حجاب است زیباست، وقتی که این حجاب را کنار زد آن زیبایی و طراوت خود را از دست می دهد. (۱۴۴)

زنی شوهر را داغ کرد

مشهد آقای محی الدین با سر و صورت زخمی و پنبه کاری شده در حالیکه دائما با وحشت اطراف خود را نگاه می کرد می گفت

آقا آمده ام از دست زن عفریته ام شکایت کنم شما را بخدا مرا از دست او نجات دهید ...

چرا آقا؟

مگر همسران چه خطائی کرده؟

خطا؟! اختیار دارید قربان مرحمت آقا ... اسمش را نمی شود خطا گذاشت قضیه این است که زن بنده همینکه در و تخته ای به هم می خورد می افتد بجان من و تامی خورم کتکم می زند ...

امروز هم ضمن یک کتک کاری مفصل، دست و پای مرا با طناب بست و بعد با سیخ کباب ده جای بدنم را داغ کرد ... آخر من خجالت می کشم آن جاها را نشان بدهم ...

عجب پس با این حساب خانم شما ...

نگویید خانم، قربان بفرمائید هیولا ... می دانید آقا من کارمند دولت هستم و ماهی دو هزار تومان حقوق دارم و با آن یک خانواده پنج نفری را اداره می کنم ... اما زن بنده درست یک هزار تومان از این پول را هر ماه خرج آرایش و خرید لباس خودش می کند حرف هم که می زنم جوابم را با کتک می دهد تا اینکه امروز خواست برایش یک پالتو پوستی بخرم و چون گفتم چنین پولی ندارم دور از جان شما با سیخ کباب افتاد بجان بنده. (۱۴۵)

قتل در خواب

دختر و پسری که از برتری و زیبایی، جاهت، جذائیت بر خوردار است، باید بداند که او بیشتر در معرض خطر است.

خیلی عشقها، محبتها، روابط، پایه و اساس ندارد مگر در پر تو بنیاد الهی و انسانی تَشْکُل یابد.

اسلام برای جلوگیری از روابط ناسالم و ناشایسته بیاناتی را بیان داشته که

قابل توجه هست.

کسی که زیباست باید بداند هزاران دام و مکر برایش گسترده شده که برخی از آنها بسیار موقت و زودگذر است، گاهی هم جنبه انحراف و بدبختی است، برخی از آنها موجب پشیمانی و آبروریزی خواهد بود. (۱۴۶)

این داستان حقایقی را به ما می آموزد

من قصد کشتن دخترم را نداشتم ولی به خاطر رفتار ناپسند او که باعث آبروریزی من شده بود ناچار به مشروب پناه بردم و در حالیکه از شدت مستی روی پاهایم بند نبودم به خانه وارد اطاق شدم. همسر، دختر و بچه هایم خوابیده بودند و دیگر چیزی نفهمیدم ...

موقعی که دخترم چهار ده ساله بود با این جوان آشنا شد.

آنها مرتب با هم پنهانی ملاقات می کردند وقتی از مزاحمت های او بستوه آمدم خانه ام را عوض کردم ولی او دست از مزاحمتهايش بر نداشت.

وقتی چنین دیدم تصمیم گرفتم دخترم را به عقد او در آورم، اما متوجه شدم که دارای زن و فرزند است. به او گفتم دست از تعقیب دخترم بردار!

گفت حاضرم به خاطر ازدواج با او زنم را طلاق بدهم مشروط بر اینکه شهرزاد و پانصد تومان مهریه اش را بدهی، چون آبروی خانوادگیم در خطر بود حاضر شدم، بعد فهمیدم که او فقط می خواهد با دخترم عشقبازی کند. دخترم هم این مطلب را فهمیده بود و قول داد که او را فراموش کند و به درس خود ادامه دهد، اما باز هم وسائل درس را کنار گذاشت و با جوان رابطه پیدا کرد.

دیگر دوستان و آشنایانم سرزنش می کردند و هر کجا می رفتم انگشت نما بودم ...

و سرانجام با کارد سلاخی دخترش را در خواب بقتل

این مرد اگر از اول، آئین اسلام و حجاب را در خانواده جا می انداخت دخترش روی خود را به جوانان دله نشان نمی داد که به اینجا کشیده شود.

چینها

در چین مردم فاقد سه چیزند و این فقدان نیز خود برای مردم چین سعادت بزرگی است

اول کاباره و تفریحات زیان بخش.

دوم لوازم آرایش بطرزی که امروز در غالب کشورها رواج دارد.

سوم لباس به سبک غربی.

در چین از مینی و ماکسی و شرت داغ خبری نیست. مردم خیلی ساده لباس می پوشند... و همین گونه مسائل، رمز ترقی و تکامل چین است و هرگاه مسلمانان این گونه مسائل را با سرمایه ی معنوی اسلام در آمیزند به طور حتم آقائی و رهبری جهان را اشغال خواهند کرد و روزی خواهد رسید که بار دیگر بر دنیا حکومت خواهند کرد و آن روز در اثر پشتکار و جدیت دیر نخواهد بود... (۱۴۸)

لباسهای جلف

دوشیزگان و بانوان فکر میکنند با پوشیدن لباس جلف و زننده، بر دوستانشان می افزایند و شهرت بیشتری پیدا میکنند و آسایش بهتری خواهند داشت، در صورتیکه اینها غافلند که با این جلف بازی ها نه تنها به جوانان ولگرد و منحرف می افزایند، بلکه همانطوری که در آمارهای یاد شده از آمریکا روشن شد خودشان بیشتر در معرض تجاوز و تهدید هستند.

داستانهای تجاوز، اغفال؛ خودکشی و فرار، بیشتر در میان همین جلف پوشان است این داستان حقایقی را به ما می آموزد

مشهد پسر ۱۵ ساله ای که از خانه فرار کرده بود دستگیر شد، وی در باره ی علت فرار خود گفت مادرم هنگام رفتن به خیابان، لباس های جلف می پوشد و به همین سبب همسالانم مرا متلک باران میکنند. من چند روز قبل از مادرم خواستم بعد از این لباس مناسب بپوشد، به جای توجه بخواست من چند ناسزا نثارم کرد و شکایتم را پیش پدرم برد و

پدرم هم مفصلاً کتکم زد.

حال شما بگوئید می شود با این پدر و مادر بی تربیت زندگی کرد؟

همه پدر و مادران از لباس پوشیدن پسران و دخترانشان در رنج و عذابند و من بدبخت از لباس پوشیدن مامانم ...

وقتی پدر و مادر پسر شاکمی آمدند معلوم شد حق با اوست، زیرا مادر که در حدود چهل و پنج سال دارد لباسی می پوشد که برای دختران ۱۷ ۱۸ ساله هم مناسب نیست ...

همین زنها و دوشیزگان جلف هستند که در کوچه و خیابان مورد حمله متلک گویان قرار می گیرند و روز بروز با روش خود بر خیل مزاحمین می افزایند و پس از آن بر زندانیان، تیمارستانیان و خودکشی کنندگان. (۱۴۹)

مثل این باشید

۱ یکی از علماء بزرگ (مرحوم آیه الله سید باقر مجتهد سیستانی پدر آیه الله سید علی سیستانی و مرحوم سید محمود مجتهد سیستانی) در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان عج الله شرفیاب شود ختم زیارت عاشورا در چهل جمعه هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می کند ایشان فرمودند:

در یکی از جمعه های آخرین، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه ی نزدیک آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم می تابید، حال عجیبی به من دست داد، از جای برخاستم و بدنبال آن نور بدر به آن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه ای بود، از درون خانه نور عجیبی می تابید.

در زدم وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر امام زمان عج الله در یکی از اتاقهای آن خانه تشریف داشتند و در آن اتاق جنازه ای را مشاهده کردم که پارچه ای سفید بروی آن کشیده بودند،

وقتی من وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند چرا اینگونه دنبال من می گردی و رنجها را متحمل می شوی؟

مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم!

بعد فرمودند این بانویی است که در دوره بی حجابی (رضا خان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامده مبادا نامحرم او را ببیند! (۱۵۰)

پند

ای بانو و ای دختر مسلمان آیا حجاب تو و زندگی تو مورد رضای امام زمانت هست؟

آیا آنگونه زندگی می کنی که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بتو نظر مرحمت فرماید؟

آیا تقوی و حیاء و عفت و حجاب تو آنگونه است که نامت در زمره یاوران حضرتش ثبت گردد؟

آیا آنگونه هستی که در هنگام مرگ عزیزانت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین به بالین تو آیند و سفارش تو را به فرشته مرگ نمایند و در لحظات سخت واپسین زندگی آنگونه پاک هست که اگر امام زمان خواست در شهری چند لحظه ای ساکن شود خانه تو را برای زندگی انتخاب کند؟

آیا لباس و پوشش شما اسلامی است؟

(۱۵۱)

نتیجه بدحجابی

یکی از علماء مشهد می فرمود

روزی در محضر مرحوم حجه الاسلام و المسلمین سید یونس اردبیلی بودیم، جوانی آمد و مسئله ای پرسید و گفت من مادرم را دو روز پیش دفن کردم و هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه مادر را گرفته خواستم صورت او را روی خاک بگذارم کیف کوچکی که اسناد و مدارک و مقداری پول و چک هائی در آن بوده از جیبم میان قبر افتاده، آیا اجازه می دهید نبش قبر کنیم تا مدارک را برداریم؟

و تقاضا کرد که نامه ای به مسئولین قبرستان بنویسند که آنها اجازه نبش قبر بدهند.

ایشان فرمود همان قسمت از قبر را که می دانید مدارک در آنجاست بشکافید و مدارک را بردارید و نامه ای برای او نوشت بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقای اردبیلی دیدیم، آقا از او پرسیدند آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه

رسیدید، او غمناک و مضطرب

بود و جواب نداد بعد از آنکه دوباره اصرار کردند گفت

وقتی من قبر را نبش کردم دیدم مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نیش میزند!! چنان منظره وحشتناک بود که من ترسیدم و دوباره قبر را پوشاندم!

از او پرسیدند آیا کار زشتی از مادرت سر می زد؟

گفت من چیزی به خاطر ندارم، ولی همیشه پدرم او را نفرین می کرد زیرا او در ارتباط با نامحرم بی پروا بود و روگیری و حجاب نداشت و با سر و روی باز با مرد نامحرم روبرو می شد و بی پروا با او سخن می گفت و در پوشش و حجاب رعایت قوانین اسلامی را نمی کرد با نامحرمان شوخی می کرد و می خندید و از این جهت همیشه مورد عقاب و سرزنش بود. (۱۵۲)

حجاب و عفت در کربلا

بعد از ظهر عاشورا وقتی خیمه های حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را آتش زدند و به فرمان حضرت سجاد (ع) همه فرار کردند.

دخترکی از فرزندان امام حسین (ع) می گوید من فرار می کردم، عربی، مرا دنبال کرد و با نیزه به پشت من زد که به زمین افتادم، آنگاه چنان گوشواره مرا کشیده، که گوشم را درید و من بیهوش شدم، وقتی بهوش آمدم دیدم عمه ام زینب سر مرا به دامن گرفته نوازش می کند.

این دختر دلسوخته ای که آشیانه اش ویران شده، به آتش کشیده شده، پدرش و برادرانش شهید شدند، لب تشنه است، سه روز است آب برویش بسته است، وقتی به هوش آمد، نگفت عمه تشنه ام! نگفت عمه گوشم مجروح است! نگفت عمه مرا تازیانه زدند! نگفت پدرم کو! برادرم کو! ...

فقط وقتی متوجه شد چادر

بسر ندارد با گریه التماس کرد! عمه جان چادر ندارم!! آیا چادری نداری که خود را با آن بپوشانم؟

حضرت زینب گریه کرد و فرمود دخترم چیزی برای ما باقی نگذاشته اند! (۱۵۳)

پدر حجاب

وقتی حضرت سکینه دختر امام حسین (ع) روز یازدهم در گودال قتلگاه خود را روی بدن پدر انداخت و عده ای از اعراب با کعب نی و تازیانه او را از بدن بی سر پدر جدا کردند، نگفت پدر مرا می زنند! نگفت پدر مرا به اسیری می برند! نگفت پدر تشنه ام!

بلکه اشک می ریخت و فریاد می زد

پدر برخیز بین چادر از سرما کشیدند.

بابا سرهای برهنه ما را بنگر.

بابا برخیز بین عمه ام زینب را می زنند! (۱۵۴)

چادر نیمه

این جمله معروف از حضرت زین العابدین (ع) است ای کاش مادر مرا نمی زائید، وقتی بود که چشمش به همسر جوانش افتاد که فرزندش حضرت باقرالعلوم (ع) را که دو ساله بود در بغل داشت و چادر او آنقدر کوچک بود که اگر می خواست خود را بپوشاند، آفتاب صورت فرزند را می سوزاند و اگر می خواست فرزند را زیر چادر برد، نمی توانست خود را کامل بپوشاند، این بود که حجت خدا و مظهر غیرت پروردگار آهی کشید و فرمود ایکاش مادر مرا نمی زائید و این روز را نمی دیدم. خواهرم بیا از کربلا- آن دانشگاه بزرگ جهان، درس حجاب و عفت و حیا بگیر، بیا از کربلا فقط درس گریه بگیریم بلکه آنچه سیدالشهداء (ع) در آن دانشگاه بزرگ، تدریس فرموده نیز بیاموزیم. (۱۵۵)

شهید راه ولایت و حجاب

سرور بانوان دو جهان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای حفظ حجاب و در راه دفاع از امام زمانش امیرالمؤمنین علی (ع) شهید شد.

زیرا وقتی دشمن درب خانه حضرتش را به آتش کشید، در را شکسته خواست وارد خانه شود، الگوی تقوی و حیا برای آنکه نامحرم او را نبیند، خود را پشت در پنهان نمود، آنگاه دشمن احساس کرد فاطمه (علیها السلام) پشت در است در را چنان فشرد که حضرتش محسن را که شش ماهه بود سقط نمود و به همین حادثه و صدمات دیگر از دشمن، مریض شد و به شهادت رسید.

ای دختران جوان و ای بانوان شیعه بنگرید که در چه شرایط حساس و سختی بفکر حیا و حجاب و چادر خود بودند و در هیچ لحظه حجاب خود را فراموش نکردند آیا نمی خواهید از مدینه و کربلا درس

حجاب واقعی بگیریید آیا نمی خواهید با حیا و حجاب بیشتر و دقیقتر به حضرت سیدالشهداء (ع) و خواهران و بانوان و عزیزانش عشق بورزید آیا نمی خواهید حسینی باشید آیا نمی خواهید زینبی باشید!!؟؟

(۱۵۶)

الگوی تقوی

در مجلس عیدالله ابن زیاد دیدند حضرت زینب (علیها السلام) آن الگوی تقوی و حیا پیوسته صورت مبارک خود را با آستینش می پوشاند مبادا نامحرم صورت زینب را ببیند! (۱۵۷)

ظاهر سازی

گرچه اسلام به تمیزی، نظافت، خوشبو بودن توجه زیادی کرده، ولی اگر این امور موجب تحریک دیگران گردد قطعاً حرام است، اصولاً زن و مرد یک حالت جلوه گری به قول قرآن تبرج نسبت به جنس مخالف دارند، ولی زن از این نکته بیشتر می تواند بهره جوید زیرا از زمینه های بیشتری برخوردار است.

اینکه خانمها وقتی می خواهند خیابان بروند لحظاتی را مشغول صافکاری، نقاشی، بتونه کاری و رنگ آمیزی، طراحی، آرایش، پالایش سر و صورت و اندام خود می کنند، برای این است که در نظر دیگران جلوه کنند، بیچاره مردشان همیشه در انتظار وقتی هست که همسرشان می خواهد از منزل خارج شود عروسی برود، مجلس مهمی برود و ... نگاهی به حلال خود بکنند و لذت ببرند. خُب وقتی زن برای مردان نامحرم بزک کند مردان هم از زنان بزک کرده خیابان لذت می برند.

خواهر! خیلی به جلوه گری موقتی، وعده های بی حساب، موقعیت های دروغی، علاقه نشان دادنِ مردانِ دلگرم نباش که اگر کسی این خصوصیات را واقعا می داشت نیاز نداشت همسر کنار خیابانی انتخاب کند و دنبال همسر پیاده روی و سر کوچه بنشین و تو خیابان لوس بازی در آوردن نبود، می رفت با پدر و مادر و بزرگان فامیلشان و یک مورد مناسب را پیدا می کرد. خیلی باعزت و احترام فرد مورد نظرش را انتخاب می کرد و آداب و رسوم معمولی و زمینه ازدواج آبرومندان را فراهم می کرد، چرا دنبال این و آن ناشناخته

آن هم مخفیانه برود.

برادر! خیلی به چهره سفید، نورانی، خوش آب و رنگ و ... زنان توجه نکن (ممکن است اینها مصنوعی باشد و یا وسیله انحراف باشد) اگر نه دختر سالم، متشخص و با وفا، در کوچه و خیابان دنبال شوهر نمی گردد، بلکه عفت خود را حفظ می کند تا با احترام و عزت از او خواستگاری کنند و آغاز مستحکمی را داشته باشد و زمینه ساز آینده و آخرت خوبی باشد.

اگر پایه زندگی اساسی و حساب شده نباشد پایان رنج آوری خواهد داشت، آخر همه زندگی که مقام، مدرک، زیبایی، اندام، چشم، ابرو، شهرت و ... نیست، بله اول زندگی یک مقداری تاثیر دارد ولی بعدها مسائل دیگری مانند ایمان، صداقت، پاکی، ادب عاطفه، خانه داری، بچه داری، همسر داری ... و اساس زندگی را پایدار می دارد. (۱۵۸)

ملاک برتری

نظر اسلام ملاک ارزش و برتری مسائل زودگذر و ظاهری نیست، اگر چه به این امور هم بی توجه نیست، بلکه نهادهای پاینده و قابل افزایش مورد توجه است، آن چیزها ارزش است که زمینه ساز قوا و پایداری خانواده و نیز سبب تقرب و نزدیکی بخدا باشد.

زیبائی چهره، چشم و ابرو، لب و دهان، و بینی، سفیدی یا سبزه بودن زن و مرد، خوش اندام بودن و ... که ظاهرا دیده می شود در صورتی ارزنده است که در درون فرد ایمان، وقار، ادب، صداقت، پاکی و ... قرار داشته باشد و گرنه خود این مسائل زمینه ساز از هم گسستن خانواده میگردد.

چه بسا افرادی به خاطر ظاهر جذاب، پیوند زندگی خود را آغاز کرده اند ولی چون از نظر معنوی ضعف داشته اند به ورطه سقوط و پرتگاه

بدبختی کشیده شده اند، آنانکه گمان می کنند این عوامل ظاهری ارزشمند است و باید فقط ملاک پیوندها این باشد سخت در اشتباه هستند.

زیرا پیامبر گرامی (ص) فرمود از سبزی کنار زباله ها و کثافات پرهیز کنید. عرض کردند یا رسول مقصود شما چیست (خضراء الدمن)؟

فرمود زن زیبایی که در خانواده پست و بی اخلاقی پرورش یافته باشد.

اگر دختر و پسر زیبا و خوش اندامی، در یک خانواده غیر متدین رشد کنند احتمال زیاد دارد که از سلامت معنوی و عفت واقعی برخوردار نباشند.

اصولا هر برتری اگر در کنارش ایمان، عقل وجدان باشد، ارزش پیدا می کند. اگر دختر یا پسری زیبا باشند ولی عقل نداشته باشند، ایمان نداشته باشند نه اینکه سعادت بخش نیست بلکه مصیبت بار می باشد، گاه دختر یا پسر خود مقید هستند، ولی از نظر فکر و اندیشه و اراده ضعیف هستند و به دام صیادان جامعه گرفتار می شوند، این است که باید انگیزه و ملاک ازدواج ایمان باشد، تجربه نشان داده که این امور بدون معنویت سعادتبخش نخواهد بود. ممکن است در ذهن این سؤال پیش آید که پس چرا زیبا رویان زودتر سامان می یابند؟

باید گفت به خاطر اینکه این اشتباه جامعه است که زیبایی بدون ایمان، بدون تشخص، بدون ادب را بهتر میدانند از سیما و اندام متوسط، اما با ایمان و اراده قوی.

ما باید خود ملاکهای واقعی را ارج نهیم تا به مرور ضد ارزشها فراموش و ارزشها رشد یابد. از آن سوی به آنانکه از نظر خودشان احساس ضعف ظاهری می کنند توصیه می کنیم که به جای جلوه گری، طنازی و ... به افزایش جنبه های معنوی و انسانی خود پردازند و از

خدا و ائمه (علیهم السلام) بخواهند یک مورد مناسب را برای آنها بوجود آورند.

در زمان نه چندان دوری موارد مناسبی را خدا تامین خواهد کرد، ولی کسی که بخواهد با مثلاً فلان کمبود ظاهری هی گناه کند، دیگران را به گناه وادار نماید، بداند هیچ جاذبیت معنوی نخواهد یافت و ...

آری در روایات به این امر توصیه شده که زنان شوهران برجسته و نیکو صورت و سیرت برگزینند و مردان هم زنان زیبا و جذاب انتخاب کنند، ولی این بدان معنی نیست که باید تمام نظر زیبایی باشد بلکه باید میزان ایمان او بالاتر باشد، اگر زیبایی، برتری مرد یا زنی مثلاً ۵۰ درجه باشد و پایه ایمانی او ۸۰ درجه نباشد باید بداند که زندگی موفقیت آمیزی نخواهد داشت، زیبایی و برتری زیاد منهای ایمان خطر آفرین است. و این یک امر طبیعی است هر چه بلندی و تنومندی درخت افزوده گردد باید ریشه هایش قوی تر باشد. و گرنه درخت ثبات ندارد. هر چه میزان مصرف برق بیشتر باشد، باید قدرت تحمل سمیهای داخلی یک ساختمان و کنترل و کابل ورودی به خانه قوی تر باشد و گرنه موجب آتش سوزی و نارسائی در سیستم برقی می گردد.

هر چه ارتفاع ساختمان و امکانات آن و تاسیسات آن بیشتر باشد، باید پایه و اساس ساختمان قوی باشد هر برتری مادی و ظاهری که در انسان وجود دارد اگر در کنارش بلکه بیشتر از او ایمان، ادب، و جاهت نباشد همان برتری شکست آفرین خواهد بود.

البته این انحصار به جوانب ظاهری ندارد، حتی برتری غیر مستقیم هم همین خطر را دارد. مثلاً دختر یا پسری که دارای

علم، مدرک، تخصص و ... هستند، همین امکان خطر برایشان وجود دارد. اگر پدر و مادر پولداری داشته باشند همین مشکل در سر راهشان خواهد بود. (۱۵۹)

مسئله

زن نباید گفتارش بگونه ای باشد که عشوه گرانه و محرک باشد. زن نباید طوری راه برود که از صدای کفش و حالت راه رفتنش دیگران متوجه شوند.

زن نباید برای غیر همسر خود زینت (آرایش) کند.

زن و مرد نامحرم یا محرمی که ترس تحریک باشد) نباید در یک مکان تنها باشند، هر زنی که از روی هوی و هوس به مردان اجنبی و نامحرم نگاه کند خداوند اعمال نیک او را تا آن وقت که انجام داده محو می کند و اگر به بستر غیر شوهر خود رود بر خداوند متعال است که او را با آتش بسوزاند، پس از آن عذابی که در عالم قبر و برزخ بر او روا داشته است.

زن نباید پوشش نازکی داشته باشد که بدن نما باشد. پیامبر گرامی (ص) نهی فرمود که زن با مرد نامحرم پیش از حد ضرورت سخن بگویند.

پیامبر گرامی (ص) فرمود بوی بهشت از فاصله ۵۰ هزار سال قابل استفاده است ولی کسی که به پدر و مادر خود بی احترامی کند و مردی که نسبت به عفت خانواده اش بی توجه باشد بهره ای از بوی بهشت را نمی برد

(یعنی اینقدر از بهشت دور است).

سؤال کردند چرا یا رسول الله؟

فرمود زیرا اجازه می دهد ناموسش (زمینه های زنا را بوسیله جلوه گری، خودنمایی و ...) در بین جامعه ظاهر گردد (۱۶۰).
(۱۶۱)

ناپاکی، شکست جامعه

کشور اسپانیا در جنوب غربی اروپا قرار دارد و از کشورهای حاصل خیز و خوش آب و هوای اروپاست، این کشور در سال ۷۱۱ میلادی زمان خلافت بنی امیه بدست مسلمانان فتح شد.

طارق بن زیاد فرمانده یک لشکر ۱۲ هزار نفری از راه جبل الطارق (که هم اکنون به

نام او است) در زمان کمی اسپانیا را فتح کرد و مسلمانان حدود هشتصد سال بر این کشور حکومت کردند.

مسیحیان هر چه کردند در این هشتصد سال نتوانستند اسپانیا را با وجود جنگهای خونین پس بگیرند، تا بالاخره زمامداران مسیحی از راه فحشا مسلمانان را شکست داده و از اسپانیا راندند و قتل عام مسلمین صورت گرفت.

زمامداران مسیحی با یکی از افسران خائن مسلمان به نام براق بن عمار همدست شده و به کمک وی دو کار کردند

۱- مشروبات الکلی را به حد وفور در شهرهای اسپانیا با قیمتهای ارزان و نازل وارد کردند و در اختیار جوانان مسلمان قرار دادند.

۲- دختران طناز و دلربای اروپائی را گروه گروه وارد شهرها کردند و به آنها راه جذب جوانان مسلمان را آموزش دادند و آزادانه در معابر عمومی در اختیار جوانان رخنه کرد و وقتی فساد به زمامداران سرایت کرد مقدمات نابودی و سقوط مسلمین فراهم شد. (۱۶۲)

زنا و زنان

می دانیم که اسلام با هر عاملی که موجب انحراف جنسی گردد مخالف است و به شدت با آن مبارزه می کند نگاه کردن، لخت شدن، لباس زننده پوشیدن، مطالب بدآموز مطرح کردن چه از طریق کتاب و چه از طریق فیلم و یا موسیقی، ترانه و یا سرودهای تحریک کننده.

در عین اینکه اسلام در مبارزه با مفاسد با علتها مخالفت می کند، با پدیده های مفاسد هم مخالفت می کند، یکی از مفاسد اجتماعی که اسلام از راههای مختلف با آن به مخالفت برخاسته زناست.

عظمت مطلب از روایات زیر روشن می گردد

رسول خدا (ص) فرمود وقتی زنا زیاد گردد مرگهای ناگهانی فراوان شود.

در روایت دیگری رسول (خدا) (ص) فرمود زنا پنج اثر

دارد آبرو را می برد (نور صورت بر طرف می شود) فقر می آورد، عمر را کوتاه می کند، خدا را عصبانی می سازد و زناکار برای همیشه در جهنم می ماند.

و در روایت دیگر از امام صادق (ع) است که فرمود زنا کار سه ضرر در دنیا دارد و سه ضرر در آخرت، در دنیا نور صورتش گرفته می شود، فقیر می گردد و عمرش کوتاه می شود، در آخرت خدا از دست او عصبانی می شود، حسابش سخت است و در عذاب جهنم برای همیشه خواهد ماند.

امام صادق (ع) فرمود تجاوز به ناموس مردم موجب تجاوز به ناموس زناکار می گردد.

از آنجا که در و دیوار و زمین از گواهان اعمال ما هستند؛ روز قیامت گواهی به کارهای خوب و بد ما خواهند داد.

رسول خدا (ص) فرمود ناله ای که زمین برای انجام سه عمل می کند نمونه ندارد خونی که بی جهت روی زمین ریخته شود، غسل جنابت از زنا و برای نماز صبح خواب ماندن.

در مورد عذاب زناکار همین بس که به فرموده رسول خدا (ص) روز قیامت، خدا به سه دسته اعتناء نمی کند حرف نمی زند، تصفیه آنها را نمی پذیرد، و به آنها نگاه نمی کند و عذاب ابدی مخصوص آنهاست پیر زناکار، پادشاه ستمگر و خود خواه مغرور.

این روایت شدت عذاب زناکاران را روشن می سازد امیرالمؤمنین (ع) فرمود روز قیامت بوی گندی می وزد که همه مردم از آن ناراحت می شوند و دماغ خود را می گیرند، فریاد می رسد آیا می دانید این بوئی که شما را آزار داد چه بود؟ مردم می گویند نفهمیدیم و خیلی ما را ناراحت کرد.

گفته می شود این بوی تعفن از پائین بدن زناکارانی است که توبه نکرده اند و از دنیا رفته اند، خدا آنان

را لعنت کرده و شما هم آنان را لعنت کنید. تمام مردم با این فریاد خدایا زناکاران را لعنت کن.

در روایت دیگری فرمود بوی تعفن آنان تا ۵۰۰ سال راه می رود و مردم آزار می کشند. (و خودشان هم پیش مردم شرمنده اند.)

رسول خدا (ص) در روایت دیگری فرمود مهمترین گناهان در نزد خدا اینها هستند کشتن پیامبر، امام، خراب کردن کعبه (قبله مسلمانان) و زنا. (توجه فرمودید که گناه زنا در ردیف کشتن پیامبر و امام (ع) و خراب کردن خانه خدا (مکه) است.

اسلام تنها عمل زناشوئی را زنا نمی داند بلکه مقدمه آن را هم زنا می داند و برای هر عضوی زنایی در نظر گرفته است امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فرمودند

اعضای بدن هم زنا می کنند زنای چشمها نگاه کردن است، زنای دهان بوسیدن و زنای دستها بدن نامحرم را لمس کردن، خواه این مقدمات به عمل زناشوئی برسد یا نرسد.

نه تنها اعضای بدن در گناه زنا شریک هستند، بلکه واسطه ای که در زنا فعالیت می کند در گناه زناکار سهیم است و امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) واسطه گر را لعن نموده است.

ناگفته نماند که عمل جنسی با حیوان هم در حکم زنا است. این نکته قابل تذکر است که گاهی غیرت مرد به جایی می رسد که حتی برای حفظ ناموس خود غیرت خروس را هم ندارد و خوک صفت همسر خود را برای دیگران می برد که چنین فردی گناهِش بیشتر از واسطه هاست. این فرد در روایات به عنوان دَیُوْث معرفی شده است و این عذابها را دارد

خدا در قیامت با او حرف نمی زند، به وی اعتناء نمی کند، مورد تصفیه قرار

نمی گیرد، عذاب ابدی دارد بوی بهشت که از ۵۰۰ سال راه فاصله شنیده می شود او نمی شنود و نماز آنها در دنیا قبول نمی گردد.

در عین این عذاب ها خداوند راه توبه را باز گذاشته است و هر چه زودتر باید زن و مرد این چینی توبه کنند و پس از توبه واقعی، بتدریج روح ایمان به آنان باز می گردد و روز قیامت در بهشت خواهند بود.

امام صادق (ع) فرمود در روز قیامت سه دسته آزادند تا حساب پایان یابد کسی که هیچگاه قصد زنا نکرده، کسی که مال او به ربا (بهره) مخلوط نشده و کسی که واسطه زنا و ربا نگردیده است. (۱۶۳)

محرم و نامحرم

در ادیان آسمانی عده ای از زنان را برای مرد محرم شناخته اند و مرد نمی تواند با آنها ازدواج کند و نگاه به آنها بدون قصد لذت بردن گناه ندارد. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۲۴-۲۳ زنانی که محرم هستند و نمی توان با آنها ازدواج کرد چنین معرفی می فرماید:

۱- زن پدر (نامادری مادر دوم) ۲- مادر ۳- دختر ۴- عمه ۵- خواهر ۶- دختر برادر ۷- دختر خواهر ۸- خاله ۹- دایه (زنی که پسر را شیر می دهد اگر چه یک شبانه روز پشت سر هم شیر داده باشد).

۱۰- خواهر رضاعی دختری که با پسر همشیر بوده و از مادر آن دختر شیر خورده حداقل ۲۴ ساعت تمام شیر خورده باشد که از شیری که می خورد گوشت روئیده شود.

۱۱- مادر زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است.

۱۲- دختر زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است.

۱۳- زنی که برای پسر حلال

شد، محرم پدر می شود و پدر هیچوقت نمی تواند با او ازدواج کند (چون عروس او است و پس از مرگ پسرش نمی تواند با او ازدواج کند).

۱۴- جمع میان دو خواهر در یک زمان، یعنی نمی توانیم دو خواهر را با هم بگیریم ولی می توانیم یکسال با یکی از آن دو ازدواج کنیم و سال دیگر با آن یکی (البته به صورت صیغه و عقد موقت چون وقتی عقد دائم باشد پس از سه طلاق نیاز به محلل دارد. و پس از ۹ طلاق برای همیشه حرام می گردد).

۱۵- با زن شوهردار هم نمی توان ازدواج کرد و محرم انسان هم نیست و باید مثل زنان غریبه با او رفتار کرد.

در اسلام، با این ۱۵ دسته نمی توان ازدواج کرد و ازدواج با آنها باطل و حرام است و عمل زناشویی با آنها کیفر بیشتری دارد، اما نگاه به آنها بدون قصد لذت گناه ندارد اما نگاه به ما بقی زنها غیر از این ۱۵ مورد حرام است.

با توجه به نکته های یاد شده دامادی که با طائفه ای خویشاوند می گردد فقط با مادر دختر محرم می شود و می تواند به او نگاه کند و ازدواج با او حرام است، اما سایر بستگان دختر به پسر محرم نمی شوند و حق نگاه کردن به آنها و یا صحبت با آنها (بیشتر از حد ضرورت) را ندارد، خواهر، عمه و خاله دختر (عروس) همه و همه به پسر (داماد) نامحرم هستند از سوی دیگر دختر که وارد طایفه جدید می شود فقط به پدر پسر محرم است و پدر شوهر می تواند به او نگاه کند اما برادر داماد، دائی، عمو و سایر اقوام پسر محرم دختر

نمی شوند و باید از آنها پرهیز کند و رو بگیرد. به تعبیر دیگر اگر شوهرش از دنیا رفت در طائفه جدید فقط به پدر شوهرش نمی تواند شوهر کند، اما با سایر افراد طائفه مانعی ندارد.

در صدر اسلام دختران را که به اسارت می گرفتند به کنیزی می خریدند و با بچه دار شدن آزاد می گردیدند که به اصطلاح فقهی آنها را اِماء می گفتند و این برنامه فعلا منسوخ گردیده است.

ناگفته نماند که در تورات چهارده موردی که در اسلام برای ازدواج ممنوع کرده و در ردیف اول ذکر شد منع شده است، اما بجای شماره ۱۵ که در اسلام منع شده در تورات زن برادر ممنوع گردیده است. اما هنگامی که برادر میمیرد، گرفتن زن برادر را بر برادر واجب می داند.

از این نظر که انجیل حضرت عیسی (ع) در دسترس پیروان آن حضرت نیست و آنچه فعلا انتشار پیدا می کند مطالبی است که نویسندگان عهد جدید بیش از یک ربع قرن از تاریخ میلاد نوشته اند و به صورت تاریخ حضرت عیسی (ع) است نه احکام و قوانین آن حضرت، پیروان کلیسا احکام الهی ندارند و از احکام تورات استفاده می کنند. در هر صورت پیروی از هر دینی از ادیان آسمانی بنمائیم باید به محرم و نامحرم بودن دقت کنیم و مقررات آن را رعایت نمائیم، چه نگاه کردن و چه ازدواج نمودن.

از جمله این مقررات است که نگاه به نامحرم نکنیم، در یک اطاق با هم تنها نباشیم و از مسائلی که مورد اتهام است و سوءظن ایجاد می کند، مثل عکس گرفتن دسته جمعی و یا دو نفری حتما پرهیز کنیم که زمینه آبروریزی را برای

خود فراهم کرده ایم و چه بسا عکسی که در دست دشمن می افتد و حداکثر استفاده را از آن می نماید و آبروی صاحب عکس را پاک می برد.

بقیه مسئله

غیر از ۱۵ دسته ای که ذکر شد که در متن قرآن آمده است تعداد دیگری از زنان نیز برای پسر و برای دختر همیشه حرام می شوند که این حرمت به خاطر عوامل مختلفی پیش می آید.

۱- خواهر، مادر و دختر کسی که با او عمل قوم لوط انجام شده بر فاعل حرام می گردد.

۲- اگر فردی با دختری که هنوز بالغ نشده عمل زناشویی انجام داد و بر اثر آن دختر افضاء شد آن دختر بر مرد برای همیشه حرام خواهد شد و باید مهر المثل را به دختر بدهد.

۳- تزویج زنی که در عده دیگری است و عده طلاق و یا عده وفاتش تمام نشده است. (یعنی اگر کسی با زنی که عده طلاق یا وفات شوهر قبلیش تمام نشده ازدواج کند، آن زن تا ابد برای آن مرد حرام است یعنی نمی تواند با او ازدواج کند.)

۴- ازدواج زن مسلمان با مشرک، یهودی و مسیحی (حرام است) ولی مرد مسلمان می تواند زن یهودی و مسیحی را صیغه کند، اما از مذاهب دیگر ممنوع است و در هر صورت خطر انحراف دینی دارد و مرد باید خیلی مواظب باشد.

۵- کسی که بداند در جریان احرام ازدواج حرام است و ازدواج کند (یعنی عقد نماید) زن برای همیشه به او حرام می گردد.

تعدادی از زنان هم به طور موقت حرام هستند و بعد از رفع محدودیت حلال می شوند

۱- موقع اعتکاف که سه روز است و در مسجد جامع برگزار می شود و در طول

این سه روز نباید از مسجد خارج شوند و یا عمل زناشوئی انجام دهند.

۲- کسی که چهار زن عقدی دارد نمی تواند زن دیگری بگیرد مگر اینکه به صورت صیغه باشد یا یکی از آنها را طلاق دهد و عده طلاق هم تمام شود.

۳- موقعی که زن در جریان حیض است (خون ماهیانه) که حداقل سه روز و حداکثر ده روز می باشد.

۴- موقعی که زن بچه دار شده که حداکثر تا ده روز باید از عمل زناشوئی پرهیز شود.

۵- با دختر که هنوز بالغ نشده نمی توان ازدواج کرد و عقد باطل است، ولی اگر با اجازه پدر یا حاکم شرع باشد عقد صحیح است. ولی عمل باید بعد از ۹ سالگی شروع شود.

۶- در هنگامیکه زن و مرد در احرام مکه هستند که اگر عملی انجام دادند باید شتر قربانی کنند.

۷- زنی که سه مرتبه طلاق داده شده با اجرای مُحلل حلال می شود.

باز هم سه مرتبه که طلاق داد با محلل حلال می گردد اما مرتبه نهم که طلاق صادر شد زن برای مرد برای همیشه حرام می گردد.

در جریان لعان وظهار نیز زن بر مرد به صورت موقت حرام می گردد که این دو مسئله با مسائلی که مربوط به کنیز است فعلا در جامعه ما وجود ندارد و از توضیح آن خودداری می شود. (۱۶۴)

هشدار

مسلمان قیافه اش باید مثل بچه مسلمان باشد جوانهایی که با یک شکلهایی خودشان را درست می کنند و اسم خاصی را هم برای خودشان می گذارند، اینها درست نیست. آگاه باشید که دینتان را با یک سری برنامه های ضد دینی نبرند.

یک نفر از خارج آمده بود می گفت کثیف ترین، رذل ترین، معتادترین، لجن ترین

گروه را در آمریکا گروه رپ می گویند. دیگه از آنها کثیف تر و لجن تر نیست، اون وقت این جوانها در اینجا فکر می کنند اینها آدمهای خوب و متمدن و متفکر و دلسوز اجتماع و خیر خواه مردم هستند و جوانهای ناآگاه این کثافتها را الگو و سرمشق خودشان قرار میدهند و از آنها تبعیت می کنند.

وقتی به آنها نگاه میکنی اینجوری خودشان را درست میکنند و یک پیراهن زنانه به تن میکنند و با موهای آنچنانی بیرون می آیند فکر می کند مثلاً خیلی متجدد است.

نه بابا تو خودت را شبیه لجن ترین لجن آمریکا درست کردی، که پیغمبر هم لعنت کرده. و می فرماید لعن الله متشبهین، پیغمبر لعنت کرد اون کسانی را که، نامردهایی را که خودشان را شبیه زنهای درست کنند و زنهایی را که خودشان را شبیه مردها درست کنند.

موعظه

ای مسلمان، ای مرد، ای زن، ای جوان چقدر به امام زمانت علاقه داری؟

واقعاً حاضر هستی جانت را فدای امام زمانت کنی؟

بیا از فردا صبح یک چادر بردار روی سر خانمت، دخترت یا خواهرت بینداز، و یا اگر مانتوی هستند، آنها را برای خاطر امام زمانت چادری کن.

وقتی زن نامحرم میآید دم مغازه ات با او زیاد گرم نگیر، به خاطر دو سه روز جیفه دنیا، خودت را جهنمی نکن.

یکی از بزرگان برایم تعریف کرد

یک شب حضرت امام رضا (ع) را در خواب دیدم که بدنشان مجروح است و ناراحتند.

گفتم آقا جان مگر شما را مسموم نکردند پس چرا مجروحید؟

حضرت فرمودند این زنهایی که با این وضع به اینجا می آیند و چادر ندارند و بد حجاب راه می روند و توی بازار و خیابان با

این وضع اسفبار قدم می گذارند و برای خرید به بازار میروند و با مغازه دارها بگو و بخند می کنند ... و زلفهایشان را بیرون می اندازند ... ناراحتی و آنها نمی دانند که با این عملشان تیری به جان من می اندازند و تمام این زخمهایی که می بینی از اعمال آنها است. هر زلفی که بیرون باشد نیزه ای است که به بدنم وارد می شود.

دختر خانم تو، زلفهایش را بیرون میگذارد و دنبال عزای حسین (ع) میآید. این عوض ثواب، فعل حرام انجام میدهد، پیغمبر (ص) فرمود در دوره آخرالزمان بر امت من برسد که زنهای آنها موهایشان را مثل کوهان شتر بیرون بگذارند، داریم می بینیم، تیر نزنید به دل امام زمانتان، نمی خواهد برایش خدمت کنید. به همین اندازه اگر دوستش داری جگرش را نسوزان آدم چیزهایی می بیند که واقعاً دلش به درد میآید.

مرد مسلمانی که پیراهن سیاه برای امام حسین (ع) تنش میکند معنا ندارد که زنش با موهای بیرون آمده و با لباس افتضاح دنبالش بیاید، آخر این پیراهن سیاهت چیه خوش غیرت؟

تو عزادار امام حسینی؟

آخر بابا امام حسین برای حجاب کشته شد، آخر این کار تو یزیدی است، یزید حجاب اهل بیت حضرت ابی عبدالله (ع) را برداشت، آخر تو بدتر از یزیدی؟

بابا باز به غیرت یزید.

ای مردم با اعمال نیک دینی تان امام زمان (ع) را یاری کنید، امام زمانتان را اذیت نکنید. مگر نمی خواهید آقا توی خانه های شما نگاه رحمت کند، جلوی ناموست را بگیر تا بدحجاب بیرون نیاید.

اثر کتابهای دینی

یکی از علمای ربانی فرموده بودند از یکی از شهرهای عراق به شهر دیگری می رفتم وقتی سوار قطار شدم داخل کوپه نشستم مسافرهایی دیگر، زنهای بی

حجاب بودند، دیدم باید این مسیر طولانی را با این زنهای بی حجاب طی کنم، گفتم چه کنم که محیط را عوض کنم، (چون آدم مسلمان وقتی در محیط گناه قرار گرفت باید سعی کند محیط را عوض کند.)

یادم آمد که یک نسخه از صحیفه سجادیه را همراه دارم صحیفه را در آوردم یکی از فرازهای نورانی صحیفه را خواندم و چون اینها عرب بودند و زبان مادری آنها بود، مفاهیم را درک می کردند و می فهمیدند.

دیدم کلمات نورانی صحیفه آنها را عوض کرد، یکی از آنها بلند شد یک روسری سرش کرد، یکیشان چشمانش اشک آلود شد، خلاصه محیط عوض شد بعد اتمام دعای صحیفه برگشتند به من گفتند آقا این حرفها مال کی بود که مهم بود؟

گفتم کلمات نورانی صحیفه سجادیه امام زین العابدین (ع) است. گفتند ما متأسفانه از این معارف محروم هستیم اگر می شود این کتاب را به ما بدهید.

می فرمود با خواهش و تمنا این نسخه را از من به عنوان یادگار گرفتند.

خلاصه مسلمان باید محیط را اسلامی کند یعنی از خودش رنگ بدهد، نه رنگ بگیرد، خانم مسلمان بی حجایی و بد حجایی مال کفار و بی دینان است شما که مسلمان هستید باید با بی حجایی و بد حجایی مبارزه کنی مثل امام حسین (ع) مثل حضرت زهرا (علیها السلام) یا مثل حضرت زینب (علیها السلام)، که با بی حجایی و بد حجایی مبارزه کردند. ولی متأسفانه گاهی اوقات دیده می شود مادر چادری، ولی دختر بدحجاب و بی حجاب، من نمی دانم اینها فردای قیامت جواب خدا را چه می خواهند بدهند.

انواع بدحجابها

یکی از علماء می فرمودند

من یک وقت راجع به افرادی که بد حجاب هستند فکر

می کردم حساب کردم و شمردم چند نوع بدحجاب داریم همه یک رقم نیستند.

۱- بعضی بدحجابها بسیار آدمهای خوبی هستند، منتها محیط خانوادگی و فامیلیشان بدحجاب بوده این هم هیچ غرضی نداشته و این جور بار آمده.

۲- بعضی ها مادرهایشان بدحجاب هستند و او هم یاد گرفته.

۳- بعضی ها مادرهایشان حجاب دارد این لج می کند.

۴- بعضی ها مساله را نمی دانند که بی حجابی یا بدحجابی حرام است.

۵- بعضی ها مشکل روحی دارند.

۶- بعضی ها کمبود دارند.

۷- بعضی ها کلاً میخواهند به دین دهن کجی کنند.

۸- بعضی ها تقلیدی هستند مثلاً چون دختر خاله اش یا همسایه اش اینجوری است آنهم باید این جور باشد.

۹- بعضی خیال می کنند تمدن و تجدد است.

۱۰- بعضی ها خانوادگی روانی و خیالی هستند.

۱۱- بعضی ها پول گرفته اند که فرهنگ بدحجابی یا بی حجابی را رواج دهند. و فرهنگ مبتذل غربی را در کشور مذهبی بیاورند و مردم را بی قید و بی بند و بار و بی دین و لامذهب بار بیاورند و هر کاری که میخواهند انجام دهند.

۱۲- بعضی ها بر اثر رفت و آمدها و روابط دوستانه و مسخره کردن دوستانشان ... بی حجاب یا بدحجاب شده اند.

خانم س، ص بانوی تازه مسلمان آمریکایی ساکن آمریکا

من در آمریکا چشم به جهان گشودم و در بدترین شرایط اجتماعی، در میان مفاسد جامعه آمریکا بزرگ شدم.

قبل از اینکه مسلمان گردم در طول مدت عمر گذشته ام (از طفولیت تا زمانی که دورادور با مسلمانان و بعد با اسلام آشنا شدم) در آمریکا با مشکلات اجتماعی بسیار و حوادث ناگوار و قبایح و زشتی های تمدن غرب که برخی از آنها مخصوص آمریکاست روبرو شدم.

در اثر تماس های حضوری و ارتباطات بعدی با برخی از

بانوان ایرانی ساکن آمریکا با اسلام آشنا شدم ...

در این میان با یک مهندس مسلمان ایرانی آشنا شدم که منجر به ازدواج با او گردید، و پس از کسب اطلاعات نسبتاً بیشتری در باره اسلام از او، متوجه شدم که حجاب باید بگیرم و دلایلی که شوهرم مطرح کرد، مرا قانع نمود، به خصوص که از مردان شهوتران این جامعه بی روح و بی محتوی و فاسد، به ستوه آمده بودم.

این بود که حجاب را بهترین وسیله محافظت خود در برابر این مردان یا بهتر، این وحشیان ظاهراً متمدن دیده و با رضایت خاطر قبول کردم.

از وقتی که خواستم حجاب داشته باشم (روز بعد از ازدواج احساس کردم که قدم در مسیر کمال برداشته ام ...)

در باره اثرات مفید و مثبت حجاب و به طور کلی پوشیده شدن بدن زن، مخصوصاً در آمریکا هر چه بنویسم، که نوشته ام و برعکس از اثرات نامطلوب برهنه شدن زن (قسمتی یا بعضی از اعضا برهنه باشد یا خیلی از جاهای بدن) در فاسد کردن مردان و فاسد شدن خودشان و بالاخره زیانهای ناشی از عدم پوشش زن در جامعه، هر چه بگویم که گفته ام.

اما برای اینکه شما را با روح قضایا آشنا سازم، ترجیح می دهم به مسائلی در اینجا پردازم، تا شما را سریع تر با روح مریض جامعه آمریکا آشنا کند، و آنگاه خودتان درباره اهمیت و نقش حجاب و مراتب ضرورتش در این جامعه عقب مانده از انسانیت، و رشد کرده از نظر صنعت پی ببرید

در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانده و پوشش بیشتری داشته باشند به طور طبیعی و کاملاً محسوس،

در آمریکا تجاوز به عنف نسبت به زنان کمتر می شود، لکن در تابستان که زنان علاوه بر گرمای هوا به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه گرما اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند.

تجاوز به عنف نسبت به زنان، حتی پیرزنان نیز افزایش می یابد، و تا آنجا پیش می رود که در این فصل راهبه ها نیز مورد حمله مردان جنایتکار قرار می گیرند.

علتش آن است که زنان آمریکا با آزاد کردن اعضاء بدنشان در رفت و آمدها، به صورت عریان یا نیمه عریان، در میان مردان ظاهر شده و موجبات تحریک آنها را فراهم می کنند، که در برخی این هیجانات نامطلوب تا به سرحد جنون پیش می رود، و منجر به تجاوز به عنف می گردد، یعنی سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زن رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری دارد، در حالی که یقیناً در بین زنانی که خود را پوشیده اند، مخصوصاً مسلمانان، این بیماری فصلی یا ... وجود ندارد و یا تا به این حد جنون آمیز شدت پیدا نمی کند، یعنی عملاً به آثار و نتایج وجود و عدم حجاب در زن پی برده ام ... (۱۶۵)

خانم ن، ق، ز دانشجو تهران

... بنده عقیده دارم آن حجابی که به صورت لباس گشاد، یا مانتو و روسری باشد، اثر زیادی در منع نگاه آلوده ندارد، بلکه مسئله مهم صورت و چهره است که باعث تحریک جنس مخالف و جلب توجه او می شود، یعنی من برای خود، چادر و حجاب را یک عامل نجات بخش در رویارویی

با مرد نامحرم می دانم، به خصوص وقتی که متوجه می شوم مردی یا مردانی نگاههای آلوده ای دارند.

در آن موقع که چادرم را محکمتر می گیرم تا صورتم در تیررس رؤیت آنها نباشد، یک احساس امنیت توأم با رضایتی به من دست می دهد، و به خاطر اینکه هم توانستم او را ناکام بگذارم و هم خود را از نگاه آلوده و مسموم کننده اش مصون دارم، در خود احساس آرامش می کنم.

از آنجا که خوشبختانه در سنّ نوجوانی با اصول صحیح دینی و تعالیم آسمانی آشنا شدم، از این به بعد حجابم کامل گردید، ولی قبل از آن، حجاب کامل نداشتم، و وقتی این دو دوره را با هم مقایسه می کنم، می بینم که حجاب باعث شد که خودنمایی در من خیلی کاهش پیدا کند، زیرا در حالت بدحجابی، احساس می کردم که گرفتار این نقیصه روحی (یعنی خودنمایی) شده بودم و به خوبی می توانم به دیگران بیان نمایم که غرض از بدحجاب در هر زنی چیست، و چرا برخی از زنان که می توانند از روسری و لباس گشاد بجای چادر استفاده کنند اصرار دارند که از چادر استفاده کنند آن هم نه به طور کامل، بلکه نیمه حجابی که به نوعی قسمتی از صورت را نمایان ساخته و بدان وسیله میل و هوس مردان و جوانان را تحریک نموده و با این خودنمایی، به نوعی خودخواهی خود را ارضاء کنند، و احساس حقارت خویش را (که دامنگیر همه زنان در همه جوامع بوده و سهم بیشتری هم نصیب زن مسلمان گشته است! به جهت تحقیر و توهین دختر بچه ها و دختران نوجوانان) و یا در جامعه (به جهت تحقیر عمومی زنان)

را بدین وسیله جبران نمایند.

آری! من خود در دوران گذشته و در سایه جهل و غفلت، حظّ کاذب خودنمایی به جوانان را به وسیله نیمه، حجاب، احساس کرده ام و از قصد و نیت بسیاری از زنان و دختران بدحجاب امروز به خوبی آگاهم مگر زنان روستایی و ییلاقی که از روی سادگی و بی اطلاعی و چه بسا با خوش قلبی کاملی بدحجابی را پیشه خود کرده اند البته از آن موقعی که به اهمیت حجاب پی بردم به وظایف دینی خود خوب آشنا شدم و نیز به حساسیت امر واقف گردیدم بیشتر در این مورد حساس شدم.

آنچه به نظرم می رسد و برای خواهران عفیف دینی می توانم توصیه کنم این است که

اگر ما حجاب را برای مصونیت خود برمی گزینیم، چه بهتر که حجاب کاملتر را برگزینیم که مصونیت بیشتری داشته باشیم.

از این رو چادر می تواند نقش مهمی در مصونیت زن از نگاههای آلوده مردان داشته باشد.

نکته ای که در آخر به نظرم رسید این است که حجاب می تواند به خصوص اگر از روی آگاهی باشد، زن را به خیلی از اصول و موازین

عقلی و شرعی دیگری معتقد کند و او را از گمراهی های دیگر نجات دهد، از جمله اینکه می تواند او را تا حدی از احساس برتری ها و خود نمایی ها نجات دهد.

همچنین می تواند منشأ ایجاد مهر و محبت و انس و اُلفت در بین جامعه شود، چرا که هر چه خودخواهی ها کاهش یابد در قبالش عواطف، تقویت خواهد شد، در حالی که برعکس، خود فساد، عامل کُشنده محبت و عاطفه انسانی است، چرا که مفاسد از رشد و تقویت غرایز و خودخواهی ها سرچشمه می گیرند. (۱۶۶)

خانم ب، الف خانه دار تبریز

...

به هر حال، زن بی حجاب، چون ارتباط مستقیم با مرد اجنبی دارد لذا آن لطافت روحی خود را در تماس بیشتر از دست داده و آن عفت و پاکدامنی خود را در اثر کثرت معاصی نمی تواند حفظ، و یک نوع حالات و خصوصیات مردانه به او القاء می شود.

اما زن با حجاب در وراء حجابش همیشه روح خود را در آرامی می بیند و عواطف و احساسات خود را فقط برای همسر و فرزندش معطوف و ابراز می کند و حیاء را پیشه خود می سازد، به طوری که از همسر خود نیز در بعضی از مواقع شرم دارد.

حجاب زن در واقع سنگر اوست در مقابل تیره‌های آلوده، که از چشمان پُر هوس هر مردی به او نشانه رفته.

حجاب زن تیغ بُرنده‌ای است در مقابل هر مرد متلک گوی پست فطرت، و حجاب زن دیواری است از سیم های خاردار در مقابل دست آلوده مرد اجنبی که خواسته دامنش را بیالاید.

و بالاخره حجاب زن مهد آسایش و آرامش روح اوست.

با آنکه رنگ سیاه از رنگهای مکروه است، اما با وجود این برای زن مجبّه، زینت بخش است، به طوری که خداوند در نزد خویش برای زن که عصمت و عفت خود را حفظ می کند، اجر کریم قائل شده است، که در سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۵۳، خداوند خطاب به مردان مؤمن، در مورد رفتار با همسران پیامبر می فرماید:

زمانی که سؤال کردید از انسان چیزی را، پس سؤال کنید از ورای پرده، این کار شما پاکیزه تر است، هم برای قلبهای شما و هم برای قلوب آنها

پس آیه شریفه این را می رساند که هر حجاب و حایل واقعی

هم برای پاکی قلوب مردان بهتر هست و هم برای پاکی قلوب زنان، تا هیچکدام خصوصا مردان را به هوس نیندازد و آنان را به گناه آلوده ننماید (۱۶۷)

خانم ر، ح معلمه تهران

به هر حال کلاس چهارم و پنجم گذشت و من از پدر و مادرم خواستم چادری نو، برایم بخرند، و با خود عهد کردم که در مدرسه جدید از ابتداء چادر سر کنم و چنین هم کردم و همین امر باعث جدا شدن من از دوستان سالهای قبلی ام شد و نیز جدا شدن راه زندگی ام.

آنها کم کم دخترانی بی قید و بند و منحرف شدند و سر راه مدرسه به هر کس و ناکسی می خندیدند (هم از روی نادانی به عواقب کارشان و هم به علت بی خبری از حالات و احوال درونی مردان و جوانان، و شاید به قصد لذت نفسانی خود)

اما من سرم را پایین انداخته، رویم را محکم می گرفتم و به تنهایی به مدرسه می رفتم.

و همین چادر، مرا از گمراهی که در اثر دوستی با آنها دامنگیرم می شد نجات داد. البته حجابم سُئل و سفت می شد تا بعد از انقلاب، و هم اکنون (به خصوص بعد از آشنایی با حقایق) مانند یک حصار محکم بدان نیازمندم.

در سایه آن احساس امنیت می کنم و به قول گروهی از بانوان مؤمنه حقیقی، چادر برای ما نه تنها سنگینی نیست، بلکه با آن احساس آرامش می کنیم اگر نگاه آلوده ای ما را تعقیب کند، با محکمتر گرفتن آن، او را از خود می رانیم و می فهمانیم که اجازه نامردی ندارد. (۱۶۸)

خانم بانوی تازه مسلمان انگلیسی الاصل خانه دار مشهد

از زمانی که اینجانب به دین مقدس اسلام مشرف شدم، حجاب یکی از چیزهای با ارزشی است که از اسلام به دست آورده ام.

لذا از همان ابتداء سعی نمودم تا به طور کلی با قوانین اسلام مخصوصا قوانینی که شامل حال زنان می شود، آشنا شوم.

در نتیجه پس

از مطالعه و درک مسئله حجاب، آن را پذیرفته و تا حدودی احساس امنیت نمودم (احساسی که در زمان قبل از داشتن حجاب، خیلی کم با آن مواجه شده بودم) و بدین وسیله تصور کردم که می توانم خود را از گزند دنیای ظالم و همچنین از جامعه ای که شخصیت زن در آن به اندازه ظاهر و بازوی او اهمیت ندارد، حفظ نمایم.

با اینکه کاملاً به ارزش امنیت درونی که در من ایجاد شده بود پی نبرده بودم، ولی هیچ مشکلی قادر نبود که عقیده و تصمیم مرا در باره حجاب عوض نماید. با وجود اینکه پس از پوشیدن حجاب، اندکی از تحرک و راحتی من کاسته شده بود ولی در مقایسه با مشکلات قبل از حجاب، این موضوع نمی توانست برای من مهم جلوه نماید.

همان طور که اشاره نمودم در جامعه ای که من متولد شده بودم، برای زنان جز یک پوسته خالی ظاهر، چیز دیگری باقی نمانده است.

تمام زنان و یا حداقل بیشتر آنان می دانند که اسیر ظاهر خود گشته اند و با اینکه این اسارت، آنها را از پا درآورده است ولی چاره ای دیگر ندارند، زیرا در چنین اجتماعی (منظور اجتماع غرب) راهی دیگر برای آنها وجود ندارد.

من به نوبه خود می دیدم که رفتار و لباس پوشیدن زنان غرب، همه چیز را از مسیر راست خود منحرف می کند.

قبل از پوشیدن چادر، وقتی به خیابان می رفتم احساس می کردم که یکی از کالاهای عرضه شده در آن فروشگاهها می باشم.

حتی در هنگام قدم زدن متوجه تماشاگرانی می شدم که مانند خریدار، به منظور ارضاء لذائد نفسانی خود برای زنان بها تعیین می نمودند، و به این دلایل من خود را در

حجاب محصور نمودم.

پس از آمدن به ایران خداوند معلمین حقیقی را به عنوان یک موهبت و نعمت به من اعطا کرد که مسلماً پیشرفت من بدون وجود آنها غیر ممکن بود... (۱۶۹)

خانم ب، ت متخصص مامایی از آمریکا دانشگاه مشهد

.. آنچه را اکنون از حجاب گرفتن در خود احساس می کنم این است که خیلی احساس آرامش و آسایش خیال، در خیابان و اجتماعات می نمایم و از اینکه از نگاههای زهرآگین مردان بی شرم بیشماری خود را محفوظ می بینم، از حجاب گرفتن خود بسیار خرسند می شوم و این در حالی است که هنوز در خانواده و ضمن معاشرت دوستان، رعایت حجاب از طرف من قبولش برای آنها مشکل است.

ولی من در این مورد نه تنها با وجود تنها بودن در بین عده ای از معاشرین فامیلی، خود را ناراحت نمی بینم بلکه از خداوند متعال که توفیق داد آن را آگاهانه بپذیرم و همچنین از مسببین و مشوقین دلسوزی که مرا با دلیل، به حجاب گرفتن دعوت نمودند (از جمله کتاب بهای یک نگاه؟! او نشریه مقدماتی نگاه پاک زن و نگاه های آلوده به او) بسیار ممنون و سپاسگزارم.

اکنون وقتی زنی را که در اثر ناآگاهی، بی حجاب می بینم، دلم به حال او می سوزد و در صدد هستم به هر صورتی که ممکن شود، او را متوجه سازم که متمدن نشان دادن خود فقط در این نیست که با پیروی از مُد پرستی و جلب نظر دیگران و به صورت زننده ای آرایش کردن، جلوه شوی.

من در گذشته، چه در ایران و چه در خارج، متوجه ناامنی ها و چشم چرانی های مردان به زنان بودم که چقدر موجب عذاب عده ای از دختران و زنان پاک قلب

بوده و چه بسا اتفاقات ناگواری را که موجب هتک حرمت و رفتن آبروی خیلی ها می شد، دیدم یا شنیدم که شرح تفصیلی آن از حوصله این مختصر خارج است.

به امید روزی که از هر جهت امنیت در جهان برقرار گردد (۱۷۰)

خانم الف، ب متخصص بیولوژی از آمریکا دانشگاه مشهد

... در اوقات مختلف با دوستان آمریکایی خود در این زمینه (حجاب) صحبت می کردیم و با کمال تعجب باید بگویم که آنها بیشتر از زنان در ایران از واژه حجاب مطلع بودند و توضیح می دادند که حتی الی سال پیش برای رفتن به کلیسا از روسری و کلاه استفاده می کردند.

و زن جوان این پوشش را بر سر مادران خود به یاد می آورد. در مورد صحبت با یکی از این دوستان آمریکایی فقط همین را بگویم که وقتی مسئله حجاب مطرح شد، او در یک جمله ساده گفت من این قسمت از قوانین اسلام را خیلی می پسندم، چون که دیگر لازم نیست در زمان رعایت پوشش اجباری نگران نگاه شوهرم به سینه باز فلان خانم باشم ... و گاهی من ندانسته سؤال می کردم که چرا اینقدر در آمریکا زن و شوهر به هم مهربانند و دائما دستان یکدیگر را می گیرند یعنی همیشه دست به دست هم داده، راه می روند و یا لااقل در انظار تظاهر می کنند، او در جواب می گفت که این دلیل مهربانی بآنها به هم نمی باشد، بلکه آنها از نگاههای آلوده به زوج خود و یا بعکس از طرف مقابل به دیگران نگرانند. این شواهد کم کم مرا از اهمیت رعایت حجاب با خبر می کرد ... (۱۷۱)

خانم س، الف مدرّس دانشگاه تهران

... نمی خواستم در کوچه که راه می روم آنقدر شخصیتم پایین باشد که مورد پسند هر کس و ناکسی قرار گیرد و باران متلک ها به سرم فرود آید.

حجاب، مرا از بسیاری از این ناامنی ها که در جامعه بود راحت کرد، دنبال سر افتادن ها و متلک ها و نگاههای ناجور و ... خیلی خیلی کمتر شد. با انتخاب آن حجاب

اولیه، احساس امنیت و بی نیازی از آن نگاههای آلوده و پست می کردم و از طرفی خود راحت بودم و آنها برایم بی اهمیت شده بودند ...

با حجاب گرفتن و تکمیل آن، توفیقات خداوندی شامل حالم می شد. گویی راه، صاف شده بود، نماز و روزه و سایر وظایف، حلاوت و شیرینی پیدا کرد، حقایق و علوم را به راحتی یافته، با آنکه ظاهراً دنبال آنها می گشتم ولی آن سعی ناچیز کجا و آن همه نتایج کجا؟! (یعنی با اندکی تلاش، بیشترین سهم در درک علوم و حقایق نصیبم می شد).

بعد از اولین قدمهای با حجاب شدنم، دیگر همه قدمها را تندتر بر می داشتم.

پیشرفت در این مسیر و پیاده کردن حقایق خیلی با سرعت بود، ولی بعد از ۳۲ سالی که به همین منوال گذشت (البته باید تذکر دهم که پوشش، دائم کاملتر می شد تا اینکه در اواخر، مانتوی خیلی گشاد و تیره و روسری بزرگ می پوشیدم) ولی انگار مانعی در جلوی راهم بود.

تا جایی رسیده بودم، ولی بیشتر نمی توانستم بروم و دائم احساس وقفه و رکود می کردم، تا اینکه چادر پوشیدم.

این پوشش، بعد از یقین به بر حق بودنش، همه آثار مفید ذکر شده را به حد کمال خود داشت.

امنیت و راحتی را واقعا حس می کردم.

از طرفی از این که توانسته بودم وظیفه ای را انجام دهم و پشت پا به بسیاری از وابستگی های دنیوی بزنم، خود را آرام می یافتم ...

از طرفی در جامعه که حضور می یافتم در مقابل آن همه زشتی ها و نگاههای پست و آلوده به مقاصد ناپاک، خود را حامل زرهی می یافتم که از این حملات شیطان صفتان، مرا حفظ می کرد (۱۷۲)

خانم ل، ق معلمه تهران

فکر

می‌کنم زن اگر فطرتاً سالم باشد و پیرو هوی و هوس و خودنمایی نباشد، دوست دارد که حجاب و حائلی بین او و مرد نامحرم وجود داشته باشد، حتی اگر این حجاب در پایین‌ترین مرتبه باشد.

یک روز در دبیرستان در کلاس دینی یکی از همکلاسی‌هایم در برابر سؤال معلم که در مورد حجاب بود.

این مثال را آورد که اگر دو تخم مرغ را در معرض جریان هوا قرار دهیم در حالی که یکی با پوست و دیگری بدون پوست باشد، آن تخم مرغ پوست‌کنده زودتر در برابر جریان هوا خراب و فاسد می‌شود، تا آن تخم مرغی که در زیر پوسته آن قرار دارد و مسلماً افرادی که دارای ذائقه سالم باشند در انتخاب این دو تخم مرغ، به سراغ آن تخم مرغی می‌روند که با پوست باشد.

زن هم همینطور است اگر زن بدون حجاب باشد، در برابر عوامل مختلفی که در جامعه وجود دارد، زودتر آن صفا و پاکی خود را از دست می‌دهد... من فکر می‌کنم همه زنان و یا لاقلاً اکثریت قریب به اتفاق آنان فواید ناشی از رعایت کردن حجاب را در جامعه می‌دانند، اما برخی به خاطر امیال و هوسها و خودنمایی‌های خودشان حاضر نیستند که آن را رعایت کنند.

بهترین و بیشترین فایده‌ای که رعایت حجاب به ارمغان می‌آورد، همانا حفظ آرامش روحی برای زن است.

یعنی همان چیزی که زن به آن شدیداً احتیاج دارد به خصوص برای تربیت فرزندان لازم است و همینطور برای عدم دلهره و اضطراب...

البتّه حجاب من قبلاً در حد استفاده از یک چادر معمولی و بدون مقید بودن به

رو گرفتن بوده است، اما همان موقع به خاطر اینکه در میان دختران همسن و سال و به خصوص دختران فامیل تحقیر نشوم، از چادر متنفر بودم و حجاب در حد معمولی را می خواستم رعایت کنم، اما همان موقع احساس می کردم که این افراد بی حجاب انگار چیزی کم دارند و احساس می کردم که آنها نمی توانند تکیه گاه محکمی برای من باشند و گاهی اوقات از آنها می ترسیدم و اگر هم یک وقت، احساس عذاب وجدان و ناراحتی روحی می کردم و از خودم بدم می آمد.

حجاب کامل من از وقتی بود که با حقایق و روح دین آشنا شدم و هر قدر بیشتر با این حقایق آشنا می شدم، علاقه من به حجاب و به خصوص به چادر بیشتر می شد ... (۱۷۳)

خانم ز، ف معلّمه تهران

حجاب یکی از وسایلی است که امکان تحقق بُعد معنوی را برای زن فراهم می کند، بی حجابی یکی از مقدمات گرایش زن به بُعد غریزی می تواند به شمار آید و به خصوص در گرایش زن به بُعد عاطفی از طریق ایجاد حالات جلب توجه در برابر مردان، می تواند شخصیت او را وابسته به مرد ساخته، اسیر خواست او گرداند.

شخصیتش آن می شود که مرد خواهان آن است، و بدین لحاظ در جامعه هر روز به صورتی در می آید و به خودآرایی می پردازد تا در اجتماعات، بیشتر از سایرین (با توجه به بُعد غریزی) مورد توجه مردان قرار گیرد (به جهت احتیاج به ارضاء بُعد عاطفی در خود).

این مسئله یکی از اساسی ترین مسائلی است که مانع ترقیات زن در بسیاری از ابعاد می تواند به شمار آید، از جمله تحصیل علم و حتی تکامل شخصیت در این

جهان ...

با توسل به حجاب، از گوهر وجود خود می توان محافظت کرد، چرا که با بی حجابی، تنها این مورد نیست که شخصیتش به حد غریزی تنزل می کند، بلکه زن نیز احساس خفت و خواری می کند.

زن با حجاب احساس حقارت نمی کند، بلکه به عنوان یک شخصیت مستقل به حساب می آید.

اگر در محیطی با مردان ناسالم مواجه شود، مطمئن است که لااقل خود، موجد انحراف فکری نیست و حساب مردان ناپاک، پای خودشان است که به تناسب عدم تقوای مردان مختلف، سرکشی و معصیت شان پای خودشان نوشته می شود ... (۱۷۴)

خانم ن، خ دبیر دینی تهران

... حجاب و پوشش است که خود به خود زن را در پایگاه محکم و استواری، از خطرات جدی که او را تهدید می کند، حفظ و نگهداری می نماید. خطراتی که نه تنها جسم او را، بلکه تا اعماق روحش را نیز در برمی گیرد و از زن، یک موجود بی معنا و بی ارزش می سازد و زمانی که زن در نظر خود و دیگران موجود بی محتوا و بی ارزش تلقی شد، تن به هر پستی و ذلتي می دهد و خود را فدای شهوات و هوسهای هر فرد اسیر دربند آماره می کند.

هنوز خاطرات شوم وضعیت زنان در رژیم گذشته از یادها نرفته که به علت بی حجابی و عدم دسترسی به ایمان و تعالیم صحیح، تبدیل به عروسکهای کوکی شده بودند که کارشان از صبح تا شام این بود که پای آینه بنشینند و به سر و صورت خود ور روند، تا مورد توجه هر بی سر و پاییی در محیط ادارات، گوی سبقت از یکدیگر برابند و به جای کار و فعالیت سازنده، مردان

همکار خویش را نیز با آرایشها و پوشش های محرک از کار بیندازند و آگاهانه و ناآگاهانه خود را مورد طمع هر بیمار دلی قرار دهند و بالاخره مانند بزه ای در دست گرگ، با انواع حقه ها و حيله ها، گوهر عفت و عصمت را به رایگان از کف بدهند و به جای اینکه انسان باشند و انسانی زندگی کنند، تنها وسیله و ابزاری شدند در دست هر شیادی که از او بهره برداری جنسی کند.

اینجاست که حجاب و پوشش، زن را از طمع هر طماع و از مکر هر مکار، در امان نگه می دارد و ریشه بدبختی های زن و حتی مرد و جامعه بشری را می خشکاند و سلامت روحی زن و پاکی محیط و خانواده و جامعه را تضمین می کند و نطفه فساد و تباهی فرد و جامعه را که نگاههای هوس آلود به بدنهای نیمه عریان است از بدو تشکیل، از بین می برد ...

حجاب نقش مؤثری در جهت حفظ بنیان خانواده، پاکی و سلامتی روحیه ها و در امان نگه داشتن و آرامش و سکینه روح و روان انسانها دارد و جامعه را از خطر بیماریهای روانی حاصله از شکست در ماجراهای عشقی حفظ می کند، چرا که تجربه نشان داده که کم نبوده اند جوانانی که به علت دل در گرو معشوق نهادن، و عدم وصال و منجر نشدنش به ازدواج، و خلاصه ناکامی در عشق، دست به خودکشی زده یا پناه به الکل و اعتیاد برده، سرمایه عمر را به ریگان از دست داده اند و یا دچار بیماریهای روحی و عصبی شده اند و یا در اثر این شکست، تحرک در درس و تحصیل و

کار و فعالیت را از دست داده، به عنصری بیکار و ولگرد و طفیلی تبدیل شده اند.

و نیز می توان نقش مفید حجاب را از این دانست که زنان، خود به خود از پرداختن به شغل‌های مبتذل و از بین برنده شخصیت و انسانیت از قبیل مانکن شدن یا در کاباره ها به رقص و آواز مشغول شدن و یا در ادارات ملعبه رئیس و هر مرد فاسدی گردیدن ... مصون می مانند.

البته آنچه که نباید فراموش کرد این است که قبل از حجاب ظاهری، زن و حتی مرد بایستی از حجاب باطنی و قلبی برخوردار باشند و قبل از همه، مراقب دل و نیت خود باشند و الا آن آثار مفید و مثبتی که از حجاب و پوشش مورد نظر است، بدون حجاب قلبی و باطنی به دست نخواهد آمد یا اثراتش کم می شود، پس نقش مفید حجاب، این است که زن قبل از اینکه از بُعد غریزی مطرح باشد، در وهله اول، انسان است و دارای گرایشها و استعدادهای عالیله انسانی، و شارع مقدس نیز همین را برای زن می خواهد که با قرار دادن پوشش برای زن، در اجتماع، زن را از بُعد معنوی و انسانی مطرح کند و از این طریق، شخصیت معنوی و ملکوتی زن را شکوفا کند ... (۱۷۵)

خانم م، ز دانشجو تهران

.. به غیر از حجاب کامل، هر نوع حجابی به نوعی بر ناامنی زن می افزاید ... زیرا حجاب ناقص هم، خود به نوع دیگری زن را جالبتر می کند.

کسانی که حجاب کاملی ندارند و یا می خواهند توجیهی برای نوع حجابشان داشته باشند، می گویند که حجاب مانع فعالیت‌های اجتماعی می تواند باشد، و به عبارتی دست و پاگیر

است. اما در بانوان با حجاب بسیاری، در مشاغل گوناگون، در سمت های مختلف و فعالیتهای اجتماعی متفاوت، (از قبیل پزشک، مدرس دانشگاه معلم و ...) خلاف این موضوع به خوبی اثبات می گردد. سهل است که اگر مسئله حجاب برای آنها مطرح نبود، نمی توانستند به این اندازه و تا این حد در این فعالیت ها مؤثر باشند ... و به علاوه زنان مؤمنه تحصیل کرده ای که مراعات حریم حجاب را می کنند، عملاً از نظر مراتب معنوی و روحی و تقوی و تزکیه به ترقیات بیشتری نائل می گردند تا بانوانی که در آن شرایط و با همان امتیازات عقلی و علمی، بدحجابی را (که خود نوعی تمرد از حریم دین و سرکشی به اوامر الهی بوده و با مقام تسلیم و رضا منافات دارد) برای خود پیشه ساخته اند، زیرا در آن حال بهتر می توانند نظر مردان هوسباز را به خود جلب کنند و عامل مؤثری در کشاندن مردان به معصیت به شمار رفته، خود شریک معاصی دیگران به شمار روند و در نتیجه از ترقیات روحی و معنوی (به علت عدم تقوی) محروم بمانند ... (۱۷۶)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹